



داستان شهر ممنوعه

پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران

کامیل احمدی

داستان شهر ممنوعه

پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران

کامیل احمدی



AVAYEBUF.com

آوای بوف

نشر آوای بوف ۱۴۰۰



AVAYeBUF.com

avaye.buf@gmail.com

The Forbidden Tale

A Comprehensive Research on LGBT in Iran

By: kameel Ahmady

Publication Technician: Ghasem Gharehdaghi

Publisher: Avaye Buf

داستان شهر ممنوعه

پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران

نویسنده: کامیل احمدی

امور فنی و انتشار: قاسم قره داغی

انتشارات: آوای بوف

ISBN: 978-87-93926-91-2

©2021 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com - www.avayebuf.com

سرشناسه	: کامیل احمدی ، --
عنوان و نام پدید آورنده	: داستان شهر ممنوعه - [کتاب] / پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران / مولف: کامیل احمدی ؛.
مشخصات نشر	: دانمارک: نشر آوای بوف ۱۴۰۰ ،
امور فنی و انتشار	: قاسم قره داغی
مشخصات ظاهری	: ۳۰۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱ سم.
شابک	: نشر اینترنتی: ۹۷۸-۸۷-۹۳۹۲۶-۹۱-۲
فهرست نویسی: بر اساس اطلاعات فیبا	978-87-93926-91-2
موضوع	: آمار / جامعه شناسی / زبان فارسی
DK5	30.13:
شماره کتابشناسی ملی	: 87-93926-91-X

- نام کتاب: داستان شهر ممنوعه
- تألیف: کامیل احمدی
- ویراستار و صفحه آرا: -
- چاپ اول: ۱۴۰۰
- تیراژ: نشر اینترنتی
- ناشر: انتشارات آوای بوف - دانمارک
- شابک: ۹۷۸۸۷۹۳۹۲۶۹۱۲
- قیمت: رایگان
- قطع: PDF + EPUB

کلیه حقوق محفوظ است. باز نشر به هر شکل، با ذکر منبع بلامانع است.

جهت هماهنگی برای استفاده به هر شکل و نحو (تکثیر، انتشار و ترجمه و هرگونه استفاده‌ی دیگر) لطفاً به ایمیل زیر پیام ارسال کنید:

AVAYE.BUF@gmail.com

لینک دسترسی آنلاین به کتاب: www.AVAYEBUF.COM

سرپرست و هماهنگ کننده: کامیل احمدی

تیم میدان و گروه تحلیلی: خانم فریبا الماسی، عایشه شیلان علی یار، حکیمه پاشازاده، ژیلا صدیقی،
صبا وطنی، ویدا ظفری، محمد (جمال) حسینی، فتانه صادقی، گلینا حسین پور

ویراستار: مرضیه نکو کار

بازخوانی متن: زینب پزشکیان، سارا صحرانورد، کتایون احسانی

مشاوران و ناظرین پژوهش: دکتر مسلم ناظمی، حمیرا ناز، لورن کوجه

طراح جلد: افخم راستا

جدوال و نمودارها: محمد (جمال) حسینی

کلمات اختصاری	برابرنهاد انگلیسی	برابرنهاد فارسی
APA	The American Psychiatric Association, American Psychological Association	انجمن روانشناسی آمریکا
CEDAW	Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women	کنوانسیون رفع همه شکل‌های تبعیض علیه زنان
CGN	Childhood Gender Nonconformity	ناهمنوایی جنسیتی کودکی
DSM-II	Diagnostic and Statistical Manual of classification of mental disorders	راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی
DOMA	Defence of Marriage Act	قانون دفاع از ازدواج
ECHR	European Convention on Human Rights	کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
ECTHR	European Court of Human Rights	دادگاه اروپایی حقوق بشر
EU	European Union	اتحادیه اروپا
GBV	Gender-based violence	خشونت جنسیتی
GLSEN	Gay, Lesbian & Straight Education Network	گی، لزبین و شبکه آموزش مستقیم
GSC	Gender Confirmation Surgery	عمل تأیید جنسیت
HRC	Human Rights Committee	کمیته حقوق بشر
HRW	Human Rights Watch	دیده‌بان حقوق بشر
ICCPR	International Covenant on Civil and Political Rights	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
ICESC	International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights	میثاق بین‌المللی حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
IDAHOT	International Day against Homophobia and Tran's phobia	روز جهانی مبارزه با همجنسگراستیزی و ترانجسنسیتی‌ستیزی
ILGA	International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association	مجمع بین‌المللی لزبین‌ها، گی‌ها، بایسکشوال‌ها، ترنس‌ها، و دوجنسی‌ها
IMMAAN	a Muslim LGBT (lesbian, gay, bisexual, and transgender) support group	گروه حمایتی دگرباشان مسلمان
LGB	Lesbian, gay, bisexual	لزبین، گی، دوجنسگرا
LGBT	Lesbian, gay, bisexual, transgender	لزبین، گی، دوجنسگرا، ترانجسنسیتی
MSM	Men having sex with men	مردانی که با مردان آمیزش می‌کنند
NARTH	National Association for Research & Therapy of Homosexuality	انجمن ملی بررسی و درمان همجنسگرایی
NGO	Non-governmental organisation	سازمان مردم‌نهاد
PDA	Public Displays of Affection	ابراز عشق در جمع
SOGI	Sexual orientation and gender identity	گرایش جنسی و هویت جنسیتی
SOV	Sexual Orientation Violence	خشونت گرایش جنسی
SRS	Sex Reassignment Surgery	عمل تغییر جنسیت

TGNC	Trans and Gender Non-Conforming	ناهمنوایی جنسیتی و تراجنسیت
TIGR	The Initiative for Equal Rights	ابتکار عمل برای حقوق برابر
UN	United Nations	سازمان ملل متحد
UNGA	United Nations General Assembly	مجمع عمومی سازمان ملل
UDHR	Universal Declaration of Human Rights	اعلامیه جهانی حقوق بشر
UNIFEM	United Nations Fund for Women	صندوق توسعه زنان ملل متحد
YRBS	Youth Risk Behaviour Surveillance	مطالعه خطرات رفتاری نوجوانان
WAS	World Association for Sexual Health	انجمن جهانی بهداشت جنسی
WHO	World Health Organization	سازمان بهداشت جهانی
WLUML	Women Living Under Muslim Law	سازمان زنان تحت قوانین اسلامی
WSW	Women having Sex with Women	زنانی که با زنان آمیزش می کنند

واژه‌نامه

فهرست زیر تعریف علمی کلمه‌ها و اصطلاح‌هایی که بارها در این کتاب از آنها نام برده شده است و همچنین نام مؤسساتی که در متن به آنها اشاره شده است.

بی‌جنسگرا (Asexual):

فردی که به هیچ‌یک از دو جنس مخالف و موافق خود تمایل جنسی ندارد.

دوجنسگرا (Bisexual):

فردی که از نظر عاطفی، فیزیکی، و/یا جنسی به هردو جنس زنان و مردان تمایل دارد. البته لازم نیست این کشش و تمایل به هردو جنس مساوی باشد یا نشان‌دهندهٔ علاقهٔ مساوی به جنسیت‌ها یا جنس‌هایی باشد که فرد به آنها تمایل دارد.

همسوجنسگرا (Cisgender):

فردی که با همان جنس زمان خود به‌عنوان مرد یا زن شناخته می‌شود.

افشای گرایش جنسی (Coming Out):

این عبارت به وضعیتی اشاره می‌کند که فرد، از نظر جنسیتی، به‌وضوح نشان می‌دهد که دوجنسگرا، گی، لزبین، یا تراجنسیتی است. افشای گرایش جنسی فرایندی مادام‌العمر است که در طی آن، فرد پذیرش گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود را اعلام می‌کند.

گی (Gay):

مردی که عمدتاً از نظر عاطفی، فیزیکی و/یا جنسی به افراد همجنس خود کشش دارد. این واژه بیشتر برای اشاره به مردانی به‌کار می‌رود که جذب مردان دیگر می‌شوند، اما می‌توان آن را در مورد زنان نیز به‌کار برد. این واژه کلی معمولاً برای اشاره به اجتماع دگرباشان به‌طور کلی یا به‌عنوان هویتی یکسان برای کسی استفاده می‌شود که خود را دگرجنسگرا نمی‌داند. کلمهٔ گی اولین بار در یک فیلم برای اشاره به همجنسگرایی به‌کار رفت.

جنسیت (Gender):

این واژه به تمایزهای اجتماعی یا فرهنگی ای اشاره می‌کند که حول یک جنس شکل می‌گیرد. درمجموع، جنسیت مفهومی اجتماعی است. این مجموعه استانداردهای برساخته اجتماعی برای یک اجتماع است که هویت و رفتارهای پیدا و پنهان بر اساس ترکیب بیولوژیک ظاهری افراد را به آنها نسبت می‌دهد (گروه کاری انجمن روانشناسی آمریکا در زمینه هویت جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی، 2008؛ West & Ziemerman, 1987). جنسیت به عنوان ابزاری کلیدی شناخته شده است که به ساختارهای اجتماعی قدرت، امتیاز، و سرکوب شکل می‌دهد (Moradi & Yader, 2011). جنس فرد — آن‌گونه که با بیولوژی او تعیین می‌شود — همیشه با جنسیت او یکی نیست. بنابراین نمی‌توان واژه‌های «جنس» و «جنسیت» را به جای یکدیگر به کار بُرد و مترادف دانست.

هویت جنسیتی (Gender Identity):

حس درونی و شخصی هر فرد دربارهٔ مرد بودن، زن بودن، یا داشتن جنس سوم هویت جنسیتی نامیده می‌شود. برای تراجنسیتی‌ها و افراد دارای جنس سوم، جنس منتسب به آنها در زمان تولد با حس درونی آنها دربارهٔ هویت جنسی شان همسو نیست.

دگرجنسگرانه‌جاری (Heteronormativity):

مجموعه‌ای از روابط قدرت است که تمایل جنسی را هنجارمند و تنظیم می‌کند و هرچیزی خارج از ایده‌آل‌های دگرجنسگرایی، تک‌همسری، و انطباق جنسیتی را به حاشیه می‌راند.

دگرجنسگرا (Heterosexual):

فردی که همواره از ابعاد فیزیکی، عاطفی و/یا جنسی به فردی از جنس مخالف خود کشش و تمایل دارد.

همجنسگراهراسی (Homophobia):

بیزاری یا نفرتی کلی از همجنسگرایان که شامل تعصبات فرهنگی و شخصی علیه همجنسگرایان می‌شود. همجنسگراهراسی دو جنبه دارد: همجنسگراهراسی درونی‌شده، یعنی درونی‌سازی احساسات ضد همجنسگرایی جامعه در روان افراد گی و لزبین؛ و همجنسگراهراسی بیرونی که معمولاً در میان دگرجنسگراها وجود دارد.

همجنسگرا (Homosexual):

فردی است که عمدتاً از نظر فیزیکی، عاطفی و / یا جنسی به افراد همجنس (همجنسیت) خود کشش و تمایل دارد. همجنسگرایی را می‌توان در طیفی از تعصب ملایم تا اجتناب از معاشرت با افراد همجنس اندازه‌گیری کرد (فایف، 1983).

در برهه‌ای از زمان، این واژه به سبب تاریخچه‌ای که آن را در رده بیماری‌های روانی قرار می‌داد، انگ و برچسب دانسته می‌شد (مخصوصاً در وجه اسمی آن) و از آن به صورت عمومی استفاده نمی‌شد و در کشورهای غربی، به جای آن از واژه‌های گی و لزبین استفاده می‌شد.

میان‌جنس (Intersex):

فردی را توصیف می‌کند که جنس بیولوژیک او مشخص نیست.

لزبین (Lesbians):

منظور زنانی است که ظرفیت جذبِ رمانتیک، شهبوانی و/ یا عاطفی زنان دیگر را دارند. گالوپ در آگوست سال 2002 میلادی، تخمین زد که به طور متوسط 21 درصد مردان گی و 22 درصد زنان لزبین‌اند.

دگرباش (LESBIAN, GAY, BISEXUAL TRANSGENDER):

افرادی که جایی بین دو سر طیف جنسیت قرار دارند، معمولاً دوجنسگرا دانسته می‌شوند و پژوهشگران به آنها همچون یک گروه واحد یکدست نگاه می‌کنند.

جنس (Sex):

به تفاوت‌های فیزیکی یا بیولوژیک بین مردان، زنان، و میان‌جنس اشاره می‌کند که هم ویژگی‌های اولیه (سیستم تولیدمثل) و هم ویژگی‌های ثانویه (پستان و موی صورت) را شامل می‌شود. جنس بر وضعیت فیزیکی و بیولوژیک ناحیه تناسلی فرد که او را برای قرار گرفتن در گروه مردان یا زنان یا سایر گروه‌ها مناسب می‌سازد، دلالت دارد.

گرایش جنسی (Sexual Orientation):

کشش عاطفی، رمانتیک، جنسی و / یا محبت‌آمیز مستمر به فردی دیگر است. گرایش جنسی با دیگر ابعاد جنسی مانند جنس بیولوژیک، هویت جنسیتی (احساس روانی مرد یا زن بودن)، نقش‌های جنسیتی

اجتماعی، و رعایت هنجارهای فرهنگی رفتارهای زنانه و مردانه فرق دارد (تبعیض گرایش جنسی، برابری و حقوق بشر، www.equalityhumanrights.com/en/advice). گرایش جنسی ویژگی فردی است که بخشی از آنچه فرد هست را تشکیل می‌دهد. این مفهوم طیفی از تمایلات جنسی انسانی از لزبین و گی تا دوجنسگرایی و دگرجنسگرایی را پوشش می‌دهد.

تمایل جنسی (Sexuality):

شامل مجموعه‌ای از احساسات و کشش آنها به دیگران و ظرفیت تجربیات شهوانی و پاسخ به نیاز تولیدمثل و اشتراک‌گذاری احساسات درونی رضایت‌بخش را نیز شامل می‌شود. تمایل جنسی در جنس‌ها و جنسیت‌های متفاوت است و می‌تواند به سمت همجنس یا جنس مخالف باشد. هالپرین (1990) با اشاره به الگوی ساختارگرایی اجتماعی می‌گوید که تمایل جنسی موضوعی ابداعی است و پیش از این ابداع، ارزیابی جنسی بر اساس اعمال جنسی فرد صورت می‌گرفت و نه گرایش جنسی او. میل جنسی می‌تواند به همجنس یا به جنس مخالف باشد. بیشتر پژوهشگران حوزه تمایلات جنسی معتقدند که ترجیحات جنسی در سال‌های اول زندگی مشخص می‌شود.

تراجنسیتی‌هراسی (Transphobia):

ترس یا نفرت از افراد تراجنسیتی است که گاهی خود را در قالب تبعیض، انزوا، آزار، یا خشونت نشان می‌دهد (برای اطلاعات بیشتر، به هراس و همجنس‌گراهراسی رجوع کنید).

تراجنسیتی (Transgender):

صفتی کلی است برای توصیف دامنه وسیعی از افراد که هویت جنسیتی یا نقش جنسیتی آنها با جنس نسبت داده شده به آنها در زمان تولد همسو نیست. جنس و جنسیت همواره همسو و منطبق بر یکدیگر نیستند. در حالی که واژه «تراجنسیتی» به طور عمومی پذیرفته شده است، همه افراد تراجنسیتی و ناهمنوایی جنسیتی (TGNC) خود را تراجنسیتی نمی‌انگارند. ممکن است افرادی که در این دسته جای می‌گیرند، احساس کنند در یک جنس اشتباهی قرار گرفته‌اند. چنین درکی ممکن است با میل به عمل جراحی یا درمان

هورمونی همراه باشد یا نباشد (مییر و لایوسکی، 2013؛ تعاریف گرایش جنسیتی و تنوع جنسیتی در اسناد

APA، لغت‌نامه روانشناسی APA، 2015).

تمکین (Tamkeen):

مفهومی حقوقی در قانون مدنی ایران است که به تابعیت زن (همسر) از اراده شوهرش اطلاق می‌شود.

هرچند این واژه‌های فهرست‌شده به تمییز درجات مختلف تمایل جنسی کمک می‌کند، همچنان ایده گرایش جنسی — همان‌گونه که در طیفی از همجنسگرایی تا دگرجنسگرایی تعریف می‌شود — را تقویت می‌کنند. پژوهش‌های اخیر در پی این بوده‌اند که نقاط میانی بین دو سر طیف گرایش جنسی را از این نیز پیچیده‌تر کنند و بدین سبب، عناوینی چون دگرجنسگرا — دوگانه¹، دوجنسگرا — دوگانه²، لزبین — دوگانه³، کنجکاو — دوگانه⁴، بیشتر دگرجنسگرا⁵ و بیشتر همجنسگرا را به کار گرفته‌اند. همچنین این عناوین دوجنسگرایی و دیگر تجارب و تجربیات چندجنسگرایی را ترکیبی از امیال همجنسگرایانه و دگرجنسگرایانه می‌داند و از منظر زبان‌شناسی به بهای کنار گذاشتن دیگر عناوین هویتی، دسته‌بندی‌های مشخص دگرجنسگرا، لزبین / گی، و دوجنسگرا را تصحیح می‌کند.

-
1. وینریچ، جی. دی.؛ کلاین، اف. (2002). گی — دوگانه، دگرجنسگرای دوگانه و دوگانه — دوگانه: سه زیرگروه دوجنسگرا که با استفاده از تحلیل خوشه‌ای مقیاس گرایش جنسی کلاین تعیین شدند. مجله دوجنسگرایی، 2 (4)، ص. 109-139.
 2. مورگان، ای. ام.؛ تامپسون، ای. ام. (2006). تجربیات زنان جوان در قالب دوستی با همجنس: کشف و تعریف هویت دوجنسگرا و کنجکاو — دوگانه. مجله همجنسگرایی، 6 (3)، ص. 7-34.
 3. وینچستر، توماس. (2001). لزبین‌های دوگانه را بهتر بشناسیم. مجله ال جی بی تی محله، ص. 46-69.
 4. مورگان، ای. ام.؛ تامپسون، ای. ام. (2008). مجله روانشناسی رشد، 44 (1)، ص. 15-21.
 5. ورنگالوا، زد.؛ ساوین — ویلیلمز، آر. سی. (2012). <http://dx.doi.org/10.1007/s10508-012-9921-y>. 41, 85-101.

پیش‌گفتار و سپاسگزاری

در سال‌های اخیر، موضوع گروه‌های اقلیت و جنسیت با تأکید بر کودکان و جنسیت از دغدغه‌های جدی پژوهشی این جانب و همکارانم بوده است؛ چنانکه پژوهش اخیرم با تأکید بر اقلیت مهاجران افغانستانی و با عنوان یغمای کودکی¹، یا پژوهش‌های دیگرم که درباره ازدواج سفید² در ایران، درخصوص ازدواج موقت و صیغه محرمیت³، یا ازدواج زود هنگام کودکان⁴، و ختنه زنان⁵ در ایران – منتشر شده به دو زبان فارسی و انگلیسی – از این گروه‌ها سرچشمه گرفت.

در حین کار درباره ازدواج سفید و ازدواج موقت (صیغه) در ایران، به گروهی از افراد برخوردیم که هویت جنسیتی قابل‌قبولی در جامعه نداشتند. این افراد معمولاً با واژه اختصاری ال‌جی‌بی (LGB) مورد خطاب قرار می‌گیرند که شامل لزبین‌ها، گی‌ها، و دوجنسگراها می‌شود. ال‌جی‌بی گروهی از افرادند که با توجه به جنسیت، گرایش جنسی، نژاد و قومیت، و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بسیار متنوع‌اند. در مجموع، مخصوصاً برای جوانانی که ممکن است به سبب گرایش جنسی خود مورد اتهام واقع شوند یا در هراس از تبعیض و برچسب‌خوردگی زندگی کنند، می‌تواند موضوعی حساس باشد. عضو گروه ال‌جی‌بی بودن خطرهای بسیاری را در پی دارد و نه جامعه و نه نهادهای قانونی از اعضای این گروه حمایت نمی‌کنند و افراد این گروه همیشه در ترس و نگرانی زندگی

1. یغمای کودکی (1398): پژوهشی در باب شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله‌گردی کودکان در تهران. تهران: انجمن حمایت از حقوق کودکان، به درخواست انجمن حمایت از حقوق کودکان و در قالب پژوهشی تیمی انجام گرفت و نگارنده سرپرستی پژوهش را بر عهده داشت.

2. احمدی، کامیل. (1399). خانه‌ای با در باز: پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران. لندن: نشر مهری
Ahmady, Kameel. (2019). *House in the shadow: A Comprehensive Research on white Marriage (cohabitation) in Iran*. London, Mehri Publishing.

3. احمدی، کامیل. (1397). خانه‌ای بر روی آب: پژوهشی جامع در باب صیغه و صیغه محرمیت. تهران: شیرازه.
Ahmady, Kameel. (2018). *A House on the water. A Comprehensive Research on Temporry Marriage in Iran*. Tehran, Shiraze Publishing.

4. احمدی، کامیل. (1396). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه.
Ahmady, Kameel. (2017). *An Echo of Silence: A Comprehensive Research Study On Early Child Marriagen (ECM) In Iran*. New York: Nova Publishing.

5. احمدی، کامیل. (1394). به نام سنت: پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه.
Ahmady, Kameel. (2015). *In The Name of Tradition: A Comprehensive Research Study On Female Genital Mutilation/Cutting (FGM/C) In Iran*. Oxford: Oxford Press.

می‌کنند. از این رو، تصمیم گرفتم تا در این زمینه پژوهش کنم و بیشتر مایل بودم یک پژوهش دست‌اول مردم‌شناختی هم‌زمان با روایت داستانِ تقلا، ترس و امید این افراد انجام دهم که درک علمی بیشتری را موجب شود و شاید تغییری مثبت در زندگی آنها ایجاد شود. وقتی تصمیم به انجام پژوهش «داستان ممنوعه» دربارهٔ زندگی دگرباشان گرفتم، نهایت سعی خود را کردم تا هزارتوی موانع عاطفی و اجتماعی‌ای را که در ایران برای دگرباشان وجود دارد، از طریق یافته‌های علمی و اجتماعی، روایت‌های بی‌واسطه، مصاحبه و بازخورد خودِ دگرباشان نشان دهم و بسیار مایل بودم نظرها و عقاید این گروه اقلیت جامعه را ثبت کنم و از جایگاه مردم‌شناختی آن را بررسی کنم. بنابراین عزمم را جزم کردم تا این موضوع را از دید مردم‌شناختی تحلیل کنم. این پژوهش بررسی صادقانهٔ موضوعی ناگفته است که با نگاهی علمی سعی کرده است تمامی استانداردهای لازمه علمی را به جای آورد. همچنین روایتی جالب در خود دارد که خواننده را جذب خواهد کرد.

این پژوهش شروع لحظه‌ای دگرگون‌ساز در زندگی علمی و مردم‌شناختی من بود و من جسارت کندوکاو در زندگی‌های پنهانی‌ای را پیدا کردم که برای بسیاری از ما ناشناخته مانده است. وقتی تصمیم گرفتم این پژوهش را دربارهٔ زندگی دگرباشان انجام دهم، بلافاصله برایم روشن شد که برای درک و فهم بیشتر و بدون واسطه و پرده برداشتن از انبوه مشکلات آنها، باید شخصاً و به طور مستمر در میدان پژوهش حاضر شوم تا در آرامش جهان سترون و در مقابل کوچک‌ترین نشانه‌ای از تهدید و آسیب‌پذیری آنان سپر شوم. این پژوهش که با هدف روشنگری انجام شده است و خود را بدان متعهد می‌داند، نیازِ بازگویی داستان این افراد از طریق نشان دادن زندگی واقعی آنان برای خوانندگان را احساس کرد، چراکه وجود دگرباشان و مصائبشان در رویارویی با خانواده، اقوام، و عموم جامعهٔ ایران انکار شده است.

تیم کوچک کار میدانی از افرادی جوان و متعهد تشکیل شد که در انجام مصاحبه‌ها به من کمک کردند و از مخاطرات و محدودیت‌های میدانی و حتی علمی موجود نه‌فقط برای مصاحبه‌شوندگان، بلکه برای خودشان آگاه بودند. با علم به این موضوع، آنها با شجاعت وارد این قلمرو شدند و از دیدگاهی واحد دربارهٔ هویت و گرایش جنسی افراد، به این پژوهش به مثابهٔ کاری غیرجانبدارانه حمایت کردند.

آنچه از همان ابتدای این طرح پژوهشی مشخص بود، نگرانی مدامی بود که دگرباشان با آن زندگی می‌کنند؛ یعنی ناراحتی و اضطراب آنها از افشا شدن هویتشان که بسیار هم واقعی بود. همچنین بسیاری از آنها زندگی دوگانه‌ای داشتند؛ یعنی در طول روز دگرجنسگرا بودند و در لحظاتی که بخت با آنها یار بود، در شب، همجنسگرا بودند. آنها معمولاً صدای خود را پایین نگه می‌داشتند، چراکه با این ترس دست به گریبان‌اند که ممکن است دوستان و خانواده به هویت جنسی آنها پی ببرند. در نتیجه و بر اساس اخلاق پژوهشی و نگاهداشت حریم خصوصی، من اسامی مصاحبه‌شوندگان را برای حفظ منبع سخنان تغییر دادم.

درباره دگرباشان جامعه معاصر ایران و اینکه به این اجتماع از زاویه دید خودشان چگونه نگاه می‌شود، مطالعات پژوهشی محدودی صورت گرفته است، اما اطلاعات زیادی درباره تجربیات افراد دگرباش وجود ندارد. بی‌شک در مورد این موضوع کم نوشته شده است و به‌ندرت تحقیقی جامع، علمی، و علی‌الخصوص میدانی و به‌روز انجام شده است. در نبود این مطالعات، امید دارم با مستندسازی دست‌اول این موضوع، غیرجانبدارانه و بدون تنگ‌نظری بتوانیم شناخت بیشتر و بهتری از این موضوع اجتماعی به‌دست آوریم و به شکل گرفتن تغییراتی برای فهم بیشتر آن، هم در جامعه و هم در سیستم قانونگذاری کمک کنیم.

از شما دعوت می‌کنم از قضاوت در مورد گروه هدف اجتناب کنید و در کل، به این پژوهش و یافته‌هایش به عنوان کاری تحقیقی و علمی بنگرید، زیرا این پژوهش میدانی می‌خواهد چیزی را که برای اجتماع دگرباشان اتفاق می‌افتد، راستی‌آزمایی کند، احساسات افراد را برشمارد و آنچه را جامعه در پی سرکوب یا پنهان ساختن آن است، در معرض دید بگذارد.

مرحله کیفی پژوهش شامل گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های عمیق و گاه نیمه‌عمیق با دگرباشان و دگرجنسگرایان بود. برای اولین بار، این مطالعه بر آن شد تا نظرات و احساسات گروهی از دگرباشان را ثبت کند و سپس با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، یافته‌ها را استخراج کند. نظریه داده‌بنیاد به پژوهش در مثلث‌سازی عواطف پاسخگویان کمک کرد و فعالانه روایت آنها را دگرگون ساخت.

در تکمیل تحلیل یافته‌ها، در این مطالعه با نمایندگان گروه‌های پنهان دگرباشان در سه شهر اصلی ایران (تهران، مشهد، و اصفهان) گفت‌وگو شد. برای یک پژوهشگر و مردم‌شناس، این راهی جهت شناخت نظرات

اجتماع دگرباشان در ابعاد وسیع‌تر بود. کسانی که برای گفت‌وگو به سراغشان رفتیم، بسیار پذیرا بودند و از اینکه بخشی از کار ما شده بودند، ابراز خرسندی می‌کردند. این مطالعه خلاصه‌ای از یافته‌ها را ارائه خواهد کرد و نتایج عیناً به اشتراک گذاشته می‌شود.

واقعیت زندگی دگرباشان به شاهد نیاز دارد، چراکه وجود آنها به شکلی جامع و نظام‌مند انکار می‌شود. نوشتن این یادداشت، درواقع، تشکر بخش پایانی این مطالعه است. این دوره برای من دوره یادگیری نه تنها به شکل علمی، بلکه در سطح فردی نیز بود و این پژوهش تأثیر شگرفی بر من گذاشت. در این راه، مایلم از کسانی یاد کنم که از من حمایت کردند و در طی این مدت، به من یاری رساندند، خصوصاً تیم میدانی و روح‌های شجاعی که اجازه دادند تا احساساتشان ثبت شود، عمیقاً سپاسگزارم. به‌واقع، سخن گفتن آزادانه برخی از آنها را در موقعیت‌های سختی قرار می‌داد.

از مشاور این پژوهش، خانم حمیرا ناز، به طور ویژه تشکر می‌کنم که در جمع‌آوری، تحلیل، و تدوین این روایت به انگلیسی بسیار کمک کردند و پیشنهادهای جالبی داشتند و با تشویق‌هایشان، در هماهنگی این طرح مخصوصاً نگارش نسخه انگلیسی آن کمک کردند، هرچند با همه تفاسیر این پژوهش موافق نبوده‌اند.

مایلم از خانم لورن کوجه و خانم کتایون احسانی برای ویراستاری و اصلاح متن انگلیسی و ارائه نظرهای کارشناسانه‌شان تشکر کنم.

از گروه‌های دگرباش، پزشکان، و مسئولان مراکز پژوهشی‌ای تشکر می‌کنم که اطلاعات ارزشمند خود را در طی این پژوهش با من به اشتراک گذاشتند و از همکاران «گمنام» خود نیز بابت نظرهای و دیدگاه‌های مفیدشان درباره نسخه اولیه این متن سپاسگزارم.

قدردان زحمات تمامی کسانی هستم که در این پژوهش و طرح‌های مرتبط با آن، افتخار همکاری با آنها را داشته‌ام. هریک از اعضای تیم کار میدانی راهنمایی‌های فردی و فنی — تخصصی بی‌شماری را در اختیار من گذاشتند و چه در زمینه پژوهش علمی و چه در زندگی، به طور کلی، مطالب بسیاری به من یاد دادند. قطعاً این پژوهش با جست‌وجوی جزئیات، آموزش میدانی، حمایت و مساعدت تیم میدانی و تمامی عوامل دخیل در این پروژه به‌انجام رسیده است. از این رو، مایلم از دستیار اولم، خانم فریبا الماسی، به دلیل کار پرتوان در تحلیل و

هدایت فعالیت میدانی تشکر کنم. از خانم عایشه شیلان علی‌یار به دلیل همراهی‌هایشان در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل‌های نظریه داده‌بنیاد به همراه خانم حکیمه پاشازاده، خانم ژیلا صدیقی، آقای صبا وطنی، خانم ویدا ظفری، خانم فتانه صادقی و خانم گلپنا حسین‌پور تشکر می‌کنم. از خانم سامانه مداح برای ترجمه این پژوهش از زبان فارسی به انگلیسی سپاسگزارم که با اشراف و تسلط بر هر دو زبان، به کیفیت و ساختارمندی جملات و معانی کمک کردند. از خانم زینب پزشکیان تشکر می‌کنم که فصل‌هایی از نسخه فارسی این اثر را ویراستاری و آن را ساختارمند کردند و از خانم سارا صحرانورد فرد بابت ویراستاری مجدد متن و بازخوانی دقیق‌تر آن تشکر می‌کنم. همچنین از خانم مرضیه نکوکار به جهت ویرایش نهایی اثر، خصوصاً ویراستاری محتوایی و فنی و دقت نظرشان در ویرایش زبانی، سپاسگزارم. از آقای مسلم ناظمی به پاس همراهی، راهنمایی‌ها و مشاوره‌هایشان خصوصاً در تحلیل‌ها و آموزش مباحث تنوری به گروه تحلیلی پژوهش متشکرم. از آقای محمد حسینی تشکر فراوان دارم که در تهیه جدول‌ها و تحلیل داده‌های کمی مرا یاری کردند.

بی‌نهایت قدردان همه دوستان و اعضای اجتماع دگرباشانم که در طی کار میدانی در تهران، مشهد، و اصفهان از من حمایت کردند و مهمان‌نوازانه نظرها و پیشنهادهای خود را مطرح کردند.

در انجام این طرح و نوشتن این کتاب، مهم‌ترین یاری را اعضای خانواده‌ام و همدلانم به من رساندند. از تک‌تک آنها سپاسگزارم که عشق و هدایتشان، در هر آنچه می‌کنم، همراه من است.

کامیل احمدی

اسفند 1397

مقدمه

جنسیت یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است که شامل هویت‌ها و نقش‌های جنسی، گرایش‌های جنسی، شهوت، لذت، صمیمیت، و تولیدمثل می‌شود. جنسیت در افکار، رویاپردازی‌ها، امیال، باورها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، رویه‌ها، نقش‌ها، و روابط افراد، خود را نشان می‌دهد. در حالی که جنسیت می‌تواند این ابعاد را دربربگیرد، همه آنها همواره تجربه یا ابراز نمی‌شوند. جنسیت تحت تأثیر تعاملات زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، تاریخی، مذهبی، و عوامل معنوی قرار دارد.

تا امروز، گزارش‌ها و پوشش‌های رسانه‌ای اندکی دربارهٔ اجتماع دگرباشان ایرانی تهیه شده است که بیشتر این گزارش‌ها مجموعه‌های مستند از کسانی است که ایران را ترک کرده‌اند و در سرزمین دیگری زندگی می‌کنند. دربارهٔ دگرباشان جامعهٔ معاصر ایران و اینکه به این اجتماع از زاویهٔ دید خودشان چگونه نگاه می‌شود، مطالعات پژوهشی محدودی صورت گرفته است. تقریباً هیچ اطلاعاتی از تجارب و تجربیات افراد دگرباش وجود ندارد. به طور خاص، پژوهشی دربارهٔ زندگی و احساسات آنها و چگونگی تأثیرپذیری تجربیاتشان از هویت جنسی‌شان در دست نیست یا اگر هست، بسیار محدود است. این پژوهش بر آن است تا این شکاف علمی را دربارهٔ موضوعی تا این حد مهم پر کند. بر اساس اطلاعات نگارنده، این اولین پژوهشی است که دربارهٔ دگرباشان در ایران صورت گرفته است و به متون موجود دربارهٔ دگرباشان با تمرکز بر جغرافیای محل سکونت این گروه بعدی ویژه و متمایز می‌بخشد.

مطالعهٔ مردم‌شناسانهٔ دگرباشان، حوزهٔ نادیدهٔ جنسیت در ایران را با نگاه به جنبه‌های متعدد و پیچیدهٔ هویت جنسی و ظرافت‌های آن در اجتماع دگرباشان و در بستر شناخت روزافزون از گرایش‌های جنسی بررسی می‌کند. در عین حال، کج‌فهمی‌های رایج دربارهٔ دگرباشان و جنسیت در ایران را به‌چالش می‌کشد و افسانه‌ها و روایت‌هایی را که معمولاً و بیشتر سبب شناخت نادرست از جنسیت و تدوین سیاست‌ها و رویه‌های اشتباه شده‌اند، نقد می‌کند تا زمینه‌ساز رویکردی جامع‌تر شود.

این مطالعه بسیار پیچیده است، چراکه فراتر از نگاهی کلی و ساده به گرایش جنسی و افکار مربوط به جنسیت، به حوزهٔ زندگی خصوصی و عمومی افراد ورود کرده است. برای اولین بار، این تحقیق بر مصاحبه‌های

عمیق با حدود 300 نفر از دگرباشان — که 60 درصد آنان مرد و 40 درصد زن بودند — در سه کلان‌شهر تهران، مشهد، و اصفهان متمرکز شد. در این پژوهش، چالش‌های برخاسته از تغییرات عصر حاضر در روابط جنسیتی و چگونگی این تعاملات در ایران بررسی شد و در عین حال، چهارچوب‌های نظری و روشمندی به خوانندگان، دگرباشان، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، فعالان عرصه عمومی و اجتماعی، و دانشجویان ارائه شد تا دگرباشان بر اساس آنها مطالعه و بررسی شوند. اهداف اصلی این پروژه تحقیقاتی درک احساسات و باورها در مورد دگرباشان از طریق تحلیل انتقادی از نگاه خود این افراد و بررسی چالش‌هایی است که آنها بر اثر زندگی در جامعه‌ای مذهبی، طبقه‌محور، سنتی، و پدرسالار که دگرباشی را به مثابه هویت رد می‌کند، تجربه می‌کنند. پرسش این پژوهش از همین جا شروع شد. درواقع، ضرورت تمرکز بر اجتماع دگرباشان و آسیب‌پذیری این افراد سرکوب‌شده و به سکوت واداشته‌شده انگیزه‌ای شد برای روشنگری درباره وضعیت این افراد که عامدانه نادیده گرفته شده‌اند و از سوی اجتماع به حاشیه رانده شده‌اند.

این پژوهش از روش تلفیقی رویکردهای پدیدارشناسانه، هرمنوتیکی، پسامدرن، و روان‌شناختی بهره برده است تا روشی نظری را به وجود آورد که برای پژوهش درباره تجربه دگرباشی مناسب باشد و در عین حال، شهود و احساسات خود پژوهشگر را نیز در تعیین معیار تأیید مطالعه برای حفظ «عینیت» دربرگیرد. این روش فرد را داور نهایی هر کشف روان‌شناسانه می‌داند و بنابراین راه‌حل‌های خاصی را برای درک پدیده‌های مقدسی به دست می‌دهد که به شدت در تجربیات ذهنی ریشه دارند.

این مطالعه در فاصله سال‌های 1396 و 1397 شمسی انجام گرفت و داده‌های میدانی این پژوهش در تابستان و پاییز 1396 شمسی جمع‌آوری شد. بیشتر پروژه‌هایی از این دست و با این ماهیت، روش‌شناسی درستی ندارند و اغلب به ضعف اجتناب‌ناپذیر نمونه‌گیری در دسترس دچار می‌شوند. دگرباشان در ایران اقلیتی به سکوت واداشته‌شده هستند که معمولاً مجبورند هویت یا گرایش جنسی خود را از خانواده و دوستانشان پنهان کنند و این امر ترس و نگرانی از سرزنش و طرد اجتماعی را سبب می‌شود. با این حال، این مطالعه و پژوهش با این آگاهی انجام شد که جامعه آماری محدود، مثلاً 50 نفر، نمی‌تواند نماینده جمعیت عمومی دگرباشان در این مقیاس جغرافیای باشد، اما مسلماً انجام 300 مصاحبه برای رسیدن به استاندارد قابل‌قبول‌تر و روش تحقیقی معتبر

کفایت می‌کرد و از آنجا که این موضوع کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و ناشناخته مانده است، پس انجام مصاحبه‌های بیشتر امکان شناخت زوایای آشکار و پنهان آن را فراهم آورد و نیز ریسک‌پذیری پژوهش و یافته‌های آن را پایین آورد. بی‌شک، این مطالعه پژوهشی دریچه‌ای است به زندگی دگرباشان که بیشتر آنان زندگی در خفا را برگزیده‌اند. امید است یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های این مطالعه به سیاست‌ها و مداخلاتی نو بینجامد. مطالعات پژوهشی آینده باید این کار را در جمعیتی بزرگ‌تر انجام دهد که در صورت امکان، سراسر کشور را دربرگیرد، زیرا نتایج می‌تواند بر اساس هر فردی که دگرباش دانسته شده است، متفاوت باشد.

این پژوهش مطالعه‌ای گذشته‌نگر است؛ یعنی بزرگسالان اطلاعاتی درباره تجربیاتی ارائه دادند که گاه در سال‌های نوجوانی آنان رخ داده بود. احتمالاً این مسئله سبب شده است تا در توصیف برخی واکنش‌های خانواده به هویت دگرباشی این افراد اریبی صورت گیرد. برای به حداقل رساندن این نگرانی، مطالعه سنجه‌ها تدوین شد تا حتی‌الامکان به شکلی عینی به این پرسش پاسخ دهند که آیا یک رفتار یا پاسخ خاص از جانب خانواده در واکنش به هویت دگرباش آنان واقعاً اتفاق افتاده است یا نه. نگرانی دیگر از این جنبه بود که مصاحبه‌شوندگان یا به سؤال‌های حساس مربوط به گرایش‌های جنسی پاسخ نمی‌دهند یا پاسخ درستی نمی‌دهند. این مطالعه به طور خاص، و بعد از مرحله اعتمادسازی احتیاط بیشتری برای افزایش محرمانگی محیط پژوهش به خرج داد تا پاسخ‌دهندگان را تشویق کند که بدون احساس شرم یا ناراحتی به سؤالات حساس پاسخ دهند.

یکی از ویژگی‌های خاص دامنه این مطالعه آن است که تنها بر دگرباشان گرایش جنسی تمرکز کرده است و به افراد تراجنسیتی، که دارای دو جنبه زنانه و مردانه جنسیت هستند و هر دوی این جنبه‌ها به طور هم‌زمان در وجود آنها فعال است، نپرداخته است. تراجنسیتی معمولاً بخشی از نام مخفف دگرباشان (LGBT) است. افراد تراجنسیتی به‌عمد در این مطالعه وارد نشده‌اند، چراکه در ایران، جایگاه آنها از منظر حقوقی تا حدودی تأیید شده است. هرچند آنها در ایران به رسمیت شناخته شده‌اند و موجه دانسته می‌شوند، وضعیتشان همچنان به یک فتوای فقهی گره خورده است که به آنها اجازه می‌دهد تا عمل تغییر جنس را انجام دهند. درواقع، آیت‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برای اولین بار در سال 1343 شمسی، در کتاب تحریرالوسیله به روشنی نظر خود درباره تغییر جنسیت را اعلام کرد و فتوایی صادر کرد که بر اساس آن، به افراد تراجنسیتی اجازه داده شد تا

عمل جراحی تغییر جنس را انجام دهند و از طریق این فتوای مذهبی بود که به دولت نیز اجازه نظارت بر عمل‌های تغییر جنسیت و حمایت مالی از این عمل‌ها داده شد. از سال 1387 شمسی، در ایران بیش از هر کشوری در جهان (البته به استثنای تایلند) این عمل انجام شده است. معمولاً دولت نیمی از هزینه و در برخی نمونه‌ها، کل هزینه عمل کسانی را که نیازمند کمک مالی‌اند، می‌پردازد و بر همین اساس، تغییر جنس در شناسنامه فرد رسمیت می‌یابد. درست است که این مجوز قانونی ممکن است نویدبخش به نظر بیاید، همچنان ممکن است دستخوش تغییر شود. این موضوع مهم دلیل کنار گذاشتن تراجنسیتی‌ها از این مطالعه بوده است. مضاف بر اینکه تراجنسیتی‌ها در ایران قبلاً بررسی شده‌اند و به طور گسترده درباره آنها پژوهش شده است. تراجنسیتی‌ها نیز به عنوان گروهی قابل شناسایی مشکلاتی مشابه مشکلات همجنسگراها دارند، مشکلاتی مانند برچسب‌خوردگی و مورد خشونت و تبعیض قرار گرفتن، اما تفاوت اصلی تراجنسیتی‌ها با همجنسگرایان در این است که جامعه آنها را انکار نمی‌کند و آنها هویتی پذیرفته‌تر دارند. در مقایسه با سایر دگرباشان، افراد تراجنسیتی با برچسب‌خوردگی و طردشدگی کمتری در ایران روبه‌رو هستند (برای اطلاعات بیشتر به فصل حقوق دگرباشان رجوع کنید). در عین حال، دغدغه جدی و درستی در میان پژوهشگران درباره حساس‌سازی و توجه به موقعیت نسبتاً شکننده تراجنسیتی‌ها در جامعه ایران وجود دارد. بنا به دلایل گفته‌شده، تصمیم چنین شد که پژوهش بر دگرباشان، بدون در نظر گرفتن تراجنسیتی‌ها، تمرکز کند.

بنابراین با در نظر گرفتن محدودیت‌های زمانی، تصمیم بر آن شد که تمرکز مطالعه بر رویکردها، احساسات، باورها، تجارب، تجربیات و واکنش‌ها به دگرباشان باشد تا اطلاعات بیشتری در یک بازه زمانی کوتاه فراهم شود. ضرورت تمرکز بر اجتماع دگرباشان و آسیب‌پذیری این افراد خاموش اهمیتی بسیار دارد. با این حال، قرار نیست در پرداختن به دگرباشان جامعه ایرانی تهدیدات متعددی که اجتماع تراجنسیتی با آنها مواجه است، همچون برچسب‌خوردگی، طردشدگی، انزوا در اجتماع یا در روابط نزدیک، بیگانگی، و مصائب اقتصادی نادیده گرفته شود.

فصل 1

گفتمان گرایش جنسی – تعریف، توضیح و تاریخچه

مطالب:

- تعریف، توضیح و تاریخچه گرایش جنسی
- دگرباش واژه‌ای فراگیر
- سه جلوه ابراز تعصب جنسی
- روایت‌های تاریخی دگرباشان و مبارزاتشان
- دگرباشان در ادبیات
- نظریه‌های مربوط به دگرباشی

فصل اول

ادبیات گرایش جنسی (تعریف، توضیح و تاریخچه)

جنسیت، جنس، و تمایل جنسی مفاهیمی سیال و همواره در حال تغییرند که اساس و جوهره روابط انسانی را تعریف می‌کنند. در این فصل، شیوه‌های گوناگون این روابط — که در چهارچوب این مفاهیم با یکدیگر در تعامل‌اند — بررسی می‌شود؛ چنانکه آنچه در یک فرهنگ یا جامعه تابو است، ممکن است در جامعه‌ای دیگر به راحتی به گفت‌وگو گذاشته می‌شود و آنچه جامعه و هنجارهای اجتماعی درست و معتبر می‌دانند، به شدت در شکل‌دهی به معنای جنسیت نقش دارد. همچنین روشن است که بر اثر تغییر رویکردهای اجتماعی، اعتبار این مفاهیم نیز به سرعت تغییر می‌کند. با این حال، هرچند ما به گفت‌وگو درباره رفتار جنسی گشوده‌تر هستیم، از خیلی جهات، این موضوع هنوز در بسیاری از کشورهای جهان موضوعی خصوصی است.

در حالی که جنسیت بیشتر به شکل سنتی در قالب مؤنث و مذکر بیان می‌شود، طیف شناخته‌شده‌ای از درجات مختلف وجود دارد که بر اساس آن، فرد هنجارهای اجتماعی یک زن یا مرد ایده‌آل را می‌شکند یا از آنها سرپیچی می‌کند. در سراسر تاریخ و در میان فرهنگ‌های مختلف، تعاریف زن‌انگی و مردانگی به شدت متفاوت بوده و این امر سبب شده است تا پژوهشگران جنسیت و نقش‌های جنسیتی را بر ساخته اجتماع بدانند. حال آنکه رفتارهای جنسیتی متعددی وجود دارد که بر اساس آنها، هویت‌ها و اشکال جنسیتی همان ارزش‌های اجتماعی مختلف مورد توافق‌اند.

جنس به عنوان یک ویژگی زیستی معمولاً سؤالی اولیه در مواجهه با زنی است که در انتظار فرزند است. به بیان ساده‌تر، جنس به تفاوت‌های فیزیکی یا بیولوژیک بین بدن مردان، زنان، و افراد بیناجنسی اشاره می‌کند که هم ویژگی‌های اولیه یک جنس (سیستم تولیدمثل) و هم ویژگی‌های ثانویه آن (مانند پستان و موی صورت) را شامل می‌شود. با وجود این، جنسیت به شکل اجتماعی بر اساس ویژگی‌هایی تعیین می‌شود که از طبقه‌بندی جنسی نشأت می‌گیرد و به نوبه خود تفاوت‌های اجتماعی یا فرهنگی‌ای را منعکس می‌کند که به دنبال یک جنس خاص به وجود می‌آید. جامعه غربی و بسیاری از دیگر جوامع همیشه تنها دو جنس زن و مرد را به رسمیت شناخته‌اند.

از آنجا که جامعه ما تا جایی که به جنس مربوط می‌شود، در نظامی دوقطبی عمل می‌کند، دو انتخاب بیشتر دیده نمی‌شود: مرد یا زن. جنس (زن یا مرد) و جنسیت (زنانگی یا مردانگی) عناوین نسبت داده شده‌ای هستند که بیشتر سبب سردرگمی می‌شوند و به اشتباه به کار می‌روند. جنس نوعی طبقه‌بندی زیستی است. بیمین و رانکین می‌گویند که جنسیت از جنس جدا، اما به آن مربوط است. آنها جنسیت را همچون ترجمه واقعیت‌های زیستی از انتظارات اجتماعی از «زن» و «مردان» در نظر می‌گیرند¹. اما حالا درمی‌یابیم که جنس یک فرد — آن‌گونه که با بیولوژی او مشخص می‌شود — همیشه با جنسیت او همسو نیست. بنابراین واژه‌های «جنس» و «جنسیت» را نمی‌توان به جای یکدیگر به کار گرفت.

این پدیده اجتماعی — فرهنگی که در آن، افراد بر اساس جنس بیولوژیک خود همراه با نقش‌هایی که به هریک از آنها نسبت می‌دهیم، پوشاک و کلیشه‌ها به یکی از این دو دسته تقسیم می‌شوند، خیلی زود شروع می‌شود. کودک هنوز به دنیا نیامده است و همچنان در مایع آمیوتیک رحم مادر شناور است، اما همین که جنس کودک مشخص می‌شود (معمولاً بین 16 تا 20 هفتگی)، خودبه‌خود در نقش دختر یا پسر، انتظارات و مسئولیت‌های اجتماعی به همراه مجموعه‌ای از برچسب‌ها و وظایفی که هویت فرد را می‌سازند، به کودک درون رحم منتسب می‌شود. از زمان بسته شدن نطفه، به کودکان — بر اساس مفاهیم مرد یا زن — جنسیتی داده می‌شود و به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند تا بر اساس این نسبت، با نقش‌های جنسیتی خاص مطابق باشند. شکل‌گیری هویت — که خود به نوعی برچسب‌زنی دانسته می‌شود — نشان‌دهنده میل شدید انسان‌ها به دسته‌بندی کردن و برچسب زدن به خودشان است. کودکان خیلی زود با نقش‌های جنسیتی تجویز شده در سنّ بسیار کم هم‌نوا می‌شوند و احتمالاً این هم‌نوایی با پتوی صورتی در مقابل پتوی آبی نوزاد شروع می‌شود که به سرعت به انتخاب اسباب‌بازی و بازی‌هایی می‌انجامد که از نظر فرهنگی برای دختران و پسران در نظر گرفته می‌شود. کودکان در سنین بین دو تا سه سالگی شروع می‌کنند به شبیه‌سازی کلیشه‌های جنسیتی بر اساس نوع اسباب‌بازی‌ها و بازی‌هایی که آنها را ترجیح می‌دهند

1. Beemyn, Genny; Rankin, Susan. (2011). *The Lives of Transgender People*. New York: Columbia University Press.

و انتخاب می‌کنند. موضوع ترجیحات آنها در مورد پوشاک، وسایل و کارهای خانه نیز مصداق دارد.¹ درواقع، این نقش‌های جنسیتی ساخته می‌شوند و بعدها از طریق روابط اجتماعی پذیرفته‌شده و تأییدشده و دینامیک‌های سیاسی و اقتصادی تقویت می‌شوند.

جامعه از ویژگی‌های مرد و زن تعاریف خود را دارد که این تعاریف‌ها از طریق فرایند جامعه‌پذیری تقویت می‌شود. فرایند اجتماع‌پذیری افراد را با تقلید و انعکاس بی‌نقص این ویژگی‌های به‌دقت تعریف‌شده شرطی می‌کند، اما ویژگی‌های جنسیتی در جوامع مختلف بسیار متفاوت‌اند. برای مثال، در برخی فرهنگ‌های غربی، پوشیدن پیراهن یا دامن زنانه یا نشانه‌ای از زنانگی دانسته می‌شود، در حالی که تصور دامن پوشیدن یک مرد به‌شدت در بعضی نقاط جهان تابو است. البته در شرایط خاص، معمولاً دامن پوشیدن مردان پذیرفتنی است. همچنین در بسیاری از فرهنگ‌های خاورمیانه و آسیا و آفریقا، پیراهنی که معمولاً به آنها قبا، خرقة، یا سارنگ می‌گویند، مردانه دانسته می‌شود. به همین شکل، دامن‌هایی که مردان اسکاتلندی می‌پوشند، سبب نمی‌شود که در آن فرهنگ، آنها زنانه به‌نظر برسند.²

در مجموع، جنسیت به مجموعه‌ای وسیع از انتظارات و هنجارهای مشترک اشاره می‌کند که به رفتار مردان و زنان، دختران و پسران مربوط می‌شود. نگاه دوقطبی به جنسیت، یعنی این ایده که کسی یا زن است یا مرد، ویژه برخی فرهنگ‌هاست و همگانی نیست.³ درواقع، دوگانه دگرجنسگرایی – همجنسگرایی، که الگوی جنسی فعلی در فرهنگ آمریکایی است، پدیده نسبتاً جدیدی است.⁴

در بعضی فرهنگ‌ها، جنسیت سیال دانسته می‌شود. نکته جالب اینجا است که برخی جوامع بعد سومی را می‌پذیرند که در آن فرد همجنسگرا دانسته نمی‌شود، بلکه فقط شریکی زن‌صفت و منفعل است.⁵ در گذشته، برخی

1. Spencer A. Rathus. (2013). *Childhood: Voyages in Development*. Cengage Learning.

2. تعریف جنس، جنسیت و تمایل جنسی، برگرفته از www.boundless.com.

3. رابطه میان تمایل جنسی و جنسیت چیست؟ برگرفته از Sexuality...spl.ids.ac.uk/

4. Chauncey, G. (1995). *Gay New York: The Making of the Gay Male World 1890- 1940*. London, England: Flamingo.

5. Jacobs, Sue-Ellen; Wesley Thomas; Sabine Lang. (1997). *Two Spirit People: Native American Gender Identity, Sexuality, and Spirituality*. Champaign, IL: University of Illinois Press.

مردم‌شناسان از عبارت برداچ (Bardache) برای اشاره به کسانی استفاده می‌کردند که گاهی یا دائماً به شکل جنس مخالف خود لباس می‌پوشیدند و زندگی می‌کردند، چیزی که در میان گروه‌های بومی خاصی دیده می‌شد. برداچ (مرد سرخ‌پوست همجنسگرا) جنس سوم دانسته می‌شد. برای مردان، داشتن رابطه جنسی با برداچ پذیرفتنی بود، اما داشتن رابطه جنسی با هم میان برداچ‌ها تابو بود.¹ این پذیرش جنس سوم را می‌توان در فرهنگ سامورایی، در آنچه به آن فافاین (Fafain) گفته می‌شود، نیز دید. ترجمه تقریبی فافاین «روش زنانه» است. این عبارت افرادی را توصیف می‌کند که به صورت بیولوژیک مرد به دنیا آمده‌اند، اما هردو ویژگی‌های زنانه و مردانه را در وجود خود دارند. فافاین‌ها جنبه مهمی از فرهنگ سامورایی دانسته می‌شوند. درواقع، ممکن است افرادی از فرهنگ‌هایی دیگر به آنها برچسب همجنسگرایی بزنند، اما فافاین‌ها زندگی جنسی متفاوتی دارند که ممکن است هردو گروه زنان و مردان را شامل شود.²

در هر جامعه‌ای، از هردو جنسیت انتظار می‌رود که هنجارهای سخت برساخته اجتماع را رعایت کنند، اما در فرهنگ غرب و کشورهای صنعتی، جنسیت «مردانه» در مقابل «زنانه» قرار دارد. در نتیجه، افراد تمایل دارند به زنانگی و مردانگی به شکلی دوگانه نگاه کنند و مردان و زنان را دو جنس کاملاً مخالف ببینند. از طریق این فرایند جامعه‌پذیری، فرد با برخی هنجارها آشنا می‌شود که معمولاً به جنس، یعنی بیولوژی او مربوط می‌شود. این هنجارها در نوعی نظام پاداش و جزای مدیریت‌شده، درونی و حفظ می‌شوند. قطعاً بیولوژی همواره نقش مهمی در این فرایند بازی می‌کند، اما طریقه‌ای که در آن جنسیت ابراز می‌شود و بر اساس آن عمل می‌شود، به شدت تحت تأثیر ایده‌های اجتماع از آنچه صحیح است و صحیح نیست، قرار دارد.

در سن کم، افراد از طریق خانواده خود، نظام آموزشی، همسالان، رسانه‌ها، و مذهب به وسیله هنجارهای مرسوم جامعه، اجتماعی می‌شوند. جوامعی که ما در آنها زندگی می‌کنیم، راه درست و غلط رفتار را به ما به عنوان زن و مرد دیکته می‌کنند و همین باید‌ها و نبایدها در اعمال، باورها و رفتارهای «درست» و «نادرست» ما وارد می‌شوند. دوقطبی شدن نقش‌ها بر اساس جنسیت نیازمند آن است که اعضای جامعه در حفظ ویژگی‌های سفت

1. چونودی، جیل ام.؛ کاواناو، فیلیپ اس.؛ وودفورد، مایکل آر. (2016) مجله همجنسگرایی، 63 (12)، ص. 1726-1748.

2. پوآسا، کریس، (1992) مجله روان‌شناسی و تمایلات جنسی انسان، 5 (3)، ص. 39-51

و سخت تعریف شده، که ذاتی نظام باورهای سنتی‌اند، مشارکت کنند و رفتارهایی همسو با این آموزه‌ها همچون رفتارهای مبتنی بر نقش — مدل‌سازی از خود نشان دهند. پس هر رفتاری خارج از این هنجارهای پذیرفته شده و ویژگی‌های تعریف شده در تقابل با هر نوع تساهل اجتماعی خواهد بود و بنابراین پذیرفتنی نیست. این سازوکار عمیقاً ریشه‌دار پیروی از باورهای موردپذیرش اجتماع هیچ انحراف یا تغییری را تاب نمی‌آورد، چراکه قصد دارد تنها روایت‌هایی را حفظ کند که به شدت برای جامعه ارزشمندند.

رابطه عمیق و ریشه‌دار بین یک زن و یک مرد امری مقدس است. بر اساس چنین نظامی، این امر مقدس به کمک تاریخ، سنن، هنجارهای جاافتاده و نیروی همیشه حاضر مذهب از یک امر کفرآمیز جدا می‌شود. آنچه کفرآمیز دانسته می‌شود، هر رابطه یا میل جنسی‌ای است که در خارج از این هنجار توصیه شده اجتماعی (بودن مردان با زنان) وجود داشته باشد. حال، دسته‌بندی دگرباشان همه این هنجارها و نظام دوقطبی را به چالش می‌کشد. رفتارهایی که مردانه و زنانه شناخته می‌شوند، در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف فرق دارند، اما استانداردهای نوظهور حقوق بشری و نبود شواهد تجربی در حمایت از آسیب‌شناسی و دادن جنبه پزشکی به تفاوت‌ها در گرایش‌های جنسی این هنجارهای توصیه شده اجتماعی را به چالش کشیده‌اند¹. در طول تاریخ، واژه‌های «جنس» و «جنسیت» به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند، اما در جامعه مدرن، معانی آنها بیش از پیش به شکلی مجزا توصیف می‌شود. شیوه جدیدی که در نگاه به گرایش جنسی ظاهر شده است، نیازمند راهبردهای فراگیرتری است که مردان، زنان، و تراجنسیتی‌ها را در کنار هم ببیند. البته هنوز این نوع نگاه در ایران سنتی و طبقه‌محور دیده نمی‌شود. این مسائل با جزئیات بیشتر در فصل‌های پیش‌رو بررسی می‌شود.

در دو دهه گذشته، الگوی گفتمان در مورد جنسیت و تمایلات جنسی عمدتاً به سبب ورود عبارت‌های جدید برای تعریف گرایش جنسی و ظهور نظریه فراهنجاری جنسی (Queer Theory) در دهه 90 میلادی

1. Drescher, J. (2010). Queer diagnoses: parallels and contrasts in the history of homosexuality, gender variance, and the diagnostic and statistical manual. *Arch Sex Behav*. 39 (2), pp. 427-460, from <http://dx.doi.org/10.1007/s10508-009-9531-5>; See, also O'Flaherty M, Fisher J. (2008). Sexual orientation, gender identity and international human rights law: contextualising the Yogyakarta Principles. *Human Rights Law Rev*. 8(2), pp. 207-248.

دستخوش تغییر شد. این نظریه‌ها و تعریف‌ها در چهارچوب مطالعات زنان و مردان همجنسگرا تدوین شده‌اند¹ و نظریه فراهنجاری جنسی بیان می‌کند که «هویت‌ها ثابت نیستند، بلکه سیال‌اند»². پژوهش‌های این چنددهه نشان داده‌اند که گرایش جنسی طیفی است که در یک سر آن کشش منحصر به جنس مخالف دیده می‌شود و در سر دیگر آن، تمایل منحصر به جنس موافق به چشم می‌خورد. این وضعیت بخشی طبیعی است از آنچه یک فرد هست و یک انتخاب نیست. درست است که گرایش جنسی فرد در اوان زندگی شکل می‌گیرد، اما این گرایش می‌تواند در طول زندگی او تغییر کند. این امر غیرعادی نیست و به آن «سیالیت» گفته می‌شود. سیالیت مفهومی است که در آن، کشش فرد و بنابراین هویت جنسی او می‌تواند در طول زمان تغییر کند و در نتیجه، ممکن است گرایش و هویت جنسی فرد را از حالت ایستا خارج کند³.

هرچند این سردرگمی نیز وجود دارد که اغلب گرایش جنسی را با هویت جنسیتی درهم می‌آمیزد، این دو روایت یکی نیستند و تفاوت بسیار مشخصی با یکدیگر دارند. گرایش جنسی در موردی به کار می‌رود که شما به سمت کسی جذب می‌شوید و احساس می‌کنید از نظر عاطفی و جنسی به آن شخص کشش دارید. این اصطلاح با هویت جنسیتی فرق دارد. موضوع هویت جنسیتی به کشش جنسی نسبت به شخصی بر نمی‌گردد، بلکه به این موضوع باز می‌گردد که شما چه کسی هستید، زن یا مرد یا فراهنجار جنسی یا جزو گروه‌های دیگر. در واقع، اصطلاح هویت جنسیتی هویت‌یابی روانی فرد با جنسیتی خاص را در بر می‌گیرد و نه کشش او به سمت افراد دیگر را. تعریف انجمن روانشناسی آمریکا از هویت جنسیتی به این شرح است: «حس بنیادین فرد از مرد بودن، زن بودن، یا جنسی نامشخص بودن»⁴ این اصطلاح اولین بار در اواسط دهه 60 میلادی، سکه زده شد و توصیف حس درونی مداوم فرد از تعلق به یکی از دو دسته جنسیتی مردانه و زنانه بود⁵. مفهوم هویت جنسیتی در طول زمان تکامل یافته است

1. Butler, Judith. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. p. 124.

2. Wood, Julia T *Gendered Lives: Communication, Gender and Culture*. p.62.

3. Katz-Wise, Sabra L. (2015). Sexual fluidity in young adult women and men: Associations with sexual orientation and sexual identity development. *Psychology & Sexuality*, 6 (2), pp. 189-208.

4. انجمن روان‌شناسی آمریکا (2009). گزارش گروه کاری درباره هویت جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی، از <http://www.apa.org/pi/lgbt/resources/policy/gender-identity-report.pdf>.

5. Money, J. (1994). The concept of gender identity disorder in childhood and adolescence after 39 years. *J. Sex Marital Ther.* 20 163-177. 10.1080/00926239408403428 [PubMed] [Cross Ref].

و امروزه کسانی را در بر می گیرد که نه خود را مرد و نه زن می دانند؛ یعنی «خودپنداره فرد از جنسیتش (فارغ از جنس فیزیولوژیک او) هویت جنسیتی دانسته می شود»¹ و گرایش جنسی شامل ترجیحات جنسی، فیزیکی، و احساسی فرد برای برقراری رابطه با افراد همان جنس بیولوژیک یا / و افراد جنس بیولوژیک مخالف است.

گرایش جنسی ویژگی فرد نیست، چراکه می تواند در قالب روابط با دیگران یا به بیان دیگر، روابط شخصی نزدیکی که افراد در آن عمیقاً به وابستگی و صمیمیت نیاز پیدا می کنند، نیز تعریف شود.² گرایش جنسی به شدت با هویت جنسی مربوط است و به راحتی می توان آن را در رفتارهای فرد با دیگران و در کارهای ساده ای، همچون دست یکدیگر را گرفتن و بوسیدن، مشاهده کرد.³ در فرهنگ های مختلف، ممکن است از برچسب های مختلفی برای توصیف افرادی که کشش خود را به دیگر افراد ابراز می کنند، استفاده شود.

طیف گرایش جنسی به طور گسترده به سه دسته تقسیم می شود: همجنسگرایی، دوجنسگرایی، و دگرجنسگرایی. بی جنسگرایی نوع چهارمی است که معمولاً به آن توجه نمی شود. دلایل صددرصدی به وجود آمدن نوع خاصی از گرایش جنسی قابل بحث است. این موضوع که چگونه یک گرایش جنسی خاص در هر فرد پرورش می یابد، به شدت محل بحث است، اما دانشمندان علل آن را به درستی درک نکرده اند. برای درک این موضوع، نظریه های مختلف منابع متعددی را پیشنهاد می کنند و بسیاری از دانشمندان بر این باورند که گرایش جنسی افراد در سنین کم شکل می گیرد. برخی پژوهشگران تعامل میان تأثیرات ژنتیکی، هورمونی، رشدی، اجتماعی، و فرهنگی را در گرایش جنسی دخیل می دانند، اما هیچ عامل یا عوامل مشخصی وجود ندارد که صددرصد تعیین کننده گرایش جنسی افراد باشد. در نبود تعریف های روشن مورد پذیرش همگان، نظریه ها و مطالعات گرایش جنسی از نظر طیف فراگیری و اثرگذاری به عبارتهایی همچون دگرجنسگرا، دوجنسگرا و همجنسگرا محدود

1. Lev, A. I. (2004). *Transgender Emergence: Therapeutic Guidelines for Working with Gender_Variant People and their Families*. New York: Haworth Clinical Practice Press.

2. انجمن روانشناسی آمریکا (2008).

Answers to your questions: For a better understanding of sexual orientation and homosexuality, from www.apa.org/topics/orientation.pdf.

شده‌اند.¹ هرچند عبارت‌های کلی‌تر بیشتر ابعاد هویت جنسی را پوشش می‌دهند، دگرباشان (LGBT)، یعنی زنان همجنسگرا (لزبین)، مردان همجنسگرا (گی)، دوجنسگرا (بایسکشوال) و تراجنسیتی (ترنس جندر) ممکن است بسته به بافت اجتماعی معانی متفاوتی به خود بگیرند. این فصل مؤلفه‌های گرایش جنسی را با کمک واژه‌های رایجی بررسی می‌کند که معمولاً برای ابراز این گرایش‌ها به کار گرفته می‌شوند. این پژوهش ممکن است بتواند به روشن ساختن معانی واژه‌های مزبور، که در این متن درباره‌ی هویت جنسی استفاده شده‌اند، نیز یاری رساند.

گفتنی است در حالی که مفهوم LGBT بیشتر رفتارهای جنسی و جنسیتی را پوشش می‌دهد، همچنان نمی‌تواند طیف کاملی از افرادی را دربربگیرد که به لحاظ جنسی و جنسیتی با رویه‌های تعریف‌شده منطبق نیستند، اما در راستای این واژه‌های رایج، مطالعه‌ی حاضر از عبارت دگرباشان (LGBT) برای اشاره به همه‌ی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی به استثنای دگرجنسگراها و بی‌جنسگراها استفاده می‌کند.

دگرباش واژه‌ای فراگیر

دگرباش (LGBT) واژه‌ای است که برای اشاره به همجنسگرایان زن، همجنسگرایان مرد، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها استفاده می‌شود. اجتماع دگرباشان اساساً اجتماعی متنوع است و این واژه در القای نوعی یکدستی در اجتماع افرادی که دگرجنسگرا نیستند، در تلاش است. با اشاره به این واقعیت که این گروه‌ها همگی در عبارت اختصاری LGBT گرد آمده‌اند و «هر حرف این عبارت اختصاری دامنه‌ی وسیعی از نژادها، قومیت‌ها، سنین، موقعیت‌های اجتماعی – اقتصادی، و هویت‌ها را شامل می‌شود»². درواقع، اجتماع دگرباشی که بتواند حرفش را بزند و سرش را بالا بگیرد و همه‌ی جنسیت‌ها و تمایلات جنسی را به رسمیت بشناسد و در آغوش بکشد، شدیداً به واژه‌ای نیاز دارد که دربرگیرنده‌ی اعضای متنوعش باشد. فراگیرترین واژه‌ای که در حال حاضر استفاده می‌شود، دگرباش (شامل زنان همجنسگرا، مردان همجنسگرا، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها) است که هنوز هم تمامی افراد با تمایلات جنسی مختلف مانند دگرجنسگراها و بی‌جنسگراها را شامل نمی‌شود. مهم است که در چهارچوب

1. Lovelock, James M. (2014). Using the Klein Sexual Orientation Grid in Sociological Studies. *Journal of Bisexuality*, 14 (3-4), pp. 457-467.

2. Ard, Kevin L.; Makadon, Harvey J. IMPROVING THE HEALTH CARE OF LESBIAN, GAY, BISEXUAL AND TRANSGENDER (LGBT) PEOPLE: Understanding and Eliminating Health Disparities. pp. 3.

این مطالعه پژوهشی بدانیم که چگونه اعضای این اجتماع هویت خود را می‌یابند و خود را تعریف می‌کنند. این فهرست بلندبالا نیست، اما نقطه شروع است. در ادامه، شرحی از واژه‌های اصلی و مهم تمایلات جنسی آورده شده است که در دسته دگرباشان، دگرجنسگراها¹ و بی‌جنسگراها قرار می‌گیرند. توضیحات بیشتر در بخش تعریف‌ها خواهد آمد.

الف) مردان همجنسگرا (گی) و زنان همجنسگرا (لزبین)

گرایش به همجنس مفهوم جدیدی نیست و البته تاریخچه آن هنوز شناخته شده نیست و در هر عصر و دوره‌ای وجود داشته است. بسیاری از متون قدیمی درباره همجنسگرایی نشان داده‌اند که در فرهنگ‌های بسیاری، مدارا با همجنس متداول بوده است؛ چنانکه در جوامع یونان و روم باستان آن را آیینی گذار برای مردان جوان می‌دانستند¹. اما واژه همجنسگرا در اواخر قرن نوزدهم از سوی روانشناس آلمانی، کارولی ماریا بنکرت، سکه زده شد. پیش از آن، همجنسگرایی بُعدی از تمایلات جنسی دانسته می‌شد، بدون اینکه نام یا عنوانی داشته باشد². در گذشته، رابطه با همجنس گناه بود و بیش از همه، باورهای مذهبی آن را نفی می‌کرد. در بسیاری از کشورها، این رفتار هنوز ممنوع است و همجنسگرایی همواره مفهومی غربی و خارجی تلقی می‌شود.

معمولاً همجنسگرایی هویتی است که فرد در آن خود را گی یا لزبین (همجنسگرای مرد یا زن) می‌انگارد. در این هویت، افراد اساساً جذب افراد همجنس خود می‌شوند و با آنها رابطه جنسی برقرار می‌کنند. رفتار همجنس‌خواهانه معمولاً از مردان و زنانی سر می‌زند که به افراد همجنس خود گرایش جنسی دارند، اما واژه همجنسگرا می‌تواند بسته به فرهنگ و بازه زمانی خاصی، معانی دیگری نیز داشته باشد که در این مطالعه به آنها می‌پردازیم. در برخی جوامع مدرن یا غربی، بعضی تمایلات جنسی همجنسگرایانه همجنسگرایی دانسته نمی‌شود. این هویت گرایش جنسی حالا در اجماعی عمومی ریشه دارد که می‌گوید کشش جنسی فرد به افراد همجنس بُعدی ذاتی و بدون تغییر در شخصیت آنها بوده است. هرچند ابداع واژه همجنسگرا به عنوان یک مفهوم

1. Butrica, Some Myths and Anomalies in the Study of Roman Sexuality, in Same-Sex Desire and Love in Greco-Roman Antiquity. P 31-89

2. پیکت، برنت. (پاییز 2015). Homosexuality. دایرة المعارف فلسفه استنفورد، از <https://plato.stanford.edu/archives/fall2015/entries/homosexuality>.

کلّ این روایت را تغییر داده است، همجنسگرا واژه‌ای است با دامنه‌ای محدود که دوجنسگرا، تراجنسیتی، فراهنجار جنسی، یا بسیاری از انواع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی را شامل نمی‌شود.

ب) دوجنسگرا

واژه دوجنسگرایی برای توصیف وجود هردو بُعد زنانه و مردانه در همه افراد بشر به کار می‌رود. تا همین اواخر، افراد دوجنسگرا گروهی به شدت دیده نشده و ناشناخته در جامعه بودند و اغلب گرایش خود را مخفی نگه می‌داشتند. درک دوجنسگرایی به شکل کلی برای برخی دشوار است. برای بیشتر مردم، هویت جنسی فقط دو حالت همجنسگرایی یا دگرجنسگرایی دارد. ولی با توجه به ماهیت سیال تمایلات جنسی در انسان و انواع و اشکال مختلف آن، این دو دسته از تمایلات نمی‌توانند تعریفی مؤثر به دست دهند. زنان و مردان دوجنسگرا کسانی هستند که نه فقط به افراد همجنس خود، بلکه به افراد جنس مخالف نیز با شدتی مشابه گرایش جنسی دارند. این فقط نوعی برچسب هویتی نیست، بلکه ویژگی‌ای از تمایلات جنسی انسانی است که می‌تواند در قالب مجموعه‌ای از رفتارها تعریف شود. در حالی که مردان ممکن است بیشتر گی یا دگرجنسگرا باشند (دوجنسگرایی نامرئی: اثرات و توصیه‌ها، منتشرشده توسط کمیته مشورتی دگرباشان کمیسیون حقوق بشر سانفرانسیسکو)، دوجنسگرایی در زنان شایع‌تر است. با وجود حمایت‌های روزافزون از افراد لزبین و گی، این میزان مدارا درباره افراد دوجنسگرا دیده نمی‌شود. بنا بر این گزارش، دوجنسگراها در ایالات متحده با تبعیض گسترده، حتی از جانب افراد غیردگرجنسگرا، مواجه‌اند.

برخلاف اتحادی که در میان زنان لزبین و مردان گی برای ایجاد شبکه‌ای حمایتی و سازمانی سیاسی وجود دارد، دوجنسگراها همیشه برای ابراز وجود و ایجاد اتحادی سیاسی و اجتماعی در جهت دیده شدن بیشتر و قدرت سیاسی با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. به علت وجود و امکان دوقطبی‌گری گی و دگرجنسگرا، دوجنسگراها هم برای پذیرفته شدن در اجتماع همجنسگرایان با مشکل روبه‌رو هستند. آنها معمولاً احساس پس‌زدگی و بیگانگی دارند.

ج) تراجنسیتی در مقابل همسوجنسیتی

تراجنسیتی واژه‌ای فراگیر برای اشاره به کسانی است که هویت جنسیتی آنها با ویژگی جنسی بیولوژیک آنها از زمان تولد متفاوت است.¹ واژه تراجنسیتی واژه‌ای پیچیده و در گذاری دائمی است. تراجنسیتی‌ها نیز، همچون همجنسگراها، همواره وجود داشته‌اند. وجود آنها را می‌توان در افسانه‌ها، داستان‌ها و تاریخ شفاهی و کتبی هر قاره دید. آنها فراموش شده‌ترین گروه در جنبش دگرباشان‌اند، چراکه حرف چهارم LGBT نشان‌دهنده افراد تراجنسیتی است که گاهی با بی‌احترامی و مخالفت از طرف جمعیت عمومی لژی‌ها و گی‌ها مواجه می‌شوند. تقسیم‌بندی‌های مشخص و رؤیت‌پذیری در رده‌های مختلف این جنبش قدرتمند وجود دارد و دلایل پشت این تقسیم‌بندی‌ها درست دانسته می‌شود. روایت تراجنسیتی‌ها روایت عمومی جنسیت – که با موفقیت در فرهنگ ترویج شده است – را به چالش می‌کشد.

برخی احساس می‌کنند جنسی که در زمان تولد به آنها داده شده است، با هویت جنسیتی‌شان همسو نیست یا جنسیتی که در خود احساس می‌کنند، جایی در درونشان گیر افتاده است؛ معمولاً به این افراد تراجنسیتی گفته می‌شود. بنا بر تعریف مؤسسه پزشکی، «اصطلاح تراجنسیتی به جمعیت گوناگونی اشاره می‌کند که به طور مشخص خود را از هنجارهای جنسیتی جدا می‌کنند»². در عین حال، این اصطلاح توصیف هرکسی است که هویت جنسیتی او با جنسی که در زمان تولد به او نسبت داده شده است، هم‌راستا نیست. برخی گروه‌های تراجنسیتی استفاده از هورمون یا عمل جراحی تطبیق جنسیت را ترجیح می‌دهند. با وجود این، همه افراد تراجنسیتی این رویه را طی نمی‌کنند. ممکن است کسی فارغ از اینکه آیا قدمی برای همسوسازی رفتار جنسیتی خود با هویت جنسیتی درون خود برداشته باشد یا نه، با تشخیص آشفتگی جنسیتی روبه‌رو شود.

1. Spade, D. (2008). Documenting Gender. *Hastings Law Journal*. 59, pp. 731–842. Available from <http://williamsinstitute.law.ucla.edu/wp-content/uploads/Spade-Documents-Gender-Apr-2008.pdf>.

2. Institute of Medicine (IOM). (2011). The Health of Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender People: Building a Foundation for Better Understanding. Washington, DC: The National Academies Press. Available from: <http://www.nationalacademies.org/hmd/Reports/2011/The-Health-of-Lesbian-GayBisexual-and-Transgender-People.aspx>.

در سر دیگر گرایش تراجنسیتی، همسوجنسیتی وجود دارد که به افرادی می‌پردازد که هویت جنسیتی آنها با جنسشان در زمان تولد مطابقت دارد. همسوجنسیتی افرادی را توصیف می‌کند که فیزیولوژی آنها با هویت جنسیتی‌شان همسو است. بنابراین کسی که تراجنسیتی نیست، همسوجنسیتی است و برعکس.

د) دگرجنسگرا یا علاقه‌مند به جنس مخالف

دگرجنسگرایی ویژگی‌های فردی را توصیف می‌کند که به فردی از جنس مخالف گرایش جنسی دارد. دگرجنسگرایی نیز در مقابله با بحران‌های هویت، تاریخ خودش را داشته است. گفتمان مربوط به دگرجنسگرایی کند بوده است و این تعریف تا دهه 20 میلادی در فرهنگ عمومی آمریکا به طور کامل شکل نگرفته بود. در اوایل قرن 19 میلادی، فرهنگ لغات پزشکی دورلند دگرجنسگرایی را «میلی غیرعادی یا انحرافی به جنس مخالف» تعریف کرد. بیش از ده دهه بعد، یعنی در سال 1923 میلادی، تعریف دیگری در فرهنگ لغات میریام وبستر ارائه شد که دگرجنسگرایی را «اشتیاق جنسی ناسالم به فردی از جنس مخالف» تعریف کرد. در سال 1934 میلادی، بعد از دهه‌ها شک و تردید، واژه دگرجنسگرایی بالاخره معنایی را به خود گرفت که امروزه بیانگر وضعیت عادی در تمایلات جنسی انسان است.¹

دگرجنسگرایی تنها گرایش جنسی‌ای است که در آن روابط جنسی و زناشویی بیشتر در میان افراد جنس‌های مخالف رخ می‌دهد. دگرجنسگراهنجاری باوری است که از دگرجنسگرایی حمایت می‌کند و بیشتر با دگرجنسگراسالاری و همجنسگراهراسی مرتبط است.² در بین سال‌های 1890 و 1960 میلادی، واژه‌های دگرجنسگرا و همجنسگرا وارد فرهنگ عامه آمریکا شد و به عنوان اولین نشانه تمایلات جنسی به‌هنجار و باثبات جای خود را پیدا کرد. ظهور این واژه‌ها چندان مورد استقبال فمینیست‌ها قرار نگرفت، زیرا برای آنها این واژه‌ها بیانگر برتری مردان بر زنان بود.³ جنجالی‌تر از این عنوان، عبارت «دگرجنسگرایی اجباری» بود که آدرین سسیل ریچ، شاعر و نویسنده و فمینیست رادیکال آمریکایی، آن را ابداع کرد.⁴ او معتقد بود که افراد بشر دگرجنسگرا به دنیا

1. Katz, Jonathan Ned. (1995). *The Invention of Heterosexuality*. New York: Dutton (Penguin Books).

2. Lovaas, Karen; Mercilee M. Jenkins. (8 July 2006). Charting a Path through the 'Desert of Nothing'. *Sexualities and Communication in Everyday Life: A Reader*, Sage Publications Inc. 5 May 2008.

3. Tong, Rosemarie. (2013). *Feminist Thoughts: A more comprehensive Introduction*. Avalon Publishing.

4. Poet Adrienne Rich, 82, has died. (2012, 28 March). *Los Angeles Times*, Retrieved March 29, 2012.

نمی‌آیند. همچنین او از پذیرفتن دگرجنسگرایی به مثابه نوعی تمایل جنسی به‌هنجار سر باز زد. بنا به تعریف او، دگرجنسگرایی «در خدمت بودن و حاصل بردگی زنان توسط مردان» است.

ه) بی‌جنسگرایی

بنا به نظر پژوهشگران کانادایی، کسی که هیچ‌وقت به کس دیگری کشش جنسی احساس نمی‌کند، می‌تواند رسماً در دسته مشخص پنجمی از گرایش‌های جنسی قرار گیرد. این افراد ممکن است کسی را از نظر فیزیکی جذاب بدانند یا ممکن است بخواهند در رابطه‌ای رمانتیک باشند، ولی علاقه‌ای به داشتن رابطه جنسی یا رفتارهای جنسی با افراد دیگر ندارند.

بی‌جنسگرایی به تازگی موضوعی جدی و قابل‌گفت‌وگو شده است. در فرهنگ‌هایی که رابطه جنسی تابو است یا باکرگی تقدیس می‌شود، معمولاً افراد به ارزیابی احساسات خود نیازی ندارند تا متوجه بی‌جنسگرایی خود شوند، زیرا داشتن یا نداشتن کشش جنسی آنها در حاشیه است. بوگارت (2004) می‌گوید که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بسیاری سبب می‌شوند تا یک بی‌جنسگرا با دیگر انسان‌های دارای تمایلات جنسی متفاوت باشد. او دریافت که زنان به مراتب بیش از مردان بی‌جنسگرا هستند و همچنین پی برد که در مقایسه با افراد دارای تمایلات جنسی، بی‌جنسگراها به طور متوسط موقعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیف‌تر و تحصیلات کمتری دارند¹. در این بخش از فصل اول، به رفتارهای گوناگونی می‌پردازیم که در جوامع مختلف به کار گرفته می‌شوند و سبب می‌شوند تا دگرجنسگراها به جرائم نشئت‌گرفته از نفرت علیه افراد دگرباش دست زنند.

سه شیوه ابراز تعصب جنسی یا همجنسگراهراسی، دوجنسگراهراسی، و تراجنسیتی‌هراسی

همان‌گونه که از این برچسب‌ها مشخص است، سه شیوه ابراز تعصب جنسی در رویکرد، رفتار، و عمل افراد در برابر همجنسگراها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد. اساس این رفتارها احساسات منفی و تعصبات فرهنگی و یا شخصی ضد دگرباشان است. پژوهش‌ها درباره تعصبات مبتنی بر گرایش جنسی،

1. Bogaert, A.F. (2004). Asexuality: Prevalence and Associated Factors in a National Probability Sample. *The Journal of Sex Research*, 41(3), 279-287.

رفتارهای متعددی را یافته‌اند که نشان‌دهنده نفرت درونی اجتماعات از دگرباشان است. از این نظر، برخی اسامی شامل همجنسگراهراسی، دوجنسگراهراسی، و تراجنسیتی‌هراسی در دنیای علمی و عملی شهرت یافته‌اند. تراجنسیتی‌هراسی رفتاری از روی تعصب جنسی است که به دلیل هویت جنسی خاص فرد، رویکردی منفی به او نشان داده می‌شود. در دنیای مدرنی که دگرباش واژه‌ای است که هرچه بیشتر در میان عامه مردم در حال رواج است، همچنان ترس و تعصبی جدی در مواجهه با دگرباشان به چشم می‌خورد. ترس‌های این‌چنینی سبب تعصبی می‌شود که به ترس‌های مختلف دیگر و افزایش تعصبات جنسی می‌انجامد. نقش‌های جنسیتی تعریف‌شده نیز بر همجنسگراهراسی صحنه می‌گذارد، چراکه دگرجنسگراهای بسیاری معتقدند که همجنسگرایی آشفتگی جنسیتی است. همچنین به نظر می‌رسد نوعی تمایز جنسیتی وجود دارد که به همجنسگراهراسی بیرونی مربوط است، زیرا معمولاً مردان دگرجنسگرا همجنسگراهراس‌تر از زنان دگرجنسگرا هستند. با این حال، برای دانستن اینکه تا چه حد همجنسگراهراسی در فردی درونی شده است، جنسیت هیچ‌گاه عامل پیش‌بینی‌کننده‌ای نبوده است.

عامل محتمل دیگر همجنسگراهراسی زن‌ستیزی است، همان جایی که نفرت یا انزجار جامعه از تمایل جنسی مردان گی، گی‌هایی که «مثل زنان رفتار می‌کنند» را هدف قرار می‌دهد و در نتیجه، این افراد مزیت مردانه‌ای که حق آنها دانسته می‌شد را ازدست می‌دهند. این در حالی است که گرایش جنسی لژیین‌ها به مثابه غصب اختیارات و مزایای مردانه دانسته می‌شود و در اینجا است که تمایز جنسیتی مشخص می‌شود. لژیین‌ها ممکن است به دلیل رفتارها و انتخاب‌های خود سرزنش شوند، ولی احتمال دارد که بیشتر هم درک شوند. مطالعات نشان داده است که گزارش‌های مربوط به مردانی که به دلیل گرایش جنسی قربانی شده‌اند، بیشتر از گزارش‌های مربوط به زنان است. مطالعه کالن، رایت، و الساندري نشان می‌دهد که مرد دگرجنسگرا نسبت به زن دگرجنسگرا همجنسگراهراس‌تر است¹. این مردان در رویارویی با گفتمان همجنسگرایی متعصب‌تر و حساس‌ترند.

1. سالیوان؛ وودارسکی. (2002). نشریه رفتار انسانی در محیط اجتماعی، 5 (1)، ص. 4.

بیشتر پژوهشگران جنسیت بر این عقیده‌اند که ارجاعات محدودی که در انجیل (مقام اخلاقی اصلی انجیل در این موضوع) به همجنسگرایی داده شده است، تعصب‌های مدرن همجنسگراهراسی را بنیان نهاده است.¹ سولیوان و ودارسکی (2002) می‌گویند: «ارجاعات انجیل به همجنسگرایی اساس تعصب مدرن برای همجنسگراهراسی شده است، چراکه بیشتر مخالفان همجنسگرایی و رفتارهای همجنسگراستیزانه به این اصل اساسی استناد می‌کنند که انجیل همجنسگرایی را نامقدس یا ممنوع می‌داند.»² گاهی این تنها حوزه‌ای است که رهبران همه مذاهب بزرگ در آن با یکدیگر متحدند و این رفتار را کج رفتاری جنسی تلقی می‌کنند. برای بیشتر این مذاهب، همجنسگرایی نهاد ازدواج و در نتیجه، نهاد خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.³ کلاسن، ویلیام، و لویت (1989) می‌نویسند که مذهب دریافت‌های خود را دارد که به انواع ترس‌ها از همجنسگرایی یا هر نوع گرایش جنسی منتهی می‌گردد که بر اساس باورهای مذهبی غیرطبیعی دانسته می‌شود.

بر اساس این باور، مشاهده شده است که خانواده‌های دارای وابستگی مذهبی در واکنش به کودکان دگرباش سخت‌گیرترند. در این پژوهش، طرد، محرومیت از ارث، و اجبار به درمان‌های پزشکی برای اینکه فرد دگرباش با هنجارهای گرایش جنسی همسو شود، تنها چند نمونه رایجی بود که پاسخ‌دهندگان از خانواده‌های مذهبی به آن اشاره داشتند.

همجنسگراهراسی با همه ویژگی‌هایش می‌تواند به طرد از جانب دوستان و خانواده منجر شود و گاهی اعمال تبعیض‌آمیز و خشونت علیه همجنسگرایان، دوجنسگرایان و تراجنسیتی‌ها را سبب شود. به طور خاص، تبعیض ممکن است باعث محرومیت از شغل سودآور، بیمه سلامت، و دسترسی به خدمات بهداشتی باکیفیت شود. بار عاطفی این موضوع می‌تواند برای افراد سنگین باشد و سبب بروز مسائلی در سلامت روان شود یا اقدام به خودکشی یا افکار مربوط به خودکشی را پدید آورد. همه این عوامل سبب می‌شود تا فرد همجنسگرا، دوجنسگرا

1. همان.

2. همان.

3. Steven Waldman. (2003). A Common Missed Conception. From

http://www.slate.com/articles/life/faithbased/2003/11/a_common_missed_conception.html.

یا تراجنسیتی نتواند به راحتی گرایش جنسی خود را ابراز کند و این امر می‌تواند موجب افزایش استرس شود، حمایت‌های اجتماعی از او را محدود کند، و بر سلامت‌ش تأثیر منفی بگذارد.

همجنسگراستیزی می‌تواند سبب شود تا جوانان به تمایلات جنسی خود احساسات منفی پیدا کنند و عزت نفس پایین یا حتی نفرت از خود را تجربه کنند. این عواطف مسبب چرخه‌های خودتخریبی شامل رفتارهایی همچون شرب الکل، مصرف مواد مخدر، و رفتارهای جنسی پرخطر و آسیب‌زننده به خود می‌شود¹.

در گزارشی به مناسبت روز جهانی مبارزه با همجنسگرایی در سال 2016 میلادی، بانک جهانی اثرات منفی همجنسگراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی را بر عملکرد اقتصادی کشورها و افزایش فقر بررسی کرد. بنا بر گزارش بانک جهانی، به دلیل برچسب‌زنی مداوم و تبعیض، دگرباشان جمعیتی‌اند که فقر را بیشتر تجربه می‌کنند و از آنجا که در حوزه آموزش و اشتغال، این افراد عقب می‌مانند، جامعه، به طور کل، مهارت‌ها و توان تولید آنها را نادیده می‌گیرد. بنابراین مبارزه با ترس از دگرباشان در جامعه می‌تواند سبب بهبود رفاه و تولید ثروت بیشتر برای همه شود.

دوجنسگراهراسی مفهومی است که حضوری بسیار پررنگ در اجتماع مردان همجنسگرا دارد و شامل رویکردی می‌شود که به شدت مغفول است. افرادی که خود را دوجنسگرا می‌دانند، اغلب از طرف دگرجنسگراها، که هویت آنها را «مرحله‌ای گذرا» یا به سادگی نامشروع می‌دانند، آزار می‌بینند. دوجنسگراهراسی تأثیری مخرب بر زندگی افراد دوجنسگرا دارد و سبب می‌شود تا بسیاری از آنها پنهان شوند و برای اجتناب از تمسخر و طرد «در صندوق» باقی بمانند. این مسئله می‌تواند بهزیستی و حس هویت آنها را تحت تأثیر قرار دهد و به سادگی پرورش اعتماد به نفس و قاطعیت را برای دوجنسگراها دشوار کند.

یکی از بدترین عواقب دوجنسگراهراسی تبعیضی است که فرد دوجنسگرا نه تنها از سوی کل جامعه، بلکه از سوی اجتماع همجنسگرایان می‌بیند. همان‌طور که اشاره شد، دوجنسگراها حتی از سوی غیردگرجنسگراها نیز

1. Valentine, G.; Skelton, T.; Butler, R. (2002). The vulnerability and marginalisation of lesbian and gay youth: ways forward. *Youth and Policy*, 75, 4-29.

دچار تبعیض می‌شوند. دوجنسگراهراسی، هم از سوی همجنسگرایان و هم از سوی دوجنسگرایان اعمال می‌شود. این رویه غالب به حاشیه راندن دوجنسگراها در اجتماع دگرباشان نگران‌کننده است.

راین اچس، متفکر و فعال مدنی دوجنسگرا، در نوشته‌ای سعی می‌کند این مسئله را چنین توضیح دهد: «افرادی که خود را همجنسگرای مرد یا همجنسگرای زن می‌دانند، اغلب به ما یا به چشم فردی آشفته نگاه می‌کنند یا به چشم مزاحمانی که بخشی از امتیازات دوجنسگرایان را دارند — که همجنسگرایان خود از آنها بی‌نصیب‌اند — و بسیاری از دوجنسگرایان ما را غیراخلاقی، پخش‌کنندگان شهوت‌ران بیماری و اخلاک‌گران خانواده می‌بینند.» او توضیح می‌دهد که لزبین‌ها و گی‌ها به همراه دوجنسگرایان، افراد دوجنسگرا را چگونه می‌بینند. مونرو (2015) هم توضیح می‌دهد که گی‌ها و لزبین‌ها این افراد را — که از قبل به حاشیه رانده شده‌اند — آزار می‌دهند تا برتری خود را تحکیم بخشند.¹

برای یک دوجنسگرا، زمان ابراز هویت معمولاً دوره‌ای بسیار سخت و غمگین در زندگی اوست. در جوامع غربی، در حالی که همجنسگرایی هر روز مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند، دوجنسگرایی همچنان به حاشیه رانده می‌شود و تابو به‌شمار می‌رود. پس پنهان کردن آن تنها انتخاب ممکن و عملی است. بیشتر روایت‌های دوجنسگراها از تاریخ زدوده شده‌اند تا آنها الگویی برای مدل‌سازی نداشته باشند. ستاره‌ها و شخصیت‌های معروفی هستند که دوجنسگراهای پنهان‌اند، اما به دلیل داشتن روابط با همجنس، به آنها برچسب لزبین یا گی زده شده است؛ مارلین دیتریچ، جون جوردن، فردی مرکوری، النور روزولت، و والت ویتمن نمونه‌هایی از این افرادند.² این وضعیت در همه جای جهان برای دوجنسگراها یکسان نیست. در ایران سال‌های اخیر، دوجنسگرایی کمترین توجه را از طرف رسانه‌ها و مطبوعات فارسی دریافت کرده است. صدای دوجنسگراهای ایرانی شنیده نمی‌شود و آنها صرفاً بر اساس کلیشه‌های همجنسگرایی قضاوت می‌شوند.

تراجنسیتی‌هراسی را می‌توان ترس و نفرت یا بی‌اعتمادی نسبت به افرادی دانست که تراجنسیتی‌اند یا کسانی که رفتار جنسیتی آنها با نقش‌های جنسیتی سنتی همسو نیست. رایان جونل (2009) تراجنسیتی‌هراسی را ترس و

1. Monro, Surya. (2015). *Bisexuality: Identities, politics, and theories*. Springer, article.

2. Tollefson, Kaia. (2010). Straight Privilege: Unpacking the (Still) Invisible Knapsack. Online Submission.

نفرتی غیر منطقی از کسانی تعریف کرده است که از دوقطبی زنانه یا مردانه گذشته‌اند، آن را مخدوش کرده یا از آن فراتر رفته‌اند. تراجنسیتی‌هراسی همچون نیرویی همیشه‌حاضر دیده می‌شود. تراجنسیتی هویتی است که به رسمیت شناختن آن برای بیشتر افراد در جهان کاملاً دشوار است. این احساس ناراحتی به تراجنسیتی‌هراسی می‌انجامد که در اثر آن افرادی که با کلیشه‌های جنسیتی رایج همسو نیستند، از جانب کسانی که از این هویت‌ها می‌ترسند یا با آنها راحت نیستند، آزار و تبعیض می‌بینند. نگاه مبتنی بر تراجنسیتی‌هراسی به تبعیض سازمانی شامل تبعیض در اشتغال و مسکن، خشونت پلیس، و خشونت‌های ناشی از تنفر از این افراد دامن می‌زند.¹ تراجنسیتی‌هراسی می‌تواند مانعی برای داشتن یک زندگی کامل عاری از آسیب باشد.

روایت‌های تاریخی دگرباشان و مبارزاتشان

همجنسگرایی در طول تاریخ و در سراسر جهان وجود داشته است. این پدیده در همه فرهنگ‌ها همواره بخشی از جامعه بوده است. در طول زمان و در مکان‌های مختلف، رویکردهای اجتماعی متفاوتی درباره روابط همجنسان وجود داشته است. در این نگاه‌های متفاوت، برخی با پذیرش این رفتار از مردان، انتظار رابطه جنسی با همجنس و روابط گذری آنها را دارند و برخی دیگر با سرکوب از طریق سازوکارهای انتظامی و قضایی، همجنسگرایی را گناهی بزرگ می‌دانند. در موارد دیگر، در برخی جوامع مذهبی، افراد همجنسگرا به مجازات مرگ محکوم می‌شوند. تفاوت فاحش میان فرهنگ‌ها در برخورد با این پدیده به میزان باز بودن بینش آن فرهنگ در مورد صحبت از این مقوله و نحوه عملکرد آن بستگی دارد.

گاهی گذرا به روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد که آنچه ما امروزه آن را رابطه جنسی یا رابطه عاشقانه با همجنس می‌دانیم، همواره توسط افرادی انجام می‌شده و این روابط همیشه بخشی از هر فرهنگی بوده است. درست است که پذیرش و درک این گونه روابط در طول قرون و اعصار تغییر یافته است، با این حال، مفهوم معاصر غربی دگرباشی یا همجنسگرایی واژه‌ای نو است که به اجتماعات لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها اشاره دارد. این اجتماعات از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته‌اند، گرچه ریشه‌های تاریخی آن‌ها هنوز مبهم‌اند.

1. Ryan, ruby, Joelle. (2009). *REEL GENDER: EXAMINING THE POLITICS OF TRANS IMAGES IN FILM AND MEDIA*. p. 8.

در واقع، مفاهیم همجنسگرایی و دوجنسگرایی به زمان معاصر بازمی‌گردد، زیرا پیش از آن، مردم فکر نمی‌کردند که باید «آنچه هستند» را نیز از منظر کشش جنسی خود تعریف کنند. بنابراین شیوه تفکر کنونی ما دربارهٔ هویت جنسی یا حتی رفتارهای جنسی به شدت در طول زمان تغییر کرده است. در روند این تغییرات، اجتماع همجنسگرا نیز گام‌های بزرگی برداشته است و از فضای آزار و اذیت به سوی نوعی پذیرش کلی از جانب فرهنگ عمومی حرکت کرده است.¹

دگرباشان در همهٔ انواع خود و در همهٔ اعصار و قرون بخشی از جامعه بوده‌اند. کاتز (1995) می‌گوید: «ساختارگرایان اجتماعی می‌توانند بافتارهای تاریخی بسیاری را شناسایی کنند که در آنها افراد در روابطی با همجنس وارد شده‌اند، اما تنها در میانهٔ قرن نوزدهم بود که واژگانی خاص، طبقه‌بندی‌های رفتار جنسی (به طور مشخص، یا همجنسگرا یا دگرجنسگرا) را برجسب زدند.» همچنین او معتقد است: «این واژه‌ها به ساخت جنسیت در عصر غرب مدرن کمک کردند.»²

بیشتر روایت‌های تاریخی از دگرباشان بر همجنسگرایی مردان در فرهنگ غربی تمرکز دارند و بیان می‌کنند که رویکرد جامعه به همجنسگرایی در همهٔ دوره‌ها — آن‌گونه که در ادامه توضیح داده می‌شود — با فراز و فرود همراه بوده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، بسیاری از جوامع غربی وابستگی‌های بسیار نزدیک عاطفی بین افراد همجنس را پذیرفتند که امروز به عنوان رابطهٔ عاشقانه شناخته می‌شود. اما در آن زمان، این نوع رابطه دوستی‌ای با تعهد بسیار زیاد دانسته می‌شد (چیزی که اکنون بسیاری از مورخان «دوستی عاشقانه» می‌خوانند). جوامع و فرهنگ‌های بسیاری موضعی کاملاً روشن در برابر روابط جنسی همجنسان، مخصوصاً در میان مردان، دارند. در کشورهای غربی و در ممالکی که مردمش پیرو سرسخت مسیحیت و اسلام‌اند، روابط همجنسان مردود دانسته می‌شود.³

1. Halperin, David. (2002). *How to Do the History of Homosexuality*. p 201–202.

2. کاتز، جان‌تان ند. (1995). نیویورک: پنگوئن، ص. 45.

3. جکل، اس؛ ونزلیگر، جی. (2015). مجلهٔ همجنسگرایی، ص. 207–241.

واژه همجنسگرا در سال 1869 میلادی سکه زده شد. تا آن زمان، همجنسگرایی گرایشی جداگانه دانسته نمی‌شد. در آن زمان، این گرایش جنسی که به‌تازگی پذیرفته شده بود، کم‌کم ظهور پیدا کرد و بر این استدلال استوار بود که کشش جنسی فرد به سوی فرد همجنس خودش جنبه‌ای ذاتی و تغییرناپذیر از شخصیت اوست.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، انجیل به صورت محدود به همجنسگرایی اشاره دارد؛ اولین ارجاع به همجنسگرایی در انجیل و در پیدایش 2:9-24 است و بسیاری از متفکران مسیحی معتقدند که حام، کوچک‌ترین پسر نوح، تحت تأثیر شراب با پدرش که خواب بود، مرتکب عمل همجنسگرایی شده است. انجیل، با داستان‌های عهد قدیم، ما را با برخی از اولین تابوها در این زمینه آشنا می‌کند. یک نمونه دیگر داستان تذکرها در سفر لاویان است: «اگر مردی با مردی، آن‌گونه که با یک زن می‌خواهد، بخوابد، هردوی آنها عملی شنیع انجام داده‌اند. مطمئناً آنها باید به مرگ محکوم شوند، خونشان باید به گردن خودشان باشد.» و «به همین شکل، مردان هم روابط طبیعی با زنان را کنار گذاشتند و با شهوت برای دیگری شعله‌ور شدند. مردان اعمالی گناه‌آلود با مردان دیگر مرتکب شدند و برای خطایشان در خود مجازات مقتضی دریافت کردند.» در کتاب تثنیه 22:5، مانند جنس مخالف لباس پوشیدن به عنوان عملی «منفور» محکوم شده است.

برعکس، رفتار همجنسگرایانه در برخی کشورها و دوره‌های زمانی، مثلاً در روم و یونان باستان، پذیرفته شده بود. همان‌طور که ذکر شد، بسیاری از روایت‌های اولیه از همجنسگرایی نشانگر آن است که بسیاری از فرهنگ‌ها رابطه با همجنس را مجاز می‌دانستند و دست‌کم در جوامع یونان و روم باستان، به این رفتار همچون آیینی برای گذار مردان جوان نگاه می‌شد. درواقع، دو حوزه اصلی بررسی‌های تاریخی در رابطه با پدیده باستانی همجنسگرایی — که توسط مورخان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند — همجنسگرایی یونانی و رومی هستند. بیشترین مطالب مربوط به تاریخ همجنسگرایی از یونان و در میان فلاسفه و نویسندگان برجسته‌ای مانند افلاطون، کسنوفون، پلوتارخوس، و شبه لوسین، نمایش‌هایی از ارسطوفان و آثار هنری و جام‌های یونانی دیده می‌شود. پروفیسور جیمز بی. دی. یانگ، استاد زبان عهد جدید و ادبیات در مدرسه علوم دینی و سترن در پرتلند ارگان، نیز اشاره کرده است که به‌نظر می‌رسد همجنسگرایی بیش از هر فرهنگ باستانی دیگری در میان یونانیان باستان به شکلی گسترده رواج

داشته است.¹ به گفته روانپزشک و مورخ جنسی، نورمن ساسمن، «برخلاف تلاش‌های گسترده و خودآگاهانه یونانیان برای تجلیل از همجنسگرایی و ارائه تصویری آرمانی از آن، رومی‌ها تنها آن را به شکل یک واقعیت و بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی جنسی انسان پذیرفته بودند».

در روم باستان، بدن جوان مردانه همچنان مرکز توجه جنسی مردان بود، اما روابطی نیز بین مردان مسن‌تر آزاد و بردگان یا مردان جوان آزاد وجود داشت که در آنها بردگان یا جوانان نقش مفعول رابطه را بازی می‌کردند. همه امپراتورها، به‌استثنای سزار، معشوقه‌های مرد داشتند. بسیاری از برجسته‌ترین مردان در جامعه روم اگر همجنسگرا نبودند، دوجنسگرا بودند. هم‌عصران ژولیوس سزار او را مرد تمام زنان و زن تمام مردان می‌نامیدند.² در زمان امپراتوری روم تحت حکومت آگوستوس، اولین ازدواج همجنسگرایان ثبت شد، کار جنسی همجنسگرایان مشمول مالیات شد و اگر یک رومی در رابطه جنسی با مردی دیگر منفعل دیده می‌شد، شهروندی او لغو می‌شد. بسیاری از شخصیت‌های تاریخی از جمله سقراط، لرد بایرون، ادوارد دوم، و هادرین با واژه‌هایی همچون گی یا لزبین به معنای امروزی آن خطاب می‌شدند. هنگامی که افلاطون کتاب ضیافت (سمپوزیون) را منتشر کرد، فایدروس، اروکسیماخوس، آریستوفانس، و سایر متفکران یونانی معتقد بودند که عشق بین مردان بالاترین شکل عشق است، در حالی که رابطه جنسی با زنان شهوانی و از سر فایده‌گرایی است.

در خاورمیانه نیز رویکرد آسان‌گیرانه مشابهی وجود داشت. یکی از حاکمان ایرانی در قرن یازدهم به پسرش توصیه کرد که در هر فصلی، شرکای خود را عوض کند، به این ترتیب که در تابستان، مردان جوان و در زمستان، زنان شریک جنسی او باشند. بسیاری از اشعار عاشقانه ابونواس، شاعر قرن هشتم بغداد، و دیگر شاعران پارسی‌زبان و اردوزبان خطاب به پسران بوده است. در متون عرفانی قرون وسطی مخصوصاً متون متصوفه، روشن نیست که آیا معشوق مورد خطاب پسری نوجوان است یا خداوند و این موضوع تأییدی شبه‌مذهبی برای رابطه بین مردان و پسران شده است.³ در شعر فارسی نیز نمونه‌های بسیاری از توصیف مردان زیباروی و پسران نوحاسته

1. همان.

2. Williams, Craig Arthur. (1999). *Roman homosexuality: Ideologies of masculinity in classical antiquity*. Oxford University Press on Demand, p. 88.

3. www.economist.com/node/21546002. Straight but narrow.

یافت می‌شود که گرچه این نشانه‌ها در شاعران سبک هندی بسیار بیشتر است، شاعران ایرانی دیگر مانند سعدی (1291 م)، حافظ (1389 م)، و جامی (1492 م) شعرهایی سروده‌اند که از نشانه‌های میل جنسی به همجنس سرشارند. در سرزمین پارس (ایران امروزی) با رفتارهای همجنسگرایانه و میل به همجنس در بسیاری از اماکن عمومی از دیرها و مدارس علوم مذهبی تا میخانه‌ها، اردوگاه‌های نظامی، حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه‌ها با مدارا برخورد می‌شد؛ چنانکه در اوایل دوره صفوی (1501-1723 م)، فاحشه‌خانه‌های مردانه (امردخانه) به شکل قانونی رسمیت یافته بود و صاحبان آنها مالیات می‌پرداختند. دو مورد از اشکالی که بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد، رابطه جنسی تجاری با مردان تراجنسیتی جوان یا مردانی است که نقش‌های تراجنسیتی بازی می‌کردند. این دو شکل رابطه در تمرین معنوی صوفیان و کچک‌ها — مردان جوان زیبارو که در لباسی زنانه می‌رقصند — نمایان است که فرد هیبت پسری زیبا را تحسین می‌کند تا وارد حالت خلسه شود و شمه‌ای از زیبایی حقیقی را ببیند. امروزه در برخی جوامع مدرن یا غربی، این شکل از تمایل جنسی به همجنس در دسته همجنسگرایی جای می‌گیرد.

درمقابل، تاریخ همجنسگرایی در مصر تا حدودی مبهم است، زیرا اسناد و متونی که به‌واقع شامل داستان‌هایی با مضمون جنسی‌اند، هرگز اشاره واضحی به ماهیت همجنسگرایی نداشته‌اند. اسناد کهن مصر مبهم‌اند و هرگز به‌روشنی بیان نکرده‌اند که رابطه با همجنس قابل سرزنش یا مطرود بوده است یا نه و هیچ سند کهن مصری نگفته است که همجنسگرایی بر اساس قانون جزا مستوجب مجازات است. درعوض، برای این مقوله، تفاسیری شاعرانه و پرآب‌وتاب به‌کار گرفته شده است و بهترین نمونه شناخته‌شده از رابطه محتمل همجنسگرایی در مصر باستان رابطه بین دو مقام عالی‌رتبه نیان خانم و خانم هتپ است که در زمان فرعون نیوسر در امپراتوری پنجم (2494-2345 پیش از میلاد) زندگی می‌کردند.¹

درمصر، هر مردی خانواده‌ای متشکل از فرزندان و همسران خود داشت و هنگامی که مرد می‌مرد، همسرانش نیز با او در یک قبر ماستابا (mastaba) دفن می‌شدند. نقاشی‌های متعدد به‌جامانده از مصر باستان دو مرد را نشان می‌دهد که یکدیگر را در آغوش گرفته و بینی‌های خود را به یکدیگر چسبانده‌اند. در مصر باستان،

1. ریچارد پارکینسون. (1995). باستان‌شناسی مصر. جلد 81، ص. 24-36.

تماس بینی به بینی معمولاً نشان‌دهنده بوسه بوده است. تا به امروز، مصرشناسان، متفکران و مورخان اختلاف نظر اساسی در مورد تفسیر این نقاشی‌های باستانی از نیان خانم و خانم هتپ داشته‌اند. برخی معتقدند که این امر نشان‌دهنده پذیرفته بودن رابطه با همجنس است. دیگران موافق نیستند و می‌گویند که آنها دوقلوهای به هم چسبیده بودند. آنچه انکارناپذیر است، این است که دست‌کم نیان خانم و خانم هتپ، چه در زندگی و چه در مرگ، رابطه‌ای نزدیک داشتند.

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، مردانی که در اروپا به دلیل تمایل جنسی خود آزار می‌دیدند، اغلب به مراکش پناه می‌بردند و سال‌ها پیش از آنکه غرب بتواند رؤیای ازدواج همجنسگرایان را در سر پیوراند، رابطهٔ مرد با مرد در واحهٔ دورافتادهٔ سیوا در مصر طی مراسمی به رسمیت شناخته می‌شد.

پیش از دورهٔ ویکتوریا، مردم همجنسگرایی را هویتی مجزا نمی‌دانستند و همهٔ انواع تمایلات جنسی را در چهارچوب دگرجنسگرایی می‌دیدند. برخی فرهنگ‌ها بر این باور بودند که همهٔ افراد احساسات همجنسگرایانه‌ای را در خود پنهان دارند. در بریتانیای دورهٔ ویکتوریا (1837-1901 م)، جامعه به ندرت دربارهٔ مفهوم همجنسگرایی صحبت می‌کرد و برخلاف سایر کشورهای اروپایی، روزنامه‌ها، قانون و مجلات پزشکی این کشور در برابر صحبت دربارهٔ موضوع‌های تابو، مانند همین موضوع، مقاومت می‌کردند. این نبود اطلاعات از راه وسایل ارتباطی نشان‌دهندهٔ وضعیت حاد بی‌میلی در مورد این موضوع و تابویی سخت بود، تا جایی که عموم مردم نه می‌خواستند چیزی بشنوند و نه نیازی می‌دیدند که اطلاعاتی دربارهٔ همجنسگرایی کسب کنند. این موضوع طبعاً تأثیری مستقیم بر مباحث مربوط به همجنسگرایی در کل جامعه داشت. بسیاری به اشتباه فکر می‌کردند که با منتشر نکردن این اطلاعات در سطح عموم، موضوع به سادگی به فراموشی سپرده می‌شود. حدود نیمهٔ قرن بیستم میلادی، روانشناسی جنسی مطرح شد، اما همجنسگرایی همچنان به عنوان وضعیتی خاص نگریسته می‌شد. با وجود این، دورهٔ ویکتوریا دوره‌ای مهم در تاریخ تمایلات جنسی است، دوره‌ای که در آن واژه‌های مدرنی ابداع شد که امروزه از آنها برای بیان شیوه‌های تفکر و صحبت دربارهٔ مسائل جنسی استفاده می‌شود.

از دهه 1880 میلادی، سکسولوژیست‌هایی مانند ریچارد فون کرافت ابینگ و هاولاک الیس پیشروی دانشی شدند که در آن، ترجیحات جنسی تحلیل و دسته‌بندی می‌شد. آنها واژه‌هایی همچون همجنسگرایی، دگرجنسگرایی، و نیمفومانیک را ابداع کردند.

در سطح آکادمیک، مطالعه همجنسگرایان در آلمان، در جایی شروع شد که این پدیده با مبارزاتی جهت ریشه‌کنی ممنوعیت‌های دولتی رفتارهای همجنسگرایانه همراه بود.¹ کارل هانریش اولریخت، دانشجوی حقوق و روزنامه‌نگار آلمانی، پیشروی این حوزه بود. او کسی بود که عنوان‌های به‌کاررفته در گفتمان همجنسگرایی را ابداع کرد. او با نوشتن درباره مفهوم مدرن همجنسگرایی، کل گفتمان رابطه با همجنس را دگرگون ساخت. امروزه او به عنوان پرچمدار جنبش مدرن حقوق مردان همجنسگرا شناخته می‌شود. در سال 1864 میلادی، واژه همجنسگرایی برای اولین بار در یک جزوه چاپی آلمانی – مجارستانی ظاهر شد. این جزوه نوشته کارل ماریا کرتبنی بود که وی یکی از اولین کسانی بود که نظریه علمی درباره همجنسگرایی را مطرح کردند. تا آن زمان، همجنسگرایی گرایشی مجزا دانسته نمی‌شد. نظریه او، که همجنسگرایی مادرزادی است، تمایزی اساسی از نظریه‌های پیشین و پسینی بود که همجنسگرایی یا «لواط» را فساد اکتسابی می‌دانستند. هیچ‌یک از این دو واژه تا پیش از نیمه دوم دهه 1860 میلادی وجود نداشت. بی‌شک، کرتبنی یکی از بسیار محققانی بود که به بنیان بیولوژیکی همجنسگرایی باور داشت. در میان رسانه‌های چاپی، نیویورک تایمز اولین نشریه مهمی بود که از واژه «همجنسگرایی» استفاده کرد.²

به گفته داینس و دنالدسون (1990)، هردو واژه از آلمان آمدند و در انتهای قرن نوزدهم میلادی با ترجمه بیمار روانی جنسیت‌زده، کاری از ریچارد فون کرافت ابینگ، وارد زبان انگلیسی شدند.³ او سعی کرد فهرستی از انواع مختلف رفتارهای جنسی تهیه کند. در سال‌های اولیه قرن بیستم، بسیاری همجنسگرایی را نوعی ناهنجاری

1. Dean, Carolyn J. (1996). *Sexuality and Modern Western Culture*. New York: Twayne Publishers, P. 22.

2. Fone, Byrne R. S. (2000). *Homophobia: a history*. New York: Metropolitan Books, P 131–132.

3. Dynes, Wayne R.; Donaldson, Stephen. (1990). *Encyclopaedia of Homosexuality*. Garland Pub, pp. 98–109.

روانی می‌دانستند و تا سال 1986 میلادی، همجنسگرایی بخشی از دستورالعمل تشخیصی انجمن روانشناسی آمریکا بود.

اما واژه همجنسگرایی محصول قرن بیستم میلادی است. کاتز (1995) در کتاب خود با عنوان ابداع دگرجنسگرایی درباره تکامل واژه دگرجنسگرایی صحبت می‌کند. بنا به نظر او، این واژه کمی بیش از یک قرن است که وارد زبان انگلیسی شده است. او قرن بیستم را «قرنی دگرجنسگرا» نامید. به گفته کاتز، در این قرن فرضیه «دگری» تثبیت شد، جا افتاد و به شکلی گسترده، به عنوان ارتدوکس جنسی حاکم در همه جا منتشر شد.

با این حال، از میانه دهه 1890 تا 1960 میلادی، فرهنگ عمومی آمریکا با واژه‌های دگرجنسگرا و همجنسگرا آشنا شد و بنابراین هنجار جنسی متفاوت جدیدی پدید آمد که رفته‌رفته بر جمعیت دگرجنسگرایان — که برتر از همجنسگرایان (لزبین و گی) دانسته می‌شدند — غالب شد. بررسی کلی تاریخ نفرت علنی جامعه از همجنسگرایی و طرد آن نشان می‌دهد که با چه شدتی همجنسگرایی مردود دانسته می‌شده است. برای مثال، دادگاه اسکار وایلد به تعقیب قانونی موفقیت‌آمیزی تحت سند اصلاح قانون جزا در سال 1885 میلادی برای «عمل بیشرمانه سنگین» و دو سال کار سخت در زندان ختم شد. در برزیل، آدولفو کامینها رمان جنجالی خود با نام مرد سیاه‌پوست و پسر خدمه کشتی (*Bom-Crioulo*) — که موضوع اصلی آن همجنسگرایی و نژادپرستی بود (مردی سیاه‌پوست قهرمان داستان است) — را منتشر کرد. ترجمه انگلیسی این کتاب توسط ای.ای. لیس، در سال 1982 میلادی، از انتشارات گی‌سان‌شاین بیرون آمد. این رمان اولین کار ادبی بزرگ درباره همجنسگرایی بود که در برزیل چاپ می‌شد و یکی از اولین آثاری بود که در آن قهرمان داستان یک سیاه‌پوست است. انتشار این رمان جنجال به‌پا کرد.

دهه 1900 میلادی چندان بهتر نبود. پلیس نیویورک، در تاریخ 21 فوریه سال 1903 میلادی، اولین حمله ثبت‌شده در آمریکا به یک حمام عمومی گی‌ها به نام حمام هتل آریستون را انجام داد. در این حمله، بیست‌وشش مرد دستگیر و دوازده نفرشان به جرم لواط محاکمه شدند، هفت مرد هم به چهار تا بیست سال زندان محکوم شدند. حدود مرزهای سخت‌گیرانه جدید سبب شد تا دنیای جدید شهوانی و جنسیتی کمتر چنددگردیس (پلی‌مورف) باشد. حزب کارگران آلمانی سوسیال ناسیونال گروه‌های همجنسگرا را ممنوع کرد. در آلمان نازی،

همجنسگراها به اردوگاه‌های مرگ فرستاده می‌شدند. در زمان هولوکاست، یک‌صد هزار مردِ گی دستگیر شدند و بین پنج هزار تا پانزده هزار مرد همجنسگرا در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها جان دادند. در زمان مک‌کارتی هنگامی که جادوگران مورد تعقیب بودند، صدونود نفر به دلیل گرایش جنسی خود از آمریکا اخراج شدند و این شروعی بود بر آنچه بعدها هراس لوندر – تعقیب جادوگران و اخراج انبوه‌گی‌ها در دهه 50 – نام گرفت. این حرکت به موازات کارزار ضدکمونیستی مک‌کارتیزم و هراس سرخ دوم صورت گرفت. سناتور مک‌کارتی تأکید داشت که همجنسگرایان و لژیون‌ها تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا و طرفداران کمونیسم بودند و همین سبب شد که آنها را از مشاغل دولتی برکنار کنند.¹

این واکنش شدید اجتماعی که با ممنوعیت مصرف الکل در آمریکا شروع شد، در کل دهه 50 میلادی ادامه یافت. فعالیت‌های زیرزمینی دگرباشان لغو شد، نمایش‌ها و فیلم‌ها سانسور شد و انبوهی از قوانین و مقررات وضع شد تا اجازه ندهند که همجنسگرایان در رستوران‌ها، بارها، و باشگاه‌ها پذیرایی شوند یا حتی کار کنند. تا سال 1970 میلادی، سرو نوشیدنی الکلی در نیویورک برای کسی که همجنسگرایی‌اش مشخص بود، غیرقانونی بود. در طی جنگ سرد، سیاست‌های پلیسی برضدگی‌ها شدت یافت و پلیس محلی هشدار داد که همجنسگرایان کودکان مملکت را تهدید می‌کنند.

در میانه قرن نوزدهم میلادی، شهرهای اروپایی و آمریکایی مرکز اجتماعاتی پیچیده از تمایلات جنسی مختلف شدند، جایی که افراد با گرایش‌های جنسی گوناگون از مرزهای طبقه، نژاد، جنسیت، و سن فراتر می‌رفتند، جایی که مرکزی برای پرورش هویت بود. بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، همجنسگرایی آشکار شد و به عنوان مسئله‌ای عمومی به شدت خودش را تثبیت کرد.² ویکس (1988) در یکی از روایت‌های خود می‌گوید: «از زمان جنگ جهانی دوم، گسترش این خرده‌فرهنگ‌ها حیرت‌آور بوده است و یکی از قهرمانان دور از ذهن این حرکت

1. Johnson, David K. (2004). *The Lavender Scare*. Chicago University Press.

2. Sedgwick, Eve Kosofsky. (1985). *Between Men: English Literature and Male Homosocial Desire*. New York: Columbia University Press, pp. 83-96.

گسترده رشد بارهای گی است»¹. بارهای گی که بین اوایل تا نیمه قرن بیستم شروع به کار کردند، به ویژگی بسیاری از شهرهای آمریکا بدل شدند و محلّ اجتماع کسانی بودند که در پی دیدار با شرکای جنسی خود بودند و می‌خواستند پوشش و رفتار جنسیتی موردنظر خود را داشته باشند یا تنها به دنبال تعامل با افراد همفکر با خود در حوزه‌های دیگر بودند.

شورش‌های استون وال

امروزه بسیاری بر این باورند که جنبش گی‌ها با شورش‌های استون وال (Stone Wall) در سال 1969 میلادی شروع شد. بی‌شک، شورش‌های استون وال — که استون وال هم نامیده می‌شود — نقطه عطفی در حقوق دگرباشان بود، چراکه این قیام به تولد جنبش بین‌المللی حقوق مردان همجنسگرا کمک کرد.

پیش از پایان قرن، در بسیاری از شهرهای بزرگ از جمله نیویورک، گی‌ها حضور پررنگی داشتند. در چندین محله نیویورک، همجنسگراها محدوده‌های خود را داشتند و بسیاری از مراکز تجاری انحصاراً یا بیشتر به همجنسگراها خدمات ارائه می‌دادند. در سال 1969 میلادی، درخواست شروع رابطه همجنسگرایانه در نیویورک و درواقع، در همه مراکز شهری ایالات متحده، عملی غیرقانونی بود. بنابراین بارهای گی‌ها پناهگاه‌هایی برای مردان گی، لزبین‌ها و دیگر افرادی بود که از نظر تمایلات جنسی مشکوک بودند. در آنجا، آنها می‌توانستند پنهانی در امنیتی نسبی به دور از آزار عمومی با یکدیگر معاشرت کنند. البته این امنیت نسبی معمولاً با آزار مداوم پلیس مختل می‌شد. یکی از این محل‌های تجمع شناخته‌شده برای دگرباشان جوان، باری به نام استون وال این (Stone Wall Inn) در خیابان کریستوفر، در گرینویچ ویلج، بود که باری تاریک، بدظاهر، و شلوغ بود و آن‌طور که می‌گویند بدون مجوز برای سرو نوشیدنی الکلی کار می‌کرد.

در ساعات آغازین صبح روز شنبه 28 ژوئن 1969 میلادی، نه پلیس وارد استون وال این شدند و کارکنان را به جرم فروش الکل بدون مجوز دستگیر کردند و به ضرب و شتم مشتریان پرداختند و بار را خالی کردند. قانون جزای آن روز نیویورک دستگیری هرکس را که دست‌کم سه تکه لباس متناسب با جنسیتش پوشیده باشد، مجاز

1. Weeks, Jeffery. (1988). *Sexuality and Its Discontents Meanings, Myths and Modern Sexualities*. London: Rutledge and Kegan Paul, P. 192.

می‌دانست. پس بر اساس این قانون، چندین نفر را در استون وال این بازداشت کردند. این سومین حمله این چنینی به بارهای گی‌ها در گرینویچ ویلج در مدت زمانی کوتاه بود. سپس آنچه انتظار نمی‌رفت، رخ داد و به جای اینکه مردم به عادت همیشه، بیرون بار جمع شوند، این بار نه عقب‌نشینی کردند و نه پراکنده شدند. همین‌طور که جمعیت به مشتریان بار نگاه می‌کرد که به زور به ون پلیس برده می‌شدند، خشم جمعی شروع به جوشش کرد. مردم پلیس‌ها را مسخره می‌کردند و به آنها سقلمه می‌زدند و بعد بطری‌ها و زباله‌ها را به سمت پلیس پرت کردند. این خبر دهان‌به‌دهان در کل گرینویچ ویلج و در سراسر شهر پیچید و صدها گی و لزبین، سیاهان، سفیدپوستان، اسپانیایی‌تبارها، و خصوصاً طبقه کارگر در ناحیه خیابان کریستوفر در اطراف استون وال این جمع شدند تا به این آشوب بپیوندند. پلیس‌ها، که حتی در گروه‌های بزرگ‌تر گی‌ها به رفتاری منفعلانه عادت داشتند، درخواست نیروی کمکی کردند و داخل بار پناه گرفتند، در حالی که جمعیتی حدود چهارصد نفر در حال شورش بودند. موانعی که پلیس برای جلوگیری از ورود افراد به بار گذاشته بود، به دفعات شکسته شد و بار به آتش کشیده شد. نیروهای کمکی پلیس به موقع از راه رسیدند و شعله‌های آتش را مهار کردند و نهایتاً موفق شدند جمعیت را پراکنده کنند. حالا پلیس کمک نیروی گشت تاکتیکی (TPF) را داشت که گروه ضربت ضدشورش بود و به طور خاص، برای پراکنده ساختن افراد معترض به جنگ ویتنام آموزش دیده بودند. مجموعه‌ای از درگیری‌های خشونت‌آمیز بین پلیس و فعالان حقوق مردان همجنسگرا برای پنج روز متوالی در بیرون استون وال این ادامه یافت.

میراث استون وال

درگیری نامنتظره آن‌گونه که در چهارچوب جنبش‌های فمینیستی و حقوق شهروندی رخ داد، به نیرویی انگیزه‌بخش بدل شد. بسیاری از مورخان این قیام را اعتراضی خودجوش به آزار مداوم پلیس و تبعیض اجتماعی توصیف کردند که انواع اقلیت‌های جنسی در دهه 60 میلادی با آن روبه‌رو بودند. گرچه گروه‌های گی اعتراضات دیگری را هم اعلام کردند و به‌نمایش گذاشتند، احتمالاً حادثه استون وال اولین بار بود که افراد دگرباش در آن ارزش اتحاد در جهت یک آرمان مشترک را دریافتند. خیلی زود استون وال به نمادی از مقاومت در برابر تبعیض اجتماعی و سیاسی تبدیل شد که در طی دهه‌های بعد الهام‌بخش همبستگی میان گروه‌های همجنسگرا شد. کنشگری گی‌ها در پی شورش‌های استون وال در نیویورک و در سال 1969 میلادی (دابرمن، 1994) سبب شد تا اقلیت‌های جنسی

بیشتر دیده شوند و گفت‌وگوی بیشتری در بین کارشناسان حوزه سلامت روان در زمینه پژوهش درباره گرایش جنسی را در پی داشت. نمی‌توان گفت که شورش‌های استون وال آغازگر جنبش حقوق گی‌ها بوده است، اما این اتفاق کاتالیزور و عاملی شتاب دهنده برای نسل جدیدی از کنشگری سیاسی شد. آنچه رفته‌رفته پدیدار شد، هویت پذیرفته‌شده جدیدی از گرایش جنسی بود که کشش جنسی فرد به همجنس خود را بُعدی ذاتی و تغییرناپذیر از شخصیت او می‌دانست.

دگرباشان در ادبیات

تا پیش از دوره ویکتوریا، زمانی که همجنسگرایی در بسیاری از جوامع اروپایی و آمریکایی عملی مجرمانه محسوب می‌شد، چیز زیادی درباره دگرباشان نوشته نشده بود. درواقع، ایده سبک زندگی انحرافی گی در این بافتار تاریخی پدید آمد و پیش از دوره ویکتوریا، مردم همجنسگرایی را هویتی مجزا نمی‌دانستند، بلکه آن را تمایلی جنسی می‌دیدند که در چهارچوب دگرجنسگرایی عمل می‌کرد و برخی فرهنگ‌ها باور داشتند که همه افراد احساسات جنسی به همجنس را در خود به صورت پنهان و نهفته دارند.

مسائل مربوط به دگرباشان همیشه در رمان‌ها، فیلم‌های ساخته‌شده بر اساس رمان‌ها، کتاب‌های تاریخی و پژوهش‌های مربوط به حقوق اجتماعی و شهروندی، تحقیقات علمی و ادبیات محدود درباره دگرباشان دیده شده است. در ادامه، نگاهی کلی بر ادبیاتی می‌اندازیم که در آن، بر روایت دگرباشی تأکید شده است.

رمان‌ها

— رمان دو پسر هنگام شنا، اثر جیمی اونیل، داستان عاشقانه پرشوری درباره دو پسر نوجوان و درگیری آنها با مردی مسن‌تر در میانه قیام عید پاک سال 1916 میلادی در دوبلین است.

— شهر شب، اثر جان رکی، رمانی درباره فاحشه‌های خیابانی گی در دهه 50 میلادی است.

— زندگی نامرئی، اثر ای. لین هریس، اکتشافات جنسی یک دانشجوی حقوق آمریکایی — آفریقایی را شرح می‌دهد.

و ادبیات لزبین پر از نشانه‌های آشنای شکنجه‌ای غم‌انگیز است.

— گفتمان همجنسگرایی زنان در اثر کلاسیک چاه تنهایی رادکلیف هال ظاهر شد که اولین بار در سال 1928 میلادی منتشر شد. تصویر کلاسیک او از عشق دوزن همجنسگرا اشاره‌ای نسبتاً مشخص به زندگی خودش بود. کتاب بلافاصله پس از انتشار ممنوع شد و تقریباً حرفه ادبی او را نابود کرد.

— اثر ژانت وینترسون، با عنوان پرتقال‌ها تنها میوه‌ها نیستند، داستان بیداری جنسی یک زن جوان است. این کتاب برنده جایزه اول وایت‌برد شد.

— در اواخر قرن نوزدهم میلادی، یادداشت‌های روزانه ان لیستر چاپ شد که گنجینه‌ای بزرگ از تاریخ اجتماعی لزبین‌ها به‌شمار می‌رود. کتاب روایتی از زندگی واقعی ان لیستر در معاشقه با زنان است. ان لیستر اهل شیدن هال (1791-1840 م) زنی باهوش و کارآفرین و از نظر اجتماعی جاه‌طلب بود که سعی داشت جایگاه خود را فراتر از ریشه‌های خانوادگی — که چندان هم اصیل نبود — تثبیت کند. وقتی عمو جیمز ان در سال 1826 میلادی ازدنیا رفت، ان وارث شیدن در نزدیکی هالیفاکس در یورکشایر شد. او زنی را برای خود انتخاب کرد تا بدن و ثروتش را با او سهیم شود. این کار استقلال و کنترل او بر دارایی‌هایش را به‌نمایش گذاشت. این روایت که در قالب یادداشت‌های روزانه آمده است، موارد بسیاری را به تصورات خواننده برای تحلیل و خیال‌بافی وامی‌گذارد. او از تشریح واضح رفتارهای همجنسگرایانه خودداری کرده است و در عوض، با به‌کارگیری واژه «بوسیدن» معنایی به‌مراتب فراتر از عمل بوسیدن را القا کرده است. یادداشت‌های روزانه ان لیستر از چهار میلیون کلمه تشکیل و به زبان رمزی نوشته شده بود که ترکیبی از زبان یونان باستان و جبر بود. این یادداشت‌ها در دهه 30 میلادی رمزگشایی شدند. این موضوع نشانگر آن است که در قرن هجدهم، ادبیات چندان به روی همجنسگرایی باز نبود.

برخلاف همجنسگرایی، گفتمان دوجنسگرایی که از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی دیده می‌شود، همچنان محدود است.

— پاسخ غبارآلود اولین رمان رزاموند لیمن در سال 1927 میلادی اهمیت بسیاری داشت، چراکه نشان‌دهنده نگاه به دوجنسگراها در آن زمان بود.

— اثر جیمز بالدوین در سال 1956 میلادی، با عنوان اتاق حیوانی، داستانی دربارهٔ یک مرد آمریکایی ساکن پاریس است که دو موضوع همجنسگرایی و دوجنسگرایی را مطرح کرده است. داستان احساسات مرد و رابطهٔ عاشقانهٔ پر از درد او را با متصدی بار ایتالیایی روایت می‌کند که حیوانی نام دارد و با او در یک بار پاریسی گی‌ها آشنا می‌شود.

— رنگ بنفش، اثر آلیس واکر، داستان تلخ زنی جوان به نام سیسیل در دههٔ 30 میلادی و عشق او به زنی دیگر است.

به همین ترتیب، رمان‌های بسیاری راه سخت و پرمشقت تبدیل شدن از یک مرد به زن و برعکس را به تصویر می‌کشند.

— ارلاندو: یک زندگی نامه، اثر ویرجینیا وولف که یکی از شخصیت‌های ادبی پیشرو در عصر مدرن و بسیار مورد احترام قرن بیستم است، دربارهٔ شاعری است که از مرد به زن تبدیل می‌شود و قرن‌ها زندگی می‌کند.

— میدل سکس، اثر جفری یوجنیدز و برندهٔ جایزهٔ پولیتزر، دربارهٔ فردی است که به طور بیولوژیک، دو بار به دنیا آمده است، یک بار به شکل دختر و بعدتر به دنبال عمل جراحی به شکل پسر.

— مجموعهٔ کتاب‌های فکاهی لاو اند راکتس (Love and Rockets) (1981-1996 م) به شکلی ظریف به دوجنسگرایی می‌پردازد و به این واژه رنگ و معنایی ظریف می‌بخشد.

— کریزی کت (1913-1944 م)، دختران گمگشتهٔ آلن مور (1991-2006 م)، غریبه‌ها در بهشت تری مور (1993-2007 م) چندین شخصیت دوجنسگرا را شامل می‌شوند.

— شخصیت جنسی از کامیل پاگلیا (1990 م) نیز از سابقهٔ پنهان در گذشتهٔ دوجنسگرایی پرده برداشت.

رمان‌های مورد اقتباس در فیلم‌ها

— در سال 1934 میلادی، نمایش آمریکایی لیلیان هلمن، ساعت کودکان، که بعدها فیلمی بسیار مورد تحسین از آن ساخته شد، داستان دختر بچهٔ بدجنسی را روایت کرد که به دو معلم یک مدرسهٔ شبانه‌روزی دخترانه اتهام همجنسگرا بودن می‌زند.

— در سال 1997 میلادی، از مجموعه دامنۀ نزدیک می‌توان به

داستان کوهستان بروکبک نوشته آنی پرولکس اشاره کرد که شاهکار

او دانسته می‌شود و داستان دو مرد است که در یک تابستان با یک

چادر شراکتی، عاشق هم می‌شوند. بعدها بر اساس این داستان،

یک فیلم درام رمانتیک غربی به کارگردانی آنگ لی تولید شد.

— موریس، اثر ای.ام. فاستر، داستان عشق دو همجنس است که

در اوایل قرن بیستم میلادی در انگلستان رخ می‌دهد. فاستر قصد

نداشت کتاب را در طول حیات خود چاپ کند و باور داشت که کتاب انتشارناپذیر است. بعدها که این رمان منتشر

شد، فیلمی از آن اقتباس شد.

— نمایشنامه نیمچه زندگی نامه‌ای تارل آلوین مک کارنی به نام زیر نور مهتاب، پسران سیاه غمگین به نظر می‌رسند

به فیلمی درام درباره هویت و همجنسگرایی با عنوان «مهتاب» تبدیل شد. مهتاب در سال 2016 میلادی، جایزه

بهترین فیلم اسکار را دریافت کرد.

نکته مهم این است، چه کسی به لژیون‌ها گرایش داشته باشد و چه به

گی‌ها یا دوجنسگراها یا تراجنسیتی‌ها، ادبیات در مورد همه این

گرایش‌ها و هویت‌های جنسی مختلف جان‌مایه‌های یکسانی دارد:

تنهایی، ترس، طرد شدن، انزوا، دشواری ابراز وجود، و انزجار از خود.

چشم‌انداز تاریخی

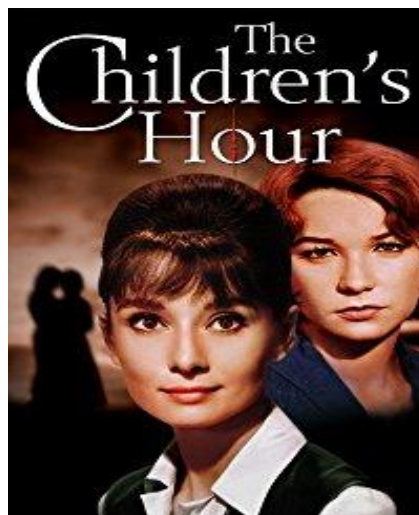
مایکل فوکالت (1981) در تحقیقات خود تمایل جنسی را از منظری

تاریخی از زمان یونان باستان تا عصر مدرن تحلیل کرد. او به شکلی

سلیس می‌گوید که تمایل جنسی در طول زمان و مکان تغییر می‌کند و یادآور می‌شود که «هرچند رفتارهای جنسی

در جوامع باستانی شبیه آن چیزی‌اند که امروزه آن را رفتار همجنسگرایانه یا دگرجنسگرایانه می‌بینیم، این واژه‌ها با

اجتماعات کهن همسو نیستند. برای مثال، یونانیان باستان واژه‌ها یا مفاهیمی نداشتند که با دوقطبی معاصر، یعنی



«همجنسگرا» و «دگرجنسگرا»، همخوانی داشته باشد و بنابراین واژه‌های مدرن را نمی‌توان دقیقاً در این بافتار تاریخی متفاوت به کار گرفت»¹. در مجموع، همه این هویت‌های جنسی بخشی از تاریخ است و در همه فرهنگ‌ها وجود داشته‌اند، هرچند ممکن است با برچسب دگرباش مشخص نشده باشند.

پژوهش‌های علمی

مرور ادبیات نشان می‌دهد که پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند تا نشان دهند که رویکردها به همجنسگرایی می‌تواند بر اساس عوامل بسیاری همچون ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، متغیرهای شخصیتی و ارتباطی، و باورهای سیاسی و اجتماعی متفاوت باشد.

کار پژوهشی الیاسون² (1997) و هرک (2002) نشان می‌دهد که رویکردها به دوجنسگراها اغلب با نگاه به همجنسگرایان ترکیب شده است. بنابراین پژوهش‌های بسیار محدودی درباره دیدگاه دگرجنسگرایان به مردان و زنان دوجنسگرا انجام شده است. همچنین این باور وجود دارد که زنان دگرجنسگرا معمولاً در احساسات خود نسبت به دوجنسگراها بیش از مردان دگرجنسگرا مثبت هستند و زنان دوجنسگرا معمولاً بالاتر از مردان دوجنسگرا دانسته می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد دگرجنسگرا درباره پذیرفتگی رفتار همجنسگرایانه و دسترسی مردان و زنان همجنسگرا به حقوق و آزادی‌های برابر مدنی دو نظر متفاوت دارند. در سال 2001 میلادی، مجله تایم شواهدی را گزارش کرد که بر یافته‌های سال 1995 میلادی صحنه می‌گذاشت و از نظریه‌ای دفاع می‌کرد که بر اساس آن «ژن‌های گی» ممکن است از قبل، مردان را مستعد رابطه با همجنس کند.

در همین راستا، پژوهشی جدید در دانشگاه کالیفرنیا انجام شد و در جلسه سالانه انجمن ژنتیک انسانی آمریکا در بالتیمور ارائه شد که ادعا کرده است ممکن است همجنسگرایی تحت تأثیر عوامل محیطی در زمان کودکی به وجود آید. این ادعا پس از آن بود که دانشمندان دریافتند تغییرات ژنتیکی‌ای که بعد از تولد رخ می‌دهد، می‌تواند مشخص کند که آیا مردی همجنسگرا است یا دگرجنسگرا. مطالعه دوقلوهای پسر نشان می‌دهد که

1. Foucault, M. (1981). *The History of Sexuality* (Volume 1: An Introduction). London: Pelican, p 39.

2. Eliason, M. J. (1997). The prevalence and nature of biphobia in heterosexual undergraduate students. *Archives of Sexual Behavior*.

تأثیرات ژنتیک محیطی و تغییرات شیمیایی ژنوم انسان که بدون تغییر توالی DNA فعالیت ژن‌ها را تغییر می‌دهد، می‌تواند تأثیر زیادی بر گرایش جنسی داشته باشد.

حقوق شهروندی

آثار ادبی بسیاری از منظر نابرابری‌های اجتماعی و شهروندی و رشد دگرباشی به موضوع دگرباشان پرداخته‌اند. برای نمونه، چان (2002) نشان داد که چگونه دگرباشان در هنگ کنگ، در مقایسه با دگرجنسگرایان، مورد خطاب رفتارهای نابرابر قرار می‌گیرند¹. به همین شکل، اُچا سعی داشت پژوهشی دربارهٔ صنعت جنسی در تایلند و چگونگی شکل‌گیری رویکردها و رفتارهای جدید نوظهور در تایلند انجام دهد، گرچه دگرباشی در تایلند به تحقیق و مطالعات پژوهشی بیشتر نیاز دارد. سیراج (2012) نیز این موضوع را تحلیل کرد که چگونه اسلام سبب رنج و درد لزبین‌های مسلمان می‌شود².

اتحادیهٔ آزادی‌های شهروندی آمریکا (ACLU) همواره در دادگاه‌ها بسیار فعال بوده است تا حقوق دگرباشان را تضمین کند. مجلهٔ اتحادیه با عنوان STAND گزارشی هولناک از وضعیت حقوق‌گی‌ها در سراسر جهان، یعنی بهترین و بدترین کشورها از نظر برابری، منتشر کرد. جارد پلیس (Jared Polis) سازمانی است که خود را به متوقف ساختن همهٔ اشکال تبعیض و همسو ساختن قانون با ارزش‌های منطبق با زمان متعهد می‌داند. در نوامبر سال 2015 میلادی، جارد به تشکیل اولین گروه کاری برابری تراجنسیتی‌ها در سطح کنگره کمک کرد.

1. Chan, Phil C. W. (2005). the lack of sexual orientation anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations. *The International Journal of Human Rights*, 9:1, pp.69-106. Available from <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347> [7 November 2012].HonHH.

2. Siraj, Asifa. (2012). I don't want to taint the name of Islam: the influence of religion on the lives of Muslim lesbians. *Journal of Lesbian Studies*, 16(4), pp.449-467. Available from <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10894160.2012.681268> [1st November, 2012].

ادبیات موجود دربارهٔ دگرباشان در ایران

پژوهش‌های اندکی دربارهٔ دگرباشان در ایران انجام شده است و تنها تعداد محدودی مستند و چند مقالهٔ روزنامه‌ای وجود دارد. پروژهٔ اطلاعات و پژوهش خاورمیانه (MERIP) اطلاعاتی دربارهٔ سازمان اقدام آشکار جهانی — که پیش از این کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر گاهی و لزبین‌ها نامیده می‌شد — منتشر کرد.

در اکتبر سال 2015 میلادی، اقدام آشکار جهانی سه کارشناسی که حوزه‌های کاری مشترک داشتند را برای گفت‌وگو دربارهٔ برخی مسائل مذهبی، حقوقی، و اجتماعی‌ای که افراد دگرباش ساکن ایران با آنها روبه‌رو هستند، گرد هم آورد. پیشتر، یعنی در سال 2012 و 2014 میلادی، دو دوره جلساتی در دوسلدورف آلمان برگزار شده بود که در آنجا اقدام آشکار جهانی علنی حقوق‌دانان، فعالان حقوق بشر، و دانشگاهیان را برای شرکت در میزگردی دربارهٔ وضعیت دگرباشان در ایران دور هم جمع کرده بود. عنوان این میزگرد «حقوق دگرباشان در ایران» بود. گزارش آنها با عنوان «حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها در ایران» خلاصه‌ای از یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های کنفرانس و رویکردهای جدید برای بهبود وضعیت حقوق دگرباشان ایرانی بود.¹

در سال 2013 میلادی، مرکز مستندسازی حقوق بشر ایران گزارشی شصت صفحه‌ای با عنوان «هویت انکارشده: نقض حقوق بشر اجتماع دگرباشان ایران» تهیه کرد. هرچند انبوهی از مصاحبه‌ها با گی‌ها، لزبین‌ها، و تراجنسیتی‌های ایرانی انجام شد، به دلایل امنیتی، بیشتر این مصاحبه‌شوندگان دیگر در ایران زندگی نمی‌کردند. اما مطالعه حاضر شامل مصاحبه با افرادی است که اکنون در ایران زندگی می‌کنند.

نظریه‌های مربوط به دگرباشی

ما طبیعت را از پیش برنامه‌ریزی شده و تحت تأثیر وراثت ژنتیکی و دیگر عوامل بیولوژیک می‌دانیم. از طرف دیگر، پس از بسته شدن نطفه، تربیت فرد تحت تأثیر عوامل خارجی مانند محیط، تجربه، و آموزش قرار می‌گیرد.² در حوزه رفتار انسانی، بحث قدیمی طبیعت در مقابل تربیت و تأثیر محیط، چه محیط پیش از تولد و چه محیط

1. حقوق لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها در ایران، از

www.iglhr.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf.

2. McLeod, S. A. (2007). Nature Nurture in Psychology. Retrieved from www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html. Accessed November 4, 2017.

زندگی فرد یا ژن‌ها، از بحث‌های مهم در حوزه گرایش‌های جنسی است. نظریه‌های مختلف همجنسگرایی یا از رویکرد ذات‌باوری نشئت گرفته است یا روش ساخت اجتماعی. اخیراً یافته‌ای دوقطبی همبستگی را نشان می‌دهد که بر اساس آن، کسانی که معتقدند همجنسگرایی خطاست، معمولاً بر این باورند که همجنسگرایی انتخابی فردی است (نظریه زیست‌محیطی) و در مقابل، آنهایی که فکر می‌کنند همجنسگرایی عادی (نرمال) است، بیشتر به یک نظریه علیت بیولوژیک یا ژنتیکی اعتقاد دارند¹.

بیشتر پژوهشگران توافق دارند که عوامل بیولوژیک و اجتماعی بر پیدایی گرایش جنسی تأثیر می‌گذارد، اما هیچ عامل تعیین‌کننده قطعی، ساده و واحدی برای گرایش جنسی مشخص نشده است و هیچ‌گونه شواهد قطعی نیز در اثبات یک علت مشخص برای همجنسگرایی وجود ندارد. مطالعات مختلف به عوامل تعیین‌کننده مختلف و حتی متناقض اشاره می‌کند، اما دانشمندان بر این فرض‌اند که ترکیبی از عوامل ژنتیکی، هورمونی، و اجتماعی گرایش جنسی را تعیین می‌کند. انجمن روانشناسی آمریکا (APA) اعلام کرده است که عوامل گوناگونی بر تمایل جنسی یک فرد تأثیر می‌گذارد.

تازه‌ترین متون منتشرشده در انجمن روانشناسی آمریکا از این حکایت دارد که گرایش جنسی یک انتخاب نیست که بتوان آن را با اراده خود تغییر داد و به احتمال زیاد گرایش جنسی نتیجه تعاملات پیچیده عوامل محیطی، شناختی، و بیولوژیک است و در سنین پایین شکل می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد که عوامل بیولوژیک همچون عوامل ژنتیکی و هورمونی مادرزادی نقشی مهم در تمایل جنسی فرد بازی می‌کند. با وجود این دلایل، برخی افراد هویت جنسی دگرباش را پیدا می‌کنند که مطمئناً از قبل در آنها وجود نداشته است. در این باره نظریه‌های مختلفی در قالب نظریه‌های زیست‌محیطی، بیولوژیک، اجتماعی، ذات‌باور، ساختارگرا، و فمینیستی مطرح‌اند.

بسیاری از نظریه‌های اولیه عوامل محیطی (مانند روابط ضعیف با والدین و تماس با همجنسگرایان در سن پایین) را علت همجنسگرایی می‌دانستند. زیگموند فروید یکی از مدافعان اصلی این نظریه‌ها بود.

1. سالیان؛ وودارسکی. (2002). رفتار انسانی در محیط اجتماعی، 5 (1)، ص. 4.

در بیشتر سال‌های قرن بیستم، باور غالب این بود که همجنسگرایی نتیجه تربیت فرد است. فروید به عامل زیست‌محیطی برای همجنسگرایی مردان باور داشت و علت اصلی را در روابط ضعیف با والدین (مادر با پسر) می‌دید. بیشتر نویسندگان روان‌درمانگر موافق‌اند که ارتباطی نزدیک میان همجنسگرایی و خودشیفتگی وجود دارد. بر اساس مستندات لویس (1988)، فروید در زمان حیات چهار نظریه درباره همجنسگرایی مطرح کرد.

نخستین نظریه‌های او بیان می‌داشت که همجنسگرایی از عقده ادیپ نشئت گرفته است. به این معنی که مرد جوان پیوند شهوانی نرمالی را با مادر خود برقرار می‌کند، اما مادر عطوفت بسیار زیادی به پسر نشان می‌دهد و در نتیجه، پسر به شکلی وسواسی آلت تناسلی خود را مهم می‌انگارد¹. نظریه دیگری چنین بیان می‌کند که کودک تمایز میان خود و دیگری را تشخیص نمی‌دهد و بنابراین تصور می‌کند مادر آناتومی‌ای مشابه او دارد. در دوره خودشیفتگی، کودک به جدایی خود از مادر پی می‌برد و تهدید به اختگی ممکن است مجازاتی برای احساسات شهوانی او باشد. بنابراین او به شکلی وسواس‌گونه غرق آلت تناسلی خود می‌شود. بر اساس نظریه‌ای دیگر، هنگامی که کودک پی می‌برد مادر آلت تناسلی مردانه ندارد، وحشت می‌کند و عشق او به مادر به نفرت تبدیل می‌شود. از آن پس، او زنی را با آلت تناسلی مردانه انتخاب می‌کند (پسری با صفات زنانه). نظریه چهارم و آخر فروید نسخه دیگری از عقده ادیپ است که عنوان می‌کند پسران همجنسگرا عشقی آتشین به مادر و حسادت بی‌حد به پدر دارند. این حسادت به پدر به شکل آرزوی مرگ و خیال‌بافی‌های سادیستی از خشونت بروز می‌یابد. در نتیجه، در هنگام بروز واکنش، کودک این احساسات را به احساس عشق به همجنس تبدیل می‌کند.

کارشناسان نظریه‌های بیولوژیک را برای توضیح علت‌های گرایش جنسی می‌پسندند². نظریه‌های بیولوژیک جدیدتر عبارت گرایش جنسی را برای اشاره به ژن‌هایی به کار می‌برند که از طریق استروئیدهای جنسی پیش از تولد به رشد، سازماندهی، و ساختار سیستم عصبی کمک می‌کنند. ترکیب شیمیایی و ساختار مغز اخیراً تحلیل شده است و تفاوت‌هایی را در مردان همجنسگرا در یک کالبدشکافی نشان داده است. مطالعه روانپزشک

1. لویس، کی. (1988). نیویورک: سیمون و شاستر.

2. هاویلر استرانسکی؛ ریمافدی جی. (1998).

دانشگاه بوستون، ریچارد پیلارد، و روان‌شناس دانشگاه نورث‌وسترن، جی. مایکل بیلی، دربارهٔ همجنسگرایی و دوقلوهای پسر همسان و غیرهمسان نشان داده است که در دوقلوهای همسان اگر یکی گی باشد، شانس گی بودن دیگری حدود 50 درصد است. در مورد دوقلوهای غیرهمسان این رقم حدود 20 درصد بود. همجنسگرایی ریشهٔ خانوادگی دارد و مطالعات نشان می‌دهد که 8 تا 12 درصد برادران مردان گی هم گی هستند و این در حالی است که این رقم در جمعیت عمومی 2 تا 4 درصد است. پژوهشگران انگلیسی، گلن ویلسون و قاضی رحمان، در کتاب خود با عنوان گی زاده شده: روانشناسی زیست‌شناختی گرایش جنسی نتیجه می‌گیرند که گرایش جنسی چیزی است که ما با آن به دنیا می‌آییم و آن را از محیط اجتماعی خود «کسب» نمی‌کنیم.

ذات‌باوران ادعا می‌کنند که همجنسگرایی برساخته‌ای هم تاریخی و هم فرهنگی است و بخشی از تمدن بشری در همهٔ اعصار و قرون است. این در حالی است که ساختارگرایی بر آن است که همجنسگرایی بیشتر با مقاطع زمانی و بافت فرهنگی تعریف می‌شود.

بر اساس نظریهٔ نقش، احساسات همجنسگراهراسی نتیجهٔ تضعیف کلیشه‌های نقش‌های جنسی‌اند. بنابراین فرسایش نقش‌ها و قوانین مشخص گفته و ناگفته تهدیدی‌اند برای آنچه مردانه و زنانه دانسته می‌شود و سبب خشم کسانی می‌شود که ممکن است بر این باور باشند که به دلیل رفتارهای همجنسگرایانه در تضاد با عرف، احتمال آشفته‌گی و هرج و مرج اجتماعی وجود دارد. این باور که همجنسگرایی یک انتخاب است به حفظ این نظریه کمک می‌کند. همان‌طور که زنان و مردان بر اساس انتظاراتی که از جنس آنها می‌رود اجتماعی می‌شوند، تجربیاتی که آنها را در طول زندگی هدایت می‌کنند، همیشه خط سیرهای مشابهی را طی نمی‌کنند. فمینیسم ائتلافی بر اهمیت بررسی روابط میان هویت‌های اجتماعی به عنوان دسته‌بندی‌های متقاطع سرکوب و نابرابری¹ تأکید دارد و چهارچوب بالقوهٔ مفیدی برای نقد سنجه‌های گرایش جنسی به‌شمار می‌رود.²

1. Crenshaw, Kimberlé. (1991). Mapping the margins: Intersectionality, identity politics, and violence against women of color. *Stanford Law Review*, 43 (July), 1241-1299.

2. McCall, Leslie. (2005). The complexity of intersectionality. *Journal of Women in Culture and Society*, 30 (Spring), pp. 1771-1800

علاوه بر این انبوه نظریه‌ها، مطالعاتی هم وجود دارد که این باور را به چالش می‌کشند که تمایل جنسی و هویت جنسیتی انسان از بیولوژی تعیین شده است و همواره ثابت می‌ماند و می‌گویند هیچ دلیل علمی برای این موضوع وجود ندارد. در تقابل با این دیدگاه، مفهوم ناهمنوایی جنسیتی کودک (CGN) وجود دارد؛ پدیده‌ای که در آن، کودکان در سنین پیش از بلوغ با الگوهای روانشناسانه یا جامعه‌شناسانه مورد انتظار مربوط به جنسیت هم‌نوا نمی‌شوند. بنابراین یک کودک کم‌سن‌وسال مرتب مجموعه‌ای از رفتارهای به‌شدت زنانه یا ویژگی‌های مردانه از خود نشان می‌دهد، در حالی که از رفتارهای معمول دختران و پسران اجتناب می‌کند. تحقیقات وسیعی در مورد این پدیده مخصوصاً در میان مردان صورت گرفته است. هرچند همهٔ مردان همجنسگرا به عنوان پسران جوان، رفتارهای به‌شدت زنانه‌ای از خود نشان می‌دهند، داده‌ها نشان می‌دهد که حدود 75 درصد یا شاید بیشتر پسرانی که ناهمنوایی جنسیتی کودک از خود بروز می‌دهند، اتفاقاً گی یا دوجنسگرا هستند. با این حال، دوقلوهای همسان زیادی وجود دارند که تمایلات جنسی متفاوتی دارند. در نتیجه، ناهمنوایی جنسیتی کودک از هیچ‌یک از دو نظریهٔ غالب در بحث قدیمی «آنچه سبب می‌شود افراد گی شوند: طبیعت یا تربیت، ژن یا رفتار آموخته» پرسش نمی‌کند.

فصل 2

دگرباشی – نگاه جهانی و سناریوهای حقوقی

مطالب:

- نگاه جهانی به دگرباشان
- مدارای بیشتر با همجنسگرایی
- عوامل بروز تفاوت دیدگاه‌ها دربارهٔ همجنسگرایان
- گرایش جنسی در بافتار حقوق بشر
- چشم‌انداز سازمان ملل به دگرباشی
- دگرباشی از منظر حقوقی و قضایی
- تصمیمات حقوقی دگرباشان

فصل دوم

نگاهی کلی به دگرباشان و سناریوهای حقوقی آنها در سطح جهانی

قوانین مخالف رابطه با همجنس به قرن شانزدهم بازمی‌گردد و بخش بزرگی از جامعه انگلیس را نمایندگی می‌کند که باور داشتند همجنسگرایی «بدترین جرائم» است.¹ در آن زمان، همجنسگرایی عملی ناپذیرفتنی بود و به حدی ثبات جامعه ویکتوریایی را تهدید می‌کرد که هویتی به نام هویت همجنسگرا در این دوره وجود نداشت یا دست‌کم به شکلی مشخص و آزاد وجود نداشت. نبود هویت همجنسگرا بدین معنا نبود که شهروندان انگلیسی از ویژگی‌های افراد همجنسگرا بی‌اطلاع بودند، بلکه این افراد در جامعه وجود داشتند و در سراسر قرن نوزدهم، اجتماع از آنان نفرت داشت.² درباره تعداد افراد همجنسگرا و نحوه برخورد قانونی با آنان آمار و ارقام محدودی در دست است، اما بی‌شک، تعداد دستگیری‌ها نسبت به زمانی که موج همجنسگراهراسی در دهه 50 میلادی بر انگلیس حاکم شد، به مراتب کمتر بود. در سال 1952 میلادی در انگلستان، 670 پرونده تعقیب قضایی برای عمل لواط، 3087 پرونده برای سعی در ارتکاب لواط یا رابطه جنسی تحمیلی و 1686 پرونده برای رابطه جنسی میان مردان (دخول) باز شده بود.³

البته نمی‌توان گفت که این انزجار جهانی بود. درواقع، فرهنگ‌هایی نیز وجود داشت که رابطه و عشق میان همجنسان را محترم می‌دانستند. برای مثال، هندوئیسم همجنسگرایی را گناه نمی‌داند و شورای هندوی انگلیس بیانیه‌ای با این مضمون منتشر کرده است که «هندوئیسم همجنسگرایی را محکوم نمی‌کند».⁴ کتاب مقدس سیک‌ها، گورو گرانت صاحب، از مدارا، برابری و پذیرش همه افراد فارغ از نژاد، مذهب، جنسیت، یا تمایل جنسی

1. Upchurch, Charles. (2009). *Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform*. Berkeley: University of California, pp. 14 & 49.

2. Brady, Sean. (2005). *Masculinity and Male Homosexuality in Britain, 1861-1913*. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan. Print. p. 11, 17, & 46.

3. Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California.

4. Haggerly, George. *Gay Histories and Cultures*. p. 438,

صحبت می‌کند. مراسم ازدواج سیک‌ها مخصوص جنس و جنسیتی خاص نیست و در این مذهب، ازدواج با همجنس ممکن است.¹

تحلیل فهم عمومی جهانیان از دگرباشی آزاددهنده و تعجب‌آور است؛ چنانکه در آفریقا و خاورمیانه، همجنسگرایی غالباً مردود بوده است.²

دگرباشی در آفریقا

در آفریقا، مردم نگاهی خشن به اجتماع دگرباشان دارند. رهبران آفریقایی بسیاری آشکارا نظره‌های موهنی دربارهٔ افراد دگرباش ابراز کرده‌اند. اگر این نظرات دربارهٔ هر گروه دیگری مطرح می‌شد، قطعاً مردود اعلام می‌شد. رئیس‌جمهور پیشین زیمبابوه، موگابه، در اظهارنظری قاطعانه دربارهٔ حقوق دگرباشان بیان کرد که گی‌ها از انسان کمترند و سزاوار هیچ حق انسانی نیستند و حتی از سگ‌ها و خوک‌ها هم بدترند.³ در سپتامبر سال 1995 میلادی، پارلمان زیمبابوه در حرکتی یکپارچه اصل آزار بیشتر همجنسگرایان و قانونی دربارهٔ منع اعمال همجنسگرایانه را تصویب کرد.⁴ در سال 1997 میلادی، دادگاهی کنعان بانانا (**Canaan Banana**)، سلف موگابه (اولین رئیس‌جمهور زیمبابوه)، را در یازده مورد لواط و تحمیل عمل جنسی مجرم شناخت و او را به ده سال زندان محکوم کرد. البته بانانا در سال 2003 میلادی، به دلیلی نامعلوم ازدنیا رفت.⁵ رئیس‌جمهور کنونی زیمبابوه، امرسون منانگاگوا، نیز تاکنون دعوت‌های متعدد کشورهای اروپایی در کارگروه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای پذیرش همجنسگرایی را رد کرده است. هرچند گفته است که زیمبابوه خود را به ترویج و حمایت از حقوق بشر متعهد و

1. <http://www.wahegurunet.com/gay-sikh>.

2. The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries. from WWW.pewglobal.org. See also The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, from WWW.pewglobal.org.

3. Christopher, Brocklebank. 14th August 2012, 10:01 AM, Police raid headquarters of LGBT rights group.

4. Epprecht, Marc. *Hungochani: The History of a Dissident Sexuality in Southern Africa*. P. 180.

5. Veit-Wild, Flora. (). *Dirk Naguschewski, Body, Sexuality, and Gender*. V. 16, p 93.

ملزم می‌داند.¹ او، در مصاحبه‌ای، با اشاره به دگرباشان گفت: «این موضوع در قانون اساسی ما ممنوع است و من وظیفه دارم از قانون اساسی ام اطاعت کنم.»² رئیس‌جمهور گامبیا، یحیی جامع، نیز درخواست کرد قانونی علیه همجنسگرایان تصویب شود که «از قوانین ایران هم سخت‌گیرانه‌تر باشد» و در ادامه گفت که او هر گی یا لزبینی را که در کشور دیده شود، «گردن می‌زند». در 27 سپتامبر 2013 میلادی، او در سخنرانی‌اش در سازمان ملل اعلام کرد: «برخی قدرت‌ها همجنسگرایی را — که در همه اشکال و نمودهایش بسیار شیطانی، ضدانسانی و ضد الله است — به اسم حقوق بشر ترویج می‌کنند.» و در ادامه گفت: «آنهایی که چنین می‌کنند، می‌خواهند به هستی انسانی پایان دهند.»³ یحیی جامع همجنسگرایان را «جانورانی موذی» نامید و گفت تا جایی که او می‌داند LGBT مخفف جذام (Leprosy)، سوزاک (Gonorrhoea)، باکتری (Bacteria)، و سل (Tuberculosis) است که همگی برای هستی بشری مضرند.⁴ نمونه دیگری از این نظرات خشن را می‌توان در میان نظرات رهبران اوگاندا دید. رئیس‌جمهور اوگاندا به اداره تحقیقات جزایی دستور داد تا لزبین‌ها و گی‌ها را تعقیب و آنها را زندانی کند. او گفت که رابطه گی‌ها خلاف اراده خداوند است.⁵ البته او اخیراً چرخش و انعطافی نشان داده و گفته است که بیش از این، قانون ضد گی‌ها را دنبال نخواهد کرد. اقدامات پیشین او برای تقویت قوانین ضد دگرباشان شکست خورده‌اند.⁶ مصر از زمان پیوستن به ائتلاف ضد تروریسم آمریکا، گی‌ها را در اینترنت دنبال می‌کند و گیر می‌اندازد تا شهروندان را قانع کند که نه فقط مسلمانان افراطی، بلکه دولت نیز به حفظ اخلاقیات ملت پایبند است.⁷ این موج‌های نفرت آشکار طبیعتاً سبب شده‌اند که زوج‌های دگرباش بیشتر احتیاط کنند. هرچند نشان دادن محبت

1. Zimbabwe's LGBT community: why civil rights and health issues go hand in hand. From <https://www.news24.com/Africa/Zimbabwe/zimbabwes-lgbt-community-why-civil-rights-and-health-issues-go-hand-in-hand-20180131-2>. Accessed: Feb 26th, 2018.

2. Ibid.

3. Gambian president says gays a threat to human existence-20130928, Reuters, 28 Sept 2013.

4. See Tainting love. The Economist. 11 October 2014. Retrieved 17 October 2014.

5. Uganda considers death sentence for gay sex in bill before parliament, Guardian, 29 November 2009.

6. Uganda's President says new anti-gay laws 'not necessary' - from <https://www.pinknews.co.uk/2015/09/16/ugandas-president-says-new-anti-gay-laws-not-necessary/>: Accessed: Feb 26, 2018.

7. Gauch, S. (1 March 2002). Egypt cracks down on gays, trumping Islamists. *Christian Science Monitor*, p. 7.

در انتظار عمومی در آفریقا چه برای همجنسگرایان و چه برای دگرجنسگرایان مطلوب نیست، در این قاره به دگرباشان توصیه می‌شود که بیشتر احتیاط کنند.¹

با این حال، در میانه همه این نظرات و واکنش‌های آزاردهنده از رهبران آفریقا، سازمان حقوق برابر (TIERS) با همکاری دانشگاه لاگوس میزبان اولین کنفرانس درباره دگرباشان، تنوع، فراگیری و برابری در نیجریه خواهد بود.²

دگرباشی در آمریکا، اروپا و آسیا به جز خاورمیانه

همین‌گونه که ایالات متحده و کشورهای دیگر با مسئله ازدواج همجنسان در کشمکش‌اند، پیمایش جدید مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center) نشان داد که تفاوت فاحشی میان پاسخ افراد مناطق مختلف به سؤال «آیا جامعه باید همجنسگرایی را بپذیرد یا نه» وجود دارد. این پیمایش که در سی‌ونه کشور انجام شد، نشانگر آن است که کشورهای آمریکای شمالی و اتحادیه اروپا و بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، در مجموع همجنسگرایی را پذیرفته‌اند.

در اسرائیل، لهستان، بولیوی، بخش‌هایی از آسیا، و روسیه، نظرات مختلفی درباره همجنسگرایی وجود دارد. در سال 2017 میلادی، جنبشی بر ضد دگرباشان و عمدتاً علیه گی‌ها در چین برای پاکسازی آنان تشکیل شد. مقامات پلیس و امنیتی گی‌ها و دوجنسگراها را دستگیر می‌کردند، آنها را کتک می‌زدند و شکنجه می‌دادند. دولت کانادا در همکاری با سازمانی غیرانتفاعی در تورنتو، در سکوت به گی‌ها و لزبین‌های چین اجازه داد تا در کانادا پناه بگیرند. بیشتر این افراد همجنسگرا مرد بودند، چون فرار از چین برای زنان سخت‌تر بود.³

1. Planet, Lonely. "Gay and Lesbian travel in Africa – Lonely Planet book". Retrieved 13 July 2016.

2. Nigeria's first conference to discuss LGBT issues is here..., from nostringsng.com/nigeria-conference-lgbt-attend.

3. Chechnya's Persecuted Gays Find Refuge in Canada. (3 September 2017). NY Times.

خاورمیانه

همجنسگرایی در همه جوامع وجود دارد و خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنا نیست. زندگی آزاد دگرباشان، در کشورهایی با جمعیت بیشینه مسلمان، نادر است، اما این پدیده در خفا بسیار رواج دارد. جامعه مسلمان همچنان پدرسالار است و در چنین جوامعی، زنان در درجه دوم اهمیت‌اند، چراکه جوامع پدرسالار برحسب طبیعتش به مردانگی بها می‌دهد. اما به شکل عجیبی، در حالی که جداسازی جنسیتی در بیشتر کشورهای محافظه‌کار خاورمیانه بسیار پررنگ است، هم‌زمان این جداسازی پدرسالارانه موقعیت‌هایی را خلق می‌کند که در آن، مردان در حضور مردان دیگر راحت‌ترند و قرار دادن دست روی زانوی مردان دیگر نشانه دوستی است، نه دعوت به رابطه جنسی. البته این به معنای نبود همجنسگرایی بین مردان این جوامع نیست؛ چنانکه پارک سبک دمشق، در طول روز، زمین بازی پردرختی برای کودکان است و در شب، معیادگاه مردان جوانی است که روی نیمکت‌ها نشسته‌اند و کنار دیوارهایش پرسه می‌زنند و از این بابت، معروف است. در افغانستان نیز مردان ثروتمند پسرانی رقصنده را — که با مردان رابطه جنسی برقرار می‌کنند — اجاره می‌کنند که این عمل به بچه‌بازی معروف است.¹

هرچند امروزه جوامع مسلمان را می‌توان کلاً همجنسگراهراس توصیف کرد، این تصور که همجنسگراهراسی مشکلی مستقل است، اشتباه است. همجنسگراهراسی بخشی از سندرومی است که در آن حقوق افراد به دلیل حفظ منافع در نظر گرفته شده برای اجتماع بزرگ‌تر نادیده گرفته می‌شود و بیشتر رنگی «اسلامی» به خود می‌گیرد. در نتیجه، در این جوامع به شدت پدرسالار، ارزش زیاد همنوایی مقدس است و ابراز فردیت پذیرفتنی نیست. به بیان ساده‌تر، در این جوامع، بر حفظ «هنجارهای» اجتماعی و حفظ ظاهر، دست‌کم در انتظار عمومی و نه الزاماً در فضای خصوصی، بسیار تأکید می‌شود. نظام پدرسالار با نقش‌های به‌دقت تعریف‌شده برای مردان و زنان سهمی اساسی در جامعه دارد. گی‌ها، مخصوصاً آنهایی که صفاتی زنانه از خود نشان می‌دهند و زن‌انگارند، افرادی دیده می‌شوند که نظم اجتماعی را به‌چالش می‌کشند. جالب اینجا است که این موضوع — که به نوعی به‌چالش کشیدن نظم عمومی است — دربارهٔ مردان «مردانه» که با دیگر مردان رابطه جنسی دارند، کمی

1. Straight but Narrow, The Economist, from www.economist.com/node/21546002.

متفاوت است. هرچند قوانین سنتی و حکومتی اسلامی در رابطه جنسی مقعدی، فاعل و مفعول را به یک اندازه مجرم می‌داند، عموم مردم به فاعل با خصومت کمتری نگاه می‌کنند، چراکه او همچنان مرد است و همان کاری را می‌کند که مردان به طور طبیعی می‌کنند، حتی اگر این عمل با یک زن انجام نشود. از سوی دیگر، شریک جنسی مفعول منزجرکننده، شرم‌آور، و بی‌آبرو دانسته می‌شود، چراکه رفتار او رفتاری «زنانه» است و فرض بر این است که او صرفاً برای لذت جویی در رفتار همجنسگرایانه وارد نشده است. بنابراین باید فاحشه باشد.

کنشگری سازمان‌یافته برای حقوق‌گهی‌ها در اوایل دهه 2000 میلادی در خاورمیانه شروع شد. در سال 2002 میلادی، عده‌ای از زنان فلسطینی گروه «اصوات» (صداها) را تشکیل دادند که بعدها گروه فلسطینی دیگری به نام «القوس» (رنگین کمان) به آن گروه پیوست. هردو گروه در اسرائیل مستقرند، اما با سرزمین‌های فلسطینی نیز ارتباط دارند. حدود سال 2004 میلادی، گروهی از کنشگران لبنانی «حالم» را تأسیس کردند که نخستین سازمان دگرباشان بود و آشکارا در کشوری عربی فعالیت می‌کرد. این گروه‌ها تنها گروه‌های کنشگر فعال در منطقه نیستند و گروه‌های دیگری نیز در نقاط مختلف سر برآوردند، اما معمولاً به سرعت هم ناپدید شدند. وبگاه‌ها و وبلاگ‌های دگرباشان عرب نیز مانند گروه‌های کنشگر می‌آیند و می‌روند. مجله اردنی My Kali با هدف «پرداختن به موضوع همجنسگراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی و توانمندسازی جوانان برای کنار زدن دوقطبی‌های جنسیتی رایج در دنیای عرب»، از سال 2007 میلادی، به‌شکلی منظم منتشر می‌شود.

ویتاکر (2016) در مقاله‌ای می‌نویسد: «حتی امروز در برخی کشورهای مسلمان، کل شهرها به سبب همجنسگرایی فرضی ساکنانشان، دست‌مایه طنز شده‌اند؛ ادلب در سوریه یکی از آنها است، قزوین در ایران یکی دیگر است. در پاکستان لطیفه‌هایی درباره چند شهر معروف در شمال کشور ساخته می‌شود. و لطیفه‌ای قدیمی در افغانستان می‌گوید "پرنده‌ها هنگام پرواز بر فراز قندهار محض احتیاط یک بال خود را زیرشان نگه می‌دارند."»¹

هنوز دگرباشان جنسی هیچ رژه افتخاری در هیچ‌یک از کشورهای خاورمیانه برگزار نکرده‌اند، هرچند از سال 2003 میلادی، با وجود مخالفت‌ها، رژه‌هایی در ترکیه و اسرائیل ترتیب داده شده است. فعالیت‌هایی نیز در

1. Whitakar, Brian. (2016). *Everything you need to know about being gay in Muslim countries*.

لبنان و دیگر نقاط درباره روز جهانی مبارزه با همجنسگراهراسی و تراجنسیتی هراسی صورت گرفت که کمتر سبب خصومت شده است. اجتماع دگرباشان کاری کرده است که دیگر نمی‌توان ادعا کرد دگرباش مسلمان وجود ندارد. آنها اولین گام را به سوی دستیابی به حقوق خود برداشته‌اند.¹

اما در سه سال گذشته، دولت اسلام‌گرای حاکم AKP رژه افتخار دگرباشان در استانبول را «به دلایل امنیتی» لغو کرد. روایتی رسمی که در توجیه لغو این رژه گفته می‌شود، آن است که دگرباشان در خاورمیانه وجود ندارند، در حالی که آنان وجود دارند و رویکرد خانواده و جامعه همیشه علت درد و ترس بسیاری از دگرباشان در این منطقه بوده و باعث شده است تا آنان در خفا بمانند. عامل مهمی که بر تمام افراد دگرباش برای ابراز گرایش جنسی خود تأثیر می‌گذارد، ترس از واکنش خانواده است. این ترس می‌تواند به طور خاص برای مسلمانان دردآور باشد و تصمیم‌گیری درباره ابراز هویت را سخت کند. واکنش خانواده به چند عامل، همچون طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات آنها، بستگی دارد. در موارد شدیدتر، این ابراز گرایش جنسی می‌تواند سبب شود که فرد از خانواده طرد شود، مورد حمله فیزیکی قرار گیرد، یا درمانی مذهبی به او تحمیل شود و در خانواده‌های متمول‌تر، فرد به جلسه‌های روان‌درمانی بیهوده، اما گران فرستاده می‌شود.

فشار ازدواج در کشورهای مسلمان به مراتب بیشتر از بسیاری از کشورهای غربی است. معمولاً مجرد ماندن برابر است با فاجعه‌ای اجتماعی و بنابراین وقتی جوانان تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند، اولویت خانواده ترتیب دادن مقدمات ازدواج برای آنها است. خانواده‌های سنتی‌تر پیدا کردن همسر برای فرزندان را خود برعهده می‌گیرند و ازدواج با مداخله اطرافیان همچنان بسیار رایج است. برخی از دگرباشان موفق می‌شوند تا با ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر دانشگاهی یا رفتن به خارج از کشور از این روند بگریزند. با وجود این، بسیاری اسیر این فشار می‌شوند و تن به ازدواجی می‌دهند که برایشان مناسب نیست. تعدادی از خوشبخت‌ترها همسری گی یا لزبین از جنس مخالف پیدا می‌کنند و با او وارد ازدواجی دروغین می‌شوند و بعضی هم تصمیم می‌گیرند «گرایش جنسی خود را ابراز کنند». اما این مورد حتی در تهران هم که پایتخت و شهری لیبرال به‌شمار می‌رود، نادر است.

1. Everything you need to know about being gay in Muslim..., from www.theguardian.com › World › LGBT rights.

خداوند در قرآن هیچ مجازاتی برای همجنسگرایی و همجنسگرایان تعیین نکرده است و تنها از آنان با عنوان اسرافکاران و متجاوزان یاد شده است، اما احادیثی درباره همجنسگرایی و تعیین مجازات آن به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده می‌شود که صحت آنها مورد تأیید نیست. در واقع، چند سال پس از فوت ایشان بود که مسلمانان درباره جزایی مناسب برای این افراد به گفت‌وگو نشستند. در کشورهای مسلمانی مانند مصر و لبنان که جمعیت مسیحی چشمگیری دارند، رویکرد مسیحیان به همجنسگرایی چندان با مسلمانان متفاوت نیست. انزجار جمعی مسلمانان از همجنسگرایی همچون مسیحیان در داستانی درباره سدوم (Sodom) و گمراه (Gomorrah) و همجنسگرایی در قرآن و عهد قدیم ریشه دارد. اساساً روایت‌های قرآنی و انجیلی بسیار مشابه‌اند. تفاوت در این است که در شصت سال گذشته، بسیاری از مسیحیان در سراسر جهان تفسیری متفاوت از این داستان را برگزیده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که این داستان، در واقع، محکوم کردن تجاوز مردانه و رفتار نادرست با غریبه است تا رابطه جنسی از سر رضایت بین دو مرد. اما تاکنون، تعداد کمی از مسلمانان مایل به بازنگری در تفسیر خود از این داستان بوده‌اند. به همین ترتیب، در کشورهای مسلمان افرادی که خود را گی یا لزبین می‌دانند، تنها به سطح رفتار جنسی خود تقلیل داده می‌شوند. بسیاری از کنشگران دگرباش اظهار می‌کنند که از آنها حمایتی نمی‌شود و با بی‌آبرویی اجتماعی گسترده در کشورهایی که به شدت تحت تأثیر ارزش‌های مذهبی و محافظه‌کارانه هستند، دست‌وپنجه نرم می‌کنند و اساساً هویت این افراد در زندگی روزانه نفی می‌شود.

مدارای بیشتر با همجنسگرایی

اخيراً در سراسر جهان، نوعی مثبت‌گرایی به همجنسگرایان و سایر دگرباشان دیده می‌شود. در آمریکا و کانادا، درصد پذیرش همجنسگرایی در جامعه از سال 2007 میلادی تاکنون، دست‌کم تا ده درصد افزایش داشته است¹. این مطلب برگرفته از یافته‌های مهم پیمایش جدید مرکز تحقیقات پیو است که از دوم مارس تا اول می سال 2013 میلادی در سی‌ونه کشور و در میان 37653 نفر انجام شد. همچنین این پیمایش نشان داد که پذیرش

1. The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, from WWW.pewglobal.org.

همجنسگرایی به‌ویژه در کشورهایی که مذهب نقش کمتری در زندگی مردم آن‌ها بازی می‌کند و نیز در کشورهای ثروتمندتر جهان بیشتر است.

یکی از نمونه‌های شگفت‌آور موجود کشور استرالیا است. ازدواج با همجنس سال‌های سال به عنوان بخشی از گفتمان کلی‌تر به رسمیت شناختن روابط همجنسان در برنامه کاری سیاسی دولت مردان استرالیا بوده است. استرالیا قوانین مخالف همجنسگرایی را از مهاجران بریتانیایی‌ای به‌ارث برد که در اواخر دهه 1700 میلادی وارد استرالیا شدند. تا سال 1949 میلادی، کتاب‌های قانون ایالت جنوبی ویکتوریا مجازات مرگ را برای لواط در نظر داشتند، اما بالاخره در سال 1975 میلادی تغییراتی رخ داد و استرالیای جنوبی اعلام کرد که همجنسگرایی مردان جرم نیست¹. نهایتاً در نوامبر سال 2017 میلادی، استرالیا ازدواج همجنسگرایان را به رأی گذاشت و بیشتر افراد در حرکتی تاریخی به آن رأی مثبت دادند؛ یعنی حدود هشت میلیون نفر (معادل 61.6 درصد جمعیت کشور) به آن رأی دادند². بنا بر گزارش مرکز تحقیقات پیو، این کشور حالا بیست و چهارمین کشور جهان است که ازدواج با همجنس را مجاز می‌داند³.

در مقابل، در فقیرترین کشورها، جایی که مذهب و باورهای مذهبی رایج‌تر است، افراد کمی بر این عقیده‌اند که جامعه باید همجنسگرایی را بپذیرد. در سال 2017 میلادی، کتابی به قلم پروفیسور ایمی آدامسزیک نشان داد که تفاوت‌های میان کشورها در پذیرش همجنسگرایی را می‌توان با سه عامل توضیح داد: قدرت نهادهای دموکراتیک، سطح توسعه اقتصادی، و بافتار مذهبی مناطق دارای سکنه⁴. البته در برخی کشورها، سن نیز عامل دیگری در پذیرش این پدیده است و در این کشورها، پاسخ‌دهندگان جوان‌تر، نسبت به افراد مسن‌تر، در نظرات خود، مدارای بیشتری در مورد دگرباشان نشان می‌دهند. در حالی که تفاوت‌های جنسیتی در پاسخ‌ها غالب نیست،

1. <https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>.

2. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>.

3. Australia legalizes same-sex marriage - CNN, from www.cnn.com/2017/12/07/asia/australia-same-sex-marriage.

4. Adamczyk, Amy. (2017). *Cross-National Public Opinion about Homosexuality: Examining Attitudes across the Globe*. University of California Press. pp. 3-7

در کشورهایی که جنسیت موجب تفاوت پاسخ‌ها شده است، زنان نسبت به مردان، همجنسگرایی را راحت‌تر پذیرفته‌اند.¹

مطالعه دیگری همین یافته‌ها را درباره پذیرش بیشتر نشان می‌دهد. متغیر دوحالتی همجنسگرایی که در طول زمان این پدیده را یا غلط یا غیرغلط می‌دانست، در بین سال‌های 1973 و 1994 میلادی تحلیل شد. هدف از این تحلیل جدید پیگیری این رویه‌ها و بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای بود. یافته‌ها بیانگر رویه روبه‌فزونی باور غلط نبودن همجنسگرایی بود. این عدد از 19 درصد در سال 1973 میلادی به 31 درصد در سال 1994 میلادی رسید که البته اواخر دهه 80 میلادی (که مرگ بر اثر ایدز در آمریکا به اوج خود رسیده بود) استثنا بود.² داده‌های GSS بار دیگر برای تحلیل ثانویه و تعیین رویه‌های موجود استفاده شد.³ GSS از تکنیک‌های نمونه‌گیری احتمالی و حجم نمونه بزرگ استفاده کرد و مجموعه داده‌ها سال‌های 1996 و 1998 میلادی را نیز شامل می‌شد. در سال‌های 1996 و 1998 میلادی، درصد پاسخ‌دهندگانی که اظهار کردند «همجنسگرایی غلط نیست»، به ترتیب به 33 و 34 درصد رسید.

بنا بر گزارش دیدگاه‌های اجتماعی بریتانیایی‌ها که در نوع خود بزرگ‌ترین پیمایش بود، تحول دیدگاه درباره همجنسگرایی یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در افکار عمومی انگلیس در طی یک نسل بود. برای مثال، 25 سال پیش، تقریباً دوسوم جمعیت عمومی بریتانیا با روابط همجنسان مخالف بودند، چون فکر می‌کردند این رابطه ذاتاً از نظر اخلاقی «غلط» است و در اوایل دهه 80 میلادی بیش از نیمی از جمعیت فکر نمی‌کردند معلم بودن یک فرد گی یا لزبین «پذیرفتنی» باشد و از هر ده نفر، بیش از چهار نفر اعتقادی نداشتند که «این افراد باید مسئولیتی در زندگی عمومی داشته باشند». درمقابل، تازه‌ترین پیمایش دیدگاه‌های اجتماعی بریتانیایی در سال 2013 میلادی نشان داد که از هر پنج نفر فقط یک نفر با روابط گی‌ها و لزبین‌ها مخالف است. با درنظر گرفتن

1. The Global Divide on Homosexuality (PDF). (4 June 2013). *Pew Research Center*, Retrieved 8 December 2014.

2. Sullivan; Wodarski. (2002), Social alienation in gay youth. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 5 (1), P. 4.

3. Davis, James A.; smith, Tom w. (1991). *General Social Surveys, 1992- 1991: cumulative Codebook*. Chicago: NORC.

این نکته که در دهه 80 میلادی بر تعداد افرادی که به همجنسگرایی معترض بودند، افزوده شد، سرعت تغییر حیرت‌آورتر می‌شود و بر اساس این پیمایش، 56 درصد کسانی که در نظرسنجی شرکت کردند با ازدواج همجنسگرایان موافق بودند و این در مفاد قانونی ثبت شده است.¹

عوامل بروز تفاوت دیدگاه‌ها درباره همجنسگرایان و پذیرش آنها

جین توانج، استاد روانشناسی دانشگاه سن دیه‌گو و نویسنده کتاب *Generation Me* می‌نویسد که این تغییر در جهت پذیرش، در طی نسل‌ها – وقتی که نسل جوان‌تر جایگزین نسل قدیمی‌تر شد و چشم‌انداز جدیدی را به میدان آورد – و نه فقط در طول زمان رخ داد.² به گفته او، پذیرش نسلی هم‌راستا با مهم‌ترین تغییرات فرهنگی به فردیت‌گرایی چند دهه گذشته مربوط است و احتمالاً این مسئله از آزادی فردی بیشتر و قدرت گروهی کمتر نشئت می‌گیرد؛ چنانکه در وابستگی‌های مذهبی، تلاش برای قانونی کردن ماریجوانا (حشیش)، مدارا با تفاوت‌ها و دیدگاهی بازتر نسبت به تمایلات جنسی تلقی می‌شود. این تغییر می‌تواند به معنی تمرکز بیشتر بر خود باشد، در عین حال، می‌تواند در معنای مدارای بیشتر با دیگران متفاوت باشد.

هرچند در مجموع، رویکردها به رابطه با همجنس مثبت‌تر شده‌اند³، همچنان برای رهایی میلیون‌ها گی و لزبین از چنگ ترس شناسایی شدن، محرومیت‌های اقتصادی بالفعل و بالقوه، استهزا، شرم و سرزنش، و مجازات برای رفتاری غیرقانونی راهی بس طولانی درپیش است. هنوز قوانین و مقامات دولتی معمولاً توجیهی برای این بدرفتاری ارائه می‌کنند.⁴ عفو بین‌الملل (2001) در کشورهایی همچون اوگاندا، زیمبابوه، رومانی، مالزی، کارائیب، روسیه، چین، سریلانکا، پاکستان، و افغانستان موارد تجاوز، ضرب‌وشتم و زندان ابد را برای به‌اصطلاح

1. John Bingham, Social Affairs Editor Revolution in attitudes to homosexuality is biggest change in... from www.telegraph.co.uk/news/politics/10297205/Revolution-in-

2. Twenge, J.M. (2014). *Generation me-revised and updated: Why today's young Americans are more confident, assertive, entitled--and more miserable than ever before*. Simon and Schuster.

3. Avery, D.R.; McKay, P.F.; Wilson, D.C. (2007). Engaging the aging workforce: The relationship between perceived age similarity, satisfaction with co-worker and employee Engagement, *Journal of Applied Psychology*, 25 (9), pp. 1542-1556.

4. Amnesty International. (2001). *Crimes of hate, conspiracy of silence*. Oxford. United Kingdom: The Alden Press.

«جرائم در تقابل با نظم طبیعت» گزارش کرده است. درواقع، دست کم هفتاد و هشت کشور جهان روابط با همجنس را جرم می‌انگارند و در برخی کشورها متخلفان با شلاق یا مرگ مجازات می‌شوند. کن لیوینگستون، سیاستمداری چپ‌گرا با سابقه‌ای طولانی در حقوق گی‌ها، در گذشته از یوسف قرضاوی، روحانی مسلمان ضد آمریکایی اهل مصر، استقبال کرده است که طرفدار مجازات مرگ برای همجنسگرایان بود. در حال حاضر نیز ترامپ ناگهان ممنوعیتی برای خدمت تراجنسیتی‌ها در ارتش وضع کرده است و علتش را «هزینه‌های هنگفت پزشکی» اعلام کرده است.¹ به هر حال، این واقعیت غم‌انگیز هنوز وجود دارد که دگرباشان بسیاری نمی‌توانند برای حمایت از خود به پلیس یا دادگاه تکیه کنند.

گرایش جنسی در بافتار حقوق بشر

همان‌گونه که در فصل اول گفته شد، گرایش جنسی در طیفی گسترده از همجنسگرایی صرف تا دگرجنسگرایی صرف وجود دارد و انواع مختلف دوجنسگرایی را نیز شامل می‌شود.

در این مطالعه، فرض بر این است که گرایش جنسی و هویت جنسیتی جنبه‌های جدایی‌ناپذیر وجودند و نباید سبب تبعیض یا سوءاستفاده شوند. گرایش جنسی، به عنوان حقی انسانی، به ایجاد مجموعه‌ای جدید از حقوق تعریف شده نمی‌انجامد، بلکه در پی آن است که به مجموعه‌ای از پیش موجود حقوق، که مشخصاً حقوق بشر بین‌المللی آنها را پذیرفته است، راه یابد. این حق شامل حق‌های از تبعیض و آزار در اشتغال، حق استفاده از خدمات و امکانات، حق محل اقامت و مسکن، حق برخورداری از قراردادها و عضویت در اتحادیه‌ها و انجمن‌های سیاسی و تجاری می‌شود.

خشونت علیه افراد با تبعیض نژادی، قومی، اجتماعی، و گرایش جنسی عجین شده است. تاریخ به‌روشنی نشان می‌دهد که افراد بسیاری به سبب گرایش جنسی خود آزار و اذیت دیده‌اند. کسانی که سعی در حمایت صلح‌جویانه از گرایش‌های جنسی یا هویت‌های جنسیتی مختلف داشته‌اند، نیز مورد خشونت و تبعیض قرار گرفته‌اند. اغلب به سبب گرایش جنسی افراد دگرباش با آنها متفاوت رفتار می‌شود، خواه این رفتار حاصل اقدامی

1. See also Trump Says Transgender People Will Not Be Allowed in the Military, By Julie Hirschfeld Davis and Helene Cooper, July 26, 2017 NY Time.

خاص باشد، خواه نتیجه قوانین و سیاست‌هایی که بر اساس گرایش جنسی تدوین شده‌اند. در سراسر جهان، معمولاً این افراد با خشونت و نابرابری و گاه شکنجه و اعدام دست‌وپنجه نرم می‌کنند و این تنها به سبب علاقه به شخصی خاص، ظاهرشان یا شخصیت جنسیتی‌ای که دارند، رخ می‌دهد.

نقض حقوق بشر دگرباشان اشکال مختلفی به خود می‌گیرد و از محرومیت از حق زندگی تا تبعیض در سطوح مختلفی همچون دسترسی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. در دنیا، بیش از هشتاد کشور همچنان قوانینی دارند که رابطه توافقی میان دو همجنس بزرگسال را جرم می‌دانند. در نگاه بسیاری از مقامات دولتی و تصمیم‌گیران این کشورها، صحبت درباره تعصبات شدید همجنسگراستیزانه هم مشروع و هم پذیرفتنی است. این رفتار تا حدی شوک‌آور است، چراکه برای هیچ اقلیت دیگری پذیرفته شده نیست. هشتادوهفت کشور در جهان همچنان رفتار جنسی همجنسگرایان را جرم می‌انگارند و به دلیل میراث حقوقی امپراتوری بریتانیا، چهل‌ودو کشور از این کشورها جزو کشورهای مشترک‌المنافع‌اند. در سال‌های اخیر، کشورهای بسیاری شاهد ظهور ناسیونالیسم جنسی جدیدی بوده‌اند که به تقویت بیشتر قوانین استعماری لواط علیه مردان و جرم‌انگاری جدید رابطه جنسی میان زنان منجر شده است. این امر در تقابل با آگاهی روبه‌افزایش درباره این واقعیت است که گرایش جنسی حقی انسانی است.¹

چشم‌انداز نوظهور گرایش جنسی به عنوان حقی انسانی در تقابل با دوقطبی فعلی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی برای همه افراد از جمله دگرباشان است²، وگرنه کسانی که «متفاوت» دانسته می‌شوند با زخم‌های روانی جدایی اجتماعی و نداشتن حمایت آزار می‌بینند. این وظیفه مدافعان حقوق بشر و متفکران است که افسانه‌ها و کلیشه‌های موجود درباره دگرباشان را از هم بشکافند و گفتمانی حق‌محور را از نو بسازند تا کرامت دگرباشان را — همان‌طور که حقوق انبای بشر به رسمیت شناخته شده است — تصریح کند.

1. Human Rights, Sexual Orientation and Gender Identity in the..., from commonwealth.sas.ac.uk/resources/publications.

2. Amnesty International. (2013). About LGBT Human Rights.

موضوع گرایش جنسی و حقوق بشر موضوعی گسترده و سیاسی است. تعصبات، کلیشه‌های منفی، و تبعیض عمیقاً در نظام ارزشی جامعه، الگوهای رفتاری، و گرایش‌های جنسی فروخته‌اند. هرچند حاکمیت تنها بازیگر یا حتی بازیگر اصلی حقوق مربوط به گرایش جنسی نیست، در این زمینه نقشی محوری ایفا می‌کند. بی‌شک، گرایش جنسی به عنوان حقی اساسی مسئله‌ای عمیقاً سیاسی است. در واقع، وقتی تمرکز بر حقوق و قوانین رسمی است، حاکمیت بازیگری اساسی در سیاستگذاری است، حتی اگر درک کلی‌تر این باشد که تمایل جنسی در تعامل با بسیاری از نظام‌های اجتماعی، سیاسی، درون‌فردی، و میان‌فردی مختلف شکل می‌گیرد. مفهوم گرایش جنسی به دلیل اهمیت و حساسیت تمایل جنسی و مسائل جنسی و نقش حاکمیت در برقراری روابط قانونی میان افراد و به رسمیت شناختن این روابط، مسئله‌ای سیاسی می‌شود.

حقوق مربوط به گرایش جنسی به شدت ادعای همگانی بودن دارد، چراکه به عنصری از خویشتن فرد، یعنی تمایل جنسی، مربوط می‌شود که در همه افراد بشر وجود دارد. بنابراین چنین مفهومی به تعریف زیرگروهی مشخص از بشریت نیاز ندارد که این حقوق در موردشان صدق کند. با نگاهی مثبت به تمایل جنسی به عنوان بُعدی بنیادین از بشر و مؤلفه‌ای مرکزی برای رشد کامل شخصیت انسان، حقوق جنسی ظرفیتی عظیم برای دگرگونی نه تنها «اقلیت جنسی» بلکه، «اکثریت جنسی» جامعه در خود دارد.¹

قوانین حقوق بشر نیز از به رسمیت شناختن حقوقی در پیمان‌نامه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل تا رویه‌های داخلی دولت‌ها و قواعد آمره حقوق بین‌الملل مدام در حال تکامل است. بسیاری از حمایت‌هایی که امروزه ساده از کنار آنها می‌گذریم، در قوانین داخلی بین‌المللی ریشه دارند که به پذیرش تدریجی اصول کلی قوانین بین‌المللی منجر شده‌اند و در بیشتر نظام‌های حقوقی مشترک‌اند. همچنان در هنگام تهیه پیش‌نویس بسیاری از ابزارهای بین‌المللی حقوق بشری در بیشتر کشورهای مدرن، ازدواج به معنی پیوند یک زن و یک مرد است و تولیدمثل بافتار اجتماعی و حقوقی یک رفتار جنسی پذیرفتنی را تشکیل می‌دهد.²

1. Saiz, Ignacio. (2004). *Bracketing Sexuality: Human Rights and Sexual Orientation*, pp. 66-67.

2. Freedman, Lynn; Miller, Alice; Alexander, J. (2004). *Public Health Monitoring and Accountability: A Map of Current Initiatives and Conceptual Challenges: A Briefing paper for OSI* (2004) Freedman, Miller, and Alexander, pp. 7-9.

رویکرد حقوق بشر به گرایش جنسی و هویت جنسیتی دست کم راهش را به درون گفت‌وگوهای جهانی باز کرده است. با وجود این، حالا این درک گسترده وجود دارد که گفت‌وگوهای جهانی درباره موضوع حقوق بشر خودبه خود همگانی نیستند، مانند حقوق بشر جنسیت محور که می‌گوید برخی اشکال رویه‌های فرهنگی، درواقع، خشونت مبتنی بر جنسیت‌اند و اکنون توافقی نوظهور و پذیرفتنی وجود دارد که بیان می‌دارد گرایش جنسی هر فردی همچون مذهب و قومیت او سزاوار حمایت است. در دو دهه گذشته، تغییرات عظیمی مخصوصاً در به رسمیت شناختن تمایل جنسی و در نتیجه، حقوق جنسی افراد صورت گرفته است تا جایی که حوزه عمومی و خصوصی تا حدی در این موضوع با یکدیگر یکی شده‌اند. این واقعیت که تمایل جنسی هر دو حوزه را دربرمی‌گیرد، مفهوم سازی حقوق بشر و ارائه تصویری نو از آن را ضروری می‌سازد.

از آنجا که افراد با وجود انگ و برچسب جنسی معمولاً امکان تبدیل شدن به بازیگران عرصه عمومی را ندارند، تمرکز بر مشارکت به عنوان نوعی ارزش کلیدی حقوق بشر مهم است. به همین اندازه، مفهوم کرامت انسانی اهمیت دارد، هرچند می‌تواند پیچیده باشد و اغلب، مخصوصاً در زنان، به محدودیت جنسیتی بدل شود. امتناع از این مفهوم گرایش جنسی را به عنوان مجموعه‌ای منسجم از مطالبات در چهارچوب حقوق بشر زیر سؤال می‌برد. وارد کردن گرایش جنسی به بسته حقوق بشر با تأکید بر مشترکات بشریت، به تعهدی جدی برای آگاهی از «اشکال ایدئولوژیک»، که بر تصورات ما از رفتار جنسی حاکم‌اند، نیاز دارد.

با مطالعه تمایل جنسی در چهارچوب قوانین حقوق بشر بین‌المللی، آنچه باید به آن توجه کرد، آن است که هنجارهای بین‌المللی فعلی باید چگونه تفسیر شوند تا حقوق ضد تبعیض جنسیتی مانند حق حریم خصوصی، برابری، آزادی بیان و اجتماعات را دربرگیرد. مبنای حق تمایلات جنسی و رهایی از تبعیض جنسی و جنسیتی، همگانی بودن حقوق بشر و ماهیت جدایی‌ناپذیر آن حقوقی‌اند که به همه افراد، صرف انسان بودنشان، تعلق می‌گیرد. درحقیقت، دگرباشان هیچ حق «خاص» یا «اضافه‌ای» را مطالبه نمی‌کنند، بلکه در پی همان حقوقی هستند که افراد دگرجنس‌گرا از آنها برخوردارند. برابری، کرامت، و نبود تبعیض اصولی اساسی‌اند که رویکرد حقوق مبتنی بر گرایش جنسی را هدایت می‌کنند و مدافعان حقوق بشر، وکلا، و دیگر فعالان اجتماعی سعی در احقاق آن دارند.

چشم‌انداز سازمان ملل به دگرباشی

در گام نخست، به دنبال صحبت از حقوق دگرباشان و ظهور تعداد بیشتری از دگرباشان، که با استفاده از امکانات خود سعی کردند تا توجه جهان را به نحوه رفتار با این افراد جلب کنند، در بسیاری از کشورهای جهان، چه در سطح سازمان‌های مردم‌نهاد و چه در سطح سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، به این موضوع با توجه ویژه‌ای نگاه می‌شود. سازمان ملل به طور خاص موضع خود را از طریق قطعنامه‌هایی که تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی را محکوم می‌کنند، روشن کرده است. در اولین گزارش سازمان ملل درباره حقوق افراد لزبین، گی، دوجنسگرا، و تراجنسیتی در سال 2011 میلادی، به کشته شدن افراد در سراسر جهان، خشونت‌های ناشی از تنفر، شکنجه، بازداشت و جرم‌انگاری، و تبعیض در حوزه اشتغال و سلامت و آموزش و جزئیات آنها به سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی واقعی یا فرضی افراد پرداخته شد. بر اساس این گزارش، همجنسگراستیزی و تراجنسیتی‌هراسی در تمام نقاط جهان وجود دارد. خشونت اعمال‌شده علیه این گروه به طور خاص در مقایسه با دیگر جرائم تعصب‌محور پلیدتر بوده است. نمونه‌ها معمولاً درجه زیادی از خشونت و سببیت را نشان می‌دهند که ضرب و شتم، شکنجه، مثله، اختگی، و حمله جنسی را شامل می‌شوند.¹

ویتیت مانتاربهورن — که به تازگی از طرف شورای حقوق بشر به عنوان کارشناس مستقل سازمان ملل در امور حمایت در مقابل خشونت و تبعیض جنسی و جنسیتی تعیین شده است — در اولین سخنرانی خود از قوانین کهنه و تفسیرهای غیرآزادی‌خواهانه از مذهب و کلیشه‌سازی انتقاد کرد.²

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، زید رد الحسین، سلف او، ناوی پیلای، دبیرکل پیشین سازمان ملل، بان کی مون، و دیگر مقامات ارشد سازمان ملل در چند بیانیه عمومی از حمایت از دگرباشان سخن گفته‌اند. در روز جهانی حقوق بشر (10 دسامبر)، دبیرکل اولین سخنرانی خود از مجموعه سخنرانی‌های اصلی حوزه

1. UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva.

2. OHCHR, LGBT Speeches and statements, from www.ohchr.org/.../Pages/LGBTSpeechesandstatements.aspx.

سیاستگذاری را به تحقق برابری برای دگرباشان اختصاص داد و خواستار جرم‌زدایی از همجنسگرایی در سطح جهانی و دیگر تمهیداتی شد که به توقف خشونت و تبعیض کمک می‌کنند. او گفت: «ما به عنوان مردان و زنانی دارای وجدان، تبعیض کلی و تبعیض خاص مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی را مردود می‌دانیم. در جایی که تقابلی بین رویکردهای فرهنگی و حقوق بشر همگانی وجود دارد، این حقوق است که باید در نظر گرفته شود.» از سال 2003 میلادی، مجمع عمومی از طریق قطعنامه‌های خود در زمینه اعدام‌های خودسرانه، غیرقانونی یا اختصاری به کرات خواستار توجه به قتل افراد به سبب هویت جنسیتی یا گرایش جنسی آنها شده است.

در سال 2011 میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه 19/17 را تصویب کرد که اولین قطعنامه سازمان ملل درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی بود و «نگرانی عمیقی» از خشونت و تبعیض علیه افراد به سبب هویت جنسیتی و گرایش جنسی را اعلام کرد. در پی این به رسمیت شناختن دگرباشان، گزارشی از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل منتشر شد که موارد نقض حقوق افراد دگرباش همچون جرائم ناشی از نفرت، جرم‌انگاری همجنسگرایی، و تبعیض را مستند ساخت. یافته‌های این گزارش اساس بحثی شد که در مارس سال 2012 میلادی در شورا مطرح شد. این اولین بار بود که یک نهاد بین‌الدولی سازمان ملل به شکلی رسمی درباره این موضوع بحث کرد و همین کار راه را برای اولین گزارش رسمی سازمان ملل درباره این موضوع هموار کرد. به همین ترتیب، شورای حقوق بشر سازمان ملل انواع قطعنامه‌های سازمان ملل را در زمینه حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسی تصویب کرد که در ادامه خواهد آمد.

در سپتامبر سال 2014 میلادی، شورای حقوق بشر قطعنامه جدیدی (32/27) تصویب کرد که بار دیگر از نقض حقوق بشر عمیقاً ابراز نگرانی می‌کرد و از کمیسر عالی خواست گزارش جدیدی (A/HRC/19/41) با هدف اشتراک‌گذاری رویه‌ها و روش‌های مناسب برای غلبه بر خشونت و تبعیض با به‌کارگیری قوانین و استانداردهای حقوق بشری موجود تهیه و آن را در بیست‌ونهمین جلسه شورای حقوق بشر ارائه کند.¹

1. United Nations Statement on LGBT discrimination – ohchr.org, from www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx.

اولین سند بین‌المللی که فارغ از جنس افراد، حقوق برابر را به رسمیت شناخت، مقدمه منشور سازمان ملل متحد بود که در آن چنین آمده است: «ما ملت‌های سازمان ملل متحد بر آنیم تا نسل‌های آینده را از عذاب جنگی نجات دهیم که دو بار در طول زندگی مان غمی ناگفتنی برای بشریت به همراه آورده است و بر ایمان خود به حقوق بنیادین بشر، به کرامت و ارزش انسان و حقوق برابر مردان و زنان صحه گذاریم.»¹

ماده C 55 این منشور نیز تصریح می‌کند: «احترام همگانی و رعایت حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین همه، فارغ از نژاد، جنس، زبان یا مذهب.»²

در هیچ‌یک از قوانین بین‌المللی حقوق بشر حقی برای تمایل جنسی به صراحت در نظر گرفته نشده است. اما این مسئله در تعدادی از ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر مانند ماده 2 اعلامیه جهانی حقوق بشر³ تصریح می‌شود و به روشنی از رهایی از تبعیض به سبب گرایش جنسی صحبت می‌کند: «هرکسی بدون توجه به هرگونه دسته‌بندی همچون نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، دیدگاه سیاسی، یا نظرات دیگر جایگاه ملی یا اجتماعی، وضعیت تملک، تولد و غیره، شایسته برخورداری از همه حقوق و آزادی‌هایی است که در این اعلامیه آمده است. همچنین هیچ تبعیضی بر اساس جایگاه سیاسی، قلمرو قضایی، و وضعیت بین‌المللی کشور یا سرزمینی که فرد به آن تعلق دارد، فارغ از اینکه کشور یا سرزمین وی مستقل، تحت قیمومیت، غیرخودمختار یا تحت هرگونه محدودیت در حق حاکمیت خود باشد، هیچ تمایزی وجود ندارد.»⁴

در ماده 2 ICCPR از تمهیدات مشابهی برای رفع تبعیض صحبت می‌شود: «هر کشور عضو این کنوانسیون متعهد می‌شود که حقوق تصریح شده در این کنوانسیون را بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، جنس، زبان،

1. Wellman, C. (2000). Solidarity, the individual and human rights. *Human Rights Quarterly*, 22 (3), pp.639-657.

2. United Nations, from www.un.org/en/sections/un-charter/un-charter-full-text.

3. the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESR).

4. <http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>.

مذهب، دیدگاه سیاسی یا دیگر نظرات، ریشه ملی یا اجتماعی، وضعیت تملک یا تولد، و غیره، برای همه افراد تضمین کند و به آنها احترام بگذارد.¹

در سال 2014 میلادی، شورای حقوق بشر سازمان ملل اولین قطعنامه خود را تصویب کرد که حقوق دگرباشان را به رسمیت می‌شناخت و در پی آن گزارشی از کمیسیون سازمان ملل منتشر شد که نقض حقوق دگرباشان از جمله جرائم ناشی از نفرت، جرم‌انگاری همجنسگرایی، و تبعیض را مستند کرده بود. این حقوق وقتی بیشتر به رسمیت شناخته شد که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از همه کشورهای که هنوز قوانینی برای حمایت از حقوق اساسی دگرباشان تصویب نکرده بودند، خواست تا دست به اقدام بزنند. به همین ترتیب، شورای حقوق بشر سازمان ملل انواع قطعنامه‌ها را در زمینه حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی تصویب کرد.²

دگرباشی از منظر حقوقی و قضایی

معمولاً ردّ احساسات و آموزه‌های مذهبی در قوانین حقوقی دیده می‌شود. برای مثال، بسیاری از مستعمره‌های اولیه آمریکا مجازات‌های شدیدی برای لواط در نظر می‌گرفتند که واژه‌ای فراگیر بود و انواع وسیعی از اعمال جنسی را شامل می‌شد که به تولید مثل ختم نمی‌شدند (همچون رابطه با همجنس) و خارج از چهارچوب ازدواج بودند (مثل رابطه جنسی زن و مردی که قانوناً با یکدیگر ازدواج نکرده بودند) یا خلاف سنت بودند (مثل آمیزش زن و شوهر با زنی دیگر). این قوانین اغلب چنین رفتارهایی را به لاتین یا با عباراتی پیچیده و مبهم مثل «پلیدی که سخن نشاید» توصیف می‌کردند. در برخی نقاط مانند مستعمره نیو هیون، رفتار همجنسگرایانه زنان و مردان مستوجب مجازات مرگ بود.³

قوانینی که دگرباشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از کشوری به کشور دیگر بسیار فرق می‌کند و از رسمیت دادن قانونی به ازدواج با همجنس یا انواع دیگر همزیستی تا مرگ به عنوان مجازات رفتار جنسی و رمانتیک با

1. International Covenant on Civil and Political Rights, from <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CCPR.aspx>.

2. A/HRC/RES/32/2 S) – A/HRC/RES/17/19 and A/HRC/RES/27/32.

3. Katz, J. N. (1976). *Gay American history: Lesbians and gay men in the USA*. New York: Thomas Y. Crowell Company.

همجنس را شامل می‌شود. بسیاری از قوانین ضد دگرباشی یکی یا چند مورد از این ویژگی‌ها را دارند: زبان مبهم یا قوانینی که آشکارا لواط را منع می‌کند، تعیین جریمه نقدی برای رفتار جنسی توافقی با همجنس، زندان یا مجازات مرگ، قوانین آشکار بر ضد لزبین‌ها و تعیین سن بالاتر برای رابطه جنسی با همجنس به شکل توافقی.

کشورهایی با قوانین سخت علیه دگرباشان مانند عربستان سعودی، در عین حال، شاهد رشد فضای گی‌ها در همه سطوح جامعه هستند. در برخی از کشورها که قوانینشان در مورد دگرباشان سخت‌گیری‌های شدید را اعمال نمی‌کنند، مقامات راه‌های دیگری برای سرکوب این گروه پیدا می‌کنند؛ چنانکه در عمان و اردن، به چند پاتوق افراد گی حمله شد یا به دلایل واهی، مانند سرو غیرقانونی الکل، این مکان‌ها تعطیل شدند. حتی در جایی که همجنسگرایی قانونی است (مثل ترکیه)، انتقاد رسمی ممکن است به شدت وجود داشته باشد. عالیه کواف، وزیر سابق امور زنان ترکیه، دگرباشی را «بیماری» نامید و نعیم ساهین، وزیر کشور ترکیه، نیز آن را (به همراه دین زرتشت و خوردن گوشت خوک) نمونه‌ای از «بی‌حرمتی، بی‌اخلاقی و وضعیتی غیرانسانی» خواند.

تحلیل مجازات‌های قانونی در سراسر جهان نشان از آن دارد که چگونه در برخی کشورها از قوانین به عنوان ابزار وحشت علیه دگرباشان استفاده می‌شود.

قاره آمریکا و اروپای غربی

از ماه مارس سال 2017 میلادی، بیست و دو کشور که بیشتر در قاره آمریکا و اروپای غربی واقع شده‌اند (آرژانتین، بلژیک، برزیل، کانادا، کلمبیا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، بریتانیا، آمریکا، و اروگوئه) ازدواج همجنسان را به رسمیت شناخته‌اند و اگر نه همه حقوق، ولی بیشتر حقوق انسانی را برای شهروندان دگرباش محترم می‌شمارند¹.

آفریقا

هرچند همجنسگرایی در سراسر قاره آفریقا وجود داشته است، براساس گزارش‌های انجمن بین‌المللی گی و لزبین (ILGA) در سال 2015 میلادی²، سی و چهار کشور از پنجاه و پنج کشوری که توسط سازمان ملل یا اتحادیه

1. PEW Research Center. Gay Marriage around the World, from <http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/> Accessed: October 1st, 2017.

2. Appiah, Anthony; Gates, Henry Louis. (2010). *Encyclopaedias of Africa*. Volume 2 OUP, USA.

آفریقا یا هر دو به رسمیت شناخته شده‌اند، همجنسگرایی را ممنوع کرده‌اند. ILGA گزارش داده است که از آگوست سال 2016 میلادی، در مجموع، هفتاد و دو کشور قوانینی جزایی علیه عمل جنسی دگرباشان داشته‌اند¹ که بیشتر این کشورها در آفریقا یا آسیا واقع شده‌اند.²

قوانین کشور کامرون برای رفتار همجنسگرایانه تا پنج سال زندان در نظر می‌گیرد. پرونده غم‌انگیز کورنلیوس فوندا نمونه‌ای از این مجازات بی‌رحمانه است. کورنلیوس فوندا از سوی جماعتی دستگیر و به جرم همجنسگرایی به اداره پلیس برده شد. او گناهکار شناخته شد و توانست وثیقه تعیین شده را فراهم کند و در سال 2013 میلادی، به جرم رابطه جنسی با جوانی 19 ساله به ۱۰ سال زندان محکوم شد. هرچند به طور معمول حداکثر محکومیت برای رابطه با همجنس در کامرون 5 سال است، این مجازات برای رابطه با فردی که بین 16 تا 21 سال دارد، دو برابر می‌شود.³ در هفتاد و شش کشوری که همجنسگرایی غیرقانونی است، تعداد افرادی که به سبب گی بودن زندانی می‌شوند، زیاد است.

دنیای اسلام

در میان کشورهای عربی، مجازات عمل همجنسگرایی در الجزیره، بحرین، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عمان، قطر، سومالی، تونس، و سوریه زندان است. این مجازات در بحرین تا ده سال می‌تواند باشد.⁴ در کشورهایی که قوانین مشخصی درباره همجنسگرایی ندارند، ممکن است افراد دگرباش همچنان به سبب قوانین دیگر تحت پیگرد قرار بگیرند. برای مثال، در مصر، اغلب به قانونی قدیمی علیه «فساد اخلاقی» استناد می‌شود. قانون مصر آشکارا همجنسگرایی را جرم نمی‌داند، اما تمهیدات متعددی را شامل می‌شود که چنین رفتاری را جرم‌انگاری کند.⁵

1. State Sponsored Homophobia. (17 May 2016). A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition (PDF). *International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association*, Retrieved 19 May 2016.

2. See http://www.like2do.com/learn?s=LGBT_rights_by_country_or_territory.

3. See Goaty's News UK, Cameroon police arrest man seized by anti-gay mob. Date: November 21st, 2012. Accessed: October 1st, 2017.

4. Whitakar, Brian. Everything you need to know about being gay in Muslim countries, from <https://www.theguardian.com/world/2016/jun/21/gay-lgbt-muslim-countries-middle-east>.

5. Mohamed, M.S. (2015). *Sexuality, Development and Non-conforming Desire in the Arab World: The Case of Lebanon and Egypt* (No. IDS Evidence Report; 158). IDS.

در سطح دهشتناک‌تر دیگری، همجنسگرایی می‌تواند مساوی مرگ باشد. در عربستان سعودی، سودان، یمن و موریتانی، لواط مستوجب مجازات مرگ است، هرچند ظاهراً هیچ اعدامی دست‌کم در یک دهه گذشته برای این موضوع گزارش نشده است. چهارده کشور با جمعیت بیشینه مسلمان قوانینی دارند که مجازات مرگ را برای رفتارهای همجنسگرایانه در نظر می‌گیرند یا چنین اعدام‌هایی را مجاز می‌دانند.¹ در ایران امروزی، لواط جرمی با مجازات اعدام است و از زمان انقلاب اسلامی در سال 1357 شمسی، دولت ایران بیش از چهارهزار نفر را به جرم همجنسگرایی اعدام کرده است.² البته این چهارهزار اعدام را دولت ایران تأیید نکرده است و اطلاع از تعداد دقیق دگرباشانی که اعدام شده‌اند، کار آسانی نیست، اما به نظر می‌رسد اوضاع در ایران در حال تغییر است و در چند سال گذشته از تعداد اعدام‌ها کاسته شده است و پلیس رفتارهای همجنسگرایانه را نادیده می‌گیرد و با آنها مدارا می‌کند. به نظر می‌آید این تغییر رویکرد به علت فشارهای بین‌المللی و پوشش رسانه‌ای این موضوع باشد. در سطح جهان، صدها نفر بنا بر آنچه نقض قوانین دانسته می‌شود، یا در زندان هستند یا در انتظار محاکمه. در حال حاضر، این کشورها بزرگ‌ترین ناقضان حقوق انسانی دگرباشان‌اند:

- مصر: یکی از بزرگ‌ترین زندان‌ها مخصوص گی‌ها را دارد. بر اساس آخرین تخمین‌ها، تقریباً 500 دگرباش از سال 2013 میلادی به زندان افتاده‌اند.³
- عربستان سعودی: بنا به گزارش‌ها در یک سال، پلیس مذهبی مجموعاً 260 نفر را به سبب دگرباش بودن دستگیر و محکوم کرده است.
- مراکش: هر سال مدافعان حقوق دگرباشان از ده‌ها محاکمه با موضوع رابطه با همجنس در این کشور می‌گویند که به ندرت در رسانه‌ها انعکاس پیدا می‌کنند.

1. *State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association*. (2017 edition).

2. Crabtree, Vexen. (3 January 2014). "The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam". Retrieved 8 December 2014.

3. See <https://76crimes.com/12-in-prison-for-being-gay-13-more-awaiting-trial/>. Accessed November 9, 2017.

● نیجریه: دستگیری‌های متعددی در مورد دگرباشان گزارش شده است، اما رسانه‌های نیجریه به ندرت این

گزارش‌ها و محاکمه‌ها را دنبال می‌کنند.

در مجموع، این محکومیت‌ها می‌تواند تا ۱۰ سال ادامه داشته باشد. حتی اگر این قوانین سخت صددردصد اجرایی نشوند، همچنان نشان‌دهنده نکوهش اجتماعی دگرباشان است و در کنار تهدیدهای متفکران مذهبی، به تبعیض علیه این افراد دامن می‌زند و به آن مشروعیت می‌بخشد. این موضوع، در عین حال، به تندروها اجازه می‌دهد که واکنش‌های خود را توجیه کنند و خود را مُحق بدانند. سال‌ها پیش از آنکه داعش گی‌ها را از بالای ساختمان‌ها به پایین پرتاب کند، در عراق، سایر گروه‌ها به مردان «نامرد» حمله می‌کردند و گاه آنها را با تزریق آرام‌چسب از راه مقعد می‌کشتند.

این قوانین تأثیری فاجعه‌بار بر زندگی کسانی داشته است که آنقدر بدشانس بوده‌اند که دستگیر شوند. با وجود این و به‌رغم حملات گاه و بی‌گاه، در مجموع، مقامات این کشورها به نحوی فعالانه برای پیدا کردن افراد گی و دستگیری آنها تلاش نمی‌کنند. یک دلیل دیگر برای تعداد نسبتاً کم پیگردهای قانونی این افسانه رسمی است که ادعا می‌کند در کشورهای مسلمان تعداد زیادی همجنسگرا وجود ندارد. اساساً همجنسگرایی پدیده‌ای غربی دانسته می‌شود که البته تعداد زیاد دستگیری‌ها آن را زیر سؤال خواهد برد. برخی حکومت‌های عرب مانند عراق تحت حکومت صدام حسین و سوریه تحت حکومت بشار اسد نیز علاقه چندانی به حمله به گی‌ها از خود نشان نداده‌اند، چراکه احتمالاً درگیر مسائل دیگری بوده‌اند.¹

1. Everything you need to know about being gay in Muslim..., from www.theguardian.com › World › LGBT rights.



متهمان مصری در قفس دادگاه در طی محاکمه سال 2014 میلادی (عکس از DT News)

تصمیمات حقوقی دگرباشان

تنها جهلی عامدانه می‌تواند این واقعیت را بپوشاند که رابطه جنسی «رابطه‌ای مهم و حساس در هستی انسان و در مرکز زندگی خانوادگی، رفاه اجتماع، و رشد شخصیت انسان» است.¹ این واقعیت که افراد خود را به شکلی مشخص با رابطه جنسی نزدیک با دیگران تعریف می‌کنند، نشان می‌دهد که راه‌های «درست» زیادی برای چنین روابطی می‌تواند وجود داشته باشد و بیشتر غنای یک رابطه از آزادی فرد برای انتخاب شکل و ماهیت این پیوند به شدت شخصی نشئت می‌گیرد. در شرایط گوناگون، با پذیرش این واقعیت که افراد مختلف انتخاب‌های مختلفی دارند، فراهم کردن این آزادی انتخاب ضرورت می‌یابد.²

کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد زور و درد و رنج جسمی و روانی که بر پایه‌های مختلفی، از جمله تبعیض، از سوی مقامی دولتی یا فردی که در ظرفیت رسمی یا با رضایت او اعمال می‌شود را منع می‌کند (عفو بین‌الملل، 2001). بیشتر خشونت‌هایی که علیه دگرباشان در سراسر جهان صورت می‌گیرد، بر اساس این کنوانسیون ممنوع است. سوءرفتارهایی که عفو بین‌الملل مستند کرده است (2001)، مفاد هردو کنوانسیون

1. Paris Adult Theatre I v. Slaton, 413 U. S. 49, 413 U. S. 63 (1973); see also Carey v. Population Services International, 431 U. S. 678, 431 U. S. 685 (1977).

2. Grey, T.C. (1997). Bowers v. Hardwick Diminished. U. Colo. L. Rev., 68, p.373.

ICCPR و ICESCR را نقض کرده‌اند. همان‌گونه که در بخش قبل گفته شد، قوانین مخالف رابطه با همجنس

حقّ حریم خصوصی را — که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین می‌کند — نادیده می‌گیرد.¹

در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم میلادی، به مسائل مربوط به همجنسگرایی در آمریکا بیشتر توجه شده است. تمرکز بر ازدواج همجنسان در دهه‌های گذشته سبب آگاهی بیشتر از همجنسگرایی، تغییر نگاه به گرایش جنسی و افزایش تعداد دگرباشان و سازمان‌های حقوق بشری شد که از دادگاه‌ها استفاده کردند تا به شکلی قانونی، حقوق اجتماعی و مدنی دگرباشان را احیا کنند. امروزه در آمریکای معاصر، رویکرد بسیاری از آمریکایی‌ها به همجنسگرایی به سبب دهه‌ها کار بی‌وقفه بشردوستان، فمینیست‌ها، و نهادها تغییر کرده است.² این تغییرات متعدد زندگی را برای همجنسگرایان آسان کرده است و تصمیمات حقوقی مهم همگانی نیز در این راستا گرفته شده است که نوعی پیروزی تاریخی برای حقوق دگرباشان محسوب می‌شود.

پرونده Dudgeon v. The United Kingdom (1981) پرونده‌ای در دادگاه حقوق بشر اروپا بود که اعلام کرد فصل 11 قانون اصلاح قانون جزا در سال 1885 میلادی، که اعمال همجنسگرایانه مردانه را در انگلیس، ولز و ایرلند شمالی جرم‌انگاری می‌کرد، کنوانسیون حقوق بشر اروپایی را نقض می‌کرد.³ این پرونده از این جهت مهم بود که اولین پرونده موفق پیش از ECTHR و شروعی بر پرونده دیگری بود به نام Norris v. Ireland⁴ بود که سیاستمدار ایرلندی، ماری رابینسون، رئیس‌جمهور سابق ایرلند و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از سال 1997 تا 2002 میلادی، آن را پیگیری می‌کردند. این پرونده استفاده مستمر از همان قوانین سال 1885 را در جمهوری ایرلند به‌چالش کشید و در پی قانون دیگری بود که نهایتاً سبب شد شورای اروپا اعلام کند هیچ‌یک از کشورهای عضو این اتحادیه نباید رفتار همجنسگرایانه زنان یا مردان را مجرمانه تلقی کنند. در تاریخ 22 اکتبر

1. Handbook on European non-discrimination law, European Union Fundamental Rights Agency / Council of Europe, 2010.

2. Halperin, David. (2002). *How to Do the History of Homosexuality*.

3. Lennox, C.; Waites, M. (2013). *Human rights, sexual orientation and gender identity in the Commonwealth: From history and law to developing activism and transnational dialogues*. Human Rights Consortium, Institute of Commonwealth Studies, pp. 1-59.

4. Kiely, Niall. (23 April 1983). Norris to go to rights court in Strasbourg. *The Irish Times*, p. 8.

1981 میلادی، دادگاه با کمیسیونی موافقت کرد که جرم‌انگاری اعمال همجنسگرایانه بین بزرگسالانی که به این رفتار رضایت دارند، به‌وسیله ایرلند شمالی نقض ماده 8 کنوانسیون حقوق بشر اروپایی است که می‌گوید: «همه دارای حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، خانه و متعلقات آن هستند.» بنا بر این تصمیم، از رابطه مردان همجنسگرا در اکتبر 1982 میلادی در شمال ایرلند جرم‌زدایی شد. رابطه همجنسگرایانه زنان هرگز در هیچ جای انگلیس جرم نبود. به همین شکل در پرونده Modinos v. Cyprus (1993) قانون مشابهی تخلف شمرده شد.

در ایالات متحده، Bowers v. Hardwick و Lawrence V Texas دو مورد از تصمیمات مهم دادگاه عالی در زمینه مطابقت با قانون اساسی، آزادی رفتار جنسی، و همجنسگرایی بود.¹

Bowers تصمیم دادگاه عالی آمریکا بود که از مطابقت قانون لواط در ایالت جرجیا حمایت می‌کرد. بر اساس این قانون، سکس توافقی مقعدی و دهانی در فضای خصوصی بین دو بزرگسال در صورتی که همجنسگرا باشند، جرم بود. افسر توریک با دردست داشتن حکم به آپارتمان هاردویک رفت. هاردویک که آشکارا گی بود، مهمان شب‌خوابی داشت که روی مبل خوابیده بود. بعد از کمی چرخیدن در آپارتمان، توریک متوجه در نیمه‌باز اتاق خواب هاردویک شد. وارد آنجا شد و مشاهده کرد که هاردویک و دوست مردش در حال آمیزش دهانی‌اند، در حالی که هردو به آن رضایت داشتند. براساس قانون جرجیا که سکس دهانی و مقعدی بین افراد همجنس و دگرجنس جرم تلقی می‌شد، هردو مرد به جرم لواط دستگیر شدند.² بخشی از این قانون در ذیل مرور می‌شود:

الف) وقتی فرد هرگونه عمل جنسی را با اندام‌های جنسی فرد دیگری (همجنس) از طریق دهان یا مقعد انجام دهد یا مفعول چنین عملی واقع شود، مرتکب جرم لواط شده است.³

1. Franke, Katherine M. (2004). The domesticated liberty of Lawrence v. Texas, Colum. L. Rev, 104, pp. 32-36.

2. Goldstein, Anne B. (1987). History, homosexuality, and political values: Searching for the hidden determinants of Bowers v. Hardwick. Yale Lj 97, p. 1073.

3. Goldstein, Anne B. (1987). History, homosexuality, and political values: Searching for the hidden determinants of Bowers v. Hardwick. Yale Lj 97, p. 1073.

ب) فردی که به جرم لواط محکوم شده است، به حداقل یک سال و حداکثر بیست سال زندان محکوم می‌شود.¹

اما در این قانون، قانونگذار تمایزی بین رفتار همجنسگرایانه و دگرجنسگرایانه قائل نشده است. هاردویک بر اساس مواد قانون اساسی کشور، در دادگاه عالی این قانون را به چالش کشید.

در حکمی که اکنون کاملاً اشتباه دانسته می‌شود، دادگاه عالی اعلام کرد که قانون اساسی حقوق اولیه و اساسی را برای همجنسگرایانی که لواط می‌کنند، در نظر نمی‌گیرد و وقوع رفتار همجنسگرایانه در خلوت خانه بر نتیجه تأثیری ندارد. رفتار غیرقانونی هیچ‌گاه، حتی وقتی در خانه اتفاق می‌افتد، مصونیت نمی‌آورد. همچنین اعلام کرد ارتباطی میان خانواده، ازدواج یا تولیدمثل از یک طرف و فعالیت همجنسگرایانه از طرف دیگر وجود ندارد.

حسن پرونده² Bowers به بیان قوی و نظرهای مخالفی است که به آنها ارجاع می‌دهد. مخالفان بر آن بودند که از آزادی‌های فردی در مقابل دخالت‌های بی‌جای دولت در محل زندگی یا فضاهای خصوصی دیگر حمایت کنند. فضاهای دیگری در زندگی ما، خارج از خانه وجود دارد که حاکمیت نباید در آنها حضور پررنگی داشته باشد. استقلال فرد شامل آزادی اندیشه، اعتقاد، و برخی رفتارهای صمیمانه است. این مورد به «یکی از فراگیرترین حقوق و حق مشخصی مربوط می‌شود که بیشترین ارزش را نزد انسان متمدن دارد» و این حق همان «حق به حال خود بودن» است. این واقعیت که افراد خود را به شکلی مشخص با رابطه جنسی نزدیک با دیگران تعریف می‌کنند، نشان می‌دهد که راه‌های «درست» زیادی برای چنین روابطی وجود دارد و اغلب غنای یک رابطه از آزادی فرد برای انتخاب شکل و ماهیت این پیوند به شدت شخصی نشئت می‌گیرد. پاول پس از بازنشستگی از دادگاه عالی در مصاحبه‌ای در سال 1990 میلادی گفت که احتمالاً در رأی به ماندگاری قوانین لواط اشتباه کرده

1. Goldstein, Anne B. (1987). History, homosexuality, and political values: Searching for the hidden determinants of Bowers v. Hardwick. *Yale Lj* 97, p. 1073.

2. Franke, Katherine M. (2004). The domesticated liberty of Lawrence v. Texas, *Colum. L. Rev.* 104, pp. 43-59.

است.¹ تا سال 1961 میلادی همه پنجاه ایالت آمریکا لواط را ممنوع کرده بودند و بیست و چهار ایالت و همچنین ناحیه کلمبیا در سال 1986 میلادی چنین کردند.

با این حال، در طی تنها هفت سال همه چیز با پرونده Lawrence V Texas عوض شد. واقعیت هایی که به تشکیل پرونده Lawrence v. Texas منجر شد، به طرز عجیبی به پرونده Bowers شبیه بود. پلیس هیوستون در واکنش به حمله مسلحانه ای در ملکی خصوصی وارد آپارتمان لاورنس عریضه نویس شد و او را با مرد بزرگسال دیگری به نام گارنر عریضه نویس دید که در حال آمیزش هستند (به صورت توافقی و در فضای خصوصی). هردو مرد به جرم لواط دستگیر شدند و همان شب به زندان افتادند. دویست دلار جریمه شدند و به جرم رابطه جنسی منحرفانه که نقض کننده قانون تگزاس بود، محکوم شدند. این قانون رابطه جنسی نزدیک دو فرد همجنس را مجاز نمی دانست. این پرونده در دادگاه عالی فرجام خواهی شد² و در حرکتی جنجالی، دادگاه عالی اعلام کرد که گی ها و لزبین ها «دارای حق احترام به زندگی خصوصی هستند و حاکمیت نمی تواند هستی آنها را پست تر بداند یا با جرم دانستن زندگی جنسی خصوصی شان سرنوشت آنها را کنترل کند. این آزادی مورد حمایت قانون اساسی به افراد همجنسگرا حق انتخاب می دهد تا در چهارچوب خانه های خود و زندگی های خصوصی خود روابطشان را انتخاب نمایند و آزادانه کرامت خود را حفظ کنند»³.

دادگاه کاملاً آگاه بود که عکس پرونده Bowers عمل می کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر منطق پرونده Bowers را رد کرده بود و کشورهای دیگر اقدامات هماهنگی در جهت تأیید حق بزرگسالان همجنسگرا برای داشتن رفتار صمیمانه توافقی انجام داده بودند.

تقریباً همه قوانین بر اساس مفاهیم اخلاق محورند، اما حتی با در نظر گرفتن این موضوع، پرونده Lawrence و اقدام در جهت خلاف پرونده Bowers تصمیم حقوقی حیرت آوری بود. این حق جدید به ویژه

1. See <http://www.nytimes.com/1986/07/01/us/high-court-5-4-says-states-have-right-outlaw-private-homosexual-acts-division.html?pagewanted=all>. Accessed November 9th, 2017.

2. Epstein, L.; Martin A.D.; Quinn, K.M.; Segal, J.A. (2007). *Ideological drift among Supreme Court justices: Who, when, and how important*. Nw. UL Rev., 101, p.1483.

3. Epstein, L.; Martin A.D.; Quinn, K.M.; Segal, J.A. (2007). *Ideological drift among Supreme Court justices: Who, when, and how important*. Nw. UL Rev., 101, p.1483.

برای مذاهب سازمان‌یافته و پنج دین اصلی جهان که همواره ازدواج همجنسان را اشتباه می‌دانستند، بسیار بد بود. تا زمانی که لواط جرم محسوب می‌شد، سازمان‌های مذهبی اجازه داشتند از استخدام چنین افرادی سر باز زنند. در قدمی دیگر، در جهت پذیرش حقوق همجنسگرایان، تصمیم دادگاه عالی درباره پرونده مطرح دیگری به نام Obergefell v. Hodges، مسئله اصلی حقوق مدنی در اوایل قرن بیست و یکم میلادی را حل کرد. در تصمیمی پنج بر چهار، دادگاه اعلام کرد که حق بنیادین ازدواج برای زوج‌های همجنس در بند مربوط به تشریفات قانونی و همچنین در بند حمایت‌های برابر اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی آمریکا تضمین می‌شود.

دادگاه چهار دلیل مشخص را برای اعطای حق بنیادین ازدواج به زوج‌های همجنسگرا برشمرد:

- حق ازدواج نوعی آزادی بنیادین است، زیرا ذاتی استقلال فردی است. این حق از صمیمانه‌ترین پیوند میان دو فرد حمایت می‌کند.
- از طریق رسمیت قانونی، ازدواج می‌تواند خانواده‌ها و کودکان را در زمینه ساخت خانه و پرورش کودکان حمایت کند، چراکه ازدواج به شکل تاریخی، سنگ بنای نظم اجتماعی دانسته شده است.
- دادگاه توضیح داد از آنجا که هیچ تفاوتی میان پیوند دو جنس مخالف و پیوند دو همجنس از نظر این اصول وجود ندارد، محروم ساختن زوج‌های همجنس از حق ازدواج در تناقض با بند تشریفات قانونی اصلاحیه چهاردهم است.
- دادگاه همچنین اعلام کرد که جلوگیری از ازدواج همجنسان سبب تقابل آنها با جامعه می‌شود و آنها را از مزایای بی‌شمار ازدواج محروم می‌کند و بدون هیچ دلیل توجیه‌پذیری سبب بی‌ثباتی در روابط آنها می‌شود.

نهایتاً دادگاه اعلام کرد که هیچ پیوندی عمیق‌تر از ازدواج نیست، زیرا ازدواج والاترین آرمان‌های عشق، وفاداری، سرسپردگی، ایثار و خانواده را در خود جای می‌دهد. در پیوند زناشویی، دو نفر بزرگ‌تر از آنچه هریک پیش از ازدواج بودند، می‌شوند. همان‌طور که برخی از درخواست‌کنندگان در این پرونده‌ها ابراز کردند، ازدواج عشقی را دربرمی‌گیرد که حتی ممکن است پس از مرگ نیز باقی بماند. گفتن اینکه این زنان و مردان به آرمان

ازدواج بی‌احترامی می‌کنند، کج‌فهمی است. آنها به دنبال کرامتی برابر از منظر قانون هستند. این صف طولانی پرونده‌ها اهمیت پیوستن دو فرد به یکدیگر را در پیوند عاشقانه ماندگاری که برای آنها نفع اجتماعی دوجانبه دارد، نشان داد. این تصمیمات دادگاهی نقطه اوج کار حقوقی مستمر، تحول بی‌سابقه‌ای در نظام قضایی کشور و سرعت تغییر در ازدواج همجنس‌گرایان، هم در میان افکار عمومی و هم در دادگاه‌ها، بود. بی‌شک، این تعداد پرونده تقریباً می‌تواند همه بحث‌ها درباره جنبش ازدواج برابر را کنار بزند و پاسخی کوبنده به مخالفان برابری باشد. این قضیه توفیقی تمام‌عیار برای اجتماع دگرباشان بود و به قانونگذاران قبولاند که قانون برای همه، فارغ از گرایش جنسی آنها، یکسان است.

هر جامعه‌ای رفته‌رفته تکامل می‌یابد و امروزه در بیشتر جوامع، دیگر، افراد دگرباش را غیراخلاقی و خطرناک و بیمار یا بدتر نمی‌بینند. از یک طرف، قانون اساسی کشورها نیز راه تکامل را می‌پیمایند و همان‌طور که باید باشد، به تکامل اجتماعی و فرهنگی بشر پاسخ می‌دهند و از طرف دیگر، نظرات نیز در حال تغییرند؛ در آمریکا، نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که بیشتر آمریکایی‌ها از حق ازدواج همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند و این حمایت حتی در میان گروه‌هایی که در گذشته مخالف بودند، مثل مسیحیان انجیلی، به تدریج رو به افزایش است.¹

با این حال، مقاومت زیادی نیز در زمان امضا شدن قانون دفاع از ازدواج (DOMA) از سوی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، بیل کلینتون، در 21 سپتامبر 1996 میلادی دیده شد.² این قانون با اکثریت آرا در سنای آمریکا و در مجلس نمایندگان تصویب شد (به ترتیب با آرای 14-84 و 67-342).³ این قانون ازدواج را در سطح فدرال بین یک زن و یک مرد تعریف می‌کند و ازدواج قانونی دو همجنس تحت قانون ایالتی و بهره‌مندی از مزایای حاصل

1. Ari Ezra Waldman A Legal Analysis of the Supreme Court's Historic, from Towleroad www.towleroad.com/2015/06/obergefell-v-hodges.

2. Donovan, J.M. (1996). DOMA: An Unconstitutional Establishment of Fundamental Christianism. *Mich. J. Gender & L.*, 4, p.335.

3. Barr, Bob. (January 5, 2009). No Defending the Defence of Marriage Act. *Los Angeles Times*, from <http://articles.latimes.com/2009/Jan/05/opinion/oe-barr5>.

از ازدواج بر اساس قوانین فدرال را منع می‌کند. DOMA زوج‌های همجنس را از این مزایای قوانین مالیاتی فدرال، حقوق سربازان قدیمی، برنامه‌های بازنشستگی، مزایای پزشکی، تأمین اجتماعی، و حقوق مهاجرت محروم کرد.¹

تصمیم اکثریت دادگاه عالی در 26 ژوئن سال 2015 میلادی در مورد پرونده Obergefell v. Hodges عملاً اصل اولیه قانون دفاع از ازدواج را — که می‌گوید ازدواج بین یک مرد و یک زن است — زیر سؤال برد.² این تصمیم سبب گشایشی ملی در زمینه به رسمیت شناخته شدن حقوق ازدواج زوجین همجنس در ایالات متحده آمریکا بود.³

در حالی که دیگر کشورها قوانینی در منع همجنسگرایی وضع می‌کنند، بریتانیا شاهد تلطیف فضا در جلسات مدیران، کلاس‌های درس و حالا در پارلمان است. در واقع، در دهه گذشته، کشورها از طریق رأی‌گیری، قانونگذاری و مداخله قضایی ازدواج همجنسگرایان را یا ممنوع یا قانونی کرده‌اند. با این حال، مسئله دوباره مطرح شده است و با وجود این تصمیمات مهم، پیروی از باورهای مذهبی و دیدگاه منفی به دگرباشان همچنان انگیزه اقدامات بسیاری از افراد است.⁴ در دسامبر سال 2017 میلادی، جلسه محاکمه مغازه Masterpiece Cake در مقابل کمیسیون حقوق مدنی کلرادو توسط دادگاه عالی آمریکا پیگیری شد. این پرونده بزرگ‌ترین پرونده آزادی‌های دینی بود که در آن صاحب مسیحی یک نانوايي در کلرادو از پختن کیک عروسی یک زوج همجنسگرا به سبب باورهای مذهبی در سال 2012 میلادی امتناع کرده بود. جک فیلیپس، صاحب مغازه، مؤدبانه از درست کردن کیک عروسی برای چارلز کرگ و دیوید مالینز سر باز زد که قرار بود در ماساچوست ازدواج کنند و بعد مهمانی را در خانه ویلایی خود در کلرادو برگزار کنند. آنها به کمیسیون حقوق مدنی شکایت کردند.⁵ کلرادو از ایالت‌هایی است که قوانینی در حمایت از زوج‌های دگرباش دارد.

1. Barr, Bob. (January 5, 2009). No Defending the Defence of Marriage Act. *Los Angeles Times*, from <http://articles.latimes.com/2009/Jan/05/opinion/oe-barr5>.

2. Yoshimo, Kenji. (2015). A New Birth of Freedom?: Obergefell v. Hodges. *Harv. L. Rev.* 129, p. 147.

3. Murrey, Melissa. (2016). *Obergefell. V HHodges and Nonmarriage Inequality*.

4. <https://www.christianitytoday.com/news/2017/december/supreme-court-masterpiece-cakeshop-christians-gay-weddings.html>.

5. Colorado Court Rules Against Baker Who Refused to Serve Same..., from www.nytimes.com/2015/08/14/us/colorado-court.

هرچند توصیه‌نامه (amicus brief) چهل و یک صفحه‌ای تهیه شده در وزارت دادگستری دولت ترامپ از امتناع جک فیلیپس برپایه آزادی بیان حمایت می‌کرد، کمیسیون حقوق مدنی تصریح کرد که امتناع او از پخت کیک عروسی ناقض قانون ضد تبعیض این ایالت است که می‌گوید کسب و کارهای عمومی نباید از ارائه خدمات به مشتریان به سبب نژاد، مذهب، جنسیت، یا گرایش جنسی خودداری کنند. دادگاه از فیلیپس خواست تا با رعایت تساوی، برای زوج‌های همجنس نیز کیک عروسی درست کند.

پرونده کلرادو احتمالاً یکی از پرونده‌های جنجالی دادگاه در پاییز سال 2017 میلادی بود. دادگاه عالی می‌توانست تصمیم بگیرد که آیا صاحبان کسب و کار اجازه دارند براساس دیدگاه‌های مذهبی خود از خدمت‌رسانی به زوج‌های لزبین و گی خودداری کنند یا نه. به شکل بالقوه این تصمیم می‌توانست معافیت مذهبی از قوانین حقوق مدنی باشد که تبعیض علیه گروه‌های دیگر را مجاز می‌دانست و در نتیجه، تأثیر عمیقی بر ایالاتی چون کلرادو می‌گذاشت که تبعیض بر اساس گرایش جنسی را ممنوع می‌داند.

فصل 3

دلالت‌های روانی گرایش جنسی

مطالب:

- دلالت‌های روانی گرایش جنسی در زندگی اجتماعی نوجوانان
- دگرباشان و خانواده
- دگرباشان و آزار مجازی
- تحلیل مذهب و الگوهای اختلال روانی
- الگوهای اختلال روانی و دگرباشان
- بچه‌بازی

فصل سوم

دلالت‌های روانی گرایش جنسی در زندگی اجتماعی نوجوان

نوجوانی – معمولاً از 13 تا 19 سالگی – مرحله گذار از کودکی به بزرگسالی است که گاه می‌تواند دوره خطرپذیری بیشتر، گمراهی، و کشف باشد. این دوره گذار معمولاً با مسائل مربوط به استقلال و هویت‌یابی همراه است و نوجوانان با انتخاب‌های سختی در موضوع‌های پرخطری مانند مواد مخدر، الکل، و تمایل جنسی مواجه‌اند. در این سن، گروه همسالان، علایق رمانتیک، و ظاهر افراد اهمیت‌ی دوچندان می‌یابند و در مجموع، جوانان دگرباش نیز بسیاری از مراحل رشد را همانند همسالان دگرجنس‌گرای خود از سر می‌گذرانند. نوجوانی دورانی است که با تعریف هویت فردی شناخته می‌شود و معمولاً گرایش جنسی فرد بین اواسط کودکی و اوایل نوجوانی بدون هیچ تجربه جنسی پیشینی ظاهر می‌شود.

برای بسیاری از جوانان دگرباش، نوجوانی می‌تواند دورانی جهنمی باشد، چراکه آنها به کشش جنسی و عاطفی خود به افرادی با جنس مشابه خودشان پی می‌برند که معمولاً در آنها احساس شرم را برمی‌انگیزد. درواقع، شرم و غرور عواطف قدرتمندی‌اند که از نظر تاریخی با هویت‌های جنسی ناهم‌نوا مرتبط‌اند.¹ برای برخی افراد شرم واقعیت اول و ماندگار هویت آنها است.² مان (2000) بیان می‌کند که برای «فرد همجنس‌گرا» آگاهی بیشتر از میل به همجنس احساس در حاشیه قرار گرفتن را به وجود می‌آورد.³ در این حالت، ممکن است فرد از احساسات خود شرم‌منده باشد یا شرم را با احساس غرور عوض کند. این نظریه پردازان توصیه می‌کنند که هویت دگرباشان، هر قدر هم شکل گرفته باشد، باز از طریق دوگانه شرم – غرور ساخته می‌شود. متأسفانه شناخت هویت دگرباش خود در این برهه آسیب‌پذیر می‌تواند عواقب خطرناکی برای سلامت جسم و روان او در پی داشته باشد.

1. Scheff, T. J. (1994). *Emotions and identity: a theory of ethnic nationalism* (In C. Calhoun ed.) Social theory and the politics of identity. Oxford: Blackwell, pp. 277-303.

2. Pile, S.; Thrift, N.J. (eds). (1995). *Mapping the subject: geographies of cultural transformation*. Psychology Press.

3. Munt, S. R. (2000). Shame/pride dichotomies in Queer as Folk. *Textual Practice*, 14, pp. 531-46.

برای جوانان دگرباشی که در تقلا هستند، همین‌طور که سفر به سوی بزرگسالی پیچیده‌تر و نامطمئن‌تر می‌شود، مسیر پذیرش نیز سخت می‌شود و از آنجا که همجنسگراستیزی با مجازات و حمله در سطح فردی روی می‌دهد، این موضوع سبب می‌شود تا جوانان دگرباش نقاب دروغین دگرجنسگرایی را برای خود نگه دارند، چراکه به میل جنسی و جنسیت آنها برچسب غیرعادی، کثیف، و منزجرکننده زده شده است. معمولاً همجنسگراستیزی سبب می‌شود تا جوانان احساس نفرت از خود را تجربه کنند و احتمالاً عزت نفس کمی داشته باشند. این عواطف به نوبه خود چرخه‌های خودتخریبی با رفتارهایی مانند نوشیدن الکل، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی ناایمن، و آسیب به خود را به دنبال می‌آورد¹.

این دوره آسیب‌پذیر در زندگی دگرباشان معمولاً با این واقعیت درمی‌آمیزد که بسیاری از این جوانان حمایت کمی از طرف خانواده یا نهادهای اجتماعی دریافت می‌کنند. نوجوانانی که کشش به همجنس را تجربه می‌کنند، به شکلی فزاینده با هویت دگرباش خود احساس ناراحتی می‌کنند. پیچیدگی پرداختن به مسائل همجنسگرایان در مواجهه با نوجوانان به مراتب بیشتر است². شواهد علمی نشان می‌دهد که احتمال بروز نشانه‌های افسردگی، افکار خودکشی، و حتی اقدام به خودکشی در نوجوانانی که به همجنس خود گرایش دارند یا با افراد همجنس رابطه جنسی یا رمانتیک داشته‌اند یا خود را دگرباش می‌دانند، نسبت به نوجوانان دگرجنسگرا بیشتر است.

امروزه احتمال قربانی شدن جوانان دگرباش در دنیای غرب بیشتر است، چون این افراد بیشتر در معرض دید هستند. در مقایسه، در بیشتر کشورهای در حال توسعه یا دنیای غیرغرب، جوانان دگرباش معمولاً دیده نمی‌شوند و به حساب نمی‌آیند. شاید دیده نشدن بتواند به معنای قربانی شدن کمتر باشد، اما به معنی رهایی از عوامل فشار نیست. اعضای گروه‌های برچسب‌زده شده نامرئی باید «به دقت همه تعاملات را پایش کنند و بدانند که بسیاری از روابط بر پایه دروغ بنا می‌شوند که می‌تواند هر آن افشا شود³. استرس این افراد با طردشدگی بالقوه از جانب خانواده

1. سالیوان؛ وودارسکی. (2002). مجله رفتار انسانی در محیط اجتماعی، 5 (1)، ص. 4.

2. Cates, James A. (August 2007). Identity in Crisis: Spirituality and Homosexuality in Adolescents. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 24, Issue 4, pp 369-383.

3. Ryam, C.; Futterman, D. (1998). *Lesbian and gay youth: Care and counselling*. New York: Columbia University Press. P. 20.

و جامعه تشدید می‌شود. خدمات حرفه‌ای و اجتماعی محدودی برای کمک به جوانان دگرباش در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. استرس طرد شدن و نقاب زدن بر هویت جنسی اغلب می‌تواند به سلامت جسمی و روانی فرد صدمه بزند.

دگرباشان و خانواده

برای بسیاری از جوانان دگرباش ارتباط با خانواده دردناک است. واکنش‌های اولیه والدین به افشای هویت دگرباشان معمولاً منفی و گاه با طرد از خانه همراه است. بنابراین نوجوانان گی در معرض تنهایی، طردشدگی، افسردگی، و خودکشی هستند¹. هرچند به نظر می‌رسد که روابط خانوادگی بافتار اصلی رشد نوجوان باشد، مطالعات کمی بر نقش رابطه والدین نوجوان تمرکز کرده‌اند و متنی که بر روابط خانوادگی نوجوانان و جوانان تراجنسیتی تمرکز کرده باشد، وجود ندارد. والدین معمولاً اطلاعات اندکی درباره گرایش جنسی و هویت جنسیتی کودکان و نوجوانان دارند. با توجه به اینکه احتمالاً حمایت خانواده تأثیر اصلی را بر عزت نفس نوجوانان می‌گذارد و با در نظر گرفتن نقش مهم والدین در بهزیستی نوجوانان، جای تعجب است که توجه چندانی به فرزندپروری خاص نوجوانان دگرباش نشده است.

با همه اینها، پذیرش گرایش جنسی ناهمنوای نوجوان دگرباش برای خانواده آسان نیست. در بسیاری از فرهنگ‌ها، همجنسگرایی می‌تواند باعث شرمندگی فرد یا کل خانواده او شود و عواقبی برای همه اعضای خانواده و دوستان به بار آورد. برای مثال، وابستگان مؤنث فرد دگرباش نمی‌توانند به سبب نبود خواستگارهای علاقه‌مند ازدواج کنند، اقوام مذکر از شغل خود اخراج می‌شوند و جایگاه اجتماعی کل خانواده زیر سؤال می‌رود². در نتیجه،

1. Yadegarfar, M.; Meinhold-Bergmann, M.E.; Ho, R., (2014). Family rejection, social isolation, and loneliness as predictors of negative health outcomes (depression, suicidal ideation, and sexual risk behavior) among Thai male-to-female transgender adolescents. *Journal of LGBT youth*, 11 (4), pp. 347-363.

2. Jimenez, Marina. (20 May 2004). Gay Jordanian Now 'Gloriously Free' in Canada. *Gay Middle East*.

در بسیاری از نقاط خاورمیانه در میان اعضای خانواده‌های همجنسگرا قتل‌های ناموسی برای احیای عزت خانواده رخ می‌دهد.¹

مجموع شناخت موجود نشان می‌دهد که حمایت خانواده و مذهب از افراد به افزایش عزت نفس آنان کمک می‌کند و نبود چنین حمایت‌هایی سبب کاهش عزت نفس می‌شود. وقتی فرزندان گرایش جنسی خود را آشکار می‌کنند، والدین معمولاً آنها را باور نمی‌کنند و تصور می‌کنند آنها در حال گذار از یک مرحله هستند یا گی بودن آنها به دلیل تأثیرات خارجی است. گاهی جوانان گی هم‌زمان پیام‌های مستقیم و غیرمستقیمی از خانواده دریافت می‌کنند که بر بی‌ارزش بودن آنها دلالت دارد. برای مثال، والدین معمولاً از همان اوان کودکی که به تفاوت‌های فرزند گی خود پی می‌برند، از نظر عاطفی خود را از او جدا می‌کنند. وقتی مسئله هم‌نواپی غیرجنسیتی مطرح باشد، این جدایی شدیدتر می‌شود. گزارش‌های پژوهشگرانی که واکنش‌های خانواده به فرزند دگرباش را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد که پذیرش و ردّ والدین دو رفتار برساخته متفاوت‌اند. بنابراین هر دو رفتار پذیرش و رد می‌تواند در جریان سازگار شدن خانواده‌ها بعد از علم به هویت دگرباش فرزند اتفاق بیفتد. تأیید یا پذیرش نوجوانان دگرباش به سازگاری مثبت، عزت نفس بیشتر، حمایت اجتماعی بیشتر، سلامت عمومی بیشتر، و کاهش مخاطرات سلامت روان، رفتار جنسی پرخطر، فکر خودکشی، و سوء مصرف موادّ مخدر کمک می‌کند.

در پی تضعیف پیوند با والدین، نوجوانان دگرباش معمولاً از جامعه فاصله می‌گیرند یا به رفتارهای پرخطری، مانند خودتخریبی از طریق سوء مصرف مواد، دست می‌زنند، چراکه تصور می‌کنند با انجام این کارها به فرایند افشاسازی هویت خود کمک می‌کنند و از اضطراب یا افسردگی حاصل از مخفی‌سازی هویتشان می‌کاهند. تا سال 1982 میلادی، فرض بر این بود که همجنسگراها از موادّ مخدر برای تسکین درد احساس «تفاوت بودن و تنها بودن» برای کم کردن «شرم جنسی» حاصل از همجنسگراستیزی درونی شده و برای کاهش

1. Bilgehan Ozturk, M. (2011). Sexual orientation discrimination: Exploring the experiences of lesbian, gay and bisexual employees in Turkey. *Human relations*, 64 (8), pp.1099-1118.

استرس رقابت بر سر شرکای جنسی خوش قیافه استفاده می‌کنند. پژوهشگران در مطالعه‌ای¹ مصرف مواد مخدر در میان جوانان دگرباش را بررسی کردند و از آنها پرسیدند که واکنشی که از طرف اعضای خانواده، مربی‌ها، معلمان، درمانگران، همسایه‌ها، و دوستان به دگرباشی خود دیده‌اند، از نوع پذیرش یا خنثی یا طرد بوده است؛ تعداد واکنش‌هایی که به طردشدگی تعبیر می‌شدند، ممکن بود مصرف مواد را هم پیش‌بینی کنند. البته واکنش پذیرش مستقیماً سبب کاهش مصرف مواد نمی‌شد، اما از ارتباط بین طردشدگی و مصرف مواد پیشگیری می‌کرد. مطالعه دیگری² اخیراً ارتباط بین طردشدگی از جانب خانواده در نوجوانی و سلامت نوجوانان دگرباش را بررسی کرده است که رابطه مشخصی بین طردشدگی از طرف خانواده در نوجوانی و استفاده از مواد مخدر، احساس افسردگی، اقدام به خودکشی، و خطر سلامت جنسی در میان جوانان دگرباش را نشان داده است.

جای تعجب ندارد که فرد همجنسگرا در مواجهه با این تصویر بیرونی از خود، این نفرت را درونی کند و با پذیرفتن هویت خویش، پرورش اعتماد به نفس و ابراز تمایل جنسی در او مشکل شود. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که جوانان دگرباش شدتی از اضطراب عاطفی را تجربه می‌کنند. حدود 65 درصد همه همجنسگرایانی که در پی درمان‌اند، به افسردگی به عنوان یک علت اشاره می‌کنند که معمولاً حاصل سازگاری با همجنسگرایی خودشان است و از این تعداد، 50 درصد درمان را بین 18 تا 21 سالگی شروع می‌کنند.³ در حالی که مطالعات نشان داده است جوانان دگرباش نسبت به دگرجنسگرایان و جوانانی که تراجنسیتی نیستند، از اضطراب عاطفی بیشتری رنج می‌برند، دلایل این خطرپذیری زیاد بررسی نشده است یا به روشنی بیان نمی‌شود.

پژوهش‌های بسیاری از این نظریه حمایت می‌کنند که تجربیات منفی حاصل از برچسب و انگ دگرباشی به اضطراب مزمن منتهی می‌شود که سبب اضطرابی عاطفی در میان بزرگسالان و نوجوانان دگرباش می‌شود و این

1. Rosario, M.; Schrimshaw, E.W.; Hunter, J. (2009). Disclosure of sexual orientation and subsequent substance use and abuse among lesbian, gay, and bisexual youths: critical role of disclosure reactions.

Psychology of Addictive Behaviours, 23(1), p.175.

2. Ryan, Caitlin; Huebner, David; M Diaz, Rafael; Jorge Sanchez, J. (2009). Family Rejection as a Predictor of Negative Health Outcomes in White and Latino Lesbian, Gay, and Bisexual Young Adults. *Paediatrics*, 123, pp. 346-352. 10.1542/peds.2007-3524.

3. Diamond-Friedman, Cassandra. (1990). A multivariant model of alcoholism specific to gay-lesbian populations. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 7(2), pp. 111-117.

موضوع نشان‌دهنده نقش تسهیل‌کننده بدرفتاری با فرد دگرباش در بروز چنین عواقبی است.¹ ممکن است نوجوانان دگرباش از حمایت اجتماعی و منابع کمتری برای تحمل تجربیات خود به عنوان قربانی برخوردار باشند یا تجربه آنها به عنوان قربانی شدیدتر باشد.²

مطالعات اخیر شمال آمریکا و نیوزیلند از جمعیت‌های بزرگ نشان می‌دهد که نرخ اقدام به خودکشی در میان جوانان دگرباش بیشتر و دست‌کم چهار برابر هم‌تایان دگرجنسگرا است.³ حدود 7 درصد پاسخ‌دهندگان گزارش کرده‌اند که چون کسی فکر کرده است آنها گی، لزبین، یا دوجنسگرا هستند، دچار تبعیض شده‌اند. در جریان این پژوهش، تفاوت چشمگیری در نرخ تبعیض بر اساس سن، نژاد، یا جنس دیده نشد. شیوع آسیب به خود، به طور خاص، در میان دگرباشان مرد بیشتر بود. جوانان دگرباش نیز به شکلی مشخص نشانه‌های افسردگی بیشتری در مقایسه با دگرجنسگرایان بروز دادند.

مشکلاتی که برخی جوانان دگرباش در فرایند رسیدن به مرحله بزرگسالی با آن روبه‌رو می‌شوند، به قرار ذیل است، گرچه به این موارد محدود نیست: بی‌خانمانی، زور شنیدن در مدرسه، طرد شدن از خانواده و مشکل پیدا کردن فضایی امن برای ایجاد روابط حمایتگرانه. داده‌های حاصل از پیمایش رفتار پرخطر جوانان واشنگتن دی.سی (YRBS) نشان داد 40 درصد جوانانی که اقلیت گرایش جنسی را گزارش کرده بودند، از احساس غم یا درماندگی طی دو هفته پیش از مطالعه سخن گفتند، در حالی که این رقم در میان جوانان دگرجنسگرا 26 درصد بود. در عین حال، این داده‌ها نشان داد که احتمال فکر کردن به خودکشی در یک سال گذشته در میان جوانان دگرباش دوبرابر دگرجنسگرایان بوده است (31 درصد در مقابل 14 درصد)، چون احتمالاً این جوانان با عوامل استرس‌آوری روبه‌رو هستند که با هویت انگ‌زده‌شده ارتباط دارد.

1. Bontempo DE.; D'Augelli AR. (2002). Effects of at-school victimization and sexual orientation on lesbian, gay, or bisexual youths' health risk behavior. *Journal Adolesc Health*, 30 (5), pp. 364-374.

2. Dunbar E. Race. (2006). gender, and sexual orientation in hate crime victimization: Identity politics or identity risk? *Violence and Victims*, 21, pp. 323-337.

3. Bagley, C.; Tremblay, P. (1997). Suicidal behaviours in homosexual and bisexual males. *Crisis*, 18, pp. 24-34.

نوجوانان دگرباش در محیط‌هایی اجتماعی زندگی می‌کنند که ممکن است در آن محیط‌ها، در معرض تجاری منفی همچون طردشدگی اجتماعی و انزوا، حمایت‌های اجتماعی ضعیف، تبعیض و سوءرفتار فیزیکی و کلامی قرار گیرند.¹ معمولاً برای این افراد، محیط مدرسه محلی برای ابراز خشونت حاصل از گرایش جنسی (SOV) – که داغلی آن را طرح کرد – می‌شود.²

گرایش جنسی و بعد از آن، خشونت ناشی از کشف گرایش جنسی خیلی زود شروع می‌شود. در پایان دوره ابتدایی، جوانان دگرباش این پیام را دریافت می‌کنند که دگرجنسگرایی طبیعی و درست است و همجنسگرایی غیرطبیعی و نادرست است. ناهمنوایی با کلیشه‌های جنسیتی مخصوصاً برای پسران پذیرفتنی نیست. برای جوانانی که خود را دگرباش می‌دانند، حرکت به سوی نوجوانی با افزایش سطح هورمون‌ها – که بخشی طبیعی از فرایند بلوغ جنسی است – معمولاً به این معنی است که گذر آنها به بلوغ همراه با خشونت است، زیرا با هنجارهای جنسیتی هم‌نوا نیستند.

بدرفتاری با جوانان دگرباش بیشتر در قالب آزار، خشونت، و حمله صورت می‌گیرد. مطالعات نشان داده است که دانش‌آموزان دگرباش بیش از بیست بار در روز آماج بدرفتاری کلامی در قالب برچسب‌های منفی قرار می‌گیرند. متون موجود نشان می‌دهد که ظاهر فرد علت اولیه آزار و اذیت او است.³ علت رایج دوم گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا فرضی فرد است.

مطالعه‌ای که از سوی واحد آموزش سلامت مدارس برای گروه کارزار استون وال انجام شد، نشان داد که تقریباً دوسوم شاگردان همجنسگرا در مدارس بریتانیا آزار و اذیت می‌بینند.⁴ هشدار بزرگ دیگر محصول مطالعه‌ای بود که تصویری شوک‌آور از میزان خشونت همجنسگراستیزانه نشان می‌داد که کارکنان مدرسه و دیگر شاگردان از

1. Lombardi, EL.; Wilchins, RA.; Priesing D, Malouf D. (2001). Gender violence: transgender experiences with violence and discrimination. *J Homosex*, 42(1), pp. 89-101.

2. D'Augelli, AR.; Grossman, AH.; Starks, MT. (2006). Childhood gender typicality, victimization, and PTSD among lesbian, gay, and bisexual youth. *Journal of Interpersonal Violence*, 21(11), pp. 1462-1482.

3. Berne, S.; Frisén, A.; Kling, J. (2014). Appearance-related cyberbullying: A qualitative investigation of characteristics, content, reasons, and effects. *Body image*, 11(4), pp.527-533.

4. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/education/6239098.stm.

خود بروز می دادند. تقریباً همه دگرباشان آن مدرسه آزار کلامی را تجربه کرده بودند و 41 درصد آنها مورد حمله فیزیکی قرار گرفته بودند و 17 درصد اعلام کرده بودند که به مرگ تهدید شده اند. حتی اگر افراد دگرباش خشونت را مستقیم تجربه نکنند، همچنان در محیطی قرار دارند که زبان و نظرات همجنسگراستیزانه در آن رایج است.

دگرباشان و آزار مجازی

سازمان GLSEN دریافته است که جوانان دگرباش، درکل، نسبت به جوانان دیگر زمان بیشتری را در فضای مجازی می گذرانند. آنها به دوستی های مجازی روی می آورند و از اینترنت برای جمع آوری اطلاعات درباره گرایش جنسی، سلامت، و مسائلی مانند ایدز (HIV) استفاده می کنند. احتمال مشارکت در فعالیت های سیاسی در میان جوانان دگرباش دوبرابر است و این کار نیز به شکل برخط (آنلاین) انجام می شود. از آنجا که جوانان دگرباش وقت بیشتری را در فضای مجازی می گذرانند، احتمال بیشتری وجود دارد که خشونت مجازی را تجربه کنند¹.

آزار مجازی به حملاتی گفته می شود که در فضای مجازی اتفاق می افتد و شامل توزیع عکس های تحقیرآمیز، انتشار اطلاعات خصوصی یا اطلاعات کذب، و انواع دیگر آزارهای برخط می شود. این نوع آزار استفاده از اینترنت و دیگر فناوری های مرتبط با آن را برای آسیب رساندن به افراد دیگر به شکلی عامدانه، مکرر، و خصومت بار دربرمی گیرد. آزار مجازی به آزاردهندگان اجازه می دهد تا گمنام بمانند.

از آنجا که فناوری ها و دستاوردهای تکنولوژیک بخشی جدایی ناپذیر از زندگی روزمره ما شده است و امروزه به راحتی و به وفور در دسترس است، به اجتماع دگرباشان نیز این اجازه را می دهد تا در سطح جهانی با افراد دگرباش دیگر تعامل کنند و تصویر بهتری از مسائل دگرباشان به دنیا ارائه کنند. از طرف دیگر، این قلمرو دیجیتال به محلی دیگر برای نشان دادن انزجار از جوانان دگرباش تبدیل شده است. ابراز نفرت از گروه های اقلیت در اجتماع فضای مجازی بیشتر و جدی تر است تا در اجتماع واقعی در دنیای امروز².

1. See nobullying.com/lgbt-bullying-statistics.

2. Glaser, J.; Dixit, S.; Green, D. P. (2002). Studying hate crime with the Internet: What makes racists advocate racial violence? *Journal of Social Issues*, 58, pp. 177-193.

آزار مجازی به همراه خشونت و اعمال زور، عزت نفس را پایین می آورد و بر سلامت روان و سبک زندگی فرد اثر می گذارد. پیمایشی در ایالت آیوا بر 444 جوان نشان داد که از هر دو جوان، یکی به سبب هویت جنسی خود آزار مجازی را تجربه کرده است¹. بیش از نیمی از این جوانان از افشای این آزار به والدین خود ابا دارند، زیرا ممکن است والدینشان دسترسی آنها به فضای مجازی و دنیای برخط را محدود کنند، در حالی که این فضا «راه ارتباطی آنها با دنیای بیرونی» است.

همچنین 40 درصد پاسخ دهندگان گفتند که والدینشان آزار مجازی آنها را باور نمی کنند. 55 درصد نیز گزارش کردند که والدین آنها کاری برای توقف این رفتار انجام نمی دهند و 57 درصد بیان کردند که فکر نمی کنند کاری از دست مقامات مدرسه بریاید. در عین حال، 45 درصد افراد احساس افسردگی در پی آزار را گزارش کرده اند، 38 درصد احساس شرمندگی را تجربه کرده اند و 28 درصد فقط به دلیل مدرسه رفتن دچار اضطراب شده اند و از هر چهار نفر یکی به فکر خودکشی اشاره کرده است.

پیمایشی دیگر نشان داد که در سال گذشته نوجوانانی که خود را دگرباش می دانستند، 52 درصد مجال تجربه خشونت را داشتند، در حالی که این درصد در میان همسالان دگرجنسگرای آنها 38 درصد بود.

مشخص است که احتمال تجربه خشونت با استفاده از ابزار اینترنت در اوایل کودکی، در مقطع متوسطه دوم و در میان دگرباشان یا کسانی که خود را اقلیت جنسی می دانند، بیشتر است. مدارس — که به صورت بالقوه خطرناک ترین محل برای نوجوانان دگرباش به حساب می آیند — باید رفتار همجنسگراستیزانه را در همه سطوح به چالش بکشند تا درکی متفاوت از سبک زندگی و تمایل جنسی را منتقل کنند. همکاری سیاستگذاران، کارفرمایان و نهادهای آموزشی با جوانان جهت مقابله با نابرابری جنسی و به چالش کشیدن تبعیض در تمام سنین لازمه مداخلات ضد خشونت است که البته نباید تنها به مدارس محدود شود.

1. www.cnet.com/news/cyberbullying-hits-lgbt-youth.

تحلیل مذهب و الگوهای اختلال روانی

مذهب لایه‌ای دیگر از فشار را بر دگرباشان اضافه می‌کند و همچنان عامل مهمی در مقابل پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ازدواج همجنسان است. آنچه نوع گرایش جنسی را مشخص می‌کند، تنها تمایل محض یک فرد نیست، بلکه درک اشتباه از مذهب است که همواره تحت تأثیر منابع قدرتمند مذهبی اجتماعی است. باید توجه داشت که درست است تعلقات مذهبی خانواده با میزان پذیرش آن ارتباط زیادی دارد، اما با حمایت اجتماعی از دگرباشان نوجوان نیز ارتباطی مستقیم دارد.

در طول زمان و در مکان‌های مختلف، نگاه‌ها به رابطه مذهب و انواع مختلف گرایش‌های جنسی متفاوت بوده است. نگاه خاص به همجنسگرایی نه تنها به وسیله باورهای مذهبی فردی، بلکه در تعامل این باورها با بافتار ملی — مذهبی غالب (حتی در میان کسانی که کمتر مذهبی‌اند یا بافتار مذهبی غالب را دنبال نمی‌کنند) تعیین می‌شود. امروزه آموزه‌های مذهبی در مذاهب اصلی جهان رویکردهای متفاوتی درباره دگرباشی دارند.

در اسلام، تنها یک خدا، یعنی خدایی یگانه (الله) وجود دارد و حضرت محمد (ص) پیامبر این دین است.¹ اسلام دومین دین بزرگ جهان و رو به رشدترین دین بزرگ در دنیا با بیش از 1.8 میلیارد پیرو است که این پیروان 24.1 درصد کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و مسلمان خوانده می‌شوند. مسلمانان در چهل و نه کشور جهان بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند.² همه مکتب‌های بزرگ اسلامی همجنسگرایی را مردود می‌دانند و میل به همجنس را وسوسه‌ای غیرطبیعی به‌شمار می‌آورند و این نوع رابطه جنسی را عملی خلاف نقش طبیعی و هدف فعالیت جنسی می‌بینند.

در دین یهود و در تورات (پنج کتاب اول انجیل) آمده است: «[مرد] نباید با مردی دیگر بخوابد، آن گونه که با یک زن می‌خوابد، این رسوایی است.»

1. Horrie, C.; Chippendale, P. (2007). *What is Islam? A Comprehensive Introduction*. Virgin Books Limited.

2. Maoz, Z.; Henderson, E.A. (2013). The world religion dataset, 1945-2010: Logic, estimates, and trends. *International Interactions*, 39 (3), pp.265-291.

مکتب‌های مسیحیت نظرهای گوناگونی، از محکومیت مستقیم تا پذیرش کامل، درباره موضوع همجنسگرایی دارند. بیشتر مکتب‌های مسیحی از کسانی که به همجنس خود تمایل دارند، استقبال می‌کنند، اما همچنان می‌گویند که عمل جنسی با همجنس گناه است. کلیسای کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، و دیگر شاخه‌های اصلی مانند کلیسای اصلاحی در آمریکا و کلیسای باپتیست آمریکا همجنسگرایی را گناه می‌دانند. این سه مذهب اصلی رویکردهایی متفاوت به همجنسگرایی دارند که از منع این عمل در سکوت تا ممنوعیت آشکار آن، مخالفت فعالانه و مخالفت کلامی، و پذیرش اجتماعی همجنسگرایی تا اعدام را شامل می‌شود.

به نظر می‌رسد که باورهای مذهبی عاملی مهم در گرایش جنسی باشد. مطالعه‌ای در میان کسانی که به شکل هفتگی یا بیشتر در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، نشان داد که درصد مخالفت با پذیرش اجتماعی همجنسگرایی در میان آنها کمی بیشتر است. وقتی تقریباً یک‌سوم آمریکایی‌هایی که معتقدند همجنسگرایی باید منع شود، با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که چرا چنین احساسی دارند، بیشترین دلیلی (52%) که مطرح می‌کنند، این است که همجنسگرایی با باورهای مذهبی و اخلاقی آنها در تضاد است. این موضوع به کمک داده‌های دیگری نیز نشان داده می‌شود که می‌گویند افراد مذهبی بیشترین میزان همجنسگراستیزی را ابراز می‌کنند¹.

اما برخی مسیحیان لیبرال از همجنسگرایی حمایت می‌کنند. کلیسای متروپلیتن، به طور خاص، شاخه‌ای از مسیحیت با چهل‌هزار پیرو، تنها برای خدمت‌رسانی به اجتماع مسیحیان دگرباش بنا شد و با آغوشی باز به دگرباشان خدمت می‌کند. در اجتماع کلیسای انگلیسی، روحانیانی وجود دارند که آشکارا گی هستند، افرادی همچون جین رابینسون و ماری گلس پول اسقف‌هایی همجنسگرا در آمریکا هستند و اوا برون همجنسگرایی در سوئد است.

1. Kessler, RC.; Mickelson, KD.; Williams, DR. (1999). The prevalence, distribution, and mental health correlates of perceived discrimination in the United States. *Journal of Health and Social Behavior*, 40 (3), pp. 208-230.

در سال 2005 میلادی، جناب راب شناک، رهبر برجسته پروتستان در واشنگتن، به گروه بزرگی از جوانان گفت که معتقد است همجنسگرایی نوعی «انتخاب» نیست، بلکه نوعی «تمایل» است، یعنی چیزی با «ریشه‌های عمیق» در مردم. هرچند او از مخالفت با همجنسگرایی حمایت کرد، این نکته را نیز یادآور شد: «اگر ظهور این شواهد علمی اجتناب‌ناپذیر است، باید برای پاسخی از سر مهربانی آماده باشیم.»

اما وضعیت در حال تغییر است و تغییر الگوی مشخصی نیز دیده می‌شود که به افراد دگرباش کمک می‌کند تا در صلح زندگی کنند. تعداد مذاهب حامی همجنسگرایی همواره در سراسر جهان رو به افزایش است و دنیای توسعه‌یافته در حال تصویب قوانینی در حمایت از حقوق دگرباشان است. کلیسای کاتولیک نیز تحت رهبری پاپ فرانسیس تغییراتی در مورد دگرباشان را تجربه می‌کند. در تابستان سال 2014 میلادی، پاپ فرانسیس گفت: «اگر کسی گی باشد و در جست‌وجوی پروردگار و مشتاق عمل نیک، من چه کسی هستم که بخواهم او را قضاوت کنم؟» این سخن موجی از حیرت را در سراسر کلیسای کاتولیک و جهان به‌راه انداخت، چراکه موضع او با خلف خود، یعنی پاپ بندیکت شانزدهم، متفاوت بود که ازدواج گی‌ها را تهدیدی برای صلح جهانی می‌دانست. اظهارنظر او آغاز دوره‌ای مهم بود که در آن چندین کاتولیک بلندمرتبه با انگیزه گرفتن از موضع باز پاپ، نظرهایی مشابه ابراز کردند. در ماه مه، اسقف عالی‌رتبه ایتالیایی گفت که کلیسا به بحث‌های درباره ازدواج همجنسان گوش می‌دهد. چند هفته بعد، کاردینال برزیلی، کلادیو هامس، گفت که نمی‌داند آیا مسیح با ازدواج همجنسان مخالفت می‌کرد یا نه. در اوایل ماه سپتامبر، کاردینالی از نیویورک به نام تیماتی دالن تصمیم کمیته روز رژه سنت پاتریک مبنی بر اجازه به یک گروه گی برای رژه در سال 2015 میلادی با بنر خودشان را تأیید کرد. بیست‌ویک سال پیش از این، کاردینال جان اُکانر — که یکی از اخلاف دالن بود — اعلام کرده بود که اجازه دادن به گروهی گی برای رژه توهینی به اعتقادنامهٔ رسولان است.

نظریات مذهبی دنیای مدرن با بیانیۀ کمیسیون حقوق بشر همسو هستند که می‌گوید لازمهٔ استانداردهای بین‌المللی وجود سیاست‌های یکدست حاکمیتی برای ریشه‌کنی رویه‌ها است، حتی اگر مدافعان بگویند که این رویه‌ها در باورها و مناسک مذهبی ریشه دارند.¹

الگوهای اختلال روانی و دگرباشان

اساساً نگاه تاریخی به تمایلات جنسی در فرهنگ غربی بر همجنسگرایی مردان متمرکز است و نشان‌دهندهٔ این است که در طی اعصار و قرون، نگاه جامعه به همجنسگرایی نگاهی پرافت‌وخیز بوده است. نظریه‌های مختلف همجنسگرایی یا از رویکرد تکوینی گرفته شده‌اند یا روش برساخته‌های اجتماعی‌اند.

تغییر وضعیت همجنسگرایی در دسته‌بندی اختلالات روانی به‌خوبی نشان از آن دارد که مفهوم اختلال روانی می‌تواند با تکامل برساخته‌های اجتماعی و جامعه به‌سرعت تغییر کند. از منظر تاریخی، جامعه پزشکی یکی از قدرتمندترین نیروهای اجتماعی ضدگی‌ها بوده است که در اولین موضع‌گیری خود گفته است که «گی‌ها اساساً بیمار روانی و نیازمند درمان‌اند».

رویکردهای مدرن به همجنسگرایی بنیان‌های مذهبی، حقوقی، و پزشکی دارند. به‌نظر می‌رسد تا پیش از قرون وسطای میانه، اعمال همجنسگرایانه از سوی کلیساهای مسیحیت در کل اروپا یا نادیده گرفته می‌شد یا با آنها با مدارا برخورد می‌شد، اما در نیمهٔ دوم قرن بیستم خصومت نسبت به همجنسگرایان آغاز شد و نهایتاً به نهادهای مذهبی و سکولار سراسر اروپا سرایت کرد. محکوم کردن همجنسگرایی و دیگر رفتارهای جنسی‌ای که «غیرطبیعی» دانسته می‌شدند، شایع شد و تا امروز نیز ادامه دارد.

در پایان قرن نوزدهم، پزشکی و روان‌درمانگری به‌شدت با مذهب و نظام حقوقی برای در دست گرفتن موضوع تمایلات جنسی در رقابت بود. در نتیجه، گفتمان همجنسگرایی از حوزهٔ گناه و جرم به قلمرو آسیب‌شناسی

1. عفوبین‌الملل. 2001. ص. 45.

روانی بسط پیدا کرد¹. معمولاً این تغییر تاریخی نوعی پیشرفت دانسته می‌شد، زیرا فرد بیمار کمتر سزاوار سرزنش است تا یک گناهکار یا مجرم.

اما حتی در حوزه پزشکی و روان‌درمانگری نظرها متفاوت بود و همه به همجنسگرایی از زاویه آسیب‌شناسی نگاه نمی‌کردند. یکی از اولین کسانی که با تأکید ویژه بر همجنسگرایی مردان متنی درباره آسیب‌شناسی جنسی نوشت، ریچارد فون کرافت ابینگ، روانشناس اتریشی آلمانی و نویسنده کتاب Psychopathic Sexualise در سال 1886 میلادی بود. او همجنسگرایی را بیماری‌ای پیش‌رونده توصیف کرد. اما زیگموند فروید و هاولاک ایلس، هردو، موضعی پذیراتر داشتند. در اوایل قرن بیستم، ایلس گفت که همجنسگرایی مادرزادی است و نه غیراخلاقی، بیماری نیست و بسیاری از همجنسگرایان نقشی برجسته در جامعه بازی کرده‌اند².

فروید با ایلس موافق بود که همجنسگرایی نباید نوعی آسیب دانسته شود. در نامه‌ای که امروزه بسیار مشهور است، فروید به مادری آمریکایی در سال 1935 میلادی چنین نوشت:

بی‌شک، همجنسگرایی یک مزیت نیست، اما مایه شرمندگی هم نیست، پلید نیست، تحقیرآمیز نیست و می‌تواند همچون نوعی بیماری دسته‌بندی شود. ما آن را تفاوتی در کارکرد جنسی می‌دانیم که با متوقف شدن رشد جنسی حادث می‌شود. افراد بسیار مورداحترامی در عصر قدیم و جدید همجنسگرا بودند و در میان آنها مردان بزرگی بودند (افلاطون، میکل آنژ، لئوناردو داوینچی و ...). سرکوب همجنسگرایی به مثابه نوعی جرم، هم بی‌انصافی بزرگی است و هم خشونت.

با این حال، نظریه ابتدایی زیگموند فروید درباره جنسیت انسان با نظر ایلس فرق داشت. او باور داشت که همه افراد بشر ذاتاً دوجنسگرا هستند و تنها بر اثر تجارب خود با والدین و دیگران، همجنسگرایی یا دگرجنسگرایی را انتخاب می‌کنند.

1. Chauncey, G. Jr. (1982/1983). From sexual inversion to homosexuality: Medicine and the changing conceptualization of female deviance. *Salmagundi*, 58-59, pp. 114-146.

2. D'Emilio, J.; Freedman, E.B. (1988). *Intimate matters: A history of sexuality in America*. New York: Harper & Row.

در سال 1957 میلادی، پژوهش هوکر در خارج کردن همجنسگرایی از فهرست اختلال روانی در DSM نقشی مهم ایفا کرد. مطالعه او از چندین جهت مبتکرانه بود؛ اولاً به جای پذیرش نظر غالب، که همجنسگرایی نوعی آسیب است، او پرسشی مطرح کرد مبنی بر اینکه آیا همجنسگرایان و دگرجنسگرایان در سازگاری روانی خود با یکدیگر فرق دارند یا نه. ثانیاً به جای مطالعه بیماران روانی، نمونه‌ای از مردان همجنسگرا را انتخاب کرد که کارکردی عادی در جامعه داشتند. به بیان دیگر، او پیشرو مطالعه‌ای بود که در آن گروهی از همجنسگرایان را در گروه آزمایش و گروهی از دگرجنسگرایان را در گروه کنترل قرار داد و با در نظر گرفتن سن و هوش و تحصیلات، انواع آزمون‌های روانشناسی را روی آنها انجام داد. سپس از گروهی از کارشناسان روانشناسی خواست تا سلامت روانی آنها را تخمین بزنند و پیش‌بینی کنند که چه کسی گی است و چه کسی دگرجنسگرا. هیچ تفاوت معناداری دیده نشد و اگر هم چیزی دیده شد، این بود که گی‌ها عملکرد بهتری داشتند. درواقع، کارشناسان تحلیل روانی نمی‌توانستند تفاوتی بین پاسخ‌های تفسیرشده شرکت‌کنندگان این دو گروه پیدا کنند و این نشان می‌داد که هیچ تفاوت معناداری در سلامت روان این دو گروه وجود ندارد. هرچند تغییر دیدگاه موضوعی زمان‌بر بود، این مطالعه حرکتی را در گفتمان درباره فعالیت‌های جنسی انسان در اجتماع روانشناسی سبب شد که معمولاً نقطه شروع درک امروزی از گرایش جنسی دانسته می‌شود.¹

در سال 1968 میلادی، همچنان راهنمای تشخیصی و آماری انجمن روانشناسی آمریکا (DSM-II) در طبقه‌بندی اختلال‌های روانی، بار دیگر همجنسگرایی را اختلالی روانی نامید. تا اوایل دهه 70 میلادی، انجمن روانشناسی آمریکا طبقه‌بندی همجنسگرایی به عنوان نوعی بیماری را بر اساس مفاهیم فرویدی از توقف رشد جنسی منجر به یک زندگی عاری از عشق حفظ کرد. به این طبقه‌بندی همجنسگرایی آن — من ناپذیر یا هویت همجنسگرای منفی گفته می‌شد که با احساس گناه، شرم، اضطراب، و افسردگی همراه است. سن شروع این وضعیت نوجوانی دانسته می‌شود و یکی از عوامل مؤثر در آن وجود رویکردهای ضد اجتماعی است.²

1. Hsueh-Hao, Chiang; Howard. (2008). Effecting science, affecting medicine: Homosexuality, the Kinsey reports, and the contested boundaries of psychopathology in the United States, 1948-1965. *Journal of the history of the behavioural sciences*, 44, pp. 300-318. 10.1002/jhbs.20343.

2. Nungesser, L.G. (1983). *Homosexual acts, actors, and identities*. New York: Praeger.

در دسامبر 1973 میلادی، هیئت مدیره انجمن روانشناسی آمریکا تحت فشار داده‌های تجربی، هنجارهای اجتماعی در حال تغییر، و به‌وجود آمدن یک اجتماع گی فعال سیاسی در آمریکا به طبقه‌بندی همجنسگرایی ذیل بیماری‌های روانی پایان داد و آن را از DSM حذف کرد. انجمن روانشناسی آمریکا از همه اعضا خواست تا برای رأی‌گیری درباره این موضوع در گردهمایی شرکت کنند. 5854 روانشناس به حذف همجنسگرایی از DSM رأی دادند، در حالی که 3810 نفر خواستار حفظ آن بودند. بدین ترتیب، این انجمن همجنسگرایی را از DSM حذف نمود و آن را با «اختلال گرایش جنسی» برای افرادی «در تناقض با گرایش جنسی خود» جایگزین کرد. حذف کامل همجنسگرایی از DSM تا سال 1987 میلادی طول کشید.¹ در سال 1992 میلادی، سازمان بهداشت جهانی همجنسگرایی را با انتشار ICD-10 از طبقه‌بندی ICD خارج کرد، هرچند ICD-10 همچنان «برساخته گرایش جنسی آن — من ناپذیر» را با خود دارد. در این شرایط، فرد درباره ترجیح جنسی خود شکی ندارد، اما «دوست داشت این تمایل به سبب اختلالات رفتاری و روانی که به همراه می‌آورد، متفاوت است»².

جانورشناس و تاکسونومیستی به نام آلفرد سی. کینسی و همکارش هوکر شروع به استفاده از پژوهش‌های تجربی به عنوان بنیانی برای دانش امروزی درباره تمایلات جنسی کردند که دیگران نیز آن را پی گرفتند تا از افسانه همجنسگرایی به مثابه بیماری روانی رمزگشایی کنند.³

کینسی در مطالعات مهم خود درباره رفتار جنسی بزرگسالان آمریکایی نشان داد که تعداد چشمگیری از شرکت‌کنندگان در تحقیق او بعد از 16 سالگی رفتار جنسی همجنسگرایی را در حد رسیدن به ارگاسم تجربه کرده‌اند.⁴ همچنین کینسی و همکارانش گزارش کردند که 10 درصد مردان گروه نمونه و 2 تا 6 درصد زنان (بسته به وضعیت تأهل) کمابیش در رفتار خود در طی سه سال گذشته و بین 16 تا 55 سالگی منحصرأً همجنسگرا

1. Neel Burton, M.D. (Sept 18 2015). Hide and Seek, When Homosexuality Stopped Being a Mental Disorder.

2. Neel Burton, M.D. (Sept 18 2015). Hide and Seek, When Homosexuality Stopped Being a Mental Disorder.

3. Mondimore, F.M. (2010). *A natural history of homosexuality*. JHU Press.

4. Kinsey, A.C.; Pomeroy, W.B.; Martin, C.E. (1948). *Sexual behaviour in the human male* pp. 129-152.

بوده‌اند. یافته‌های تجربی کینسی کمکی شدند به جنبشی که همجنسگرایی را از فهرست اختلالات روانی پاک کرد.

در طی سال‌ها بحث و گفت‌وگو دربارهٔ اینکه آیا همجنسگرایی بیماری روانی است یا نه، انواع مختلف «درمان‌ها» بر اساس مداخلات روانشناسانه یا معنوی پدیدار شدند که سعی داشتند گرایش جنسی فرد را تغییر دهند، حتی در نبود هرگونه مدرک علمی مستندی مبنی بر اینکه تمایل جنسی می‌تواند کنترل یا تغییر داده شود. در دهه‌های 50 و 60 میلادی، برخی از درمانگران از تبدیل‌درمانی برای «درمان» همجنسگرایان مرد استفاده کردند. این درمان معمولاً به این شکل بود که با نشان دادن تصاویر مردان برهنه به بیماران، در حالی که به آنها شوک الکتریکی یا دارو داده می‌شد، کاری می‌کردند تا بیمار بالا بیاورد. وقتی وضعیت از تحمل آنها خارج می‌شد، تصاویر زنان برهنه به آنها نشان داده می‌شد یا آنها را با یک پرستار جوان به یک «قرار عاشقانه» می‌فرستادند. سازمان اصلی حامی اشکال سکولار این نوع درمان NARTH است که اغلب با گروه‌های مذهبی همکاری می‌کند. این سازمان معتقد است که می‌تواند همجنسگرایی را از طریق تبدیل‌درمانی «شفا دهد» یا «درمان کند». بدیهی است که این روش‌های به‌شدت خشن و تحقیرآمیز کاملاً بی‌فایده بوده است.

روش دیگری که برای درمان همجنسگرایی استفاده می‌شد، درمان جبرانی بود. این درمان سعی داشت به شکلی معجزه‌آسا همجنسگرا را به دگرجنسگرا تبدیل کند. بنا بر نقدی که درشر (1998) نوشته است، درمانگران جبرانی امروزی از مشاورهٔ کشیشان الهام می‌گیرند و تحلیل روانی غیرجانبدارانه را کنار گذاشته‌اند. درمان جبرانی بر اساس همنوایی با ارزش‌های سنتی و ایده‌آل‌سازی دگرجنسگرایی شکل گرفته است. حامیان این مکتب فکری شهادت‌نامه‌هایی را در حمایت از اصلاحات ضدگی تنظیم کرده‌اند و باور دارند که مراجعان همجنسگرای آنها باید طرد شوند تا همجنسگرایی آنها درمان شود¹.

با وجود خارج کردن همجنسگرایی از دستهٔ بیماری‌ها (این موضوع به تدریج در سراسر جهان در حال تحقق است)، برخی درمانگران همچنان با این مسئله همچون نوعی بیماری برخورد می‌کنند.

1. Dworkin, S.H. TITLE LGBT Identity journal, Violence, and Social Justice: The Psychological Is Political.

از خدمات پزشکی معمولاً و بیشتر برای تغییر تحمیلی به دگرجنسگرایی استفاده می‌شود. این مداخلات پزشکی از نگهداری در مراکز تا انزجاردرمانی و درمان‌های شیمیایی را شامل می‌شود.¹ طب سنتی نیز برای تغییر گرایش جنسی به کار گرفته می‌شود. نجم‌آبادی چنین توضیح می‌دهد: «در نظر مقامات پزشکی و حقوقی، عمل تغییر جنس مشخصاً درمانی برای ناهنجاری بیمارگونه است و گاهی این عمل گزینه موردقبول حقوقی و مذهبی برای دگرجنسگر ساختن افرادی با میل به همجنس پیشنهاد می‌شود.»

حوزه‌ای که مسئله دگرباشان را به‌وضوح در آن می‌توان دید، ارتش است.² خدمت سربازی درهای بسیاری را به روی مردان ایرانی مخصوصاً با داشتن کارت پایان خدمت می‌گشاید. به محض پایان خدمت، مردان کارتی را دریافت می‌کنند که مزایای زیادی، همچون امکان تقاضای پاسپورت، خرید و فروش رسمی کالا، شرکت در فعالیت‌های بخش دولتی و استخدام دولتی، را برایشان فراهم می‌کند. در سال 2010 میلادی، دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی ایران به لابی‌گری و کنشگری راهبردی افرادی پاسخ داد که خود را تراجنسیتی می‌دانستند و در دسته‌بندی علت معافیت از سربازی آنها بند «اختلالات روانی» را با بند «اختلالات غددی» جایگزین کرد.³

در سطح نظریه، این کار سبب کاهش تبعیض علیه مردان تراجنسیتی می‌شود که به دنبال شغل‌اند، چراکه این علت معافیت که روی کارت معافیت خدمت سربازی آنها نیز درج می‌شود، از نظر اجتماع پذیرفته‌تر است، اما گی‌ها همچنان موضوع بند «اختلالات روانی» هستند که آنها را در دسته «منحرفان اخلاقی و جنسی» قرار می‌دهد. برای آنها، این کارت با کلمات «انحراف جنسی»، «اختلال رفتاری» یا «معافیت قرمز» مهر شده است که برچسب‌هایی‌اند که عملاً از فرد امکان استخدام را می‌گیرند.

1. Svensson, T.K. (2004). *A Bioethical Analysis of Sexual Reorientation Interventions: The Ethics of Conversion Therapy*. Universal-Publishers, p. 91.

2. نجم‌آبادی، خشونت علم بر علیه دیانت الف. (2011). پژوهش اجتماعی، 78 (2)، صص. 1-24.

3. Human Rights Watch. (2010). *We are a buried generation: Discrimination and violence against sexual minorities in Iran*. Retrieved September 21, 2013, pp. 211-301, from <http://www.hrw.org/reports/2010/12/15/we-are-buried-generation>. p. 24.

برخی روانشناسان و روان‌پزشکان همچنان نظر شخصی و منفی به همجنسگرایی دارند. اما شواهد تجربی و هنجارهای حرفه‌ای این ایده را تأیید نمی‌کند که همجنسگرایی شکلی از بیماری روانی است یا ذاتاً به آسیب روانی ربط دارد. درواقع، با توجه به اضطراب حاصل از برچسب و انگ جنسی و تعصب، جای تعجب است اگر بعضی از آنها مشکلات روانی پیدا نکنند.

بچه‌بازی

معمولاً جامعه به طور کلی و کاملاً اشتباه نتیجه‌گیری می‌کند که بین همجنسگرایی و بچه‌بازی (پیدوفیلیا) ارتباط وجود دارد و بنابراین تبعیض و خشونت را که علیه دگرباشان اعمال می‌شود، توجیه می‌کند. لازم به ذکر است که مفهوم عبارت «بچه‌بازی» در ادبیات شرق و ایرانی می‌تواند از نظر اصطلاح‌شناسی با پیدوفیلیا متفاوت باشد که در ادامه به آن پرداخته شده است. اعضای اجتماع دگرباشان معمولاً به شکلی کلیشه‌ای خطری برای بیشتر جمعیت آسیب‌پذیر جامعه، یعنی کودکان، دانسته می‌شوند. بعضی افراد از اینکه کودکان خود را با فردی همجنس‌گرا در محیطی بدون نظارت تنها بگذارند، می‌ترسند، چون فکر می‌کنند که ممکن است کودکشان آزار ببیند، به او تجاوز شود، یا به همجنسگرایی اغوا شود.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، گرایش جنسی نه بیماری روانی است و نه ذاتاً به اختلالی روانی مربوط می‌شود. انجمن روانشناسی آمریکا بچه‌بازی (پیدوفیلیا) را، از سال 1968 میلادی، در DSM آورده است. اما در حرکت به سوی انگ‌زدایی از بچه‌بازی، در نسخه به‌روزرسانی‌شده DSM بین بچه‌بازهایی که به کودکان میل جنسی دارند و کسانی که به چنین میلی پاسخ می‌دهند، تمیز قائل شده است. در این نسخه جدید، گروه اول که میل دارند با کودکان رابطه جنسی برقرار کنند، اما امیال آنها برای خودشان و دیگران سبب اضطراب یا آسیب نمی‌شود، در دسته افراد دارای اختلال روانی قرار نمی‌گیرند.

گرووری هرک که محقق روانشناس و مقامی مطرح در زمینه پژوهش درباره بچه‌بازی است، بچه‌بازی را نوعی ناهنجاری روانی جنسی تعریف می‌کند که بر اساس آن، فرد کودکان نابالغ را به عنوان شریک جنسی خود ترجیح می‌دهد و ممکن است این ترجیح را عملی کند یا نکند. او اشاره می‌کند که درواقع، همه پیدوفیلیاها به کودکان آزار نمی‌رسانند. یک فرد بچه‌باز ممکن است به کودکان کشش داشته باشد، ولی هرگز رابطه‌ای جنسی با

آنها برقرار نکند. بیشتر افراد بچه‌باز هیچ‌وقت به بزرگسالان همجنس خود گرایش جنسی پیدا نمی‌کنند. آنها معمولاً خود را همجنسگرا نمی‌دانند و بیشتر آنها حتی آنهایی که از کودکان همجنس خود سوءاستفاده می‌کنند، خود را دگرجنسگرا می‌دانند. آنچه برای آنها به شدت تحریک‌کننده است، سن کم است، نه جنسیت. پژوهش‌ها به روشنی نشان می‌دهد که بیشتر بچه‌بازها مردانی دگرجنسگرا هستند¹.

ارتباطی ذاتی بین گرایش جنسی یک بزرگسال و میل او برای به خطر انداختن دیگران وجود ندارد. برای مثال، هیچ داده‌ای وجود ندارد که نشان دهد احتمال بیشتری هست که افراد دگرباش نسبت به زنان و مردان دگرجنسگرا زیردستان خود در محل کار را آزار دهند یا ویژگی روانی‌ای داشته باشند که نتوانند میل جنسی خود را چندان کنترل کنند یا به سوءاستفاده از قدرت دست بزنند، قوانین و مقررات را رعایت نکنند، به شکلی مؤثر با دیگران تعامل نداشته باشند یا در موقعیت‌های مختلف توان قضاوت درست نداشته باشند. هرک می‌نویسد که این تصور نتیجه انزجار جامعه از همجنسگرایان مرد و تلاش برخی برای نشان دادن گی‌ها به عنوان خطری برای خانواده است².

به همین شکل، دکتر کارول جنی و دکتر ای. دابلیو و ریچارد اسنایپ و دیگران در مطالعات خود هیچ مدرکی نیافتند که نشان دهد احتمال آزار کودکان از سوی همجنسگرایان از دگرجنسگرایان بیشتر است. جالب است که آنا سی. سالتز می‌نویسد که وقتی مردی دختران کوچک را آزار می‌دهد، او را «بچه‌باز» می‌نامیم و نه «دگرجنسگرا». البته که وقتی مردی پسران کوچک را آزار می‌دهد، مردم به طور خودکار تصور می‌کنند که او همجنسگراست. مطمئناً اخبار درباره موارد سوءاستفاده جنسی در کلیسای کاتولیک به این نگرانی‌ها شدت بخشیده است.

نظر کلی در بین پژوهشگران و افراد حرفه‌ای فعال در حوزه سوءاستفاده جنسی کودکان این است که مردان همجنسگرا و دوجنسگرا تهدید خاصی برای کودکان نیستند. پژوهشگر معروف دیگر در این حوزه نیکلاس گروث است. او در پژوهشی تأثیرگذار در سال 1982 میلادی نوشت:

1. www.huffingtonpost.com/joe-kort-phd/homosexuality.

2. Herek, G.M.; McLemore, K.A. (2013). Sexual prejudice. *Annual Review of Psychology*, 64, pp. 309-333.

«آیا بزرگسالان همجنسگرا درکل از نظر جنسی به کودکان کشش دارند و آیا کودکان نابالغ در معرض خطری بزرگ‌تر از آزار توسط بزرگسالان همجنسگرا هستند تا بزرگسالان دگرجنسگرا؟ دلیلی وجود ندارد که چنین باشد. تا امروز تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ ارتباط معناداری بین سبک زندگی همجنسگرایانه و آزار جنسی کودکان وجود ندارد. عملاً هیچ گزارشی از آزار جنسی دختران توسط بزرگسالان لژیین یا آزار پسران از سوی مردان همجنسگرا وجود ندارد.»¹

در همین راستا، در سال 1998 میلادی، دکتر ناتانیل مک کناگی دربارهٔ درهم آمیختن همجنسگرایی و بچه‌بازی هشدار داد. او گفت: «مردی که جرمی علیه پسران نابالغ یا بالغ مرتکب می‌شود، معمولاً از نظر جنسی علاقه‌ای به مردان مُسن‌تر یا زنان ندارد»². در حالی که تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که گرایش جنسی بر احتمال سوءاستفاده افراد از کودکان تأثیری ندارد³، بسیاری از دگرجنسگرایان همچنان معتقدند که همجنسگرایان به بچه‌بازی تمایلی طبیعی دارند.

1. Groth, Nicholas; William, F.; Hobson, MS.; Thomas, S. Gary Medkeley: University of California Press.

2. McConaghy, N. (1998). Paedophilia: A review of the evidence. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 32 (2), pp. 252-265& 259.

3. Herek, Gregory M. (2000). Current Directions in Psychological Science. *The Psychology of Sexual Prejudice*, 9(1) pp.19-22.

فصل 4

دلالت‌های روانی گرایش جنسی در ایران

مطالب:

- دگربازی در ایران، تکه‌های گمشده
- ایران استثنا نیست
- لزبین‌ها در بافتار اسلامی
- پیشینه تاریخی لزبین‌ها در ایران
- دگرباشانی که هویت خود را افشا می‌کنند
- دیدگاه حقوقی ایران به دگرباشان
- مذهب دیدگاه اسلامی
- رعایت قوانین بین‌الملل در ایران
- آمار و ارقام اعدام‌ها در ایران
- دگرباشان ایرانی و پناهندگی

فصل چهارم

دگرباشان در ایران، تکه‌های گمشده

در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر، دگرباشان سرکوب شده‌اند و این در حالی است که رویکردهای زن‌ستیزانه نقشی اساسی در این به حاشیه رانده شدن داشته‌اند. با وجود خدشه‌های عمیق مفاهیم زنانگی و مردانگی در دوران مدرن‌سازی و اسلامی‌سازی کشور، روند زنانه‌زدایی فضای عمومی و اولویت دادن به گفتمان مردانگی در همه‌رویه‌هایی که قصد تغذیه‌ی هویت ایده‌آل اجتماعی خود را داشتند، حیاتی بود. همجنسگرایان ایرانی به سبب تمایلات جنسی خود و همچنین به جهت تمایلات جنسیتی ناهم‌نوی خود اخیراً به منظور مذاکره درباره‌ی هویت اجتماعی جدیدشان و به دست آوردن آن، به خویشان خیالی و دوستی‌های پشت درهای بسته روی آورده‌اند. در این بخش از پژوهش پیش‌رو، همجنسگرایی در ایران بررسی می‌شود و نکاتی درباره‌ی همجنسگرایان در ایران روشن خواهد شد. بخش آخر این مطالعه همجنسگرایی را از منظر مذهبی و در قالب نظام حقوقی ایران و قوانین بین‌الملل بررسی می‌کند. همچنین این فصل این موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهد که در مسئله‌ی شیوع دگرباشی، ایران به هیچ وجه استثنا نیست. فصل حاضر بر اساس اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت حال و گذشته دگرباشان در ایران نوشته شده است و به ما می‌گوید تا جایی که به محرومیت جمعیت دگرباش از زیرساخت‌های پایه‌ی جامعه مربوط می‌شود، ایران در این باره استثنا نیست.

ایران استثنا نیست

همجنسگرایی همیشه به عنوان نوعی برچسب و انگ موضوعی مناقشه‌برانگیز بوده است و این وضعیت به سبب دیدگاه‌های همجنسگراستیزانه برخی اعضای جامعه است که «به تمایل جنسی، هنجارهای فرهنگی مربوط به تمایل جنسی، و جنسیت نگاهی رادیکال دارند و با نهادهای مذهبی مرتبط‌اند». ایران جامعه‌ای سنتی است که همجنسگرایی را نوعی ناهنجاری می‌بیند. نه این نوع نگاه و نه مبارزه با این مسئله هیچ‌کدام موضوع جدیدی در ایران نیست. جامعه سنتی نیز که با به اصطلاح ناهنجاری‌ها مقابله می‌کند، موضوع جدیدی در ایران نیست، اما

روشی که به وسیله آن ایران ناهنجاری‌ها را به‌نمایش می‌گذارد تا اقلیت‌ها را کنترل کند، هنوز موضوعی جنجالی است که هم در گذشته وجود داشته است، و هم حالا موضوعیت دارد.

در ایران هیچ برنامه استاندارد برای دوگانه‌های جنسیتی وجود ندارد. امیال جنسی می‌تواند تعریف‌های اجتماعی ماندگار و ریشه‌دار را تا آنجا درهم بپیمزد که گاهی برای خود همجنسگرایان نیز تشخیص، درک، و پذیرش تمایلاتشان مشکل می‌شود. در ایران، وقتی جنسیت فردی پرسیده می‌شود، او نمی‌تواند گزینهٔ سومی را در نظر بگیرد و هرکسی یا مرد است یا زن. این موضوع آنقدر روشن است که جایی برای شک وجود ندارد. هرگونه فاصله‌ای با این نظام جنسی دوگانه در ایران در دستهٔ اختلالات رفتاری و روانی قرار می‌گیرد. در ایران، بر نقش مکمل این دو جنس تأکید می‌شود، به شکلی که هریک از این دو جنس نقش‌های جنسیتی مشخصی دارد. از آنجا که همجنسگرایی می‌تواند ساختار اجتماعی پدرسالارانهٔ ایران را زیر سؤال ببرد، ایران و ایدئولوژی اسلامی با همجنسگرایی مخالفت می‌کند.

عبارت «حقوق دگرباشان» خود نوعی ابزار سرکوب است. جرائم ناشی از نفرت علیه اجتماع دگرباشان بخشی از تجربهٔ زیستهٔ این افراد است. عبارت **LGBT** (دگرباش) لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها و تراجنسیتی‌ها را دربرمی‌گیرد. حتی این عبارت به‌ظاهر فراگیر نیز محدودیت‌هایی دارد. این واژه بر اساس تاریخی است که در غرب شکل گرفته است و پر از کشمکش، دستاورد، تجربه، و هویت‌هایی خاصی است که بیشتر در جوامع غربی دیده می‌شود و الزاماً و در همهٔ موارد، در جامعهٔ ایران مصداق ندارد. به همین دلایل، حتی واژگان «مترقی» نیز می‌تواند گمراه‌کننده باشد، چراکه نمی‌تواند به‌درستی کشمکش‌های داخل ایران را به‌تصویر بکشد. روایت‌ها و نشانه‌های این وضعیت در متون ایرانی و شخصیت‌های تاریخی وجود دارد.

پژوهش‌هایی دربارهٔ دگرباشان ایران انجام شده است که توانسته است به دانش موجود دربارهٔ اجتماع دگرباشان اضافه کند. محدودیت‌های اعمال‌شده از طرف نظام و دانشگاه‌ها، به همراه برچسب منفی این موضوع به‌شدت حساس و حتی امنیتی، سبب شده است که فعالان اجتماعی، دانشجویان، و پژوهشگران کمتر به کار روی این موضوع علاقه نشان دهند و اگر هم علاقه‌مند شوند، مجوز کار کردن روی این موضوع‌ها را علی‌الخصوص از

دانشگاه نمی‌توانند دریافت کنند. بیرون از کشورهای غربی، تقریباً هیچ پژوهش روان‌شناختی‌ای دربارهٔ قربانیان تمایلات جنسی در ایران انجام نشده است. مطالعه حاضر بر آن است تا این شکاف اطلاعاتی را پر کند.

جالب است که در میان اعضای اجتماع دگرباشان در ایران، دوجنسگراها دسته‌ای هستند که کمترین توجه را دریافت می‌کنند. هیچ پژوهشی دربارهٔ دوجنسگرایی در ایران انجام نشده است و داده‌ای نیز در این زمینه در دست نیست و منطق حاکم می‌گوید که دوجنسگرایی گناه است. بر این اساس، نه تنها دوجنسگرایی توهینی به دگرجنسگراها است، بلکه حتی در دوگانهٔ لزبین – گی نیز جایی ندارد. از بسیاری جهات، دوجنسگراها حتی در درون گروهی که خودشان نیز هنوز پذیرفته نشده‌اند، پذیرفته نمی‌شوند. این تحقیق، علاوه بر تحلیل گفتمان دگرباشی در ایران، واقعیت نامطلوب پذیرفته نشدن دوجنسگراها در ایران را نیز آشکار می‌کند که نوعی هنجار و رویکردی غالب بوده است.

ایران برای نمایش ناهنجاری‌های فرضی نامبرده این روش را درپیش می‌گیرد تا کنترل خود بر اقلیت‌های جنسی را حفظ کند. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر مؤلفهٔ کنترل همواره وجود داشته است. قانون جزای موجود در ایران با افراد دگرباش مدارا نمی‌کند، ولی واقعیت این است که در بیشتر موارد، این قوانین تنها در کتاب قانون وجود دارد و به عمل نمی‌رسد. همان‌گونه که پیش‌تر، در فصل اول، گفته شد، آخرین اعدام فردی به جرم همجنسگرایی خیلی سال پیش صورت گرفت، اما چند مورد اعدام با عناوین تجاوز به عنف، آدم‌ربایی و لواط در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است که در حکم قانونی و اخبار این اعدام‌ها تحت عنوان همجنسگرایی قرار نگرفته‌اند.¹ در حالی که هنوز فشار و سرکوب زیادی در جامعهٔ ایران وجود دارد و افراد دگرباش از دستگیری‌های خودسرانه مصون نیستند، قوانین خشک و خشن مجازات همجنسگرایی به شدت و سختی گذشته اجرا نمی‌شود. در حال حاضر، معمولاً سیستم قضایی کشور با این گروه‌ها مدارا می‌کند و پلیس به ندرت به پاتوق‌های شناخته‌شدهٔ دگرباشان هجوم می‌برد و معمولاً به گروه‌های اجتماعی اجازه می‌دهد تا در فضاهای مجازی همچون تلگرام،

1. درواقع، یکی از جرائم این افراد لواط بوده است که بیشتر با عنوان تجاوز به عنف بازتاب یافته است؛ چنانکه خبرگزاری ایسنا، در 20 دی ماه 1397 شمسی، از اعدام فردی سی‌ویک‌ساله در کازرون به جرم آدم‌ربایی و لواط به عنف خبر داده است. (پنجشنبه، 97/10/20، کد خبر: 5-9710-8914). همچنین سایت www.baharnews.ir، در تاریخ 98/4/6، با کد خبری 181116، از اعدام طلافروش متجاوز و لواط‌کار خبر داده است.

فیس‌بوک، و واتس‌آپ با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. حتی وقتی پلیس به پاتوق‌های این افراد هجوم می‌برد، معمولاً آنها را با وثیقه و تعهد آزاد می‌کند. تازه‌ترین نمونه هجوم پلیس به پاتوق‌های همجنسگرایان به دستگیری بیش از سی‌گی در مهمانی‌ای در باغ بهادران در تاریخ 24 فروردین 1396 در اصفهان مربوط می‌شود که در ابتدا همه افراد زندانی شدند، اما توانستند با کمک وکلای خود نهایتاً به قید وثیقه آزاد شوند و احتمالاً تعهد کتبی داده‌اند تا دیگر دور هم جمع نشوند.

این رویکرد تساهلی در خصوص زنان مصداق چندانی ندارد. آنچه بیشتر به چشم می‌آید، آن است که حتی در میان اقلیت‌های جنسی، لزبین‌ها در صورت دستگیری در مقایسه با گی‌ها و دوجنسگراهای مرد با محدودیت‌های اجتماعی و سرکوب‌های سخت‌تری مواجه می‌شوند. اگرچه وضعیت زنان در کلان‌شهرها بهتر است و در طی سال‌های اخیر گشایش‌هایی نیز اتفاق افتاده است، زنان همین در حال حاضر نیز در جامعه ایرانی تا حدود زیادی به حاشیه رانده شده‌اند، چراکه وجود آنها بر اساس جامعه‌ای نسبتاً پدرسالار و سیاست‌های موجود تعریف می‌شود که وجود سطح بالایی از تبعیض علیه زنان حتی در میان اقلیت‌های جنسی در آنجا جای تعجب ندارد.

لزبین‌ها در بافتار اسلامی

همانند دیگر ادیان ابراهیمی، قوانین اسلامی حاکم بر تمایلات جنسی در قرآن و سخنان پیامبر (ص) (احادیث و روایات) و حکم‌های رهبران مذهبی (فتوا) دیکته شده است که همگی تأییدی بر فعالیت جنسی در رابطه زناشویی میان یک مرد و یک زن است.

در اسلام، گفتمان همجنسگرایی اساساً به فعالیت‌های جنسی میان مردان می‌پردازد و تعداد کمی حدیث وجود دارد که در آنها به رفتار همجنسگرایانه زنان اشاره شده است. حقوق‌دانان بسیاری کورکورانه اظهار می‌کنند «هیچ مجازات حدی برای لزبین‌ها وجود ندارد، زیرا این عمل زنا نیست و زنان فاقد آلت تناسلی مردانه‌اند و نمی‌توانند عمل دخول را انجام دهند. با این تفسیر، آنها از نظر فیزیکی از انجام عمل زنا عاجزند، اما مجازات تعزیری را می‌توان برای آنها در نظر گرفت، چراکه این عمل گناه است.»

در تاریخ ایران، نقلِ مجازاتِ لزبین‌ها به‌ندرت آمده است، اما نویسندهٔ تاریخ طبری، در این کتاب، مثالی از اعدام دو دختر لزبین برده در حرم الهادی ارائه می‌کند. این نمونه در مجموعه‌ای از داستان‌های بسیار مهمی آمده است که اعمال خلیفهٔ حاکم را روایت می‌کند.

همان‌گونه که در فصل پیش اشاره شد، سه دین بزرگ ابراهیمی همجنسگرایی را گناه می‌دانند و به‌شدت با پیوند دو فرد همجنس مخالف‌اند. این محدودیت فشار و نگرانی زیادی را برای لزبین‌ها به‌وجود آورده است و همچنان به‌وجود می‌آورد، زیرا احساسات و امیال و عواطف آنها غیرطبیعی و انحرافی دانسته می‌شود. مدل همجنسگراهراس اسلامی که دگرجنسگراهنجاری را پاس می‌دارد، عملاً افراد لزبینی را که مجبور به پنهان کردن هویت خود هستند، در این گفتمان نادیده می‌گیرد و تمایل جنسی آنها را نفی می‌کند. زندگی آنها به عنوان لزبین‌های مسلمان تقاطع ویژه‌ای ایجاد می‌کند که در آن مذهب و تمایل جنسی با هم برخورد می‌کنند و با این حال، به وسیلهٔ همجنسگراهراسی مذهبی این دو مؤلفه از هم جدا می‌شوند و اجازه نمی‌دهند تا این زنان تمایل جنسی خود را کاوش و ابراز کنند. بسیاری از آنها با زندگی پنهانی سعی می‌کنند با این شرایط سازگار شوند. حتی آنهایی که عضو گروه حمایتی دگرباشان مسلمان (گروه ایمان) هستند، همچنان با درگیری‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. رویکردهای مذهبی سخت و متعصبانه در برابر همجنسگرایی اجازه نمی‌دهد تا اعتقاد مذهبی و تمایل جنسی آنها با هم آشتی کنند.

کتاب چاه تنهایی نویسندهٔ انگلیسی، رادکلیف هال که برای اولین بار در سال 1928 میلادی توسط جاناناتان کیپ منتشر شد، داستان زندگی پر از عذاب استفان گوردون، زن انگلیسی طبقهٔ مرفهٔ جامعه، را روایت می‌کند که تمایل او به همجنس از همان سنین کم مشخص است. این رمان لزبین بودن را وضعیتی طبیعی و خدادادی به‌تصویر می‌کشد و درخواست مشخصی را مطرح می‌کند: «به ما هم حق زندگی بدهید.» این درخواست در خصوص لزبین‌های مسلمان در ایران که با مسائل مختلفی از خشونت جنسی، پیروی از فرهنگ پدرسالار، به حاشیه رانده‌شدگی نسبی زنان، فشار شدید برای ازدواج، و ماهیت مذهب دست‌وپنجه نرم می‌کنند نیز کاملاً صادق است. تأثیر مذهب اسلام که به‌شدت در شکل‌گیری هویت افراد در زندگی روزانه و توسعهٔ فردی نقش دارد، در

کنار دیگر موارد و عوامل می‌تواند منشأ سختی و محدودیت برای زنان لژیون ایرانی باشد که به این ترتیب، از ابراز هویت خود عاجز می‌مانند.

پیشینه تاریخی لژیون‌ها در ایران

در ایران پیشامدرن، زنانی که لباس مردانه می‌پوشیدند تا به جنگ بروند یا در اعتراضات شرکت کنند، قدرتمند، لایق احترام، و دارای «قدرت یا قلب شیر» دانسته می‌شدند. امروزه زنانی که عمل جراحی تغییر جنس را انجام می‌دهند یا در حال گذار از زن به مرد هستند، حقوق جنسیتی بی‌شماری به‌دست می‌آورند. این امر ممکن است تا حدی توضیح دهد که چرا زنانی که تصمیم می‌گیرند مرد شوند، روزگار راحت‌تری را در جامعه ایرانی می‌گذرانند و شاید به همین دلیل است که میزان تبدیل زنان به مردان در ایران زیاد است. درمقابل، مردانی که می‌خواهند زن شوند، حقوق قانونی و امتیازات اجتماعی بسیاری را ازدست می‌دهند و اغلب بیش‌ازپیش مورد انزجار قرار می‌گیرند. ظاهراً همدلی کردن با کسی که عمداً حقوق مردانه خود را کنار می‌گذارد، تصورناپذیر است، زیرا این کار نشانه ضعف تلقی می‌شود. برای مثال، در خلال کار میدانی این پژوهش، فردی به دلیل مخالفت‌های شدیدی که پس از عمل تغییر جنس تجربه کرده بود، گفت مایل است از طریق عمل بازگشت، به جنس اولیه خود (مرد) برگردد یا خودکشی کند.

تصور بسیاری بر این است که نظام حقوقی حاکم علیه زنان تبعیض قائل می‌شود. این موضوع در واقعیت نیز مشهود است، چراکه ایران پیمان‌نامه منع همه اشکال تبعیض علیه زنان را تصویب نکرده است. در مقایسه با گی‌ها، لژیون‌ها از محدودیت، مجازات، و حتی تنبیه‌های اجتماعی سخت‌تری در صورت دستگیری رنج می‌برند. لژیون‌ها نیز مانند دیگر اقلیت‌های جنسی از آزادی حرکت و عمل محروم‌اند و به‌نظر می‌رسد تحت فشارها و انکار اجتماعی بیشتری زندگی می‌کنند. حتی در حوزه تقبیح «اعمال خلاف»، تبعیض اجتماعی جنسیتی همچنان نقش بزرگی در دسته‌بندی و معیارهای قابل پذیرش خشونت جنسیتی بازی می‌کند.

تبعیض علیه زنان حتی در میان اقلیت‌های جنسی نشانگر آن است که در مقایسه با گی‌ها و دوجنسگراهای مرد، لژیون‌ها محدودیت‌های بیشتری دارند و در صورت دستگیری با مجازات‌های شدیدتری روبه‌رو می‌شوند.

این یافته مهم از مصاحبه با چند دگرباش در مشهد و تهران و اصفهان به دست آمد. تنها نتیجه گیری ممکن برای ما این است که حتی در انجام این به اصطلاح «اعمال خلاف»، جایگاه ضعیف تر زنان در جامعه همچنان نقش مهمی در تعریف دامنه اعمال مجاز بازی می کند. در عین حال، فعالیت های لزبین ها چندان دیده نمی شود و احتمالاً علتش آن است که در جامعه مردمدار، مردان توجه زیادی به این موضوع نمی کنند و آن را مهم نمی دانند، اما وقتی دختران لزبین بودن خود را ابراز می کنند، با محدودیت و در برخی موارد، اجبار برای ازدواج زود هنگام روبه رو می شوند.

وقتی برای لزبینی تصمیم گرفته می شود که با یک مرد ازدواج کند، معمولاً شانس یا قدرت زیادی برای مقاومت در برابر این تصمیم ندارد. این مسئله می تواند موقعیتی را ایجاد کند که در آن، فرد لزبین کل زندگی خود را در ازدواجی به سربرد که در آن رابطه جنسی با غیرهمجنس مرتباً به او تحمیل می شود.

بخش های بزرگی از جامعه ایرانی همچنان پدرسالار است و برای آنها نظرات و دیدگاه های زنان چندان اهمیتی ندارد. هرچند پیشرفت محدود و برخی تغییرات در جهت تشویق زنان به جلو آمدن و ایفای نقش فعال در جامعه رخ داده است، در ایران، هنوز محرومیت های قانونی و اجتماعی شامل حال زنان می شود. کنترل اجتماعی، مخصوصاً در شهرهای کوچک تر و نواحی روستایی، برای زنان به مراتب سخت تر از مردان است.

آنچه بیشتر در خانواده های محافظه کار دیده می شود، این است که در مقطعی، زنان حتی اگر لزبین و از رابطه با مردان منزجر باشند، باز هم مجبور به ازدواج می شوند. این معمولاً وقتی اتفاق می افتد که زیرساخت های رایج آن چنان قوی اند که انتخاب های فردی و کنترل شخص بر انتخاب زندگی متأهلی را تحت الشعاع قرار می دهند. برای آن دسته از لزبین هایی که برخلاف میل خود به ازدواج با مردان مجبور می شوند، این مسئله به آسیبی فلج کننده سلامت روانی، جنسی، جسمی، و شخصی منجر می شود. بر اساس قانون مدنی ایران، زن باید از اراده شوهرش پیروی کند (تمکین) و این تمکین شامل در دسترس بودن برای رابطه جنسی در زمان مدنظر شوهر نیز می شود.

در این وضعیت — که تا همین جا نیز وضعیت دشواری است — بعضی از این دختران که از گرایش جنسی خود آگاه اند، خود را در موقعیتی خطرناک و حساس می بینند، چراکه درمی یابند نه تنها به مردان تمایلی ندارند، بلکه باید با شوهری که برای آنها انتخاب شده است، زندگی کنند. برای بسیاری از زنانی که زندگی آنها با قوانین و

سنت‌ها شکل گرفته، شرطی شده است یا اداره می‌شود، این مسئله به کابوسی نفس‌گیر تبدیل می‌شود. ترک کردن اگرچه ناممکن نیست، کاری سخت است و ترک کردن به سبب لژیون بودن برای خود شخص و خانواده او رسوایی به بار خواهد آورد و بر موقعیت اجتماعی، اقتصادی، و سلامت فرد تأثیر مخربی خواهد داشت.

آسیب دیگر طردشدگی از جانب خانواده است. فشار روی لژیون‌های مسلمان بسته به اینکه کجا زندگی می‌کنند، متفاوت است. لژیون‌های مسلمانی که در غرب زندگی می‌کنند، «برای دنبال کردن نقش‌های معمول جنسیتی از طریق ازدواج، از جانب خانواده متحمل فشار می‌شوند، چراکه بسیاری از آنها به معنای غربی کلمه به طور مشخص همجنسگرا نبوده‌اند»، در حالی که طردشدگی از جانب خانواده برای لژیون‌های مسلمان ساکن کشورهای اسلامی به مراتب شدیدتر است.

لژیون‌های بسیاری برای سازگاری با محدودیت‌های عاطفی تظاهر به دگرجنسگرا بودن در تقلا هستند و این تلاش برای سازگاری با فشار ازدواج به اوج خود می‌رسد. در برخی موارد، لژیون‌های مسلمان مجبور می‌شوند تا بسته به موقعیت، ابعاد مختلف هویت خود را قطعه‌قطعه کنند. «این امر قطعه‌قطعه کردن زندگی خود به حوزه‌هایی را شامل می‌شود که فرد در آنها گی یا لژیون دیده می‌شود یا فضاها و مکان‌های دیگری که این موضوع را در آنها پنهان می‌کند.»

شهروندی قانونی و فرهنگی زنان لژیون به شدت به شهروندی جنسی آنها بستگی دارد. در جامعه، به طور کلی، در جایی که جایگاه اقلیت مذهبی و فرهنگی آنها کاملاً مشخص است، زنان مسلمان لژیون یا دوجنسگرا همچون هم‌تایان دگرجنسگرای خود باید با مسائل جدی اجتماعی و حقوقی مانند تبعیض نژادی و سیاست‌های دولتی که عملکرد جسم و هویت اجتماعی را به آنها دیکته می‌کند، دست‌وپنجه نرم کنند. اما در اجتماعات مذهبی و فرهنگی خودشان، گرایش جنسی آنها اغلب حس تعلقشان را زیر سؤال می‌برد و آنها را به «وهن» اسلام مجبور می‌کند.

وضعیت «اقلیت در اقلیت» آنها تأکیدی است بر تلاش آنها برای دستیابی به انواع حقوق مدنی و اجتماعی مانند داشتن نماینده‌ای از همان گروه هدف و آشنا به موضوعات آنان، حفظ سبک زندگی، حفظ هویت جنسی، رهایی از تبعیض جنسی، داشتن اعتقادات مذهبی همسو با تمایل جنسی، و مشارکت در سطوح اجتماعی و مذهبی

زندگی. آنها از طریق «زیر سؤال بردن» همه متون و سنت‌های مذهبی و شبکه‌های حمایتی مردمی سعی دارند تا این هدف را تحقق بخشند. درواقع، کوشش‌های آنها برای نیل به حقوق فرهنگی و قانونی شهروندی، آنها را در کنار شهروندان دیگر قرار می‌دهد، اما تلاش آنها در راستای حقوق شهروندی جنسی آنها را در تقابل با اکثریت جامعه مسلمانان قرار می‌دهد و ابراز هویت جنسی را برای آنها دشوار می‌سازد.

از آنجا که ایران جامعه‌ای غالباً سنتی است و بسیاری از افراد با ذهنیتی پدرسالار زندگی می‌کنند، زن بودن به‌خودی‌خود در این کشور با محرومیت و محدودیت حقوقی همراه است. حال به سبب جرم‌انگاری اجتماعی رفتار همجنسگرایانه، لزبین بودن در ایران محدودیت‌های بیشتری دارد. چنین محدودیت‌هایی سبب می‌شود تا بسیاری از لزبین‌های ایرانی به «زندگی زیرزمینی» روی آورند و به دلیل ترس از تبعات علنی شدن هویتشان در خفا زندگی کنند.

در خانواده‌های فقیر و مذهبی، میل به زندگی — که به طور طبیعی شامل استقلال و خوداتکایی است — میلی بسیار رایج است که بسیاری از افراد هرگز آن را تجربه نخواهند کرد. در این خانواده‌ها، بدون حمایت خانواده، افراد لزبین چاره‌ای ندارند، مگر اینکه برای بقا و زندگی بهتر ازدواج کنند. مواردی بوده است که لزبین‌ها از جانب اقوام خود سوءرفتار دیده‌اند تا به ازدواج «رضایت دهند». برای این زنان، ازدواج تقریباً به معنی پایان امکان رابطه با همجنس است.

برای لزبین‌ها، ترکیب قوانین همجنسگراستیزانه و رویکردهای ضددگرباشی زندگی آزادانه همراه با حفظ و اعلام هویت جنسی را سخت کرده است. این رویکرد نهادها به سوءرفتارهای خانگی و اجتماعی و خشونت علیه دگرباشانی دامن می‌زند که به سبب گرایش جنسی خود، مجرم یا بیمار دانسته می‌شوند. این واقعیت تلخ وجود دارد که تا وقتی ذهنیت‌ها در جامعه تغییر نکند، بسیاری از زنان لزبین همچنان در آشفتگی زندگی می‌کنند که سبب زندگی‌های دوگانه‌ای می‌شود که هدف اصلی آنان راضی نگه داشتن خانواده است. در ایران، برای تغییر نگاه جامعه به لزبین‌ها و بهبود شرایط آنان لازم است داده‌های علمی — کیفی بیشتری درباره لزبین‌ها تولید شود و این ممکن نمی‌شود، مگر با پژوهش‌های کیفی بیشتر درباره این گروه از اقلیت‌ها.

دگرباشانی که هویت خود را افشا نمی‌کنند، زندگی در خفا

موضع ایران در برابر همجنسگرایی به‌روشنی از سوی سیستم قضایی و روحانیان مذهبی تعریف و تبیین شده است. بنابراین ابراز هویت جنسی برای دگرباشان دشوار است و آنها نمی‌توانند گرایش جنسی واقعی خود را رسماً اعلام کنند. این موضوع فقط مسئله ایران نیست و در کشورهایی که هویت همجنسگرایانه محلّ انتقاد یا ممنوع بوده است، نیز رایج است. در این کشورها، پیوند میان دو جنس مخالف تنها پیوندی است که به رسمیت شناخته می‌شود. در چنین جوامعی، از مرد انتظار می‌رود که ازدواج کند و تا وقتی که وظیفه تولیدمثل را انجام دهد، معمولاً اجتماع در فعالیت‌های دیگر او تجسس نمی‌کند. برخی مردان ایرانی که با جنس مخالف خود ازدواج کرده‌اند، ترجیح می‌دهند برای داشتن رابطه با همجنس به فاحشگی روی آورند. دیگران پنهان‌کاری را تنها گزینه ممکن می‌دانند.

ابراز هویت جنسی فرایندی است که در آن فرد دگرباش گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود را به عنوان بخشی از هویت کلی خود می‌پذیرد. این نه تنها به فرایند پذیرش خود، بلکه به عمل در میان گذاشتن هویت خود با دیگران نیز اشاره دارد. در ایران، پیامدهای رابطه آشکار همجنسگرایانه شامل تعقیب قضایی، آزار، صد ضربه شلاق تا اعدام است. همجنسگرایی تا حدودی رازی ناگشوده است و ابراز آن افتادن در مسیری دشوار خواهد بود و کاری است که تنها تعداد کمی از افراد حتی در شهری بزرگ مانند تهران به آن دست می‌زنند. بسیاری از این افراد در ترس آشکار شدن وضعیتشان و طردشدگی به سر می‌برند و زندگی پراسترسی دارند.

درمقابل، زندگی فرد تراجنسیتی، که البته به هیچ وجه زندگی ایده‌آلی نیست، از زندگی همجنسگرایان راحت‌تر است. برخلاف همجنسگرایان، افراد تراجنسیتی با قوانین نسبتاً راحت‌تری در ایران زندگی می‌کنند و دولت از عمل‌های تغییر جنس آنها حمایت مالی می‌کند. فتوای امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، درباره تغییر جنسیت به‌روشنی بیان داشت که از نظر فقهای شیعه در ایران، عمل تغییر جنس «راه‌حلی» برای رفع اختلال هویت جنسیتی است و درواقع، بعد از تثبیت نظام جمهوری اسلامی از طریق این فتوای مذهبی بود که به دولت اجازه نظارت بر عمل‌های جراحی تغییر جنسیت داده شد. این نوع عمل‌ها عمدتاً تحت عنوان GSC شناخته می‌شوند.

باوری در میان برخی روحانیان مذهبی وجود دارد که از آن حمایت می‌شود و آن اینکه فرد در بدن جنس اشتباه گرفتار شده است! بنابراین همجنسگرایان ایرانی به انجام عمل تغییر جنس به خاطر خودشان تشویق می‌شوند و در ایران، از زندگی آزاد و صلح‌آمیز دگرباشان جلوگیری می‌شود. هرچند عمل تغییر جنس سیاست رسمی دولت برای مجبور کردن زنان و مردان دگرباش به انجام این عمل نیست، همچنان فشار زیادی روی آنها وجود دارد. در نتیجه، این افراد حالا مجبورند زندگی با درد و زخم‌های عاطفی را تحمل کنند. تصور این موضوع مشکل نیست که بسیاری از آنها واقعاً میلی به جراحی ندارند. مواردی از سوءرفتار دیده شده است که فرد بعد از عمل جراحی به بستری شدن نیاز پیدا می‌کند. این موارد سوءرفتار می‌تواند خود را در توصیه پزشکی به انجام عمل تغییر جنس و هورمون‌درمانی نشان دهد. بنا به گزارش اخبار، در کمتر از چهار سال، از سال 2006 تا 2010 میلادی، تعداد 1360 عمل جراحی تغییر جنس در ایران انجام شده است¹ که تقریباً همه این عمل‌ها به مشکلات جسمی جدی، افسردگی و در مواردی، خودکشی منجر می‌شود.

کارفرمایان بسیاری نیز آشکارا علیه افرادی که آنان را دگرباش می‌دانند، تبعیض می‌ورزند و سبب می‌شوند افرادی که تراجنسیتی دیده می‌شوند، در وضعیت اقتصادی ضعیفی قرار گیرند و دچار فقر اقتصادی شوند که برای جبران این فقر گاه به کار جنسی روی می‌آورند و از آنجا که در ایران کار جنسی تحت پوشش مفهوم ازدواج موقت در تشیع قانونی است و انجام کار جنسی نیز رایج است، برای فردی تراجنسیتی که عمل تغییر جنس انجام داده است، ازدواج موقت تا حد ازدواج‌های چندساعته مجاز است، چون امکانی برای بارداری وجود ندارد و بنابراین فرد مقابل نگران هیچ مسئولیتی به عنوان والد آینده نخواهد بود.

1. دگرباشان ایرانی و قوانین، از <http://hir.harvard.edu/article/?a=9885> (12 آوریل 2018).

دیدگاه حقوقی ایران به دگرباشان

از سال 1979 میلادی، ایران تحت ماده 2 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کشوری اسلامی شده است. نظام حقوقی ایران بر اساس نظام قانون مدنی مشابه نظام فرانسه بنا شده است. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که متشکل از مجلس خبرگان رهبری، رهبر ایران (ولی فقیه)، و قوه مجریه (دولت)، قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) و قوه قضاییه است.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همجنسگرایی غیرقانونی است. قوانین جزایی در تفسیری از اسلام ریشه دارند که میل به رابطه با همجنس را نمی‌پذیرد. بنا بر این قوانین، که بر پایه شریعت اسلام استوارند، همجنسگرایی غیرقانونی و مستوجب مجازاتی از صد ضربه شلاق تا اعدام است. در غیاب شواهد دیگر، «اعتراف» خود فرد مجازات سی و یک تا هفتاد ضربه شلاق را در پی خواهد داشت، اما اعتراف به «چهار بار تکرار» به عنوان مدرک جرمی تلقی می‌شود که مجازات آن یا صد ضربه شلاق یا اعدام خواهد بود. البته بعضی از افراد ممکن است در پی شکنجه به عمل خود اعتراف کنند که این اعتراف از نظر حقوقی محل بحث است، چراکه در ماده 241 قانون مجازات اسلامی تصریح شده است که «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است». بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران که در سال‌های 2012 تا 2013 میلادی بازبینی شد، قوانین مربوط به همجنسگرایی تغییر اندکی کرد. این تغییر اندک تنها شامل فرد فاعل می‌شود و فاعل فقط در صورتی که به مفعول تجاوز کرده باشد یا پیش از برقراری رابطه همجنسگرایانه، ازدواج کرده و با زن خود رابطه جنسی داشته باشد، اعدام خواهد شد. همچنین موقعیت دیگری که خطر اعدام برای فرد فاعل دارد، غیرمسلمان بودن فاعل و مسلمان بودن مفعول است که در این صورت نیز بر مبنای تبصره یک ماده ۲۳۳ این لایحه، حکم اعدام برای فرد فاعل صادر خواهد شد. این قوانین و تأکید دوباره قانونگذار بر آن در لایحه جدید مجازات اسلامی در حالی است که برخی مقام‌های ایرانی منکر وجود همجنسگرایان در این کشور شده‌اند و در بیشتر اعدام‌هایی که به دلیل روابط همجنسگرایانه انجام می‌شود، اتهام این افراد «لواط به عنف» — که به معنای تجاوز است — اعلام می‌شود و چنان که فراز صانعی،

محقق سازمان دیده‌بان حقوق بشر، می‌گوید: «طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی، هیچ‌کس «صرفاً به اتهام همجنس‌گرایی» به اعدام محکوم نشده است.»^۱

قانون قدیمی مجازات اسلامی می‌پنداشت هیچ‌کسی وجود ندارد که در سراسر عمرش و در اعماق قلبش احساس کند که همیشه همجنس‌گرا است و علاقه عاطفی و جنسی به همجنس خود دارد، بلکه کسانی هستند که بنا به دلایل نامعلوم و موقتی‌ای به اتفاق همجنس خود دست به عمل جنسی گناه‌آلود و منحرف لواط یا مساحقه می‌زنند. درواقع، برداشت قانون قدیم مجازات اسلامی از فرد همجنس‌گرا همانا فرد در کنش بود، و از این نظر تغییر مهمی که در قانون جدید مجازات اسلامی اعمال شده است، افزودن ماده‌ای است که بیان می‌دارد: «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل (بوسیدن) و ملاسمه (لمس کردن) از روی شهوت موجب تعزیر به تناسب جرم و شخص مجرم تا ۷۴ ضربه شلاق است.»^۲

درواقع، بر اساس نسخه قدیمی‌تر «مشارکت‌کننده فعال (مرد) در همه موارد در صورتی که زیر سن قانونی نباشد مشمول مجازات مرگ می‌شود»، اما محدودیت «تنها» تا هفتاد و چهار ضربه شلاق برای افراد زیر سن نسخه قدیمی‌تر در این نسخه جدید حذف شده است.

بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات اعدام تهدیدی همیشگی است و اگر مردی در رابطه همجنس‌گرایانه نقش «مفعول» را داشته باشد، ممکن است با مجازات مرگ روبه‌رو شود. «فاعل» تحت شرایطی به مرگ محکوم می‌شود و در غیر این صورت، به صد ضربه شلاق محکوم خواهد شد. بنابراین مردان ایرانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند (MSM) یا زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی دارند (WSW)، به دلیل رفتار خود، مردان به مجازات اعدام و زنان به شلاق، محکوم می‌شوند.

در ایران، قوانین و مقررات مربوط به افراد دگرباش با افراد تراجنسیتی متفاوت است. گفتمان تاریخی در این حوزه نشان‌دهنده انواع گوناگون گفتمان‌های مذهبی است و بسیاری از پیروان مذهبی ترجیح می‌دهند هویت تراجنسیتی خود را در قالب اسلام یک هنجار تلقی کنند. در سال ۱۹۶۷ میلادی، امام خمینی از فقه اسلامی

1. http://www.bbc.com/persian/arts/2012/05/120517_141_mh_homophobia_day.

2. <http://maanaav.com/?p=379>.

چنان صحبت کرد که گویا هدایتگری بر اساس تجربه تاریخی را توصیه می‌کند. کتاب تحریر الوسیله او سند فلسفی مهمی بود که در ابتدا هدف آن تنها مقلدانش در آن زمان بود و بعدها وقتی ایشان ولی فقیه شد، وارد سیاست‌های ملی نیز شد. این فقه حقوق افراد تراجنسیتی برای عمل تغییر جنس را به رسمیت شناخت. فقه پیشرو ایشان ادعا داشت که «الظهریر یا نگاه اول مخالف منع عمل تغییر جنسیت است» و چنانکه پیش از این نیز گفته شد، فشار برای انجام این عمل می‌تواند بسیار شدید باشد.

نظام اداری ایران معمولاً در تنگنا قرار دادن تراجنسیتی‌ها نقش دارد و این غالباً در سطوح مختلف حاکمیتی، اجتماعی، و خانوادگی رخ می‌دهد. این مسئله در بسیاری از مطالعات قوم‌نگاری مانند مطالعه افسانه نجم‌آبادی «خودهای وانمودگر: ترنسکسوالیته و میل همجنس‌انه در ایران معاصر» (2013) ذکر شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران سعی کرده‌اند که از زاویه «نیاز» به سراغ نظام اداری ایران بروند تا از نگاه «حق و حقوق». این بدین معنی است که افراد تراجنسیتی از نظام اداری نامنسجم ایران به نفع خود استفاده می‌کنند تا انواع قوانین و مقرراتی را شکل دهند که نه تنها دسترسی به منابع پزشکی، بلکه فضایی جهت مانور نسبی برای زندگی قابل تحمل را برای آنها ممکن کند. همان‌گونه که نجم‌آبادی می‌گوید به جای تلاش برای تغییر قوانین، به عنوان مثال از طریق مجلس شورای اسلامی، اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران با بهزیستی و دیگر بخش‌های اداری حکومتی برای ایجاد تغییراتی که به آنها نیاز دارند، در تعامل اند.

در سال 1389 شمسی، دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی به لابی‌گری و کنشگری راهبردی تراجنسیتی‌ها پاسخ داد و دسته‌بندی علت معافیت آنها از خدمت سربازی را از «بند اختلال روانی» به «بند اختلال هورمونی» تغییر داد. حال که این «اختلال هورمونی» به عنوان علت معافیت روی کارت خدمت سربازی آنها درج می‌شود، دست کم به شکل نظری، میزان تبعیضی را که علیه تراجنسیتی‌های مرد جوئی کار صورت می‌گیرد، کمتر می‌کند. نجم‌آبادی توضیح می‌دهد: «برای مقامات پزشکی و حقوقی، عمل تغییر جنس مشخصاً درمانی برای ناهنجاری بیمارگونه است و گاهی آن را گزینه مورد تأیید مذهبی و حقوقی برای افراد دگرجنسگرایی معرفی می‌کنند که میل به رابطه جنسی با همجنس یا این‌گونه رفتارها هم دارند.»

نظام حقوقی در مورد افراد دگرباش بی‌قاعده، آزاردهنده، و گاه کنایه‌آمیز است، چراکه همجنسگرایی را نمی‌پذیرد و به رسمیت نمی‌شناسد. قوه قضاییه هیچ مفهومی از گرایش جنسی به جز گرایش به جنس مخالف را به رسمیت نمی‌شناسد و بنابراین از منظر قانونی، همجنسگرا یا دوجنسگرا معنا ندارد و اینها فقط افرادی‌اند که دست به رفتارهای همجنسگرایانه و غیرقانونی می‌زنند. از دید بسیاری از دگرباشان تأثیر گسترده و مخرب این قوانین و مجازات‌ها بر رفتار جنسی خصوصی دو فرد همجنس بزرگسال که به این رفتار رضایت دارند، چه در تفسیر و چه در کاربرد، می‌تواند مضحک باشد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل، عصما جهانگیر، در گزارش دوم خود درباره وضعیت حقوق بشر ایران – که بازه زمانی اول ژانویه تا سی‌ویکم ژوئن را شامل می‌شد – اطلاعاتی را از تعدادی از کارشناسان و منابع جامعه مدنی، از جمله بنیاد عبدالرحمان برومند، جمع‌آوری کرد تا «چالش‌های حقوق بشری جدی» ایران را تشریح کند. خانم جهانگیر در گزارش خود از قوه قضاییه ایران انتقاد کرد و تعداد روبه‌افزایش موارد مجازات اعدام به جرم همجنسگرایی را – که ایران غیرقانونی می‌داند – محکوم کرد. ایشان با ارائه این نظرات سعی بر آن داشت تا شرایط سخت دگرباشان در ایران را نشان دهد.

بعد از انقلاب 1357 شمسی، نظام قضایی ایران دگرگون شد که بخشی از این دگرگونی ورود شریعت به قانون اساسی بود. در ایران، قانون شریعت اسلام تحت تأثیر حاکمیت مذهبی است که اثر زیادی بر فرایندهای قانونی دارد. بر اساس این قانون، قوانین جزایی و مدنی تغییر کردند و قوانین خانواده شامل ازدواج، طلاق، حضانت، و بسیاری از حقوق مدنی و حقوق زنان نیز دچار تغییرات شگرفی شدند.

مذهب دیدگاه اسلامی

با توجه به تعصبات مذهبی، جای تعجب نیست که همجنسگرایی همچنان در جوامع مسلمان و در سطح اجتماعی امری منفی دانسته می‌شود. مخالفت دینی با این مسئله را می‌توان در متن کتاب اسلام (قرآن)، قانون اسلام (شریعت) و نقل قول‌های مستند به پیامبر و ائمه (حدیث) مشاهده کرد که همگی به همجنسگرایی نگاهی منفی دارند.

مذهب اغلب نقش مهمی در طرد دگرباشان جامعه اسلامی بازی می‌کند و راهبر تفکر و عمل میلیون‌ها فرد مذهبی است. مذهب معمولاً در هماهنگی با «هسته» هویت مسلمانان است و بنابراین موضع اسلامی در برابر همجنسگرایی مهم است. این موضع و عمل در راستای آن چیزی بیش از هدایت دینی است و درواقع، مذهب جوهره اصلی در بنیانی سیاسی به‌شمار می‌رود، چراکه در کنار سنت و عرف اجتماعی — که آنان نیز متأثر از دین‌اند — این قدرت اخلاقی را دارد که بر نظرات اجتماعی و رفتارها، مخصوصاً در ازدواج و زندگی خانوادگی و آموزش، اثرگذار باشد. این موضع در هیچ‌جا به اندازه دیدگاه جامعه به همجنسگرایی خود را به‌خوبی نشان نداده است. به بیان ساده‌تر، از پشت عینک مذهب، همجنسگرایی عملی شنیع شمرده می‌شود.

باور مذهبی همچنان نیروی قوی و عاملی تعیین‌کننده در ایجاد مانع و محدودیت بر سر راه پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ازدواج همجنسان است. در حال حاضر در ایران، همجنسگرایی گناه است و تراجنسیتی بودن نوعی بیماری به‌شمار می‌رود که این واقعیت‌های اجتماعی اغلب زندگی دگرباشان ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرآن به طور مشخص به افراد تراجنسیتی اشاره نمی‌کند، در حالی که در کمال تعجب، در نظام اسلامی ایران، عمل تغییر جنس برای تراجنسیتی‌ها تسهیل شده است.

با اشاره به کار نجم‌آبادی، تیلور و همکاران بیان داشته‌اند: «بعد از تایلند، جمهوری اسلامی ایران بیشترین تعداد عمل تغییر جنس را در سال در میان همه کشورهای جهان انجام می‌دهد.»

بعد از انقلاب اسلامی، قانون جزای ایران نیز دستخوش تغییر شد. مجلس شورای اسلامی قانون مجازات اسلامی جدید را در سال 1389 شمسی بازبینی کرد و در اردیبهشت ماه سال 1392 شمسی، شورای نگهبان — که نهادی بالاتر از مجلس است — این قانون جدید را تصویب کرد که به شکل رسمی به آن قانون مجازات اسلامی گفته می‌شود. قانون مجازات اسلامی جدید انواع مختلف مجازات‌ها را شامل می‌شود. بر اساس قانون اسلامی، مجازات‌های حد مجازات‌هایی هستند که به «حق قانونی خداوند» مربوط می‌شوند. در این نوع مجازات، حکم مشخص است و دادگاه اجازه تشخیص دیگری ندارد. در مجازات‌های تعزیر، تا حدودی فضا برای تشخیص قاضی وجود دارد. قانون مجازات اسلامی جدید شامل بندهای ضد و نقیضی همچون قانون قصاص یا انتقام قتل،

سنگسار برای زنا، قطع عضو به دلیل دزدی و برخی مجازات‌ها برای جرائم ناشی از به‌خطر انداختن امنیت ملی و مجازات شلاق برای دامنه وسیعی از جرائم می‌شود.

با وقوع انقلاب اسلامی، قانون مجازات اسلامی جدید به طور مستقیم و غیرمستقیم زندگی دگرباشان را دچار تغییر کرد. به طور خاص، در فصل دوم کتاب 2 (حدود)، باب دوم (حدّ لواط)، موادّ 108 تا 241 ترجیح روابط دگرجنسگرایانه در نظام حقوقی را کاملاً مشخص می‌کنند. بر اساس این قوانین، دگرباشان پذیرفته نیستند و از آنان حمایت نمی‌شود و انواع مجازات‌ها برای آنان در نظر گرفته شده است که برخی از آن‌ها در موادّ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است. برخی از موادّ مندرج در قانون مجازات اسلامی در مورد دگرباشان به شرح ذیل است:

ماده 233- لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است.

ماده 234- حدّ لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حدّ لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است. تبصره ۱- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حدّ فاعل اعدام است.

تبصره ۲- احصان عبارت است از آنکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هروقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده 235- تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.

تبصره- دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است.

ماده 236- در تفخیز، حدّ فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت، فرقی میان محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف نیست.

تبصره- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حدّ فاعل اعدام است.

ماده 237- همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملاسمه از روی شهوت، موجب سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲- حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.

ماده ۲۳۸- مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹- حدّ مساحقه صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۴۰- در حدّ مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و عفت و غیرعفت نیست.

ماده ۲۴۱- در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عفت است، از شمول این حکم مستثنی است.

از موارد بالا می‌توان دریافت که قانون مجازات اسلامی جدید رابطه همجنسگرایانه را جرم می‌داند و طیفی از مجازات‌ها را از صد ضربه شلاق برای رابطه جنسی از روی رضایت بین دو زن (ماده ۲۳۹) تا اعدام برای دخول جنسی از روی رضایت بین دو مرد (ماده ۲۳۴) دربرمی‌گیرد. همچنین این قانون سایر رفتارهای مشابه بین دو همجنس همچون لمس و بوسیدن را جرم می‌داند و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق برای آنها در نظر می‌گیرد. مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی «مفعول» یک رابطه جنسی از روی رضایت میان دو مرد را به مرگ محکوم می‌کند، در حالی که قانون «فاعل» را در صورتی که مسلمان و مجرد باشد، تنها به صد ضربه شلاق محکوم می‌کند. بر اساس قانون مجازات اسلامی، مردان غیرمسلمان و متأهل که در یک رابطه جنسی رضایت‌مندانۀ شرکت دارند، به مرگ محکوم می‌شوند.

جالب اینجا است که دومین کتاب فصل چهارم قانون مجازات اسلامی که همه انواع جرائم جنسی را پوشش می‌دهد، در مورد تجاوز در میان زوج‌های متأهل کاملاً سکوت کرده است (البته باید گفت که برابر با فقه اسلامی و قانون خانواده حق تمکین بر گردن زن است و زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند). تجاوز جرمی پیش‌پاافتاده است، مگر اینکه عمل جنسی در خارج از روابط مورد تأیید مذهب

اتفاق بیفتد. این منطق به این معنی است که دو مرد بزرگسال آگاه که در یک رابطه جنسی هستند، جرمی مرتکب شده‌اند و خطر مرگ را به جان می‌خرند.

بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید، همجنسگرایی و مجازات اعدام بسیار به هم نزدیک‌اند. حالا می‌توان درک کرد که چرا برخی از دگرباشان که به قوانین واقف‌اند، در وضعیتی از نگرانی و ترس زندگی می‌کنند.

رعایت قوانین بین‌الملل در ایران

ایران معاهده‌نامه‌ها و ابزارهای گوناگون حقوق بشر را – البته به صورت مشروط – امضا کرده است که به روشنی هر نوع سوءرفتار جنسی، ذهنی، یا جسمی با افراد و مخصوصاً کودکان را منع می‌کنند و بر اساس قانون بین‌الملل باید حقوق زنان را در حوزه برابری و عدم تبعیض، رهایی از خشونت خانگی و سوءرفتار اعضای خانواده تضمین کرد. بر اساس این اسناد، دولت‌ها به اجرای این تعهدات موظف‌اند، اما نبود همگرایی بین استانداردهای بین‌المللی و اسلام امری واضح است که موجب می‌شود تا دولت ایران به اجرای این تعهدات پایبند نماند.

در واقع، قانون مجازات اسلامی ایران که شامل سنگسار، قطع عضو، و شلاق است، مصداق عینی تعریف قانون بین‌الملل از شکنجه محسوب می‌شود. منع شکنجه و رفتار غیرانسانی در ابزارهای حقوق بشری همگانی و منطقه‌ای تصریح شده است و پیمان‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی، یا تحقیرکننده دقیق‌ترین و مستندترین تعریف از شکنجه بر اساس قانون بین‌الملل را ارائه می‌کند که بدین شرح است: «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. [همچنین] مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج یا به تحریک و ترغیب یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. درد و رنجی که به طور ذاتی یا به طور تبعی لازمه مجازات قانونی است، شامل [این کنوانسیون] نمی‌شود.»

از اوت سال 2017 میلادی، یک صد و شصت و دو کشور عضو این پیمان نامه شده‌اند، اما ایران هنوز آن را امضا نکرده است. با این حال، ایران عضو پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است و بر اساس ماده 7 این پیمان نامه، «هیچ کس نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز قرار گیرد».

ایران این پیمان نامه را در چهارم آوریل 1968 میلادی امضا و بدون حق تحفظ آن را در 24 ژوئن 1975 تصویب کرد. همچنین ایران پیمان نامه حقوق کودک را امضا کرده است که ماده 37 این پیمان نامه می‌گوید: «مجازات اعدام یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در خصوص کودکان زیر 18 سال اعمال کرد».

ایران رعایت نکردن این موارد را با این ادعا شرح می‌دهد که در مواردی که پیمان نامه «با فقه اسلامی مطابقت ندارد»، حق حکم جدیدی را برای خود محفوظ می‌داند؛ چنانکه محمدجواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، خرداد ماه ۱۳۹۰ شمسی برابر با ژوئن ۲۰۱۱ میلادی، در نشست تخصصی حقوق بشر با نمایندگان مجلس آلمان، با بیان اینکه برخی از معاهدات غرب را به عنوان بحث حقوق بشر پذیرفته‌ایم، اعلام کرد که ولی این دلیل نمی‌شود که تفسیر آن را به عهده غربی‌ها بگذاریم. وی همجنسگرایی را «بیماری» می‌داند و تأکید می‌کند که غرب باید اجازه دهد ایران نسبت به همجنسگرایان بر اساس تفسیر خودش از این پدیده اقدام کند.

آمار و ارقام اعدام‌ها در ایران

ایران یکی از هفت کشوری در جهان است که همچنان برای همجنسگرایی مجازات مرگ را اجرا می‌کند. همچنین ایران بیشترین تعداد اعدام‌ها را در میان کشورها در مقایسه با جمعیت خود دارد. بر اساس عدد مطلق، تنها چین تعداد بیشتری اعدام نسبت به ایران انجام داده است. در سال 2009 میلادی، دستگاه قضایی ایران 388 نفر را اعدام کرد و بین سال‌های 2010 و 2014 میلادی، تعداد اعدام‌ها به شدت افزایش یافت و در مجموع، دست‌کم به 3242 نفر رسیده است.

به‌رغم عضویت در معاهده‌های حقوق بشری، در سال 2007 میلادی، ایران هشت نوجوان را اعدام کرد و در سال‌های 2008 و 2009 میلادی، ایران تنها کشوری بود که همچنان برخلاف تعهدات مندرج پیمان نامه

حقوق کودک به اعدام کودکان ادامه داد. در سال‌های 2013 و 2014 میلادی دست‌کم یازده مورد اعدام کودکان در ایران اتفاق افتاد و این آمار تنها شامل مواردی است که علنی شده‌اند.

در سال 2014 میلادی، دو مرد به نام‌های عبدالله قوامی چاهزن جیری و سلمان قنبری چاهزن جیری در تاریخ 6 اوت در جنوب ایران اعدام شدند که جرم آنها ظاهراً عمل لواط بوده است. مشخص نیست که آیا آنها به سبب گمی بودن اعدام شده‌اند یا نه، چراکه روایت‌های ضد و نقیضی دربارهٔ آنها وجود دارد؛ یک منبع اعلام کرد که آنها گمی بودند و منبع دیگری دربارهٔ آنها نوشت که «جرم» آنها روشن نبود، اما آنها را «مجرمانی غیراخلاقی» نامید. در سال 2011 میلادی، سه مرد پس از محکوم شدن به جرم همجنسگرایی اعدام شدند. این افراد که فقط با حروف اول اسمشان معرفی شدند، در جنوب غربی ایران در شهر اهواز، مرکز استان خوزستان، اعدام شدند. یک مقام قضایی در جمع عموم اظهار کرد که این سه محکوم به دلیل اعمال منافی شریعت اسلام و «اعمال پلید» به مرگ محکوم شدند. سازمان حقوق بشر ایران واقع در نروژ گفته است که جرم این مردان «لواط» (دخول جنسی بین دو مرد) بوده است. مشخص نیست که آیا این مردان همجنسگرا بودند یا همجنسگرا معرفی شدند. در سال 2007 میلادی، اعلام شد که بیست مجرم به جرم‌های مختلف از جمله تجاوز و لواط در تهران اعدام شدند. جزئیات بیشتری از این واقعه در اختیار عموم قرار نگرفت.

در سال 2005 میلادی، اعدام دو پسر نوجوان به نام‌های محمود عسکری و ایاز مرهونی در سطح وسیعی رسانه‌ای شد. آنها در ملأ عام به جرم مشارکت در عمل لواط و تجاوز اعدام شدند و تصاویر ناراحت‌کنندهٔ اعدام آنها به طور گسترده در اینترنت پخش شد. هردوی این افراد در زمان جرم، کودک بودند و گفته می‌شود که یکی از آنها حتی در زمان اجرای حکم هم کودک بوده است. هنوز مشخص نیست که آیا این دو اعدام به طور خاص به دلیل همجنسگرا بودن آنها انجام شد یا نه. حقایقی که بر اساس آنها اعلام جرم شده است تا امروز همچنان مبهم مانده‌اند.

به همین شکل، پسر نوجوانی به نام مولودزاده به جرم لواط و تجاوز به سه پسر نوجوان در سیزده‌سالگی اعدام شد. این در حالی بود که همهٔ شاهدان اتهامات خود را پس گرفتند و مولودزاده نیز اعتراف خود را پس گرفته بود.

قانون جزای اسلامی جدید کسانی را هدف قرار می‌دهد که تصور می‌شود تمایل جنسی آنها هنجارهای اجتماعی را به هم می‌زند و این توجیهی است برای حاکمیت تا «متخلفان» را از چهره زمین پاک کند. اگر نه در اذهان عمومی، دست کم در ساختار بسیاری از قوانین جزایی، قوانین لواط با جرائم پلیدی همچون تجاوز، حمله جنسی، زنا و سوءاستفاده جنسی از کودکان گره خورده است و این موجب سردرگمی و خشم عمومی مردمی می‌شود که به این ترتیب همجنسگرایی را در ردیف جرائمی مانند خشونت جنسی قرار می‌دهند. آزار جنسی کودکان و تجاوز تخلفاتی شرم‌آور و وحشتناک‌اند، اما همجنسگرایی این گونه نیست. با این حال — همان‌طور که در فصل‌های قبل گفته شد — همجنسگرایی همواره در کنار بچه‌بازی و انحراف جنسی قرار می‌گیرد که از طرف جامعه مستوجب طرد، مجازات، و اعدام دانسته می‌شود.

دیده‌بان حقوق بشر گزارشی را در سال 2010 میلادی از وضعیت همجنسگرایان و دیگر اقلیت‌های جنسی در ایران منتشر کرد. این گزارش اعلام کرد از آنجا که دادگاه‌های مربوط به «مسائل اخلاقی» عمومی نیستند، تشخیص اینکه چه تعداد افراد به دلیل رابطه با همجنس اعدام شده‌اند، دشوار است. عفو بین‌الملل تخمین زده است که از سال 1979 میلادی، حدود 5 هزار نفر به دلیل رابطه با همجنس اعدام شده باشند. البته به علت نبود شواهد و آمار رسمی این ادعای است که اثباتش تقریباً غیرممکن است

کمیته حقوق فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی به همراه کمیته حقوق بشر به کرات از همه کشورهای عضو از جمله ایران خواسته‌اند تا قوانینی را که رابطه با همجنس را جرم‌انگاری می‌کنند، لغو کنند. ایران عضو ICESCR و ICCPR است. شرایط و تعهدات این اسناد بین‌المللی روشن‌اند. با این حال، پاسخ قوه قضاییه ایران استفاده از قانون جزای فعلی برای جرم‌انگاری رابطه با همجنس است. مشکلاتی که گروه‌های دگرباش در ایران با آنها روبه‌رو هستند، اساساً ماهیت حقوقی دارند و در صورت آسیب یا نقض حقوق، اگر نگوییم که اصلاً هیچ کمکی وجود ندارد، کمک‌های حقوقی محدودی در اختیار آنها است. همچنین قوانین عملاً در راستای تضییع حقوق این افراد اجرا می‌شوند. قوانین ذاتاً نسبت به بخش‌های آسیب‌پذیر اجتماع تبعیض‌آمیز و متعصب و به شدت در تناقض با تعهدات بین‌المللی ایران است.

دگرباشان خود کاملاً از برچسب و انگ همجنسگرایی و تعصب به آن و در مواردی، مجازات سختی که در صورت فاش شدن هویت جنسی آنها در انتظارشان است، آگاه‌اند و برای این دگرباشان که با تبعیض و نبود مدارای موجود زندگی می‌کنند، چنین تصویری سیاه است.

بررسی شرایط همجنسگرایان و دوجنسگرایان در کشورهای همسایه می‌تواند به طور بالقوه دیدگاه وسیع‌تری به اصلاحات قانونی ممکن و راه‌حل‌هایی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی در ایران فراهم کند. برای مثال، در ترکیه در سال 1858 میلادی از رابطه با همجنس جرم‌زدایی شد و تبعیض‌های قانونی محدودتر شد. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای جامعه دگرباشان، فعالان اجتماعی، و سازمان‌های مردم‌نهاد در ترکیه رژه افتخار دگرباشان در استانبول بوده است که ترکیه را در جایگاه اولین کشور مسلمانی قرار داد که این رویداد در آن برگزار شد. دگرباشان ایرانی در برخی از این رژه‌ها در استانبول، آمستردام، و استکهلم در سال‌های 2015 و 2016 میلادی شرکت کردند.

با وجود این موضع عمومی نویدبخش و روشن، جامعه ترکیه هنوز دیدی منفی به افراد دگرباش دارد. بر اساس پژوهشی که توسط مرکز پژوهش‌های پپو در سال 2013 میلادی انجام شد، تنها 9 درصد افراد در ترکیه معتقد به پذیرش همجنسگرایی در جامعه بودند و مردم ترکیه به شدت با پذیرش همجنسگرایی در سطح جامعه مخالف بودند. این مخالفت در روسیه و لبنان نیز دیده شده است. رابطه با همجنس جرم نیست، اما به ترتیب 80 درصد و 74 درصد از افراد این دو کشور معتقد بودند که جامعه نباید همجنسگرایی را بپذیرد. با وجود اصلاحات حقوقی — که بی‌شک قدمی بزرگ است — چالش‌های اجتماعی همچنان مانعی در مسیر غلبه بر چالش‌هایی‌اند که دگرباشان مرتب با آنها روبه‌رو می‌شوند.

دگرباشان ایرانی و پناهندگی

دید منفی جامعه، آزار دگرباشان و فشار خانواده و مشکلاتی می‌انجامد که سبب می‌شود تا برخی از دگرباشان به کشورهای دیگر، جایی که وضعیت زندگی بهتر است، پناهنده شوند. بسیاری از آنها به ترکیه می‌روند و از کمیساریای عالی پناهندگان درخواست پناهندگی به استرالیا، کانادا، یا آمریکا می‌کنند. اگر آنها به ترکیه پناهنده

شوند، تحت قانون 187 ترکیه به حقوق محدودی دست پیدا می‌کنند که شامل دسترسی محدود به شغل و خدمات عمومی بهداشت است و هیچ ابزار یا منبع مالی برای تأمین معاش خود نخواهند داشت.

دگرباشی که درخواست پناهندگی می‌کند، باید نشان دهد که اجتماع دگرباشان در کشور خودش کاملاً در معرض دید است و در اثر فاش شدن هویت دگرباش او، تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرد. بسیاری از دگرباشان ایرانی در درخواست پناهندگی به مواردی همچون نقض حقوق دگرباشان – که نقض حقوق بشر است – متوسل می‌شوند. همجنسگرایان و دوجنسگرایان با ترس از تعقیب قضایی و آزار در ایران زندگی می‌کنند و با خطر دستگیری و مجازات روبه‌رو هستند. بنابراین می‌توانند در تعریف قانونی ترس توجیه‌پذیر از تعقیب قضایی جای گیرند و به این ترتیب مشمول پناهندگی می‌شوند.

البته افرادی نیز وجود دارند که از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند و با تظاهر به همجنسگرایی یا دوجنسگرایی، درخواست پناهندگی و بعدها اقامت می‌کنند. این موضوع به افراد محدود نمی‌شود و می‌توان آن را به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) نیز مرتبط دانست. در طی دو دهه گذشته، سازمان‌های مردم‌نهادی بوده‌اند که بیشتر توسط پناهجویان دگرباش پیشین تأسیس شده‌اند. این نهادها همکاری نزدیکی با کمیساریای عالی پناهندگان دارند و به پناهجویان دگرباش ایرانی در گرفتن پناهندگی و رسیدن به کشوری امن کمک می‌کنند، اما انتقادهایی نیز متوجه اقدامات آنها در سال‌های اخیر بوده است، چراکه بعضی از آنها به فساد و سوءمدیریت منابع مالی (که شامل کمک حامیان مالی نیز می‌شود) متهم شده‌اند و اینکه تصویری غیرواقعی از زندگی دگرباشان در ایران و شرایط بسیار امنیتی‌تر و محدودتری از کل ایران و سیاسی کاری را برای مصارف رسانه‌ای، ادامه و جذب بودجه و راه انداختن کمپین‌های حقوق بشری در غرب ارائه می‌دهند.

فصل 5

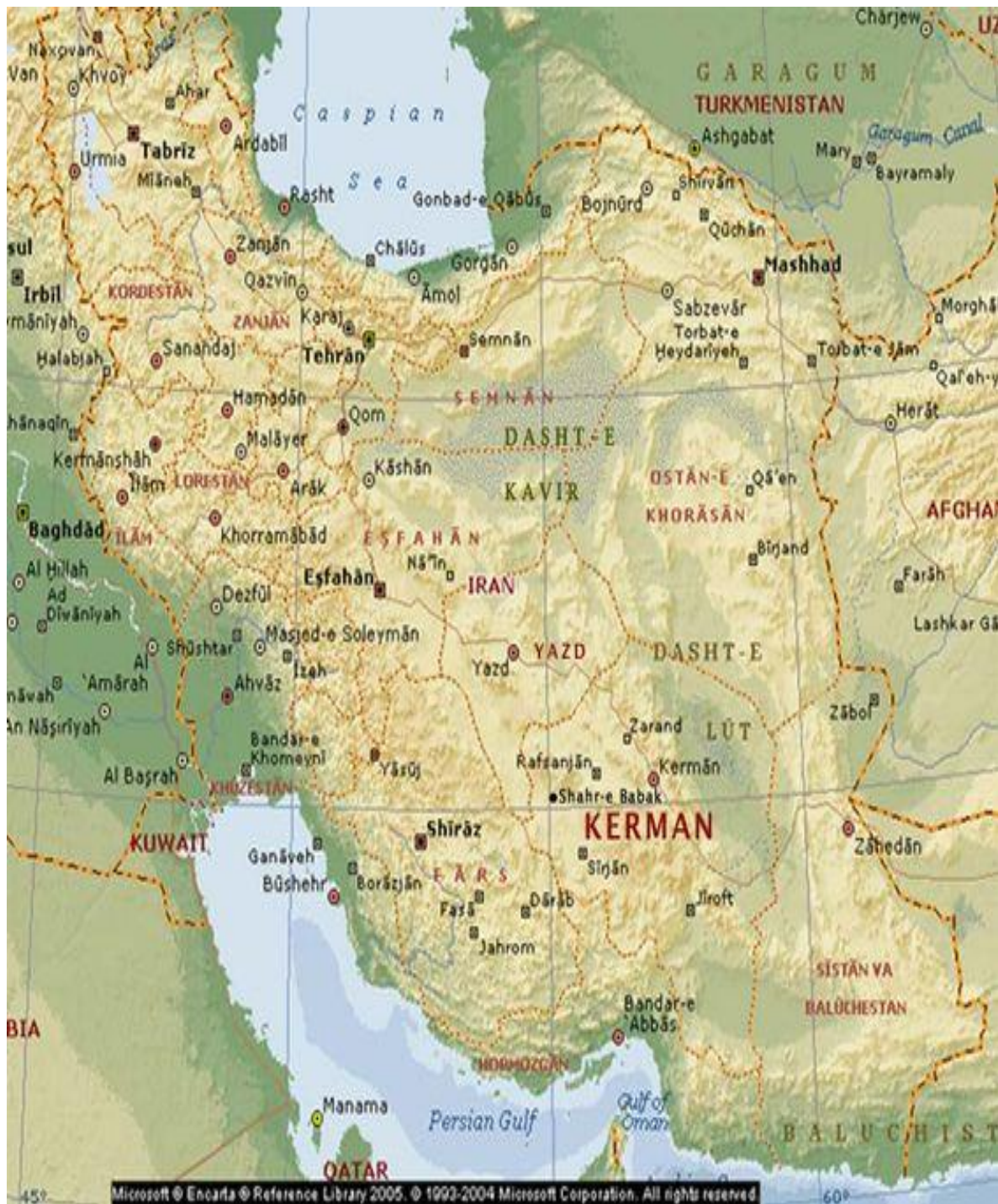
طرح پژوهشی

مطالب:

- پیشینه پژوهش
- روش‌شناسی مطالعات پیشین و مطالعه حاضر
- جمعیت و پراکندگی جغرافیایی جامعه هدف
- روش‌های تحقیق
- جمع‌آوری داده‌ها و کار میدانی
- ملاحظات و محدودیت‌های اخلاقی
- روایت پژوهش
- یافته‌های پژوهش
- نتایج کمی و کیفی پژوهش

فصل پنجم

طرح پژوهشی، شهرهای ممنوعه



این پژوهش شامل سه بخش مرور ادبیات، پیمایش کمی در میان افراد دگرباش در سه شهر ایران، و موردکاوی کیفی است.

هدف اصلی مرور ادبیات، اطلاع‌رسانی و پر کردن خلأهای موجود از گفتمان کتبی موجود درباره دگرباشان است که نشان‌دهنده رویکردهای متنوع در مورد همجنسگرایی و عوامل دخیل در آنها است. این بخش همچنین نظریه‌های گوناگون درباره همجنسگرایی از منظر داستانی، علمی، اجتماعی، و تاریخی از یونان باستان تا عصر مدرن را نشان می‌دهد. مرور ادبیات با استفاده از انواع منابع اطلاعاتی انجام شده است که شامل مقاله‌های پژوهشی، رمان‌های ممنوع، و اسناد دولتی بود. بازه زمانی‌ای که به تحقیق کتابخانه‌ای و مرور ادبیات نظری پژوهش حاضر اختصاص داده شد، به تقویت کلیت این طرح پژوهشی کمک کرد.

پیمایش کمی بنیان اصلی هر طرح پژوهشی را نشان می‌دهد و به کارگیری روش‌های درست و باکیفیت پیش‌نیاز هر طرح مطالعاتی‌اند تا آن طرح بتواند روایی و پایایی لازم را داشته باشد. در نبود روش‌های کیفی درست، تأیید روایی یافته‌های مطالعه و اینکه آیا به درستی نیازهای واقعی اجتماع دگرباشان را منعکس می‌کنند، دشوار خواهد بود. روش تحقیق‌های دیگری که برای مطالعه‌های مشابه موجودند، باید مورد ارزیابی قرار گیرند تا مشخص شود آیا در فراهم کردن داده‌های لازم برای تحقیقات آینده و تدوین سیاست‌های پیچیده و تأمین بودجه تصمیم‌گیران مفیدند یا نه. روش تحقیق درست و مناسب تضمینی است که با آن تأمین‌کننده بالقوه بودجه پژوهش را جدی خواهد گرفت.¹

پیامد استفاده از روش‌های نه‌چندان مناسب یا جمع‌آوری داده‌های ضعیف و غیرشفاف ممکن است موجب اربابی (انحراف از معیار) یا گمراهی شود. این امر سبب تفسیر اشتباه مسائلی می‌شود که اجتماع دگرباشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین شفافیت و کیفیت گزارش‌دهی از منظر اخلاقی نیز به دلایل متعدد عملی و اصولی دارای اهمیت است. گزارش‌دهی درست روش‌های به‌کاررفته داوری هم‌تایان و ارزیابی انتقادی مطالعه را ممکن

1. Webb D, Wright D. (2001). Count Me In: Findings from the Lesbian, Gay, Bisexual, Transgender Community Needs Assessment 2000 [online]. Available from <http://www.lgbtmind.com/content/ACMI.htm> (accessed 7 February 2010).

می‌سازد و در عین حال، بازتولید و تکثیر یافته‌های پژوهش را آسان می‌کند، هدررفت را کاهش می‌دهد، از تکرارهای غیرضروری جلوگیری می‌کند و اعتماد عمومی به پژوهش علمی را افزایش می‌دهد. این فصل روش‌های به‌کاررفته و مسائل مرتبط با هریک از آنها، ملاحظات اخلاقی، محدودیت‌ها و نهایتاً تحلیل پژوهش را توضیح می‌دهد. جنبه‌های مربوط به روش‌شناسی، نمونه‌گیری، روش‌های کیفی و کمی، مشاوره با اجتماع محلی، و محدودیت‌های اخلاقی را شامل می‌شود.

پیشینه پژوهش

ایده این طرح پژوهشی، در سال 1395 شمسی، بعد از انتشار تحقیقی درباره ازدواج زودهنگام کودکان و ازدواج موقت صیغه و محرمیت به فارسی و انگلیسی¹ شکل گرفت. کتاب طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج کودکان در ایران در دانشگاه آکسفورد، در شهر آکسفورد، و در کتابخانه ملی تهران، در ایران، رونمایی شد و کتاب دیگر نگارنده خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع بر باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران² در تهران، در خانه وارطان، رونمایی گردید. پیش از تحقیق درباره دگرباشان، بیشتر موضوع‌های موردعلاقه مؤلف به مسائل اواخر کودکی / اوان نوجوانی و سنت‌های آسیب‌زایی همچون ختنه دختران یا قتل‌های ناموسی مربوط می‌شد³.

این موضوع‌های مهم الهام‌بخش پژوهشگر برای انجام پژوهش فعلی شدند تا کار خود را به اجتماع دگرباشان بسط دهد. با وجود تفاوت‌ها و گوناگونی‌های ظاهری، ختنه دختران و ازدواج زودهنگام کودکان هر دو در یک چهارچوب سرکوب‌گر ریشه دارند و البته ریشه در فرهنگ، عرف، و دین یک جامعه دارند. نماد بردگی در اشکال مختلفی در این‌گونه موضوع‌ها، از زنجیرهای قابل‌رؤیت برده‌داری گرفته تا زنجیرهای نامرئی طرد و تقبیح اجتماعی، وجود دارد. در این فرایند، گروه‌هایی از افراد به کم و کمتر تقلیل داده می‌شوند، صدایشان ضعیف و

1. Kameel, Ahmady. (2016). *An Echo of Silence- A comprehensive research Study n Early Child Marriage (ECM) in Iran*. https://www.novapublishers.com/catalog/product_info.php?products_id=62825.

احمدی، کامیل. (1396). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه.

2. کامیل، احمدی. (1398). خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع بر باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران. تهران: شیرازه.

3. Kameel, Ahmady. (2015). *In the Name of Tradition. Female Genital Mutilation in Iran*. Uncut/VOICES Press Oxford, UK <http://kameelahmady.com/fgm-in-iran>.

کامیل، احمدی. (1395). سنت: پژوهشی جامع درباره ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه.

خاموش می‌شود، به رسمیت شناخته نمی‌شوند، و مورد سرزنش قرار می‌گیرند. این زیرگروه‌ها نه تنها از جانب جامعه مدنی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، بلکه مورد بی‌مهری ساختارهای اجتماعی مانند نظام حقوقی، پلیس و دادگاه — که اساساً فرضیه وجودی آنها باید حمایتگری باشد — نیز هستند. درواقع، نه تنها کسانی که در مسند قدرت‌اند، این افراد را نادیده می‌گیرند، بلکه جامعه نیز، به طور کلی، توجه زیادی به آنها نمی‌کند. بسیاری از این افراد قربانی تصوراتی از پیش شکل گرفته هستند و به طور خودکار، منحرف و ناهنجار و ذاتاً خطرناک دانسته می‌شوند. بسیاری از آنها زیر بار برجسب‌های تحقیرآمیز زندگی می‌کنند. مشخص است که بهزیستی دگرباشان به شدت تحت تأثیر چنین مسائلی قرار می‌گیرد و چنین افرادی از تقویت پیام‌های منفی اجتماع، انگ‌زنی و نابرابری گسترده متضرر می‌شوند و با ترس دائمی دستگیر شدن زندگی می‌کنند، چراکه قانون اسلامی رابطه با همجنس را جرم می‌داند. ایده بررسی بیشتر این موضوع و مشکلات اجتماع دگرباشان در ایران به تدریج در قالب تحقیق حاضر شکل گرفت. این پژوهش دیدی کلی از پویاشناسی افراد دگرباش در ایران را نشان می‌دهد و کار میدانی در مرکزیت این بررسی‌ها قرار گرفته است. این پژوهش شامل 400 روایت شخصی از تعصب و اشکال مختلف تبعیض است که شرکت‌کنندگان دگرباش از سه شهر بزرگ ایران آنها را برشمردند. برخلاف دیگر مطالعات در این زمینه، تحقیق حاضر دلایل و علت‌های ریشه‌ای ترس و سرکوب اجتماع دگرباشان را نیز بررسی کرده است.

گروه‌های پنهان دگرباشان در ایران مرزهای ناشناخته‌ای دارند که تشخیص آنها، نزدیک شدن به آنها و در نتیجه، به دست آوردن اعتماد آنها را بسیار دشوار می‌کند. یکی از علت‌های این بی‌اعتنایی، نبود دانش و آگاهی درباره گرایش جنسی است. درواقع، تحقیقات اندکی درباره نگاه به همجنسگرایی در میان مسلمانان انجام شده است و علت اصلی نیز مشکلاتی است که مطالعه و تحقیق درباره موضوع‌های تابو در پی دارد. همچنین همان‌گونه که موری (1997) می‌گوید¹، در جوامع مسلمان، فرهنگ انکار جمعی همجنسگرایان وجود دارد. مهم‌تر از همه

1. Murray, S.O (1997). The will not to know: Islamic accommodations of male homosexuality. In S.O. Murray & W. Roscoe (eds.), *Islamic homosexualities: Culture, history and literature*. New York: New York University Press, pp.14-54.

این موارد، این تحقیق قصد دارد به جمع‌آوری و تحلیل نظام‌مند داده‌های مربوط به دگرباشان در ایران کمک کند که خلئی بزرگ و نیازی مبرم است.

متن حاضر از نظر نگاه به دگرباشان در ایران بسیار خاص است. اولویت اول و بزرگ‌ترین دغدغه این پژوهش آن بود که فهمیده شود چگونه به تعصب‌ها و تبعیض‌ها، تقبیح اجتماعی و خطر مجازات‌های قانونی‌ای پرداخته شود که هرروزه در جامعه اعمال می‌شوند و به چشم می‌آیند. یافته‌های این پژوهش پیام روشنی را از مقیاس وسیعی در خود دارند مبنی بر اینکه در ایران، دگرباشان به تغییری اساسی در ابعاد مختلف حقوقی و اجتماعی نیاز دارند. این پیام بر مبنای انتظاری خوش‌بینانه است که این مطالعه بتواند خلأ اطلاعاتی و پژوهشی در حوزه دگرباشان ایرانی را با جمع‌آوری داده‌های دست‌اول قابل اعتماد پر کند و احتمالاً این امر با چالش‌های زیادی همراه است، اما در عین حال، کلید تدوین سیاست‌های مبتنی بر شواهد و تقویت بُعد اقتصادی در فراگیری همه افراد نیز هست. همچنین این پژوهش می‌تواند به بسیج کارشناسان رشته‌های مختلف برای شناخت درست از دگرباشان کمک کند تا روایتی جامع از واقعیت‌های ملموس این افراد ارائه کنند.

روش‌شناسی مطالعات پیشین

روش این پژوهش را می‌توان با روش‌های معمول موجود از تکنیک‌های کمی و کیفی تا کار میدانی، پیمایش‌های ملی و دیگر روش‌ها مقایسه کرد. هریک از این روش‌ها به دلیل کارکرد بهینه و متناسب با پژوهش انتخاب می‌شوند و معمولاً بر اساس ویژگی‌ها و دامنه تحقیق به کار گرفته می‌شوند. موضوع این پژوهش به شدت حساس است و اغلب حتی در میان خانواده‌ها همچون رازی سربه‌مهر ناگفته باقی می‌ماند. در کشوری همچون ایران که هنجارهای اجتماعی و مجازات‌های قانونی فضایی برای ترس و پارانویایی قابل درک ایجاد کرده است، نه تنها همیشه باید به روش‌های مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای توجه کرد که معمولاً اولویت دارند، بلکه باید مرزهای اخلاق انسانی و اخلاق در پژوهش را — که در چهارچوب آنها، روش‌ها به کار گرفته می‌شوند — در نظر گرفت.



مطالعه ختنه زنان: تجمع زنانی که به طور سنتی این عمل را در ایران انجام می دهند. (عکس: کامیل احمدی)

در این زمینه، نیروهای سیاسی فعال نیز کار را برای پژوهشگران و همچنین برای شرکت کنندگان دگرباش خطرناک کرده اند. برای مثال، در حال انجام مأموریت های میدانی، ترس دائم از شناسایی و دستگیری به وسیله پلیس امنیت یا ترس از اینکه کسی خبرچین باشد، برای دگرباشان، وجود داشت و کاملاً احساس می شد. در واقع، لحظاتی بود که شرکت کنندگان در طی مصاحبه ها می ترسیدند و فرار را بر قرار ترجیح می دادند. وقتی شرکت کنندگان ترجیح می دادند مصاحبه در پارک یا مکان های عمومی دیگری انجام شود، مسئله ترس بیش از یک بار تجربه می شد. بی تردید، این تهدیدات بر بُعد انتقادی کار اثر گذاشته است. در نتیجه، این موارد همان جاهایی بود که پیروی از یک روش محض باید برای حفظ امنیت و رازداری دگرباشان قربانی می شد. قطعاً پژوهشی که به شکلی تمام و کمال انجام شود، اما به شرکت کنندگان آسیب رساند، هیچ ارزشی ندارد.

در گذشته، پژوهش هایی در قالب مطالعات جنسیت و حقوق بشر انجام شده است که در رویکردهای اصلی خود به شرکت کنندگان، کاملاً با تحقیق حاضر متفاوت اند. در اولین کار پژوهشی مؤلف در ایران، این اثر درباره ختنه زنان، تحقیقی بود که در چهار استان اصلی ایران در مورد این سنت زیانبار صورت گرفت¹. بعد از تخمین تناوب کلی این رفتار، پژوهش نتیجه گرفت که در چهار استان آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، و هرمزگان، واقع در غرب و جنوب کشور، این سنت رواج دارد. سپس چهار جهت جغرافیایی اصلی به عنوان خوشه

1. Kameel, Ahmady. (2015). *In the Name of Tradition. Female Genital Mutilation in Iran*. Uncut/VOICES Press

کامیل، احمدی. (1395). سنت: پژوهشی جامع درباره ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه. <http://kameelahmady.com/fgm-in-iran>

اول انتخاب شدند که هریک از آنها در یک ناحیه شهری واقع شده بودند. در هر شهر یا شهرستان، تعدادی روستا نیز به عنوان خوشه دوم برای ارزیابی بیشتر انتخاب شدند. مصاحبه‌هایی با مطلعان و افراد مهم در هر اجتماع ترتیب داده شد، چراکه این کار به جمع‌آوری اطلاعاتی زیاد در راستای قدم‌های اولیه پژوهش کمک می‌کرد که یافته‌ها و نتایج مطالعه به هردو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است.

طرح پژوهشی ختنه زنان راهگشای طرح‌های پژوهشی بعدی در زمینه ازدواج زود هنگام کودکان، ازدواج موقت، ازدواج سفید، و دگرباشان در ایران شد که همگی با همان روش کیفی مطالعه اول، هرچند با منطق و گام‌هایی متفاوت انجام شد. این روایت‌های اجتماعی در بیشتر نواحی روستایی و در طبقات اجتماعی و اقتصادی گوناگون شایع است. در مورد ازدواج زود هنگام کودکان، ترکیب دقیق‌تری از پژوهش در هفت استان انجام گرفت که در آنها نرخ و تناوب ازدواج زود هنگام کودکان بالا بود. در آن پژوهش، روش نظام‌مندی برای نمونه‌گیری در این نواحی درپیش گرفته شد و همچون مطالعه اول، یافته‌های این تحقیق نیز به زبان فارسی انگلیسی موجود است¹.

روش‌شناسی مطالعه فعلی

بیشتر طرح‌های این‌چنینی در حین پرداختن به موضوعی مشابه در چهارچوب مطالعات جنسیتی معمولاً از روشی مناسب استفاده نمی‌کنند و تقریباً همگی دچار ضعف‌های غیرقابل اغماض نمونه‌گیری در دسترس هستند. با توجه به دو مطالعه پیشین مؤلف، این پژوهش از خطاهای کوچک اجتناب‌ناپذیری که می‌توانست به طور بالقوه روش را تحت تأثیر قرار دهد، چشم‌پوشی کرد و با توجه به موضوع به شدت حساس دگرباشان و روایت پنهان دگرباشی، نظریه از واقعیت عقب افتاد. این مطالعه نیازمند تلاشی بسیار برای هرچه نزدیک‌تر شدن به دگرباشان بود.

1. Kameel, Ahmady. (2016). *An Echo of Silence- A comprehensive research Study n Early Child Marriage (ECM) in Iran*. https://www.novapublishers.com/catalog/product_info.php?products_id=62825.

احمدی، کامیل. (1396). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه.

داده‌هایی که در پی می‌آیند، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند است که با دگرباشان انجام شد. جزئیات گرایش جنسی مصاحبه‌شوندگان، روش تحقیق، اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه، و تحلیل داده‌ها در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

آموزش مصاحبه‌کنندگان

وقتی به بهترین روش برای پرداختن به موضوع دگرباشان، جنس، و جنسیت فکر می‌کنیم، مهم است که بدانیم زبان و تعاریفی که برای توصیف این افراد و دسته‌بندی‌های مختلفشان استفاده می‌شود، هم بر شرکت‌کنندگان و هم بر پژوهش اثر می‌گذارد. تأمل دربارهٔ چنین مسائلی اهمیت دارد، چراکه هر دو نوع پژوهش، یعنی پژوهش کمی و پژوهش کیفی، نیازمند تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های دقیق است. این مسئله برای تحلیل دقیق داده‌های آماری نیز مهم است. از این جهت، بیشتر تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های مختلفی به گروه‌های خاصی از افراد نسبت داده می‌شود¹ و بدین ترتیب، این مسائل به شکل‌گیری روش و اعتبار طرح کمک می‌کنند.

شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این پژوهش آن است که در قیاس با پژوهش‌های مشابه — که پیشتر شرح داده شدند — با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بود که همگی نیازمند توجه فوری بودند. جایگاه اجتماعی و شرایط زندگی افراد دگرباش در ایران نیازمند آن بود که تیم پژوهش رویکردی نوین را درپیش گیرد.

بدین منظور، تعدادی از افراد دانش‌آموخته برای مصاحبه آموزش‌های لازم را دیدند تا برای کار میدانی آماده باشند. چند کارگاه و بازدید میدانی جهت انتخاب و آماده‌سازی اعضای تیم ترتیب داده شد. تیمی متشکل از هشت نفر با تحصیلات تکمیلی با پیشینه و تخصص‌های مختلف در زمینه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و مددکاری تحت نظارت مؤلف طرح و دستیارش به مدت شش ماه آموزش دیدند و سپس وارد میدان شدند. آموزش آنها در دو مرحله انجام شد: 1. آموزش پرداختن به موضوع‌های حساس، شخصی و اخلاق پژوهشی 2. آموزش کار با گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه با تعداد کم شرکت‌کننده بدون سوگیری.

1. McManus, S. (2003). Sexual Orientation Research Phase 1: A Review of Methodological Approaches. National Centre for Social Research, London- UK, p.79.

گروه مصاحبه‌کننده از تعداد مساوی زن و مرد تشکیل شد تا بتوان هم به لزبین‌ها و هم به گی‌ها دسترسی داشت. این جهت‌گیری اولیه مصاحبه‌کنندگان را به مهارت‌های لازم برای طرح سؤال‌هایی درباره‌ی گرایش جنسی و بررسی مسائل حساس مجهز کرد. در عین حال، چرایی پرسش‌ها نیز در این آموزش مورد توجه قرار گرفت، دسته‌بندی‌های مختلف پاسخ‌ها توضیح داده شد و مسئله‌ی رازداری و اخلاق در پژوهش نیز پوشش داده شد. تک‌تک قدم‌ها به‌درستی برنامه‌ریزی شدند تا شرکت‌کنندگان این طرح — که دسترسی به آنها دشوار است — ازدست نروند. آموزش‌دهندگان از این موضوع آگاه بودند که حتی اشتباه‌های کوچک غیرعمدی نیز می‌تواند پیامدهای مخربی داشته باشد.

جمعیت و پراکندگی جغرافیایی جامعه هدف

کمتر از یک دهه پیش، وجود لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌ها، به طور کلی، انکار می‌شد. افراد دگرباش در سراسر ایران وجود دارند و مشخصاً به یک ناحیه شهری یا استانی خاص محدود نیستند. با این حال، بر اساس یک تصمیم داخلی، پژوهش در سه کلان‌شهر بزرگ ایران انجام شد، چراکه در نواحی دیگر، نه اطلاعاتی در دست بود و نه افراد بومی نواحی روستایی می‌توانستند به سبب نگاه محافظه‌کارانه به دگرباشان در گردآوری اطلاعات کمک کنند. برای نیل به این هدف، سه شهر بزرگ ایران که بالقوه نگاه بازتری به دگرباشان داشتند و آزادی بیان بیشتری در آنها وجود داشت، انتخاب شدند. البته بازتر بودن به این معنا نبود که آنها گفتمان دگرباشی را پذیرفته بودند، بلکه پذیرفته بودند که دگرباشانی در میان آنها وجود دارند. این سه شهر تهران، مشهد، و اصفهان بودند. در این شهرها، پاتوق‌ها و پارک‌های گاه شناخته‌شده‌ای وجود دارند که دگرباشان مخفیانه در گروه‌های کوچک، در آن مکان‌ها گرد هم می‌آیند یا در آنجاها، برای آشنایی، یکدیگر را ملاقات می‌کنند. بعضی از این پارک‌ها و کافه‌ها، مخصوصاً در تهران، برای عموم شناخته‌شده‌اند، چراکه بسیاری از دگرباشان از روی شکل ظاهری به راحتی در این مکان‌ها قابل تشخیص‌اند. با بررسی سازوکارهای ساختاری که علیه افراد دگرباش در سطوح مختلف عملی کار می‌شود و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، بافتارهای اجتماعی و دهه‌ها سلطه سنت، این سه شهر بزرگ انتخاب‌های مناسب‌تری بودند. بسیاری از گروه‌های دگرباشان در این سه شهر از شبکه‌های اجتماعی

استفاده می‌کردند و مرتباً به رسانه‌های اجتماعی، انبوهی از شبکه‌های اجتماعی، و ارتباطات دیجیتال دسترسی داشتند. در ادامه، شرح مختصری از هریک از این شهرها می‌آید.

تهران



تهران پایتخت و مرکز اداری، اقتصادی، و فرهنگی ایران و مرکز اصلی فعالیت‌های صنعتی و حمل‌ونقل در منطقه است. تهران ترکیبی از دو عنصر تاریخی و توسعه‌یافتگی است. این شهر پرجنب‌وجوش حدود 14 میلیون نفر جمعیت دارد و از نظر جغرافیایی در شمال کشور واقع شده است.¹

این شهر در کوه‌پایه‌های البرز در ارتفاع حدود 1210 متری واقع شده است.² بیشتر ساختمان‌های دولتی و بازرگانی در مرکز این شهر قرار دارند. اقلیم تهران هر چهار فصل را شامل می‌شود، بهارها و پاییزهای کوتاه، زمستان‌های سرد، و تابستان‌های خشک و گرم. بیشتر ساکنان آن فارسی‌زبان‌اند و تقریباً 99% جمعیت زبان فارسی را می‌فهمند و به آن صحبت می‌کنند، اما جمعیت‌های زیادی از اقوام دیگر ایرانی همچون آذری‌ها، ارمنی‌ها، لرها، و کردها در تهران ساکن‌اند که زبان فارسی زبان دوم آنها است.

دلایل متقنی مبنی بر چرایی انتخاب تهران در این مطالعه وجود دارد؛ اولاً در سال‌های اخیر گروه‌های کوچکی از دگرباشان زندگی در اطراف تهران را شروع کرده‌اند. همچنین در شب، پارک شناخته‌شده‌ای نزدیک

1. The world's largest cities and urban areas in 2006. City Mayors. Accessed October 6, 2017.

2. Tools, Free Map. "Elevation Finder, from www.freemaptools.com. Retrieved October 6, 2017.

تئاتر شهر و دانشگاه تهران محلی زنده و پررفت و آمد برای گی‌ها است. آنها برای گردش، خودی نشان دادن و نگاه‌های دزدکی در تاریکی به پارک می‌آیند و گاهی چند دقیقه در مکانی عمومی با هم دیدار می‌کنند یا به مکان سومی می‌روند تا تعاملات بیشتری با یکدیگر داشته باشند¹. این اجتماع مخفی شبانه بدین معنا نیست که دگرباش بودن در تهران هنجار است². هرچند گروه‌هایی از دگرباشان زندگی شبانه دارند، هنوز در تهران، مدارای چندانی در مورد همجنسگرایی وجود ندارد و درست است که دست یکدیگر را گرفتن و نگاه‌های صمیمانه به هم انداختن رفتارهایی غیر معمول به حساب نمی‌آیند، اما تنها تا وقتی که توجه‌ها را به خود جلب نکنند، مجاز دانسته می‌شوند. این امر سبب می‌شود تا کمی فضای نفس کشیدن در اختیار دگرباشان تهرانی (در مقایسه با دیگر شهرها و نواحی روستایی) قرار گیرد. برای مثال، گی‌های طبقات پایین‌تر و نواحی روستایی، مناطقی که انگ‌زنی در آنها رایج است، به‌ندرت می‌توانند پیش از ازدواج از خانه خارج شوند. حتی در مدرن‌ترین و مرفه‌ترین اجتماعات معمولاً پذیرش زیادی در مورد همجنسگرایی وجود ندارد، اما برخی ایرانیان طبقه متوسط و بالا راهی برای یک زندگی موازی، دور از دیدرس اقوام و دوستان پیدا می‌کنند.

ثانیاً بسیاری از دگرباشان به تهران مهاجرت می‌کنند، زیرا شهری لیبرال‌تر است و می‌توان در آن، با گرایش‌های مختلف، فضایی برای تنفس داشت. به دلایلی که ذکر شد، تهران برای این مطالعه انتخاب شد. البته نهایتاً مؤلفه دیگری نیز وجود داشت: دسترسی به دگرباشان در تهران نسبت به نواحی روستایی و شهرهای کوچک آسان‌تر است.

1. Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal; McDonald, Peter; Hosseini-Chavoshi; Meimanat. (September 30, 2009). Region of Residence. *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. Springer, pp. 100-101.

2. The Tehran Bureau. Intimate spaces: coming out in Iran, from <https://www.theguardian.com/world/iran-blog/2015/jun/11/iran-gay-coming-out-intimate-spaces>. Accessed October 6, 2017



شهر تاریخی – مذهبی مشهد از جمله مناطق تأثیرگذار از نظر باستان‌شناسی، گردشگری، بناهای تاریخی، و مذهبی است. مساحت این شهر حدود 351 کیلومتر مربع است. مشهد با بیش از سه میلیون جمعیت دومین شهر بزرگ ایران بعد از تهران و از شهرهای بزرگ دنیای اسلام است¹. این شهر هرساله میزبان حدود 27 میلیون زائر از سراسر کشور و 2 میلیون زائر خارجی از کشورهای شیعه است.

مشهد شهری پیشرو و مهم برای متفکران و پژوهشگران بوده است که مکتب شیعه و دانش اسلامی را ترویج می‌کند و به عنوان محلّ همزیستی مذاهب‌ها و فرقه‌های مختلف، مرکز رویدادهای مهم تاریخی و انقلابی نیز بوده است. به سبب وجود حرم امام هشتم شیعیان، امام رضا (ع)، این شهر اهمیتی ویژه دارد و بنابراین با ویژگی‌های رضوی – که ریشه در تجربه‌ای تاریخی دارد – شکل گرفته است.

مشهد در شرق ایران واقع شده است و پایتخت استان خراسان رضوی است. این شهر از منظر گفتمان و شیوع دگرباشی دارای اهمیت است. به عنوان مرکزی فرهنگی – که در میان گردشگران محبوبیت بسیاری دارد – مشهد به دگرباشان اجازه نمی‌دهد تا آن‌گونه که می‌خواهند در این شهر زندگی کنند. برای مثال، در اواسط سال

1. Razavi Khorasan (Iran): Counties & Cities – Population Statistics in Maps and Charts, from www.citypopulation.de.

2014 میلادی، دو نوجوان به جرم لواط در ملأ عام در مشهد به دار آویخته شدند¹. در ایران، تصور عمومی این است که همه افراد باید همچون فردی دگرجنسگرا زندگی کنند. به بیان دیگر، دگرجنسگرایی گرایش جنسی اجباری برای همه است و این موضوع به طور خاص در حین انجام پژوهش در مشهد احساس شد. افراد با گرایش‌های جنسی مختلف باید طوری رفتار و عمل کنند که گویی دگرجنسگرا هستند. در این بخش از مطالعه، نه تنها سعی شد تعداد دگرباشان در میان زنان و مردان بزرگسال در مشهد تخمین زده شود، بلکه تلاش شد تا روش زندگی آنها با این حجم بالای تظاهر نیز به تصویر کشیده شود.

اصفهان



اصفهان شهر محافظه‌کار و معروف گردشگری در ایران است و بی‌شک یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی، فرهنگی، و مراکز شهری در کل تاریخ ایران است². این شهر در مرکز ایران، محل تلاقی چهار نقطه جغرافیای کشور، واقع شده است. اصفهان ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود را از استان‌های هم‌جوار مخصوصاً شهرهای مرزی می‌گیرد. بر اساس آخرین سرشماری سال 1395 شمسی، جمعیت این استان 5007000 نفر برآورد شده

1. در ایران گی و ظلم به زنان وجود ندارد. <http://abcnews.go.com/US/story?id=3642673> دو نوجوان گی ایرانی از خراسان که در ملأ عام به دار آویخته شدند.

https://en.wikipedia.org/wiki/Mahmoud_Asgari_and_Ayaz_Marhoni.

2. Dumper, Michael; Bruce, Stanley E. Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopaedia.

است¹. گروه قومی غالب شهر اصفهان فارس است و بیشتر افراد به فارسی با لهجه اصفهانی صحبت می‌کنند و بیشتر افراد مسلمان شیعه‌اند. بخش بزرگی از جمعیت این شهر دارای باورهای سنتی است و این وفاداری به سنت‌ها در بافتار استان کاملاً محسوس است. تنوع گروه‌های قومی همچون ترک‌های قشقایی، لرهای بختیاری، و فارس‌ها به ایجاد اشکال مشخصی از هنجارها و فرهنگ‌ها در این استان منجر شده است. در طی جنگ هشت‌ساله عراق و ایران، استان اصفهان شاهد هزاران مهاجر جنگ‌زده‌ایی بود که از استان خوزستان و دیگر نواحی مرزی به این استان آمدند. همین ترکیب فارس، لر، بختیاری، یهودی، و ارمنی به خودی خود نقشی مهم در شکل‌دهی به ظاهر جمعیت‌شناختی استان بازی کرده است. اصفهان محلی امن و به دور از جنگ بود و انبوه کارخانه‌های صنعتی نیز جذابیت این استان را برای مهاجران بیکار و بی‌سرپناه بیشتر کرده بود.

بی‌شک، وجود تعداد نه‌چندان کمی از دگرباشان را نمی‌توان در اصفهان انکار کرد. نسل جوان اصفهان آزاد و آزاداندیش است و هرگز در تجربه ایده‌ها و سبک‌های جدید تعلل نمی‌ورزد². موارد حاکی از دستگیری‌گی‌ها در اصفهان نشان‌دهنده حضور آنها در این شهر است. بر این اساس، اصفهان برای این پژوهش انتخاب شد تا نشان دهد که چگونه نسل جدید دگرباشان در این شهر با همه پیشینه تاریخی، مذهبی، و فرهنگی‌اش دوام آورده است.

روش‌های تحقیق

روش پژوهش ترکیبی

در فرایند انتخاب و تأیید روش تحقیق این پژوهش، مشاوره‌های طولانی به انتخاب طیفی از روش‌ها منجر شد که حتی این روش‌ها نیز می‌توانست شهر به شهر متفاوت باشد. روش تحقیقی مورد استفاده در این پژوهش روشی ترکیبی است که همه تکنیک‌ها، مفاهیم، و زبان‌های کمی و کیفی را در یک مطالعه واحد در نظر گرفته است.

1. سازمان ثبت احوال، 2014 میلادی، از

<https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>.

2. Khorashad Servari, Behzad.; et al. (2017). Sexual orientation and medical history among Iranian people with Complete Androgen Insensitivity Syndrome and Congenital Adrenal Hyperplasia. *Journal of psychosomatic research*, 92, pp. 55-62.

بی‌گمان، استفاده از این روش ترکیبی به غنای تحقیق می‌افزاید، زیرا هر تکنیک مخالفان و مدافعان خود را دارد¹. در پژوهش حاضر، با توجه به یافته‌ها نمی‌توان به این جواب رسید که چرا روشی خاص پاسخگوی پرسشی خاص بوده است، اما این پژوهش توانسته است به افراد بیشتری از جامعه هدف دسترسی پیدا کند.

دو روش غالب در تحقیق وجود دارد که به طور رایج در کارهای پژوهشی استفاده می‌شوند: پژوهش کیفی و کمی. برای این مطالعه خاص، هر دو روش به کار گرفته شدند تا اطلاعات موردنظر را از شرکت‌کنندگان استخراج کنند و برخلاف مطالعات پژوهشی پیشین نویسنده با ماهیت مشابه، دو روش به کار گرفته در این تحقیق، از هر دو نظر فنی و اخلاقی درست بودند. در بخش بعد، روش‌ها و رویکردهای به کار گرفته شده برای شناسایی و مصاحبه با شرکت‌کنندگان و مثلث‌بندی، تفسیر، یا استخراج اطلاعات را شرح می‌دهیم.

روش نمونه‌گیری گلوله برفی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، نمونه‌گیری گلوله برفی تکنیک رایجی در میان دانشمندان علوم اجتماعی است که قصد کار با جمعیت‌هایی را دارند که شناسایی یا پیدا کردن آنها دشوار است. این معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که این جمعیت‌ها به نوعی به حاشیه رانده شده‌اند یا جزو بی‌خانمان‌ها یا کسانی هستند که سابقه زندان دارند یا در فعالیت‌های غیرقانونی شرکت داشته‌اند. استفاده از این تکنیک نمونه‌گیری برای افرادی نیز که عضویشان در یک گروه خاص به سختی قابل تشخیص است، همچون دگرباشان ایرانی، رایج است.

در مورد پژوهش دگرباشان در ایران، نمونه‌گیری به شکل روشی مفهومی طراحی شد که راهی بود برای غلبه بر چالش‌های بسیاری که حضور جمعیت‌های سخت‌دسترس در یک پژوهش با آن مواجه است. این رویکرد پایه بعد توسعه‌یافتگی تا اثربخشی راهبرد پژوهش برای شناسایی جمعیت‌های پنهان و سخت‌دسترس را گسترش داد و ماهیت جمعیت نمونه را ارتقا بخشید تا جمعیت عمومی که جمعیت‌های پنهان در میان آنها سکنا دارند را بهتر نمایندگی کند². یکی از مزیت‌های خاص نمونه‌گیری گلوله برفی قابلیت فرهنگی و اعتماد ذاتی است که در میان

1 Johnson, B.; Christensen L. (2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. Thousand Oaks: Sage Publications.

2. Magnani, R.; et al. (2005). Review of sampling hard-to-reach and hidden populations for HIV surveillance. *Aids*. 19 (Suppl 2), pp. 67-72.

شرکت‌کنندگان بالقوه ترویج می‌کند. این امر سبب شد تا احتمال شناسایی افرادی که حاضر به صحبت با تیم پژوهش‌اند، بالا برود.

پژوهش کمی

اولین قدم برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش انجام پیمایشی کمی بود. هدف پیمایش جمع‌آوری اطلاعاتی درباره افکار، رویکردها، باورها، ارزش‌ها، دریافت‌ها، شخصیت و الگوهای رفتاری شرکت‌کنندگان بود. این اولین مطالعه درباره اجتماع دگرباشانی است که به‌واقع در داخل کشور ساکن‌اند. همچنین استفاده از فضاهای عمومی در زمان انجام پیمایش سبب شد تا بسیاری از شرکت‌کنندگان به‌راحتی به پرسش‌ها پاسخ دهند و همین امر پایه مطالعه پژوهشی دقیقی شد که در آینده امکان انجام می‌یابد. شرکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی مکان‌یابی می‌شدند و پیمایش ابتدا در مناطق خاصی از مطالعه توزیع می‌شد و سپس افراد مورد‌مصاحبه آن را به دوستان مرد و زن خود – که جزو اجتماع دگرباشان بودند و در همان منطقه زندگی می‌کردند – منتقل می‌کردند. مصاحبه‌های عمیق فردی با این مصاحبه‌شوندگان مهم داده‌های اصلی را فراهم کردند. گاهی مصاحبه‌های اولیه با مصاحبه‌های گروهی یا دونفره و کنفرانس تلفنی تکمیل می‌شد. همه مصاحبه‌ها تشریحی و تعاملی و بر اساس دستورالعملی موضوعی بود که مفاهیم اصلی موردنظر در آنها فهرست شده بود. مصاحبه‌ها انعطاف‌پذیر بودند تا بتوان با سؤال‌های دقیق همه موضوع‌های مربوط به شرکت‌کنندگان را مورد توجه قرار داد. همچنین بخش کمی پژوهش از طریق یک تخمین نظام‌مند تحت تأثیر پرسشنامه بود. روش گلوله برفی در مورد همه دگرباشان استفاده شد و اساساً به شکل نام بردن تعداد افرادی بود که آن مصاحبه‌شونده می‌دانست و مطمئن بود که گرایش جنسی این افراد در رده‌بندی این مطالعه قرار می‌گیرد و جزو دگرباشان‌اند. با استفاده از این راهبرد، شرکت‌کنندگان دوستان دگرباش خود یا افراد دگرباش دیگر (بر اساس دانسته‌های خود) را برشمردند. بنابراین بخشی از جمع‌آوری داده‌های کمی به تخمین‌های فردی و صداقت افرادی بستگی داشت که خود عضو اجتماع دگرباشان بودند.

پژوهش کیفی

روش‌های کیفی همواره روش‌های مؤثری برای پرداختن به انواع مشابه سؤال‌های پژوهشی بوده‌اند. پژوهش کیفی «در این فرضیه ریشه دارد که افراد واقعیت اجتماعی را در قالب معانی و تفاسیر می‌سازند»¹. یک پژوهش کیفی پژوهشی تفسیری و مهم است که در آن، پژوهشگران از استانداردهای بالای کیفی و تکنیک‌های اعتبارسنجی استفاده کنند. برای مثال، پژوهشگران زمان زیادی را صرف جمع‌آوری داده‌های میدانی می‌کنند.² در مطالعه حاضر، این مفهوم بدین معنی است که تا آنجا مصاحبه‌ها انجام شوند که همه دسته‌بندی‌ها اشباع شوند و دیگر هیچ موضوع جدیدی مطرح نشود.

روش کیفی به‌کارگرفته‌شده در این مطالعه کاملاً مناسب بود، زیرا به پرسشگران اجازه می‌داد تا صداهاى مختلف و دیدگاه‌های پیچیده این گروه به‌حاشیه‌رانده‌شده را بشنوند و یادداشت کنند. بُعد کیفی این پژوهش در سه جنبه چهارچوب بحث‌های سیاسی مربوط به زندگی دگرباشان، بافت اجتماعی و هنجارهای جغرافیای شرکت‌کنندگان، و بافتار تحلیل مشاهده شد. این عوامل لایه‌ای پیچیده به مطالعه پژوهشی اضافه کردند، ولی با کمک یک پژوهش کیفی دقیق، شرحی درست و غنی از این پدیده پیچیده ارائه شده است.

مشخص است که می‌توان به روش‌های گوناگون پژوهشی را انجام داد، اما اثربخشی و فایده این مطالعه در رابطه با واقعیت‌های اجتماعی باید در نظر گرفته شود. از آنجا که پیاده‌سازی درست نتایج تحقیق امری حیاتی است، این امر طبیعتاً سبب شد تا ما از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد (GT) استفاده کنیم. همان‌طور که پیشتر گفته شد، این پژوهش شامل روش‌های ترکیبی است؛ بدین معنی که تفاسیر و نتایج اجتماعی اساساً از روش نظریه داده‌بنیاد استخراج می‌شود. بنابراین مصاحبه‌هایی که بُعد وسیعی از زندگی دگرباشان را شامل می‌شد، تحلیل و با کدگذاری روش نظریه داده‌بنیاد ثبت شدند.

1 Gall, M. D.; Gall, J. P.; Borg, W. R. (2007). *Educational research: an introduction* (8th ed.). Boston: Pearson/Allyn & Bacon, p. 767.

2. Creswell, J. W.; Plano Clark, V. L. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. Thousand Oaks: Sage Publications.

با وجود شرایط سخت و احساس ترس، آنچه آشکار شد، تصویری به شدت خوش‌بینانه و روشن از چیزی بود که در حال حاضر در زندگی دگرباشان ایرانی اتفاق می‌افتد و نشان از تاب‌آوری بالای بسیاری از دگرباشان داشت. در پرسشنامه، عمده‌اً تعدادی پرسش باز طراحی شده بود تا دگرباشان مصاحبه‌شونده به راحتی نظر دهند، مسائل را به تفصیل شرح دهند و آنها را با دیگران به اشتراک گذارند. آنچه بلافاصله مشاهده شد، این بود که بیشتر آنها مشتاق بودند تا نظرات، افکار، و دیدگاه‌های خود درباره مسائل مادی را به اشتراک گذارند. همچنین برای تیم تحقیق کاملاً مشخص بود که گفتمان تلخ دگرباشی باید از زبان اجتماع دگرباشان شنیده شود.

در پرسشنامه، مجموعه‌ای از سؤال‌های بومی‌سازی‌شده به عنوان هسته اصلی جهت مصاحبه در هر بخش از سؤالات انتخاب شدند و مسیر صحبت در میان لژیون‌ها، گی‌ها، و دوجنسگراها متفاوت بود.

در زمانی که مصاحبه‌ها رودررو انجام می‌شدند، پرسشگران یادداشت برمی‌داشتند و مشاهده‌های خود و نظرهای افراد دگرباش را ثبت می‌کردند. بعد از هر مصاحبه، یادداشت‌های تشریحی جمع‌آوری می‌شدند. این امر به ایجاد منبعی برای مثلث‌سازی داده‌ها و پیشینه‌ای برای رسیدن به تصویری کامل از دگرباشان منجر شد. با انجام این کار، پژوهشگر می‌توانست از دیگر ابعاد قوت افراد دگرباش مطمئن شود و اطلاعات را با استفاده از اشکال مختلف داده‌ها، منابع، و روش‌ها برای تأیید شواهد به دست‌آمده مثلث‌سازی کند.

نظریه داده بنیاد

در روش نظریه داده بنیاد، به محض اینکه داده‌ها جمع‌آوری شدند، فرایند تحلیل شروع می‌شود و تا زمانی که تحقیق تمام نشده باشد، ادامه می‌یابد. وقتی داده‌های کافی جمع‌آوری و پیاده‌سازی شد، می‌توان به مرحله بعد، یعنی مرحله ایجاد نظامی شاخص برای داده‌ها، رفت. روش نظریه داده بنیاد، آن‌گونه که استراوس و کوربن (1998) توصیف کرده‌اند: «نظریه‌ای است که از داده‌ای استخراج می‌شود که به شکل نظام‌مند از طریق فرایند پژوهش جمع‌آوری و تحلیل شده است.»¹

1. Strauss, A. L.; Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications, p. 12.

در این پژوهش، به دلایل متعددی نظریه داده‌بنیاد انتخاب شده است؛¹ اولاً این نظریه انعطاف زیادی دارد و به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا از طریق موضوع‌های شناسایی شده تجربیاتی به دست آورند. ثانیاً از آنجا که اطلاعات زیادی از حضور دگرباشان در ایران وجود ندارد، لازم است پژوهشگر در طی فرایندهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، که هم‌زمان اتفاق می‌افتد و هریک به دیگری منجر می‌شود، انعطاف‌پذیر و گشاده باشد.

تولید داده‌بنیاد رویکردی با کدگذاری باز، محوری، و انتخابی را به کار می‌گیرد. همه داده‌ها پیاده‌سازی می‌شود و پژوهشگر، درست بعد از پایان هر مصاحبه، آنها را کدگذاری می‌کند. این کار امکان یادداشت برداری، نمودارکشی و تغییر جهت پژوهش را با پیش‌رفت فرایند جمع‌آوری داده‌ها فراهم می‌کند. همه پیاده‌سازی‌ها را پژوهشگر انجام می‌دهد که از مطالب ضبط‌شده دیجیتال تا متون پیاده‌سازی‌شده را شامل می‌شود. در این نظریه، داده‌ها پیش از مرور کامل ادبیات جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند و بنابراین «نظریه داده‌بنیاد» بر اساس داده‌های دنیای واقعی به وجود می‌آید، نه مفاهیم فرضی و بر اساس پژوهش‌های پیشینی که ممکن است بر «بی‌طرفی» پژوهشگران تأثیر بگذارد.²

جمع‌آوری داده و کار میدانی

در اوایل سال 1395 شمسی، کار میدانی در دو نوع خاص آغاز شد؛ در نوع اول، با افراد دگرباش از طریق گروه‌های شبکه‌های اجتماعی برخط تماس گرفته شد و با توجه به اینکه در ایران، اجتماع دگرباشان ناشناخته و ظریف است، تیم پژوهش حتی در مکان‌یابی و تماس و برقراری گفت‌وگویی آگاهانه دچار مشکل می‌شد. در نوع دوم، حجم بالایی از داده‌ها درباره دگرباشان از طریق پیمایش‌ها جمع‌آوری شد.

این مطالعه پژوهشی، پیاده‌سازی و اهداف آن به فرد مصاحبه‌شونده پیشنهاد می‌شد به این امید که نهایتاً به جلسه رودررو یا گفت‌وگو ختم شود. در ابتدا، از آنجا که به دلیل تجارب بد گذشته، بدبینی و بی‌اعتمادی زیادی وجود داشت، جلب اعتماد افراد دگرباش و نشان دادن درستی اعتماد به این تحقیق کاری سخت و دشوار بود و

1. Punch, M. (1998). *Politics and ethics in qualitative research*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The landscape of qualitative research: Theories and issues*. Thousand Oaks: Sage Publications, pp. 156–184.

2. Gall, M. D.; Gall, J. P.; Borg, W. R. (2007). *Educational research: an introduction* (8th ed.). Boston: Pearson/Allyn & Bacon.

دقیقاً اینجا جایی بود که روش دوم مفید واقع شد؛ یعنی هر فرد دگرباش دوست خود را معرفی می‌کرد یا جلسه را با گروهی دیگر از دوستانش ترتیب می‌داد که در تمام این مصاحبه‌ها، هدف مصاحبه‌کننده حفظ این زنجیره و دنبال کردن روش نمونه‌گیری گلوله برفی به همراه روش‌های دیگری مانند شبکه‌سازی بود.

ملاحظات و محدودیت‌های اخلاقی

محدودیت‌ها

شناخت محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای در این مطالعه پژوهشی مهم بود و این ویژگی‌ها باید در هنگام بررسی داده‌های مربوط به دگرباشان در نظر گرفته می‌شد.

در حال انجام این تحقیق حساس، فکر اولیه ما معطوف به این نکته بود که چگونه یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌ها، مداخلات و برنامه‌های جدیدی برای دگرباشان منجر شوند و امید داریم پژوهش‌های آینده با جمعیت بزرگ‌تر و احتمالاً در سطح ملی و فراگیر انجام شوند.

هرچند در مجموع، افراد دگرباش جمعیتی منزوی‌اند، این موضوع در ایران پررنگ‌تر نیز هست. دگرباشان بسیاری از هویت جنسی خود در مقابل نگاه منفی دینی و قانونی و پس‌زدگی اجتماعی دفاع می‌کنند. موانع روانی و اجتماعی موجود بر سر راه دگرباشان بی‌شمار است. با توجه به زندگی شکنجه‌آور و پنهانی و ترس ابراز هویت جنسی در میان دگرباشان، این تحقیق نمی‌تواند صددرصد ادعا کند که این نمونه جمعیت عمومی دگرباشان را نمایندگی می‌کند.

از جهت روایی و دقت تحقیق، تیم پژوهش از هیچ تلاشی برای تضمین صحت اطلاعاتی (محتوا) — که در متون در دسترس ما یافت شدند — فروگذار نبود. به سبب رعایت جوانب اخلاق در پژوهش، حساسیت شدید موضوع، بُعد قانونی جمعیت هدف و همچنین نگاه اجتماعی به اقلیت‌های جنسی جوامع، که پذیرای این گروه‌ها نیست، ادعای کامل بودن و صحت بافتار جزو اهداف این مطالعه نیست. روش نظریه داده‌بنیاد با دقت بسیار برای تضمین درک بیشینه افراد دگرباش در دسته‌های مختلف و در جامعه‌ای که آنها را نمی‌پذیرد، به کار گرفته شد. صحت محتوا باید به طور مستقل با منبع اصلی اطلاعات راستی‌آزمایی شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در راهبرد نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها بسیار اهمیت دارد. مور و میلر (1999) بیان داشته‌اند که اعضای جمعیت‌های آسیب‌پذیر اغلب ریسک‌های مختلفی را تجربه می‌کنند که ممکن است استقلال آنها را زیر سؤال ببرد و در نتیجه، آنها را دو برابر (یا شاید سه برابر و بیشتر) آسیب‌پذیر سازد¹. بنابراین پژوهشگران ممکن است از کار با کسانی که آسیب‌پذیر دانسته می‌شوند یا در این دسته قرار می‌گیرند، اجتناب کنند² و در نتیجه، نیازها و دغدغه‌های پژوهش، در حوزه عمل و سیاست مورد توجه قرار نمی‌گیرند. با وجود محدودیت‌ها و خط و مرزهای اخلاقی بسیاری که تحقیق در مورد موضوع‌های حساس دربردارد، روشن است که برخی سؤال‌های تحقیق را تنها می‌توان از طریق کار با افراد آسیب‌پذیر پاسخ داد. در راستای اهداف تحقیق، این مطالعه تکنیک‌های چندی را برای اطمینان از ایمنی درپیش گرفت.

در عین حال، روش‌های اخلاقی استفاده شدند تا تضمین شود که جوانان با شرکت در این مطالعه دچار آسیب نمی‌شوند.

از آنجا که انسان‌ها موضوع این تحقیق بودند، کسب مجوز از هیئت بررسی نهادی Institutional Review Board لازم بود. به این نکته نیز بسیار توجه شد که افراد جوان کاملاً از ماهیت تحقیق آگاه باشند و آن را درک کنند. اصل محرمانگی با گمنام ساختن داده‌ها و استفاده از اسامی مستعار برای شرکت‌کنندگان، سازمان‌ها و محل آنها حفظ شد. نه تنها مصاحبه انجام شد، بلکه شواهد میدانی نیز جمع‌آوری شد. با شرکت‌کنندگان در محل موردعلاقه خودشان مصاحبه شد. با اطلاع‌رسانی به شرکت‌کنندگان، آنها تأیید کردند که از حقوق خود به عنوان داوطلب شرکت‌کننده در این تحقیق مطلع‌اند و بنابراین به پژوهشگر اجازه می‌دهند تا از داده‌های جمع‌آوری شده استفاده کند.

1. Moore LW.; Miller M. (1999). Initiating research with doubly vulnerable populations. *Journal of Advanced Nursing*, 30 (5), pp. 1034-1040.

2 Moore LW.; Miller M. (1999). Initiating research with doubly vulnerable populations. *Journal of Advanced Nursing*, 30 (5), pp. 1034-1040.

با توجه به اینکه برخی از مصاحبه‌ها در فضای باز و عمومی به شکل گفت‌وگویی معمولی انجام می‌شد تا به شکل مصاحبه‌ای رسمی، شرکت‌کنندگان تمایل داشتند در مصاحبه‌های عمیق و طولانی شرکت کنند. بیشتر مصاحبه‌ها به شکل صوتی — با استفاده از یک دستگاه ضبط دیجیتال و یا تلفن همراه — ضبط شدند و سپس جهت تحلیل، پیاده‌سازی شدند و تمامی فایل‌های صوتی بعد از پیاده‌سازی از بین برده شدند و همه اسامی و اطلاعات شناسایی شده تغییر یافتند، یا پاک شدند تا هویت شرکت‌کنندگان محرمانه بماند.

در جاهایی که هنجارهای سنتی جامعه حاکم بود و نقشی مهم در نحوه اجتماعی شدن افراد داشت و بر نظر آنها در مورد آموزش جنسی تأثیر می‌گذاشت، کار با افراد دگرباش سخت‌تر هم می‌شد. برای مثال، در شهر اصفهان، حتی وقتی افراد از سوی دوستی مشترک معرفی شده بودند، همچنان به برخی پرسش‌ها پاسخ نمی‌دادند. با در نظر گرفتن حساسیت و آسیب‌پذیری شرکت‌کنندگان، مسائل شخصی و روزانه آنها ممکن بود باعث قضاوت اخلاقی شود. برای اجتناب از آسیب زدن به شرکت‌کنندگان، گاهی مؤلف باید عطش و کنجکاوی مردم‌شناختی خود را فدا می‌کرد و از پیگیری موضوعات جالب مردم‌شناختی، که ممکن بود تحقیق را به درازا کشد یا از مسیر تعیین شده خارج کند، صرف نظر می‌نمود و در عوض، جدول کاری و راهبردها و تاکتیک‌های مورد نیاز و هم‌سوئی تیم حرفه‌ای آموزش دیده را حفظ می‌کرد.

چالش‌های روش‌شناختی در انجام پژوهش درباره دگرباشان

چالش‌های روش‌شناختی همراه با پژوهش درباره دگرباشان در کشوری همچون ایران بسیار است. این چالش‌ها شامل تعریف، اندازه‌گیری و نمونه‌گیری دقیق شرکت‌کنندگان، و ملاحظات اخلاقی‌اند که بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. این بخش به این چالش‌ها با جزئیات بیشتر می‌پردازد و اینکه نخست این پژوهش افراد دگرباش را تعریف، دسته‌بندی، یا طبقه‌بندی می‌کند، دوم به مشکلات ذاتی‌ای می‌پردازد که با نمونه‌گیری این جمعیت همراه است، و سوم ملاحظات اخلاقی‌ای را در نظر می‌گیرد که در کار با دگرباشان مطرح می‌شود.

انجام پژوهش درباره افراد دگرباش چالش‌های بسیاری را دربردارد، چراکه به زیرمجموعه‌ای از افراد می‌پردازد که در مورد آنها تعریف استاندارد رایجی وجود ندارد و درواقع، قابل‌شناسایی نیستند. نمونه‌گیری از

جمعیت دگرباشان در ایران دشوار است، زیرا این افراد گروهی اجتماعی‌اند که معمولاً دسترسی به آنها سخت است. این چالش‌ها سخت‌تر نیز می‌شوند، چراکه بسیاری از افراد در اجتماع دگرباشان به مطالعات پژوهشی اعتماد ندارند.

مانع اصلی در تحقیق فعلی میزان کم شواهد موجودی بوده است که بتوانند تخمین درستی از تعداد دگرباشان در ایران را به دست دهند. در حالی که تحقیقاتی در ابعاد کوچک وجود دارد که تجارب دگرباشان را در زندگی عمومی بررسی می‌کنند، شواهد بسیار اندکی موجود است که با جزئیات اندازه واقعی، جمعیت موردنظر را نشان می‌دهند. دلایل نبود این شواهد متفاوت و قابل بحث است. برای مثال، بتز (2008) اظهار کرد که وقتی از افراد خواسته می‌شود تا گرایش جنسی [یا جنسیت] خود را تعریف کنند، عموماً نمی‌توان ظرافت‌هایی را دید که ممکن است با تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف اقلیت‌های جنسی همراه باشد. بنابراین در مورد اینکه دقیقاً چه چیزی یا چه کسی سنجیده می‌شود، سردرگمی وجود دارد.¹ چالش‌های بیشتری نیز با سؤال‌هایی پیش می‌آید که به نوبه خود به طیفی از برچسب‌های ممکن منجر می‌شود.

چالش دیگری که پژوهشگر با آن روبه‌رو بود، زمان و تلاش بیشتری بود که برای حفظ استاندارد روش‌های مصاحبه عمیق لازم بود. با وجود تلاش و توجه قابل ملاحظه‌ای که در مورد مدیریت زمان و ضبط مؤثر داده‌ها در هنگام آموزش تیم مصاحبه‌شونده صورت گرفت، مصاحبه‌ها اغلب بسیار طولانی و هماهنگی آنها بسیار سخت بود.

امید است یافته‌های این پژوهش سبب ایجاد تغییرهایی در جامعه، سیاست‌های دولت، رهبران سنتی و دیگر افراد و نهادهای درگیر و مرتبط شود. در این پژوهش، نقش دگرباشانی که جسارت داشتند و داستان‌ها و تجارب خود را به اشتراک گذاشتند، بسیار ارزشمند بوده است.

1. Betts, P. (2008). Developing survey questions on sexual identity: UK experiences of administering questions on sexual identity/orientation. ONS (Office for National Statistics), p. 4.

توضیحی دربارهٔ روایت پژوهش

مفهوم جنسیت معمولاً برساختهٔ اجتماعی است که نقش‌ها و هویت‌های مختلف را به زنان و مردان بار می‌کند. در بیشتر موارد، تفاوت‌های جنسیتی خنثی نیستند. درواقع، در بخش اعظم جوامع، جنسیت نشان‌دهندهٔ شکل مشخصی از لایه‌بندی اجتماعی و جنسی است. یکی از شکل‌های حیاتی و حساسِ هویت جنسیت است که معمولاً انواعی از فرصت‌ها و شانس‌های زندگی را برای افراد و گروه‌ها تعیین می‌کند. تأثیر عظیم جنسیت بر نقش‌های اجتماعی تعیین‌شده، از خانواده تا سیاست‌های دولت، را نباید نادیده گرفت.

هر گفت‌وگویی دربارهٔ اقلیت‌های جنسی در ایران، رنج اجتماعی جمعی و تجارب روزانهٔ آنها، دیدگاهی جامع‌نه‌تنها دربارهٔ بافتار اجتماعی و ناکامی‌های اجتماعی تجربه‌شده از سوی این اجتماع ساکت و اغلب ترس‌خورده به‌دست می‌دهد، بلکه به شبکهٔ درهم‌تنیدهٔ زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی پدرسالار ایران نیز می‌پردازد که به‌شدت بر مذهب، قوانین، و نهادهای آموزشی تأثیر می‌گذارد. مسئلهٔ گرایش جنسی به هزارتویی پیچیده از دشواری‌ها و ناشناخته‌ها تبدیل شده است که به قطع یقین، زندگی اجتماعی بسیاری از اقلیت‌های جنسی را در این کشور تحت‌الشعاع قرار داده است. هرچند بیشتر جامعهٔ بین‌الملل طیفی از گرایش‌های جنسی را به رسمیت می‌شناسد که از تعریف‌های بیولوژیک فراتر رفته‌اند، در جامعهٔ ایران، گرایش‌های جنسی متفاوت نوعی ناهنجاری تلقی می‌شوند. همان‌گونه که به‌درستی گفته شده است: «هیچ گفت‌وگو، هیچ حرفی دربارهٔ ما یا زندگی‌های ما گفته نمی‌شود.»¹ این مسئله به دلیل نپذیرفتن اقلیت‌های جنسی در ایران است که در هنجارهای قرن‌ها پذیرش، سنت‌های مقاوم و از همه مهم‌تر در نقش پررنگ و محوری مذهب ریشه دارد و همین امر سبب شده است تا هر اقدامی برای روشن ساختن این موضوع دشوارتر نیز شود.

قصائدی قدیمی دربارهٔ عشق به همجنس وجود دارد که حتی بعد از اسلام نیز سرودن آنها ادامه یافت و پس از دورهٔ استعمار به فراموشی سپرده شدند. زنان و مردان به روش‌های خاصی می‌توانند به یکدیگر ابراز محبت کنند که به آنها اجازه می‌دهد تا زندگی‌هایشان — که به رسمیت شناخته نمی‌شوند و از آنها حرفی زده نمی‌شود —

1. Growing up gay in Iran, from [www, the guardian.com](http://www.the-guardian.com).

در خفا ادامه یابد. آنها ساکت، اما همیشه حاضرند. داستان‌های واقعی اجتماع دگرباشان بیش از یک روایت رایج غربی‌اند، اینها داستان واقعی یک روایت غنی و پویا هستند که خلاقیت، شعر، تاب‌آوری، عشق، و خانواده را در خود دارند. در پشت این روایت‌های ساده، عشق به همجنس در قصه‌های متعدد زندگی روزانه این افراد در ایران تنیده شده است. مشخص شده است که با وجود سرکوب حاکمیت و سازش‌های متعددی که مجبور به آن‌اند تا این‌گونه از خود مراقبت کنند، افراد دگرباش بسیاری در ایران موفق می‌شوند به زندگی خود را ادامه دهند و حسی از همبستگی را در میان خود تقویت کنند.¹ «قوی‌ترین ابعاد این داستان‌ها درباره اجتماع دگرباشان در ایران از جزئیات یا بافتارها بر نمی‌آیند. در عوض، آنها از صدای جمعی راویانی بر می‌آیند که توسط پژوهشگرانی شنیده می‌شوند که کاری می‌کنند که داستان‌های غم‌انگیز آنها همه مسائلی را نشان دهند که بسیاری از دگرباشان با آنها مواجه‌اند. این روایت‌ها جذاب‌اند و بی‌گمان، برای شنیده شدن و خوانده شدن ارزشمندند.» دگرباشان در ایران پارامترهای سفت و سخت جنسیت و خانواده را به چالش می‌کشند و در این مسیر، اساساً بافت این جامعه اغلب مذهبی و سنتی را دگرگون می‌کنند.

این پژوهش در پی آن است که به تجربیات زیسته سه گروه جنسی بپردازد. مصاحبه‌ها با گروه‌های دگرباش در سه شهر بزرگ و شناخته‌شده ایران با استفاده از پرسشنامه‌ای انجام شد که به طور خاص به همین منظور تهیه شده بود. در این مطالعه، ترجیحات و علایق و ابعاد مختلف دیگر همجنسگرایی با دقت در نظر گرفته شد. با تکیه بر قوم‌نگاری، داستان‌ها و مصاحبه‌های دست‌اول این مطالعه پژوهشی و بخش بعدی آن فرایندها و یافته‌ها را تشریح می‌کنند. رویکردها در ایران در مورد همجنسگرایی تأثیری قطعی بر میزان نقاب‌زدگی افراد برای پنهان کردن گرایش جنسی‌شان داشته است. این روایت‌ها احساسات و ترس‌های پنهان افرادی را که در ایران زندگی می‌کنند، افشا می‌کنند. در نتیجه، فرد حس ملموسی پیدا می‌کند که زندگی برای کسی که گرایش جنسی او به شدت محکوم است، چه شکلی به خود می‌گیرد. داستان‌هایی در این اثر بازگو می‌شوند که هرگز شنیده یا نوشته نشده‌اند. این داستان‌ها در ایران اتفاق می‌افتد، جایی که همجنسگرایی غیرقانونی است.

1. Iran's persecution of gay community revealed | World news..., from www.theguardian.com/World/Iran.

تحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیشتر گفته شد، روش‌های به‌کارگرفته‌شده برای تحلیل روش‌هایی ترکیبی‌اند که معمولاً در پژوهش‌هایی با ماهیت جامع و حساس استفاده می‌شوند.¹ روش‌ها شامل روش‌های کیفی، کمی، نظریه داده‌بنیاد، و نمونه‌گیری گلوله برفی است. باید توجه شود در حالی که این روش‌ها در اینجا به‌ترتیبی خاص آورده شده‌اند، فرایندها، درواقع، اگر هم تسلسلی داشته‌اند، به‌ندرت بوده است.

استفاده ترکیبی از یک روش همواره تطبیقی از تحلیل داده، نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده به شکل مستمر بوده است که هریک به دیگری وابسته است. البته این کار مستلزم تحلیل در هر مرحله از فرایند پژوهش بود. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از شرکت‌کنندگان — که در سراسر فرایند مصاحبه انجام شد — بلافاصله تحلیل داده‌ها شروع شد. استراوس و کوربن (1998) پنج هدف برای روندهای کدگذاری مشخص کرده‌اند: 1. ایجاد نظریه تا آزمودن آن، 2. ارائه ابزارهای تحلیلی به پژوهشگران برای مدیریت حجمی از داده‌های خام، 3. کمک به تحلیلگران برای درنظر گرفتن معانی دیگر یک پدیده، 4. نظام‌مند بودن و هم‌زمان خلاق بودن کدگذاری‌ها، 5. شناسایی، تولید و وصل کردن مفاهیمی که بخش‌های سازنده یک نظریه هستند. در حالی که اساساً جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تفسیری است، این فرایند شامل گام‌های مشخصی می‌شود. اولین گام کدگذاری باز است که در طی آن طبقه‌بندی اطلاعات از مصاحبه‌های اولیه انجام می‌شود و دارای زیرگروه‌ها، ویژگی‌ها و ابعادی نیز هست (دامنه و تفاوت‌ها در هر طبقه). در کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مشخصی تقسیم می‌شوند، به دقت بررسی و برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقایسه می‌شوند.² هرگاه ویژگی‌ها کلی یا صفت مشخص یک دسته باشند، ابعاد نشان‌دهنده

1 Jones, Susan R, Vasti Torres, and Jan Arminio. (2013). *Negotiating the Complexities of Qualitative Research in Higher Education: Fundamental Elements and Issues*. Routledge; Whitaker, Brian. (2011). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Saqi.

2. Strauss & Corbin (2001) *The world we see: A study on LGBTQ in Asia*, Tauris publishing, USA, LA, p.

محلّ آن ویژگی در یک طیف یا دامنه قرار می‌گیرد¹. در این مطالعه، این ویژگی‌ها و ابعاد آنها را می‌توان در خارج از جمع‌آوری داده‌ها تعریف کرد.

قدم دوم در تحلیل کدگذاری محوری است، یعنی فرایندی از اتصال مجدد زیرگروه‌ها به یکدیگر به شکلی جدید و از نظر مفهومی، متفاوت برای کشف رابطه‌های بین ویژگی‌ها و ابعاد. هنگامی که کدگذاری به شکل محوری انجام می‌شود، پژوهشگر به دنبال «پاسخ به سؤال‌هایی همچون چرا یا چگونه، کجا، چگونه یا با چه نتیجه‌ای است»². در این مرحله، شرایط بررسی و بیان روابط (فرضیه‌های مختلف) آماده ارائه می‌شوند.

کدگذاری انتخابی گام بعدی است³ که «فرایند ادغام و تصفیۀ نظریه» یا ایجاد یک دسته هسته‌ای یا مرکزی که به همه دسته‌های دیگر مرتبط است را شامل می‌شود. این خط اصلی داستان است که نهایتاً به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد. برای اینکه یک دسته دسته اصلی دانسته شود، باید قدرت تحلیلی داشته باشد که از «توانایی آن برای جمع کردن دسته‌بندی‌های دیگر در کنار هم برای ایجاد یک کلیت روشن برمی‌آید. در عین حال، یک دسته اصلی باید بتواند توضیحی برای تفاوت‌های قابل ملاحظه درون دسته‌ها باشد»⁴. در پژوهش حاضر، ایجاد این دسته اصلی سبب شد تا «خط روایتی» به وجود آید که به روشنی پدیده در حال شکل‌گیری را توضیح می‌داد که در این مورد، همان تجربه افراد دگرباش و ایجاد حس کارایی و سازگاری در آنها در بافتار ایران بود.

1. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications , p. 116.

2. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 116.

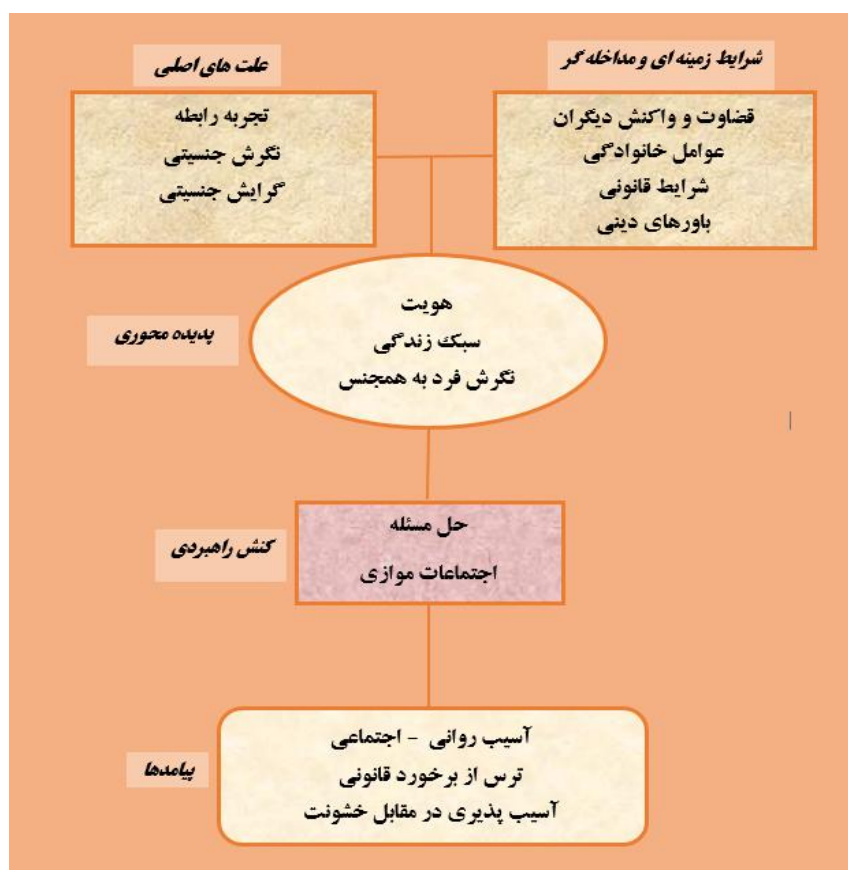
3. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 143.

4. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 146.

یافته‌های مطالعه

یافته‌های مطالعه جمع‌آوری، بررسی و با کمک نظریه GT مثلث‌سازی شدند تا وضعیت واقعی برای بیشتر خوانندگان از طریق نمودار و نقل قول‌های مستقیم مشخص شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده تحلیلی کامل از چیزی هستند که مطالعه از طریق فرایند پژوهشی جامع در سه شهر بزرگ و مهم ایران به دست آورده است. چنانکه پیش از این نیز گفته شد، در این مطالعه، از هر دو روش کمی و کیفی برای به دست آوردن داده‌های واقعی و هماهنگی یافته‌ها استفاده شد تا به حقایقی ملموس درباره زندگی دگرباشان دست پیدا کنیم. این مطالعه که در دو بخش می‌آید، یافته‌های رمزگشایی شده پیچیده‌ای را توضیح می‌دهد که با کمک روش GT به دست آمده‌اند، در حالی که از روش کمی، یافته‌هایی عددی به دست آمده است.

مدل مفهومی تجربه زیسته اقلیت‌های جنسی در شهرهای بزرگ ایران (1395-96)



1. نتایج کیفی مطالعه پژوهشی

1-1. افشای هویت و پذیرش گرایش جنسی

بعد از کشف گرایش جنسی، آنچه مهم می‌شود، واکنش فرد و نحوه ادغام و پذیرش این واقعیت است. بر اساس مدل فاسینجر از تشکیل هویت ل‌بین/گی، همجنسگرایان هویت خود را بر اساس دو سطح فردی و گروهی در چهار مرحله تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: 1. آگاهی، 2. اکتشاف، 3. خودآگاهی جنسی، 4. درونی‌سازی یا سنتز¹. این چهار مرحله یک فرایند خطی قابل‌پیش‌بینی نیستند، بلکه مجموعه‌ای از چهار مرحله رایج‌اند که می‌توانند با هر ترتیبی پیش بیایند. با این حال، تقریباً همه همجنسگرایان این چهار مرحله را با برخی تفاوت‌های فردی از سر می‌گذرانند. با در پی گرفتن مدل فاسینجر از شکل‌گیری هویت ل‌بین/گی و تطبیق آن با داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از همجنسگرایان و تراجنسیتی‌هایی که در مشهد زندگی

راث فاسینجر (1998)، که کارش احتمالاً نسبت به کاس یا ساوین – ویلیامز در میان کارشناسان و دانشجویان کمتر شناخته شده است، مدلی جامع از تشکیل هویت گی/ل‌بین ابداع کرد. این مدل مرحله به مرحله و چندبُعدی است و جنبه‌های دوگانه رشد را در هر دو سطح هویت فردی و هویت جمعی منعکس می‌کند. اولین مرحله از چهار مرحله فاسینجر آگاهی (از دیدگاه فردی، تفاوت با همسالان دگرجنسگرا و از دیدگاهی گروهی، وجود گرایش‌های جنسی متفاوت در میان افراد) است.

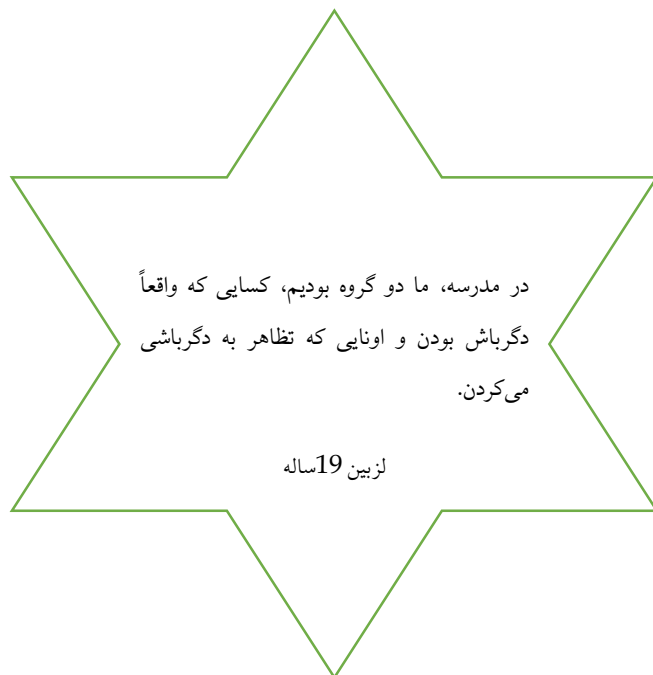
مرحله دوم اکتشاف است که در سطح فردی، عواطف و امیال جنسی درباره افرادی همجنس و در سطح گروهی، اینکه چطور کسی در دسته‌گی‌ها به مثابه طبقه‌ای اجتماعی جای می‌گیرد را شامل می‌شود.

مرحله سوم نشان‌دهنده تعهدی عمیق به این مفهوم در حال تغییر هویت است که در سطح فردی، تبلور دانش و باورها درباره هویت همجنسگرایانه و در سطح گروهی، مشارکت شخصی در گروه‌های مرجع غیردگرجنسگرا با درک ستم و عواقب سخن گفتن و مشارکت در گروه‌های غیردگرجنسگرا را شامل می‌شود.

مرحله نهایی درونی‌سازی / سنتز و ادغام هویت همجنسگرایانه با هویت کلی خود است که از زاویه جمعی، هویت فرد را به عنوان هویت عضوی از گروه اقلیت در همه بافتار اجتماعی می‌شناسد.

می‌کردند، با اینکه به مرحله آگاهی و پذیرش هویت جنسی خود رسیده بودند، رسیدن به این مرحله حیاتی را به طرز دردآوری سخت یافته بودند.

1. Fassinger, Ruth E. (1998). Lesbian, Gay, and Bisexual Identity and Student Development Theory. *Working with lesbian, gay, bisexual, and transgender college students: A handbook for faculty and administrators* University press., p. 13.



از زمانی که فرد دگرباش به هویت جنسی خود پی می‌برد تا وقتی که به مرحله پذیرش می‌رسد، ممکن است فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان نمی‌توانستند دقیقاً بگویند که چه زمانی به گرایش جنسی خود پی بردند. این امر ممکن است به سبب احساس آزاردهنده مستمر تفاوت

با دیگران باشد، چراکه آنها قطعاً از زمان کودکی به افراد همجنس خود تمایل داشته‌اند. برای بسیاری از افراد کشف این کشش و تمایل با ورود به نوجوانی و تغییرات هورمونی و فیزیولوژیکی و بلوغ جنسی همراه بود. بسیاری از افراد با این کشف که به همجنس خود کشش دارند، در سکوت کنار آمدند و از طریق انکار و تقلا سعی در تغییر گرایش جنسی خود داشتند. بسیاری نیز می‌دانستند که نشانه‌های یک بزرگسال دگرجنسگرا و علاقه به جنس مخالف در آنها وجود ندارد.

در عوض، این مسیر دشوار پذیرش هویت لزبین / گی به رشد آگاهی فردی آنها کمک کرد، از جمله اینکه توانایی آنها برای درک دیدگاه‌های مختلف، اهمیت خوشبختی دیگران، و تمایل به گفت‌وگو درباره موضوع‌های سخت را افزایش داد. در میان دگرباشان مشهودی بیشتر مشاهده شد که گرایش جنسی آنها سختی گفت‌وگوی آزادانه درباره موضوع‌های تابو مانند جنسیت را برایشان آسان کرده بود. همچنین این خودآگاهی حسی از تاب‌آوری و قاطعیت را در آنها درباره آنچه خطا است و آنچه خطا نیست، ایجاد کرده بود. سفر فردی به درون خود نیز سبب شده بود تا از دیگران بخواهند که با آنها منصفانه رفتار کنند.

نسل خوشبین دگرباشانی که با تکنولوژی رشد کرده است، اکنون نسلی است که جهان را معمولاً و بیشتر از دریچه لنزهای دیجیتال می‌بیند. حال، این موضوع، چه گشایش در پی وجود گرایش جنسی جمعی آنها تفسیر شود و چه سبب پیدایش نسل جدیدی از روشنفکران جنسی در میان دگرباشان دوستدار تکنولوژی شود، محلّ

گفت‌وگو است. آنچه مبرهن است این است که نفوذ فضای مجازی و گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی لاجرم تأثیری دائمی بر گروه دگرباشان دارد. رسانه‌ها، از جمله کانال‌های تلویزیونی و اینترنت، و این واقعیت که مردم در استفاده از آخرین فناوری‌های ارتباطی به‌روز هستند و در سطح مناسبی زبان انگلیسی را می‌دانند، همگی نقش مهمی در پرده برداشتن از هویت جنسی افراد بازی می‌کنند.

در مقاله‌ای با عنوان «تغییراتی در رویکردهای جنسی»، افسانه نجم‌آبادی به مدرن شدن ایران اشاره می‌کند. او عمل‌های تغییر جنس و دسترسی به فناوری را از ویژگی‌های گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر می‌داند. تقریباً همه شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر از رسانه‌های اجتماعی و برخی برنامه‌ها و نرم‌افزارهای خاص به منظور برقراری ارتباط استفاده می‌کردند. با کمک بعضی از این اپلیکیشن‌ها فرد می‌توانست محلّ جغرافیایی فرد دگرباش دیگر را فعال‌سازی کند یا همجنسگرایان دیگر را روی نقشه در نزدیکی خود



با استفاده از تلفن همراه خود پیدا کند. لازم به ذکر است که چنین برنامه‌هایی در ایران فیلتر می‌شوند، اما با استفاده از فیلترشکن قابل دسترسی‌اند.

همان‌طور که پیشتر گفته شد (به فصل چهار نگاه کنید)، از آنجا که گروه‌های تلگرامی گاه رصد و مسدود می‌شوند، این افراد مرتب گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهند. با این حال، حتی اینترنت نیز امن نیست. هرچند اپلیکیشن‌های قدیمی‌ای همچون Grindr، Scruff، و Hornet مانند فیس‌بوک و توئیتر فیلتر نیستند، برخی از اجتماعات دگرباشان همچنان بر این تصورند که پلیس فضای مجازی (فتا) آنها را رصد می‌کند. معمولاً بهترین راه‌حل برخورد‌های اتفاقی و ناشناس است. مبرهن است که در میان افراد دگرباش در ایران، به شکلی تعجب‌آور

حسی از غرور و برتری و تاب‌آوری دیده می‌شود و بسیاری از این افراد مسیر سختی را برای پذیرش خود به عنوان فردی گی یا لزبین در یک اجتماع همجنسگراهراس طی کرده‌اند. تیم پژوهش شاهد قدرت و تاب‌آوری آنها حتی در میانهٔ تحریم‌های فرهنگی و اجتماعی بود که به طور خاص آنها را آسیب‌پذیر کرده بود. این مطمئناً شهادی بر توان آنها با وجود جرم‌انگاری اجتماع از آنها است.

تحلیل عمیق مصاحبه‌ها به طرز عجیبی تعدادی از مصاحبه‌شوندگان را نشان داد که در ابتدا از وجود نامی برای گرایش جنسی‌شان نیز بی‌خبر بودند. این واقعیت که پیش از این جامعه گرایش جنسی را به زن و مرد محدود می‌کرد، جایی برای بُعد دیگری باقی نمی‌گذاشت و همین‌شاید علت این ناآگاهی بوده است. طیف‌های گرایش جنسی با معیارهای جامعه‌شناختی و علمی — که بر انواع همجنسگرایی حاکم‌اند — در تطابق نیستند و به‌شدت لازم است توجه بیشتری به ماهیت اقلیت‌های جنسی و مسائل آنها شود.

پذیرش گرایش جنسی خود به شکلی معجزه‌گر در نوجوانی به‌پایان نمی‌رسد. فرایند کشف خود و پذیرش جنسیت در طی زمان رخ می‌دهد و افراد با تمایلات جنسی خود در دامنهٔ محدود موجود آشنا می‌شوند. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، احساس متفاوت بودن از همسالان با دلالت‌هایی مانند بی‌علاقگی یا ناتوانی در ایجاد ارتباط با جنس مخالف، نبود علاقهٔ جنسی موردانتظار، رضایت از رابطه با افراد همجنس در مدرسه، داشتن علایق متفاوت از همسالان، و علاقه به رفتارهای جنسی‌ای که با کلیشه‌های جنسی جامعه تعریف نمی‌شوند، خود را نشان می‌دهد.

در مرحلهٔ آخر مدل فاسینجر، ادغام و شناسایی عضوی از یک گروه اقلیت خاص اتفاق می‌افتد. دگرباشان ایرانی نیز سعی دارند تا از جانب جامعه به رسمیت شناخته و پذیرفته شوند و این کار را با به‌دست آوردن جرئت ابراز هویت در نظامی انجام می‌دهند که همجنسگرایی را غدغن کرده است. ترس آنها واقعیتی اجتماعی و بخشی از زندگی آنها است (برای جزئیات بیشتر به فصل دوم نگاه کنید). یک مطالعهٔ پژوهشی داخلی نشان داد که یک گروه از دگرباشان ویدئوهایی از خود را در فیس‌بوک در کمپینی به‌اشتراک گذاشتند تا تبعیض علیه اقلیت‌های

جنسی در ایران را نشان دهند، جایی که بر اساس قوانین جزایی آن، همجنسگرایی جرم است و همجنسگرایان به مرگ محکوم می‌شوند.¹

2-1. ریشه‌های گرایش جنسی

به منظور درک رابطه همجنسان، باید ریشه‌های چنین گرایشی مورد بررسی قرار گیرد. بحث علمی در مورد ریشه‌شناسی همجنسگرایی و بررسی تمایلات جنسی موضوعی پیچیده و خارج از چهارچوب طرح پژوهشی حاضر است. چنانکه پیشتر گفته شد، می‌توان در این زمینه، دامنه وسیعی از نظریه‌ها و چند مکتب فکری را یافت (به فصل دوم نگاه کنید). بسیاری از این نظریه‌ها به درستی درک و پذیرفته نشده‌اند.

دو نظریه اصلی درباره علل گرایش به همجنس وجود دارد؛ یکی اینکه گرایش به همجنس اساساً تحت تأثیر عوامل ژنتیکی و بیولوژیک است و همجنسگرایی را گرایشی مادرزادی می‌داند. به معنی ساده بر این اساس، افراد «گی یا لزبین» به دنیا می‌آیند. نظریه دیگر می‌گوید که تمایلات همجنسگرایانه اساساً در نتیجه تأثیرات روانی و محیطی و تجربیات اولیه به وجود می‌آیند. در نهایت، احتمالاً چند عامل وجود دارد که در کنار هم می‌آیند و سبب همجنسگرایی می‌شوند.

آنچه توجه مصاحبه‌کنندگان را جلب کرد، این بود که آیا شرکت‌کنندگان بر این باورند که رویدادها یا عوامل خاصی سبب گرایش جنسی آنها شده است و چه رویکرد

مادرم تعریف می‌کنه که از بچگی می‌خواستم
پسر باشم. حتی برای من هم عجیبه. به اونا
می‌گفتم من رو فرشاد صدا کنید. پیرهن
نمی‌پوشیدم. معمولاً دخترها تصویری از روز
عروسی و این جور چیزا دارن، اون موقع فکر
می‌کردم با یه دختر عروسی می‌کنم. دوستای
دخترم رو دوست داشتم. عاشق دختر همسایه
شدم. بعدها عاشق دخترعموم شدم. چون
هنجارهای اجتماعی به تو می‌گند که
دگرجنسگرایی عادی، فکر می‌کردم پس همینه.
فکر می‌کردم کار درست ازدواج با یه مرده.

دوجنسگرای 28 ساله از تهران

1. We are everywhere: gay and lesbian Iranians come out on Facebook, from <https://www.theguardian.com/world/2011/sep/11/gay-iranians-facebook-defiance>. Accessed December 12, 2017.

یا تاریخچه‌ای از این هویت بر تصویرسازی آنان از خود اثر می‌گذارد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که برخی اقلیت‌های جنسی گرایش جنسی خود را فقط احساسی می‌دانند که با آن به دنیا آمده‌اند. اگر این طور باشد، این توضیحات بر این نظریه صحنه می‌گذارد که عوامل ژنتیکی و بیولوژیک در کارند. بسیاری همجنسگرایی خود را پدیده‌ای طبیعی در پارامترهای گرایش‌های جنسی می‌دانستند، چراکه این موضوع به راحتی در مفاهیم بیولوژیک انسانی و رفتارهای تکاملی جای می‌گیرد. در این راستا، آنها به تاریخ طولانی همجنسگرایی در شعر و فولکلور ایرانی اشاره داشتند و ادعا می‌کردند که این مسئله همواره وجود داشته است و در برخی مثال‌ها، به نقاشی‌های روم باستان نظر داشتند و بسیاری دیگر به شعرا و شخصیت‌های ادبی کلاسیک اشاره می‌کردند.

بر اساس بازخورد شرکت‌کنندگان درباره بازی‌ها و حالت‌های کودکی — که از معیارهای ژنتیکی و مادرزادی گرایش جنسی تفسیر می‌شوند — برخی نقل کردند که به یاد می‌آورند چگونه از سنین پایین، علایق و تمایلاتی غیرمتعارف در مقایسه با همسالان خود نشان می‌دادند. به بیان دیگر، تعاملات آنها، دوستانشان، بازی‌ها، علایق شخصی، و ویژگی‌های شخصیتی‌شان با هنجارهای موردانتظار بر اساس جنس فیزیکی آنها متفاوت بود.

سابقه گرایش به همجنس پیش از این مورد توجه قرار گرفته است. جی. مایکل بیلی، روانشناس دانشگاه نرتوسترن، و روانکاو کانادایی، کنت زاکر، مقاله‌ای تأثیرگذار از عوامل مؤثر بر همجنسگرایی در کودکی منتشر کردند و در سال 1995 میلادی، نقدی مناقشه‌برانگیز در مجله روانشناسی رشد چاپ کردند. بیلی و زاکر این فرضیه را مطرح کردند که همجنسگراها الگویی برعکس رفتارهای جنسی در کودکی از خود نشان می‌دهند، مانند پسر بچه‌هایی که دختران را به عنوان هم‌بازی ترجیح می‌دهند و به وسایل آرایش مادرانشان علاقه زیادی دارند یا دختر بچه‌هایی که به شکلی غریب مجذوب‌هاکی یا کشتی حرفه‌ای هستند¹. یافته‌های تحقیق بیلی و زاکر از سوی دیگر پژوهشگران در مطالعات دیگر مورد کندوکاو بیشتر قرار گرفت. در چند مطالعه، دانشمندان نشان داده‌اند که این تفاوت‌های جنسی به شدت در مقابل یادگیری مقاوم‌اند و مطالعات زیادی وجود دارد که این موضوع را تأیید

1. Kelley, D.; Drummond, Susan J.; Bradley, Michele Peterson-Badali; Kenneth J. (2008). *Zucker in Developmental Psychology*, 44(1), pp. 34-45.

می‌کنند¹. چندین مطالعه این الگوی کلی را نشان داده‌اند و ارتباط مستحکمی را بین انحراف از نقش‌های جنسیتی معمول در کودکی و گرایش جنسی در بزرگسالی آشکار کرده‌اند. اخیراً دانشمندان علوم رشد مطالعات کنترل‌شده‌ای را با هدف فراتر رفتن از کلیشه‌ها و شناسایی دقیق معتبرترین نشانه‌های همجنسگرایی در سال‌های بعد انجام داده‌اند، همان چیزی که پژوهشگران آن را «پیش‌همجنسگرایی» می‌خوانند². با نگاه دقیق به کودکی بزرگسالانی که اکنون «گی یا لزبین» هستند، پژوهشگران مجموعه‌ای پیچیده از شاخص‌های رفتارهای اولیه را یافته‌اند که ظاهراً در میان همه همجنسگرایان مشترک است.

لزبین‌ها و گی‌ها معمولاً و بیشتر پیشینه‌ای از رفتارهای عاشقانه افلاطونی داشته‌اند، مانند پسر بچه‌هایی که مجذوب لوازم آرایش مادرانشان می‌شوند یا دختر بچه‌هایی که به ورزش‌های مردانه علاقه نشان می‌دهند. از طرف دیگر، شرکت‌کنندگانی بودند که — غیر مستقیم و در خلال گفت‌وگو — بر عوامل محیطی‌ای تأکید داشتند که در محیط تک‌جنسی یا قلمرو آشنای مردانه وجود دارد و بیشتر معاشرت‌ها حول فردی همجنس می‌چرخد. در این مقطع، روابط با همجنسان در سطحی افلاطونی جاری است؛ چنانکه یک نفر اشاره کرد: «ما در آن زمان احساس نمی‌کردیم متفاوت هستیم. مدارس پسرانه و بزرگ شدن در میان پسران حس عادی بودن به ما می‌داد. همه پسرها تا حدودی با هم صمیمی بودند. ما در یک سر طیف جا داشتیم، اما حتی آنهایی که در انتهای طیف بودند نیز ما را غیر عادی نمی‌دانستند.» این روایت بدین معنا است که بعد از قرار گرفتن فرد در یک محیط کاملاً مردانه (مانند پادگان‌های نظامی) یا محیطی کاملاً زنانه (مثل خوابگاه دانشجویی دخترانه یا مدرسه شبانه‌روزی دخترانه)، وی ممکن است از علاقه جنسی خود به فردی همجنس آگاه شود. یک دلیل این گرایش و آگاهی می‌تواند دسترسی به جنس مخالف باشد که تا حدودی به سبب محدودیت‌های اجتماعی در خانواده‌های سنتی مذهبی پیش می‌آید.

1. How to Find Out If Your Kid Is A Pre-Homosexual / Queerty, from www.queerty.com/how-to-find-out-if-your-kid-is-a.

Is Your Child Gay?: Article: Scientific American Mind, from www.nature.com.

2. Strauss; Corbin. (20011). *The world we see: A study on LGBTQ in Asia*. USA, LA: Tauris publishing, p. 88-95.

عوامل بیولوژیک ارثی با تجارب محیطی تعامل دارند. تأثیر محیط پیرامونی بر ایجاد تمایلات، علایق، و رفتارهای جنسی به اهمیت عوامل رفتاری و اجتماعی بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، کلیشه‌های جنسیتی و ساختار نقش‌های اکتسابی — که در طی فرایند بزرگ شدن به فرد منتقل می‌شوند — نهایتاً درونی می‌شوند. جامعه سنتی و مذهبی ایران درجات مختلف و ظریفی از زن‌ستیزی را تشویق می‌کند که به عنوان بخشی طبیعی از دوران کودکی پذیرفته می‌شود. برخی همجنسگرایان یا دوجنسگراها تجارب دردناک و تلخ خود به عنوان قربانیان خشونت و سوءاستفاده و آزار جنسی را بیان کردند که این خاطرات دردآور به خاطراتی مادام‌العمر در وجود آنان تبدیل شده‌اند که یک آسیب ماندگار را سبب شده‌اند. درست است که سوءاستفاده جنسی با روش‌هایی شبیه و متفاوت به آنها آسیب می‌رساند، ولی این نوع خاطرات نیز به همین اندازه آسیب‌رسان‌اند. درواقع، این افراد آسیب‌دیده همجنسگرایی را ابزار تسکین خود می‌بینند.

در میان دگرباشانی که در این مطالعه پژوهشی شرکت کردند، گروه سومی نیز دیده شد که تمایل جنسی را نه یک پدیده ژن‌محور بیولوژیک می‌دانست و نه مسئله محیط‌های صرفاً زنانه یا مردانه. برای این گروه دگرباشان — که در دنیایی پر از عشق زندگی می‌کنند — تمایل جنسی مساوی با عشق است و عشق نه ژنتیکی و نه اکتسابی است، بلکه پدیده‌ای طبیعی است که هنوز علم قادر به شناخت آن نیست؛ چنانکه مفهوم عشق را نمی‌توان با چهارچوب‌های مصنوعی سنجید. مثال‌هایی از چنین تحلیلی را می‌توان در سخنان‌هایی یافت که به راه‌های عرفانی نوظهور باور داشتند. آنها معتقد بودند که عشق با همه وسعتش نمی‌تواند به جنس، نقش، یا تمایل خاصی محدود شود. به بیان دیگر، آنها در دنیایی رمانتیک به سر می‌بردند که چیزی جز عشق در آن اهمیت نداشت.

دوستی گی کتابی از فروید به نام مقالاتی در باب جنسیت به من داد تا بخونم. نشستم و کتاب رو خوندم. بعضی بخش‌ها رو نفهمیدم، اما ونچه رو که باید می‌فهمیدم، فهمیدم.

گی 25 ساله از تهران

3-1. چگونگی شروع روابط همجنسگرایانه

در این بخش، به تحلیل روابط همجنسگرایانه در شروع می‌پردازیم و این تحلیل بر اساس اطلاعاتی است که در طی مصاحبه‌ها به دست آمده است و سپس به جزئیات هریک از این روابط خواهیم پرداخت.

اولین رابطه جنسی معمولاً در مقطع متوسطه یعنی از 15 یا 16 سالگی به بالا اتفاق می‌افتد، هرچند در برخی موارد نادر، در مقطع ابتدایی نیز دیده شده است. چنین روابطی رفته‌رفته به تعاملات جنسی جدی‌تر می‌انجامد. در این سن، افراد هنوز معصومیت کودکی خود را دارند.

نوجوانی با تغییرات عمیقی در حوزه‌های مختلف همراه است. بلوغ فکری، رشد قابل‌ملاحظه روانی — اجتماعی و مجموعه‌ای از تغییرات فیزیکی که انعکاسی از فرایندهای عصبی و هورمونی‌اند، همگی با فرایندی که بلوغ خوانده می‌شود، درهم تنیده‌اند. این فرایند بلوغ با افزایش سطح هورمون‌های جنسی همراه است. در طی دوره بلوغ، بدن هورمون‌هایی ترشح می‌کند که سبب می‌شوند تخمدان‌ها هورمون زنانه استروژن تولید کنند. مشخص‌ترین تغییرات فیزیکی در طی بلوغ نشان‌دهنده تأثیر بالای هورمون‌ها هستند. نشانه‌های ثانویه تغییرات جنسی (تشکیل پستان، رشد بیضه‌ها و آلت تناسلی مردانه و موهای ناحیه تناسلی)، تغییرات در ترکیب فیزیکی، و باروری همگی، در این دوره، کاملاً مشهودند¹.

آگاهی از گرایش جنسی حدوداً در دوران بلوغ تبلور می‌یابد و این همان زمانی است که هورمون‌ها شروع به فعالیت می‌کنند. تغییرات هورمونی که در شروع دوران بلوغ آغاز می‌شود، سبب احساسات شدید و میل و برانگیختگی جنسی می‌شود. هرچند تفاوت‌های زیادی بین افراد مختلف وجود دارد، برای دگرباشان نوجوان ایرانی کندوکاو این احساسات جنسی طبیعی در تضاد با پیام خشک و سخت جامعه است که بیان می‌دارد میل و تماس جنسی با جنس مخالف ممنوع و از نظر شرعی حرام است. بیشتر گزارش‌های رسانه‌ای درباره همجنسگرایی در ایران بر پایه سرکوب‌گی‌ها و لژیون‌هایی است که از کشور گریخته‌اند. برخی از شرکت‌کنندگان اظهار کردند که در ایران، اگر می‌خواهید متفاوت باشید، باید این تفاوت را پنهان کنید و بعد آزادید هر کاری که مایلید، انجام دهید یا

1. Puberty stages for boys and girls, from www.emedicine.com.

تا وقتی که آنها از شما و روش زندگی شما بی‌خبر باشند، می‌توانید آزاد باشید¹. در حالی که تجارب کسانی که توانستند از کشور مهاجرت کنند، تا حدی شبیه تجارب همجنسگرایان ساکن ایران است، این تجارب با تجربه

کسانی که ماندن در کشور را انتخاب کرده‌اند یا

فرصتی برای رفتن نداشته‌اند، گاه متفاوت است.

یک عامل مهم در این طرح پژوهشی آن است

که برخی از مصاحبه‌شوندگان محلی نبودند و در

میان شرکت‌کنندگان ساکن تهران در این مطالعه،

بیشتر افراد دانشجویان یا شاغلان جوان بودند که

برخی از آنها اصالتاً تهرانی نبودند. سبک زندگی

مستقل آنها به‌گونه‌ای آنها را از چشمان کنجکاو

خانواده دور نگه داشته بود و دغدغه‌ها و

فشارهای اقتصادی همزیستی را گزینه بهتری

برای آنها ساخته بود.

در دوره دانشگاه تجربه سختی پیش اومد که همه زندگی من رو عوض کرد. کسی در دانشگاه بود و ما خیلی به هم علاقه‌مند بودیم. من به اون ابراز علاقه کردم و اون هم ظاهراً مشکلی نداشت. اما اون دگرجنسگرا بود. به هر حال، ما دو سال در رابطه بودیم که یک سال و نیم اون برای من خیلی سخت بود. به اون وابسته شده بودم. زندگی من از دست رفت. استودیویی داشتم که در اون آواز می‌خوندم. همه‌چی رو کنار گذاشتم. دست از شعر گفتن کشیدم و شروع کردم به خوردن مشروب، بیشتر به این دلیل که رابطه اشتباهی رو شروع کرده بودم.

گی 23 ساله از تهران

همچنین در جامعه نیمه‌سنتی جوان

دانشگاهی فضای اقامتی مشترک عادی و

قابل قبول است (همان‌گونه که در جوامع غربی هم اغلب دیده می‌شود). بنابراین در حالی که دو فرد از دو جنس

مخالف از نظر قانون و عرف به همزیستی تشویق نمی‌شوند، همزیستی دو مرد یا دو زن با پنهان کردن تمایلات

جنسی امری ناهنجار تلقی نمی‌شود. برخی از این افراد این امکان را دارند که زندگی‌های موازی را به دور از چشم

دوستان و اقوام پیش ببرند. جنبه‌های جنسی و عاطفی روابط اقلیت‌های جنسی بخش حیاتی مهمی از نظراتی بود

که افراد حاضر به افشای آن بودند.

1. Growing up gay in Iran.

آنچه در بیشتر مصاحبه‌های گردآوری شده اهمیت داشت، این بود که در تحلیل وضعیت اقلیت‌های جنسی در ایران، توجه ویژه‌ای به بافتارهای اجتماعی و فرهنگی و محل سکونت دگرباشان شد. در این مطالعه، مشخص شد که نوع تجارب عاطفی و جنسی افراد در سه شهر مورد هدف به‌نوعی به بافتار جنسی شهر بستگی دارد و اینکه تفاوت‌ها به فرهنگ خاص حاکم بر هر ناحیه نسبت داده می‌شود. دگرباشان در تهران در قیاس با دگرباشان اصفهان و مشهد از آزادی بیشتری برای قرار ملاقات در پارک یا دسترسی به برخی پاتوق‌ها و مهمانی‌های آخر هفته (به نام Life) برخوردار بودند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند یا با هم قرار ملاقات بگذارند. هرچند این مکان‌های نسبتاً امن اجازه نمایش سریع عواطف را می‌دهد، ترس از مقامات همواره وجود دارد و بر زندگی و روابط آنها سایه افکنده است و آنها همچنان با خطر دستگیری تهدید می‌شوند¹.

از نظر بافتار شهری، اصفهان شهری سنتی در ایران به‌شمار می‌رود و در آن، همچون بسیاری از شهرهای ایران، موضوع اقلیت‌های جنسی به‌شدت تابو است تا جایی که ساکنانش حتی از وجود پدیده همجنسگرایی آگاه هم نیستند.

با توجه به ماهیت تابوی این موضوع، که در ایدئولوژی مذهبی و ناآگاهی جامعه از وجود دگرباشان پنهان شده است، مکان‌یابی افراد مشتاق برای شرکت در این مطالعه پژوهشی خطرناک بود. این موضوع مانعی چالش‌برانگیز و سخت بود. یکی از دلایل بروز این مشکل سطح بالای بی‌اعتمادی در وجود دگرباشان است که این بی‌اعتمادی، از یک طرف، آنها را در انتخاب شریک جنسی و سواسی می‌کند و از طرف دیگر، به طریزی اجتناب‌ناپذیر، طول عمر رابطه آنها را کاهش می‌دهد.

احساس تحت نظر بودن هم از طرف شهروندان ایرانی و هم از طرف حاکمیت دردسر بزرگی برای دگرباشان است. لازم به ذکر است که در طی مصاحبه‌های تلفنی و رودررو به‌سرعت نتیجه گرفته شد که برخی از دگرباشان حتی به همجنسگرایان دیگر هم اعتماد نمی‌کنند. از مصاحبه‌کنندگان خواسته شده بود از طریق فضای

1. What it's like to be gay in Iran, Sune Engel Rasmussen, from theweek.com/articles/532005/what-like-gay-iran.

مجازی تماس برقرار کنند تا راه را برای مصاحبه رودررو هموار سازند. بعد از مصاحبه حضوری تماس با دوستان و شرکای آنها به مراتب آسان تر بود.

با توجه به عمر کوتاه رابطه‌ها، یافته‌های تحقیق نشان داد که مصاحبه‌شوندگان از سختی بسیار پیدا کردن شریک رنج می‌بردند. چالش یافتن شریکی ماندگار به شدت بر دوش گی‌های ایرانی سنگینی می‌کرد. در برخی موارد، آنها با دوستان شریک خود رابطه‌ای را شروع کرده بودند که پس از یک دوره کوتاه رابطه جنسی، رابطه پایان یافته بود.

خیانت و نبود تعهد دوطرفه در رابطه میان اقلیت‌های جنسی نیز وجود دارد و روابط معنادار بلندمدت میان همجنسگرایان نسبتاً کم است. دلایل ریشه‌ای این روابط متعدد کوتاه‌مدت بسیارند. پیوند بین دو دگرجنسگرا می‌تواند در فرهنگ و مذهبی ریشه داشته باشد که طبق قانون، تک‌همسری را پس از فروکش کردن هیجان درون اتاق خواب تقویت می‌کند و زوج‌ها مجبورند از فرونشاندن فوری میل جنسی فراتر روند و اشکال معنادارتری از لذت و رهایی را جست‌وجو کنند. برعکس، زوج‌های همجنس – نقیض چیزی که بر اساس بیشتر استانداردهای سنتی یک پیوند تک‌همسرانه باید باشد – نمایش انزجار پیوند «یک مرد – یک زن» هستند. مدافعان این استانداردها زوج‌های همجنس را در مقابل همان هنجارها و انتظارات اجتماعی – که بنیان خانواده مدرن محسوب می‌شوند – پاسخگو نمی‌دانند.

همچنین فشارهای دوگانه بر ساخته‌های تاریخی تک‌همسری در رقابت با نبود پذیرش اجتماعی روابط دو همجنس اغلب لایه دیگری از اضطراب و پریشانی را در روابط ایجاد می‌کند که محدودیت‌هایی را در روابط آزاد سبب می‌شود. از آنجا که افراد از امنیت رابطه‌ای درازمدت محروم‌اند و نمی‌توانند حس تعلقی را تجربه کنند که معمولاً در پی یک رابطه درازمدت به وجود می‌آید، به روابط گذرای کوتاه‌مدت روی می‌آورند که در برخی موارد خود را به شکل نوعی هرزگی جنسی نشان می‌دهد.

4-1. تأثیر همجنسگرایی بر خانواده

هیچ مدرک علمی‌ای مبنی بر این وجود ندارد که گرایش جنسی، چه دگرجنسگرایی و چه همجنسگرایی و چه هر چیز دیگر، انتخابی از روی اراده آزاد است. بعد از تولد، به طور خودکار، مجموعه‌ای از انتظارات و ارزش‌ها، در

سکوت، از والدین و اجتماع و خانواده به فرد داده می‌شود. در این واحدهای اجتماعی، فرهنگ وفاداری به خانواده و آبرو و نام خانوادگی قرار دارد و هرگونه قضاوت یا نظر اعضای خانواده می‌تواند به شدت بر اعمال فرد تأثیر بگذارد. معنا و قدرت خانواده، که جایگاه فرهنگی و اجتماعی فرد را نیز می‌سازد، فعال است و بخشی اساسی از هویت فرد را می‌سازد. خانواده تأثیر خود را در دیگر حوزه‌ها نیز تا حد امکان بسط می‌دهد تا بر هویت و سبک زندگی فرزند اثر بگذارد. در ایران، بعد از اینکه فرزندان ازدواج می‌کنند، دو خانواده عملاً در یکدیگر ادغام می‌شوند و حقوق و تعهدات متعددی را در قبال یکدیگر پیدا می‌کنند که تقریباً به امری مقدس نزدیک است¹.

در طی سال‌های حساس شکل‌گیری هویت در زندگی، فرد با مشاهده و نهایتاً درونی‌سازی کردن یاد می‌گیرد که انتظارات و ارزش‌های خوب چه هستند و از آنجا که خانواده اولین معلم است، نقش مستقیم یا غیرمستقیم حیاتی‌ای را در هویت‌یابی فرد بازی می‌کند. اینکه برحسب تصادف فرد در کجا یا در چه خانواده‌ای به دنیا می‌آید، نقشی تعیین‌کننده در هویت‌یابی او، زبانی که برای ارتباط‌گیری استفاده می‌کند، جایگاه اجتماعی، و مذهب او دارد و همه این عوامل بخش‌های عمده‌ای از هویت یک فرد را می‌سازند.

در این پژوهش، هویت پدیده‌ای محوری است که در قالب عوامل مذکور شکل می‌گیرد. هویت مجموعه‌ای پیچیده از متعلقات مادی و معنوی انسان است. هویت ترکیبی است از برساخته‌های اجتماع و ایدئولوژی که در قالب جایگاه‌های اجتماعی تعیین‌شده ساخته می‌شود و هر دو جنس مرد و زن این هویت را بر اساس نقشی که ایفا می‌کنند، تفاوت‌های بیولوژیکی که در هر جنس وجود دارد، یا ماهیت حقوق و تعهداتی که بر هریک از دو جنس تحمیل می‌شود، به دست می‌آورند. در ایران، افراد یاد می‌گیرند که هویت جنسی دو پاره است. به بیان دیگر، افراد این ایده را می‌آموزند که جنسیت یا زنانه است یا مردانه و فضایی خاکستری در این میان وجود ندارد. در عین حال به ما می‌آموزند که بخش خاکستری طیف جنسی انسان، از نظر اخلاقی، فاسد است.

1. Culture of Iran – history, people, clothing, traditions, from www.everyculture.com.

از همان زمان تولد و در سراسر مراحل کودکی و نوجوانی و بزرگسالی، اجتماعی شدن فرایندی مستمر از مجموعهٔ مختلفی از دستورالعمل‌ها و ممنوعیت‌ها است و ساختار خانواده نقش مهمی در این پدیده دارد و روابط خویشاوندی بر هویت و تعامل فردی غلبه دارد.

نقش خانواده همواره به فشاری بستگی دارد که دانسته یا ندانسته بر هریک از اعضای خانواده به سبب نقش‌های فرضی، وضعیت اجتماعی، روانی، و سیاسی نقش‌های مفروض وارد می‌شود. همجنسگرایی در درون خانواده معضل است، زیرا زندگی اجتماعی اغلب در قالب آن تجربیات اجتماعی‌ای ساخته می‌شود که ویژگی‌های مردانه دارد¹. گرایش جنسی خارج از دوگانهٔ مردانه — زنانه استمرار یک رابطهٔ زنانه — مردانهٔ پدرسالار و سرکوب‌گر را مختل می‌کند. هر نشانه‌ای از گی یا لزبین بودن می‌تواند اثری جدی بر خانواده‌هایی داشته باشد که به شدت با پذیرش همجنسگرایی فرزند خود مشکل دارند. این مشکلات خاص ایران نیست. هر سال، هزاران نوجوان دگرباش آمریکایی که هویت جنسی خود را افشا کرده‌اند، از خانه بیرون رانده می‌شوند و در انگلستان، یک‌چهارم بی‌خانمان‌ها دگرباش‌اند.

برای بیشتر کسانی که دگرباش دانسته می‌شوند، نگاه و پذیرش یا عدم پذیرش خانواده (و جامعه) مشکلی جدی و بزرگ است. در سال‌های اول زندگی بنیان به رسمیت شناختن گرایش جنسی آنها پی‌ریزی می‌شود و این دوره شروع درک و پی بردن به هویت جنسی خود به عنوان دگرباش است. اظهارات افراد در طول تحقیق نشان از دردی داشت که آنها در زمان پی بردن به تمایلات متفاوت خود و تصمیم برای پنهان کردن این تمایلات تجربه کرده بودند. افراد دگرباش سال‌هایی را در این جنگ نامتعادل مخفی کردن تمایل جنسی به‌هدر می‌دهند و این همان زمانی است که بهتر است صرف رشد فردی و شخصیتی شود.

جلوگیری از افشا شدن هویت جنسی در خانواده سخت‌ترین کار برای اقلیت‌های جنسی است. ترس به‌وجود آوردن مشکلات برای خانوادگی در تاروپود زندگی همهٔ دگرباشان همچون آسیب شدید عاطفی، روانی و

1. Sandra, Harding. (1935). *Introduction: Is There a Feminist Methodology*, Open University Press.

معنوی وجود دارد. شرکت‌کنندگان به برخوردهایی در خانواده اشاره داشتند که دردناک‌ترین تجربه زندگی آنها و چالشی عظیم برایشان بود.

موضوعی که در مقطعی بر همه دگرباشان تأثیر می‌گذارد، افشای هویت جنسی برای خانواده است. این امر می‌تواند برای مسلمانان به طور خاص سخت باشد (برای تحلیل دقیق‌تر به فصل دوم رجوع کنید). وزارتتوی موانع اجتماعی بسیار بزرگ است و خانواده، ترس از مسبب شرم خانواده شدن، ترس از دست رفتن احترام در اجتماع، ترس از برچسب و انگ جنسی خوردن، و دیدگاه محافظه‌کارانه به همجنسگرایی از جمله این موانع است. سنت و فرهنگ پدرسالار ایرانی هر لحظه یادآور این نکته است که اینها ساختارهای قدرتمندی‌اند که فرد باید به‌تنهایی بار آنها را بردوش بکشد. خانواده‌های بسیاری برای اینکه بتوانند ارزش‌های فردی و مذهبی را با عشق خود به فرزندان دگرباششان در تعادل نگه دارند، در تقلا هستند.

کار کشنده تظاهر و اخفای گرایش جنسی از خانواده بزرگ‌ترین و غم‌انگیزترین شکنجه اقلیت‌های جنسی است. درد و رنجی که بر اقلیت‌های جنسی در همان فضای امن خانواده وارد می‌شود، به مراتب بزرگ‌تر از چیزی است که در مکان‌های دیگر، مانند مدرسه، تجربه می‌کنند. برای بیشتر دگرباشان، ارتباط خونی مقدس در خانواده بنیان بسیاری از روایت‌هایی است که عمیقاً زندگی آنها را شکل داده است و حال، آن را تقابل مستقیم با اقوامی می‌بینند که هرگز برای پذیرش هویت جنسی آنها آماده نخواهند بود، چراکه چنین امری با همه آموخته‌های آنها در تضاد است. برای بسیاری از دگرباشان، این امر منع پایدار رنج و آسیب‌های شدید بوده است. هرچند مطالعه ما نشان داد که ترس از مجازات سنگسار علت دیگری است برای پیروی از آنچه جامعه به فرد دیکته می‌کند. همچنان شواهد قانع‌کننده‌ای مبنی بر اهمیت بالای تأیید اجتماعی و خانوادگی در این زمینه وجود دارد.

در اجتماعات و گروه‌های خانوادگی، همجنسگرایی چیزی دانسته می‌شود که سبب شرمساری فرد و کل خانواده می‌شود و عواقب وخیمی برای همه اعضای خانواده و دوستان به همراه دارد. یکی از رایج‌ترین عواقب اجتماعی و اقتصادی آن است که اعضای مؤنث به دلیل نبود خواستگاران مشتاق نمی‌توانند ازدواج کنند و اعضای مذکر ممکن است از کار اخراج شوند و در مجموع، کل جایگاه اجتماعی خانواده زیر سؤال رود.

خانواده‌هایی که از گرایش جنسی فرد آگاه‌اند، بیهوده به انواع و اقسام تاکتیک‌ها متوسل می‌شوند تا فرد را تغییر دهند و عمیقاً باور دارند که گرایش جنسی وضعیتی قابل‌تغییر و مرحله‌ای گذرا است. این مطالعه نشان داد که بیشتر مصاحبه‌شوندگان چنین واکنشی را در خانواده تجربه کرده‌اند. تعداد شرکت‌کنندگانی که تجربه متفاوتی داشتند کمتر از انگشتان یک دست بود. وقتی خانواده از گرایش جنسی فرد آگاه شده است، نه تنها پاسخش سبب شده است تا وضعیت عوض نشود، بلکه در بیشتر موارد، خانواده سرکوب‌گرتر شده و کنترل بیشتری بر فرد اعمال کرده است. خانواده‌ها عمیقاً باور دارند که می‌توانند فرد را به آنچه یک عضو عادی خانواده با میل جنسی به‌هنگار می‌دانند، تبدیل کنند. حتی در خانواده‌هایی که انعطاف‌پذیرتر و بازترند، آمادگی برای استقبالی گرم از همجنسگرایی وجود ندارد. پس تا وقتی که این آمادگی وجود نداشته باشد، خانواده‌ها همچنان به شدت هر گرایش جنسی که شامل مردان یا زنان نمی‌شود را محکوم می‌کنند و در برابر آن مقاومت به خرج می‌دهند.

بعضی خانواده‌ها نسبت به دیگران همدردی بیشتری دارند. با این حال، چنین خانواده‌هایی نیز از قضاوت منفی اقوام، همسایه‌ها، و آشنایان هراس دارند و اغلب فرزندان دگرباش خود را به سمت زندگی در خفا و ملاحظه خانواده سوق می‌دهند. سرزنش و عدم پذیرش جامعه دو مانع بزرگ در زندگی دگرباشان است. علاوه بر این ترس‌ها، مسئله آبروی خانواده نیز وجود دارد که باری بر سلامت روان و جسم همه اعضای خانواده است. گرایش جنسی نشانه غایبی تحقیر خانواده و تهدیدی جدی برای «آبروی خانواده» است. این جمله بدین معنی است که مفهوم آبروی فرد نه تنها به احترام به چهارچوب‌های اجتماعی‌ای وابسته است که حول نقش‌های جنسیتی وجود دارد، بلکه این تمایلات جنسی آبروی خانواده و اقوام را نیز کنترل می‌کنند.

ترس از رسوایی، بدنامی، استهزا، و نهایتاً طردشدگی سایه‌ای از شرم بر سر تمامی تعاملات اجتماعی اقلیت‌های جنسی می‌اندازد. چنین واکنش‌های آشکاری در درون ساختار خانواده به شدت تحت تأثیر جایگاه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی والدین هستند (سطح تحصیلی، تعصبات فرهنگی و باورهای مذهبی)، اما همه

خانواده‌ها کم‌وبیش در یک مقیاس بوده‌اند؛ یعنی حتی در خانواده‌هایی که بازند، واکنش اولیه بیشتر آنها احساس

ناراحتی عمیق از موضوع بوده است. خانواده‌ها

معمولاً به دنبال مداخلات درمانی می‌روند و امید

دارند که درمان به تغییر ماهیت واقعی فرزندانشان

کمک کند.

علاوه بر طردشدگی و درک نشدن، اقلیت‌های

جنسی بر خورده‌های جدی‌تر و خشن‌تری در خانواده را

نیز گزارش کرده‌اند. در برخی موارد، این مسئله به طردشدگی ناگهانی، محرومیت از ارث به عنوان فرزند، و نکوهش

منجر شده است.

در موارد دیگر، فرد همجنسگرا — برخلاف کشش واضح به فرد همجنس — تسلیم رابطه‌ای پیچیده با فردی

از جنس مخالف می‌شود تا فقط خانواده و دوستان را آرام کند. در بعضی موارد، شرکت‌کنندگان بیان کردند که

نارضایتی خود از چنین روابطی را به شدت نشان داده‌اند و هرگز با هیچ‌کسی از جنس مخالف وارد رابطه نشده‌اند.

در میان کسانی که چنین روابطی داشتند، رابطه جنسی برقرار نشده بود و از همان شروع شوم، این رابطه به بن‌بست

عاطفی خالی از هرگونه احساسی رسیده بود. تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌ها الگوی ناراحت‌کننده‌ای را نشان داد؛

در برخی موارد، شرکت‌کنندگان در تقاضاهای دوستان و خانواده خود را غرق کرده بودند و با کسی از جنس

مخالف، بدون در نظر گرفتن تمایل جنسی خود و کششی مشخص به سمت فردی همجنس، ازدواج کرده بودند.

هرچند متأسفانه عواقب چنین ازدواج‌هایی قابل‌پیش‌بینی است، رنج و نارضایتی حاصل از ازدواج اجباری ضربه

دیگری است که بر هویت شکننده فرد دگرپاش وارد می‌شود و لایه دیگری از آسیب روانی را به زخم عمیق آنها

اضافه می‌کند.

اگر دوباره به دنیا می‌آمدم، دوست نداشتم همجنس‌باز می‌شدم.
تا اینجا هر کاری که می‌شد، کردم؛ با خانه‌های امن تماس گرفتم
تا من رو راه بدن و اونا شروع کردن به سخنرانی. به من گفتن
احتمالاً دختر خوبی نیستی. دختر خوبی باش تا کتک نخوری.

لژیون 27 ساله از مشهد

مسئله نقش‌های جنسیتی یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در جامعه معاصر ایرانی است.¹ ایران تقریباً کشوری با ساختار غیرمنعطف پدرسالارانه شناخته می‌شود. اگرچه در سال‌های گذشته بسیار تغییر کرده است و اوضاع کمی در حال تغییر است، همچنان زنان بسیاری در سایه یک قرن سرکوب ارج نهاده شده در یک نظام سنتی به سر می‌برند. گرایش جنسی همجنسگرایانه در ایران معمولاً بر گفتمانی متمرکز است که به همجنسگرایان مرد می‌پردازد و لزبین‌ها و دوجنسگراها کمتر موضوع صحبت قرار می‌گیرند.

بنابراین در مورد اقلیت‌های جنسی لزبین، شدت واکنش‌های منفی خانواده و جامعه سبب شده است تا جایگاه از پیش متزلزل آنها از این نیز بیشتر مورد تهدید قرار گیرد و بنابراین نابرابری، فشار روانی، جسمی، و جنسی را بر آنها چند برابر کند. هزارتوی چالش‌های اجتماعی پیش‌روی لزبین‌ها به همراه محرومیت اجتماعی و به رسمیت شناخته نشدن در گفتمان پدرسالار اسلامی حاکم است که بر تفاوت‌های جنسیتی، تحقیر جنسیتی، و مرزهای محدودکننده جنسیتی برای زنان صحنه می‌گذارد.

در ایران، لزبین‌ها اول به عنوان زن و بعد به عنوان همجنسگرا مورد تبعیض واقع می‌شوند. از زمان انقلاب اسلامی در سال 1357 شمسی، بسیاری از حقوق قانونی زنان محدود شده یا نادیده گرفته شده است. علاوه بر محدودیت‌های حقوق زنان، لزبین‌ها در ایران با محدودیت‌های حاصل از جرم‌انگاری رابطه با همجنس و نارواداری گسترده جامعه روبه‌رو هستند. این تبعیض دوگانه به شدت به سوءرفتاری دامن می‌زند که با آن مواجه‌اند.²

هرچند بیشتر مستندات تاریخی لزبین‌ها را نادیده گرفته است، رابطه لزبین‌ها گاهی به موازات روابط دگرجنسگرایانه وجود داشته است. بی‌شک، بسیاری از مسائل مربوط به روابط لزبین‌ها نشان‌دهنده فرازوفرودهای رابطه‌هایی صمیمی است که در روابط دگرجنس‌خواهان نیز وجود دارد و مختص لزبین‌ها نیست. روابط میان لزبین‌ها هشدار است به تصورات کلیشه‌ای که زنان بیشتر از مردان در پرورش آن نقش دارند و احساسات خود

1. Culture of Iran – history, people, clothing, traditions ..., from [www.everyculture.com/Being Lesbian and Trans in Iran](http://www.everyculture.com/Being%20Lesbian%20and%20Trans%20in%20Iran) | OutRight www.outrightinternational.org/being-lesbian-and.

2. Burgess, Hilary. (2014). *Another Gender called L*. Cambridge tool publishing house, pp. 76-129-

را نسبت به مردان سریع‌تر بروز می‌دهند. همچنین جامعه از زنان انتظار دارد به رابطه‌ای وارد شوند، عاشق مردی شوند، کودکانی داشته باشند و تا ابد در خوشبختی زندگی کنند. این خود افسانه‌ای عاشقانه است که در گوش همه زنان خوانده می‌شود. در عوض، لزبین‌ها زنی را پیدا می‌کنند و عاشقش می‌شوند. انتظار جامعه از زنان برای اینکه ازدواج کنند، به همراه نبود استقلال اقتصادی و حقوقی (زنان تنها 16 درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند) به این معنی است که لزبین‌ها به عنوان زن بیشتر باید تابع تصمیماتی باشند که مردان خانواده برای آنها می‌گیرند.¹ این امر می‌تواند به وضعیت‌هایی منجر شود که در آنها لزبین‌ها کل زندگی خود را در ازدواجی می‌گذرانند که در آن رابطه جنسی با جنس مخالف مرتب به این افراد تحمیل می‌شود.

در ایران، لزبین بودن با خطرهایی همراه است، چراکه بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات مساحقه یا مالش آلت تناسلی دو زن صد ضربه شلاق تعیین شده است. عشق دو زن در تقابل مستقیم با قانون جزای اسلامی است و بوسیدن دو زن در ملا عام تحمل نمی‌شود و در صورت دستگیری مجازات شلاق را در پی دارد.

اعضای اجتماع لزبین‌ها در جمهوری اسلامی ایران نه تنها در یک جامعه انعطاف‌ناپذیر مردسالار بزرگ شده‌اند، بلکه در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که گرایش جنسی آنها را بی‌ارزش و جرم می‌داند. این افراد با ترکیبی از تبعیض قانونی، آزار اجتماعی، خشونت خانگی، و اعمال خشونت‌آمیزی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که هم شهروندان و هم حاکمیت در ایجاد آنها نقش دارند. در حالی که لزبین‌ها و همجنسگرایان آرمان‌های مشترکی همچون مبارزه با تفاوت‌های بنیادین در بافتار اجتماعی ایران و آموزه‌های سخت مذهبی و برجسب‌هایی دارند که مشخصاً همجنسگرایی را گناهی نابخشودنی می‌دانند، ساختار ایدئولوژی به‌شدت مردسالار حاکم بر لزبین‌ها را نیز باید در نظر گرفت.

1. وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیرکل مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر. از

A/HRC/28/26, (February 20, 2015), page 7, available at:

www.ohchr.org/EN/HR/Bodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_HRC_28_26_ENG.doc.

علاوه بر مشکلات برچیده‌شده، طول رابطه‌ی ل‌بین‌ها معمولاً از روابط بین دو مرد بیشتر است و در برخی موارد، این روابط به همزیستی و تعهد می‌انجامد. در سال 1948 میلادی، کینسی دریافت که روابط درازمدت در میان همجنسگرایان به طور واضح محدود بود، اما اکنون با اینکه روابط درازمدت بین گی‌ها متداول‌تر است، واقعیت آن است که آنها معمولاً فقط یک شریک ندارند. این مطالعه در پی پژوهش کلاسیک مک ورتر و ماتیسون می‌آید که در سال 1984 میلادی در **The Male Couple** گزارش شد و دریافت که حتی یک زوج مرد نمی‌توانست برای بیش از پنج سال وفادار بماند¹.

ل‌بین‌ها خشونت را بیشتر تجربه می‌کنند. تبعیض جنسیتی سرکوب‌گر نه تنها خود را در کلیشه‌های جنسیتی مردانه و زنانه نشان می‌دهد، بلکه در سرسختی جامعه و حتی در درون اجتماع اقلیت‌های جنسی نیز نمود دارد. برخی با سوءاستفاده جسمی مواجه می‌شوند. در رویارویی با فشار مضاعف تبعیض جنسیتی پدرسالارانه از یک طرف، و عدم پذیرش جامعه از طرف دیگر، ل‌بین‌هایی که حالا در درون با خود «نامطلوب» در تقلا هستند، خود را در میدان نبرد بزرگ‌تری می‌یابند و این در حالی است که به هیچ وجه دانش و ظرفیتی برای مبارزه با ساختار تبعیض‌آمیز ندارند. حتی اگر فرد به کنشگری اجتماعی پناه ببرد، سازمان‌ها و جنبش‌های حقوق زنان فایده‌چندانی برای او ندارند. بر اساس روایت‌های شخصی شرکت‌کنندگان، بیشتر «خانه‌های امن» توسط سازمان بهزیستی اداره می‌شود و برخی از دخترانی را که قربانی خشونت خانگی بوده‌اند، از این مکان‌ها رانده‌اند. بیشتر «خانه‌های امن» در مسئله خشونت فیزیکی ناکام بوده‌اند. بعضی از این دختران به سبب گرایش جنسی خود مورد سوءاستفاده جسمی واقع شده بودند.

1. Gay Male Relationships are Inherently Unfaithful — Joseph..., from www.josephnicolosi.com/an-open-secret-the-truth-about.

با توجه به شروع بخش عادی رشد و کنجکاوی‌های جنسی و آگاهی بیشتر فرد از گرایش جنسی خود، حالت هیچ دو فردی برای ارتباط و اکتشاف جنسی مانند هم نیست. در آغاز شناخت گرایش همجنسگرایانه، تضادهای درونی گیج‌کننده و حس شرم ممکن است پاسخی به فشارهای بیرونی باشد. افراد معمولاً با یک مرحلهٔ آزمون و خطا، مانند برقراری روابط عاطفی یا جنسی با فردی از جنس مخالف، شروع می‌کنند. در افراد دگرباش، این روابط ممکن است موقتاً تمایل واقعی فرد را مبهم کند و تحلیل سخت پذیرش خود پیچیده‌تر شود و به ازدواج اجباری، نامزدی‌های ناخواسته و روابطی بینجامد که بیشتر نشان‌دهندهٔ مصلحت است تا احساس و بنابراین ردی همیشگی بر منش و شخصیت فرد باقی می‌گذارد.

5-1. مرحلهٔ پردشدگی

به جز این واقعیت مهم که شرکت‌کنندگان به طور جمعی تصویرهای ذهنی مشترکی از واکنش خانواده‌هایشان مطرح

کردند، آنچه اهمیت دارد، سیر پیوسته فرایند روبه‌رشد عادی‌سازی همجنسگرایی و پذیرش خود با تعریفی نوین از «خویشتن» است. این فرایند شبیه فرایند عادی‌سازی است که تحت عنوان واکنش راهبردی مورد بحث قرار می‌گیرد و همان جایی است که دوباره «خود» به شکل «آنچه هستم» تعریف می‌شود و نه

می‌دونی، دوست نداشتم چنین تمایلاتی می‌داشتم و به همین خاطره که فکر کردم با کسی از جنس مخالف ازدواج کنم. فکر کردم شاید این کار تمایلاتم رو کم کنه. اوایل بد نبود، ولی بعد فهمیدم واقعاً نمی‌تونم.

گی 35 ساله از تهران

«آنچه باید باشم». این مرحله اگر به‌درستی پیش بیاید، می‌تواند اولین قدم در ثبات باشد، وگرنه می‌تواند به انکار هویت جنسی منتهی شود.

هرچند رویکردهای مثبت به گی‌ها و لزبین‌ها طی دهه‌های اخیر رو به فزونی بوده است، رویکردها دربارهٔ افراد دوجنسگرا اگر ضد و نقیض نباشد، نسبتاً خنثی است. برخلاف مطلوبیت درونی تصویر گی یا لزبین، دوجنسگرایی با آشفتگی ذهنی بسیار و پیچیدگی‌هایی همراه است. افراد دوجنسگرا، که در سراسر تاریخ در خط مقدم مبارزات دگرباشان بوده‌اند، همچنان اغلب از این گفتمان کنار گذاشته می‌شوند. تا جایی که منطقاً می‌توان اطلاع داشت، در ایران، این پژوهش تنها پژوهشی است که در مورد اجتماع دوجنسگراها به عنوان گروهی مشخص

انجام شده است. معمولاً صحت دوجنسگرایی موردسؤال است و باوری وجود دارد که دوجنسگراها در مورد گرایش جنسی خود سردرگم یا در مرحله گذار هستند. مردان و زنان دوجنسگرا با میزان بالایی از نابرابری‌های جسمی و روانی و دیگر تبعیض‌های حوزه سلامت در مقایسه با کسانی که منحصرأ دگرجنسگرا یا همجنسگرا هستند، مواجه‌اند¹. یک فرد دوجنسگرا برای اینکه خود را در چهارچوبی تعریف‌شده قرار دهد، باید تلاش بسیار کند و بعد از مجموعه‌ای تلاش مذبحانه، فرد دست از جست‌وجوی درونی برمی‌دارد و معمولاً (اگر نه سهواً) خود را در چهارچوبی مشخص‌تر جای می‌دهد که بسته به تمایلات و مجموع تجارب گذشته فرد می‌تواند چهارچوب همجنسگرایی یا دگرجنسگرایی باشد. این برچسب‌ها معمولاً فقط باعث جدایی بیشتر و نهایتاً مانع پذیرش کامل می‌شوند.

به هر حال، علاوه بر جایگاه این افراد در طیف جنسی، آنچه وجه مشترک همه آنها است، مقابله و واکنش خشن جامعه است. مهم‌ترین عامل در زندگی روزمره بیشتر این افراد ترس از کشف شدن از سوی یک عضو خانواده یا دیگر افراد مهم در زندگی‌شان یا کسانی است که با آنها در تعامل اند و می‌توانند واکنش‌هایی ناشی از اجتناب، عدم پذیرش یا دشمنی بروز دهند. بزرگ‌ترین نگرانی آنها جدایی بالقوه دردآور از خانواده و کسانی است که دوستشان دارند، اما در صورت ابراز هویت جنسی خود، بیشترشان این افراد دگرباش را نمی‌پذیرند. این قلمرو قلمرو، به طور خاص، سخت و نامطلوب برای کندوکاو است، مخصوصاً در صورتی که خانواده فرد یا والدینش هسته اصلی زندگی او را تشکیل دهند.

این ترس از رسوایی، بدنامی، استهزا، و نهایتاً طردشدگی سایه‌ای بر همه تعاملات اجتماعی اقلیت‌های جنسی می‌اندازد. همچنین واکنش‌های خانواده تحت تأثیر جایگاه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی والدین (مثل سطح تحصیلات و تعصبات فرهنگی و باورهای مذهبی) اند، اما همگی کم‌وبیش یکی هستند؛ یعنی حتی بازترین

1. Negative Attitudes Slow Acceptance of Bisexuality, from
www.psychcentral.com/news/2016/11/01/negative.

خانواده‌ها نیز به دنبال مداخلات درمانی‌اند و معمولاً فرد را مجبور می‌کنند که در تلاشی مذبوحانه به دنبال درمان برود تا ماهیت واقعی خود را تغییر دهد.

بخشی از برچسب‌زنی و انگ همجنسگرایی ذاتی زبان فارسی است که دو کلمه مجزا برای همجنسگرایی دارد¹. این امر به مناقشات بسیاری در درون گروه‌های اقلیت‌های جنسی بر سر تعریف همجنسگرایی یا همجنس‌بازی منجر شده است. این مطالعه تفاوت‌هایی اساسی بین این دو روایت مهم در رابطه با موضوع این پژوهش پیدا کرده است. همجنسگرایی تمایل جنسی قابل‌قبولی در فرد دیده می‌شود، در حالی که همجنس‌بازی شکلی نامطلوب از رابطه است که به دوستان و اقوام شرکت‌کننده اشاره دارد. هر دو مفهوم در غیاب تعریف‌های روشن ناملموس و مبهم‌اند. اجتماع دگرباشان از واژه همجنسگرایی (به معنی لغوی علاقه‌مندی به همجنس) استفاده می‌کنند، در حالی که دولت و رسانه‌های حکومتی ایران از همجنس‌بازی استفاده می‌کنند که بار معنایی منفی دارد و به کسی اشاره دارد که با افراد همجنس «بازی» می‌کند.

6-1. هویت و راهبردهای سازگاری

ماهیت «اقلیت جنسی» با ایدئولوژی‌های متضاد برای هرکسی که به این گروه تعلق دارد، چیزی است که هرکس سعی دارد برای عادی‌سازی و قرار دادن آن در یک چهارچوب، آن را تلطیف کند. برای پاسخ به جست‌وجوی هویت و یک سبک زندگی خاص، همجنسگرایان راهبردهای مختلفی را درپیش می‌گیرند تا خلأهای موجود در روابط خود را پر کنند و بتوانند در حین حفظ ثبات ذهنی و جنسی به زندگی خود ادامه دهند. یکی از این راهبردها سعی در «عادی‌سازی» خود است. بعضی مثال‌های راهبردی در این جهت عبارت‌اند از: انکار گرایش جنسی خود، دفن افکار مربوط به گرایش جنسی، تلاش برای تغییر هویت جنسی، و مجبور کردن خود به رابطه با جنس مخالف. بسیاری از این افراد وارد رابطه دگرجنسگرایانه می‌شوند تا فقط از نظر اجتماعی قابل‌قبول جلوه کنند. این راهبردها مبنی بر کنار گذاشتن باقیمانده‌های هویت جنسی خود تنها راهکاری موقتی است و نهایتاً یک حواس‌پرتی نامطلوب محسوب می‌شود و در پس این جسارت، گرایش جنسی واقعی آنها همچنان باقی می‌ماند.

1. What it's like to be gay in Iran, from theweek.com/articles/532005/what-like-gay-iran.

آنچه به شدت از سوی تیم تحقیق و در کار میدانی مورد تأکید قرار گرفته است، تلاش برای درک و ترجمه این تجربیات زیسته به زبان تحلیلی حال حاضر است. آشفتگی حاصل از استفاده از «برچسب‌های نامناسب» وقتی نمایان می‌شود که فرد خود را «همجنسگرا» بداند، در حالی که رفتار و تاریخچه روابطش، درواقع، نشانگر آن است که برچسب دوجنسگرا تعریف مناسب‌تری برای او است.

بیشتر پاسخ‌دهندگان از دسته گرایش جنسی «دوجنسگرا» بیان داشتند که از این ماهیت جنسی موجود بی‌خبر بوده‌اند. بسیاری در گذشته با هردو جنس رابطه داشتند و بسیاری دیگر بر واقعیت زندگی به عنوان فردی «دوجنسگرا» سرپوش می‌گذاشتند. همان‌طور که پیشتر گفته شد، دوجنسگرا بودن هنوز با سرزنش همراه است و بسیاری بر این باورند که دوجنسگرایی وجود ندارد. درحقیقت، دوجنسگرایی یکی از تابوهای جامعه است و هنوز این جمعیت به شدت نادیده گرفته می‌شوند و با کج‌فهمی و تعصب و کلیشه مسموم شده‌اند. از آنجا که افراد دوجنسگرا احساس نمی‌کنند که به گروه همجنسگرایان یا دگرجنسگرایان تعلق دارند، با انتخاب برچسب‌گی خود را تسکین می‌دهند و به این ترتیب در یک چهارچوب تعریف‌شده جای می‌گیرند. ممکن است دوجنسگراها تحت فشار تصمیم بگیرند خود را همجنسگرا بنامند، به جای اینکه در فرهنگی که به راحتی گرایش آنها را درک نمی‌کند، راه سخت بینابین را درپیش بگیرند. دو دلیل برای این امر وجود دارد: «ناآگاهی از وجود دوجنسگرایی»، و «پذیرش نسبی فرضی‌گی یا دگرجنسگرایی تا دوجنسگرایی».

جامعه ایرانی و اجتماع پیرامون دگرباشان، به طور کل، توان و میل و مهم‌تر از همه علاقه‌ای به درک این گرایش‌ات جنسی، که به طور مشخص در تضاد با هنجارهای اجتماعی هستند، ندارد. هر گرایش جنسی که در خارج از دوگانه تعریف‌شده رابطه زن و مرد عمل کند، به شدت نوعی اختلال، شرم، بیماری، یا ناهنجاری دیده می‌شود و سبب برچسب‌خوردگی‌هایی می‌شود که برخی رهبران آفریقایی مرتب از آن عناوین در توصیف افراد دگرباش استفاده می‌کنند. نگاهی به ضربات پی‌درپی مشکلات دگرباشان این موارد را نشان می‌دهد: عوامل اضطراب‌زای بیرونی و احتمال طردشدگی از طرف خانواده و دوستان، بزرگ شدن در دنیایی که روبه سمت هنجارها و ارزش‌های دگرجنسگرایانه دارد، مقاومت شدید مذهب و موضع سخت آن علیه همجنسگرایی، قوانین و حضور

مداوم سایه مرگ و تأثیر منفی برچسب و انگ اجتماعی همجنسگرایی. و جای تعجب نیست که این پیامدهای سهمگین دیده و درونی می‌شوند.

فرد دگرباش در جریان اجتماعی شدن از طریق مدرسه و دوستان و خانواده متوجه می‌شود که گرایش جنسی او از طرف جامعه برچسب غیرطبیعی و مشکل‌دار خورده است. تأثیر قوانین عرفی و فرهنگی نانوشته نه فقط در تصویر فرد از خودش و پیامدهای رفتاری‌اش نمود پیدا می‌کند، بلکه در طیفی از واکنش‌های غیرطبیعی و گاه خطرناک، همچون سرکوب خود، انکار خود و وارد شدن در رفتارهای پرخطر، خود را نشان می‌دهد که همگی تأثیراتی مخرب بر سلامت روان او می‌گذارند.

7-1. تأثیر مذهب و باورهای مذهبی

در حالی که رویکردها در مورد اجتماع دگرباشان در سراسر جهان اخیراً همراه با مدارای بیشتر است، ایران همچنان یکی از کشورهایی است که در مقابل تغییر مقاومت می‌کند. در برخی نواحی ایران، حتی همجنسگرایی به عنوان موضوع گفت‌وگو رد می‌شود و در نتیجه، گروه‌های حمایت‌یابی دگرباشان تشکیل نمی‌شوند و تغییری را ایجاد نمی‌کنند. زیرساخت مذهبی در ایران «ابرساختار» حقوقی و سیاسی‌ای را می‌سازد که بر اساس فقه سنتی شیعه تعریف می‌شود. این نظام ایدئولوژیک به ندرت به صداها و دیگر اجازه می‌دهد تا شنیده شوند و همچنان تفسیرهای سفت و سخت مذهبی را حفظ می‌کند.¹

به عنوان جامعه‌ای سنتی، ایران بر مذهب (و معجزه) در هنجارها و ارزش‌های رفتاری تأکید می‌کند و استمرار پیوندهای عمیق با گذشته‌ای واقعی یا فرضی را تشویق می‌کند.² مذهب در ایران نقشی محوری دارد. بیشتر ساختارهای خانوادگی بر اساس آموزه‌های مذهبی شکل گرفته‌اند و بیشتر حول آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) می‌چرخند. تأثیر عظیم مذهب بر هویت و سبک زندگی افراد در حال حاضر نیز شگرف است، اما در مورد دگرباشان از این هم بیشتر است، چراکه باورهای مذهبی اسلامی اساساً همجنسگراهراس‌اند. مذهب فقط باور و

1. Denied Identity: Human Rights Abuses Against Iran's LGBT, from www.iranhrdc.org/english/publications/reports/1000000398.

2. Difference between Traditional and Modern Society, from www.yourarticlelibrary.com Society.

نیایش شخصی نیست، بلکه حوزه‌ای عمومی را تشکیل می‌دهد که کلّ ملت را دربرمی‌گیرد و هرچه خانواده‌ای مذهبی‌تر و متعصب‌تر باشد، فشار بیشتری بر فرد وارد می‌کند. بنابراین با توجه به جایگاه اجتماعی و بیولوژیک اقلیت‌های جنسی، مذهب اهرم فشار قدرتمندتری برای کنترل جنسی فراهم می‌کند.

بر اساس آنچه بررسی شد و مورد گفت‌وگو قرار گرفت، تنها می‌توان نتیجه گرفت که مذهب، قوانین مصوب کشور، و بافتار سنتی اجتماع همگی عوامل مهمی‌اند که در زندگی محدود همجنسگرایان نقش دارند. این امر به روابط نامتوازن، ناهنجاری‌های روانی، و نهایتاً سبک زندگی و هویت‌یابی متفاوت می‌انجامد. این هویت شامل برخی مؤلفه‌هایی می‌شود که بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در طی کار میدانی موضوع تمرکز بوده‌اند. مشخص است که این هویت تازه شکل یافته راهبردها و عملکردهای رفتاری خاصی را در پی می‌گیرد که به تفصیل در بخش اقدامات راهبردی تحلیل شده‌اند.

با در نظر گرفتن تأثیر مذهب بر شهر مذهبی مشهد و ماهیت تابوی موضوع دگرباشان، این دو نیرو تأثیر مذهب بر هویت و سبک زندگی فرد را روشن می‌کنند.¹ علاوه بر این تأثیرات بافتاری بر خانواده و هویت‌یابی، باورهای مذهبی در شهر مشهد نیز غالب‌اند و همین موضوع اقلیت‌های جنسی مشهد را از دیگر شهرها متمایز می‌سازد. باورهای مذهبی اقلیت‌های جنسی نه تنها آنها را در مقابل پذیرش تمایلاتشان مقاوم می‌کند، بلکه سبب می‌شود در مورد مخفی کردن هویت خود مصمم شوند. انگ همراه با همجنسگرایی در اجتماعات اسلامی می‌تواند تأثیر زیادی بر مسلمانانی داشته باشد که خود را گی می‌دانند. در ایران، بیشتر افراد مفاهیم پایه اسلام را در زندگی اجتماعی خود دنبال می‌کنند و بنابراین روابط جنسی نیز تا وقتی با هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده در تضاد نباشد، درست تلقی می‌شود. در چنین نظامی، همجنسگرایی تحمل نمی‌شود، چه رسد به اینکه هنجار اجتماعی پذیرفته‌ای تلقی شود.

مذهب فشار مضاعف دیگری بر اجتماع دگرباشان ایرانی است. همان‌گونه که در فصل اول عنوان شد، باورهای مذهبی همیشه از عوامل و نقش‌پردازان اصلی‌ای بوده‌اند که در نقطه تلاقی اصلاحات اجتماعی پیش‌رو

1. Between Religion and Desire: Being Muslim and Gay in Indonesia, from www.sjsu.edu/.../courses/soci172/s0/10GayMuslim.pdf.

و دوره‌های گذار قرار دارند و در پذیرش همجنسگرایی اخلال ایجاد می‌کنند. جامعه ایرانی ارزش زیادی برای رعایت عرف قائل است و در آن ابراز فردیت نکوهش می‌شود. همچنین بر حفظ «هنجارهای» اجتماعی با نقش‌های تعریف‌شده برای مردان و زنان در یک فضای دوقطبی تأکید می‌شود. همجنسگرایی این نظم اجتماعی را به‌چالش می‌کشد. برای میلیون‌ها نفر دنباله‌روی کورکورانه از یک مذهب عاری از مدارا که اکیداً می‌گوید همجنسگرایی گناهی نابخشودنی است، امری مهم است.

وقتی هنجارهای اجتماعی مقدس در چهارچوب مؤلفه‌های قوانین مورد تأیید اسلام تهدید می‌شوند، مذهب ابزار و واحدی تعدیل‌کننده برای سازماندهی و کنترل رفتارهای اجتماعی می‌شود. برای خانواده، همجنسگرایی

من کاری برای اینکه خدا رو تحت تأثیر قرار بدم، نمی‌کنم. نه نماز می‌خونم، نه قرآن. روزه هم نمی‌گیرم. به خدا قسم می‌خورم و سکس مقعدی دارم.

دوجنسگرایی 28 ساله از تهران

مشابه ترک مذهب (ارتداد) است.

مذهب با ایجاد آشفتگی ذهنی برای فرد می‌تواند فشاری مضاعف بر تصمیمات فردی، اجتماعی، و جنسی فرد وارد کند. تفسیرهای زیادی در گفتمان حاضر وجود دارد که آیا گی بودن در اسلام پذیرفته‌شده است یا نه و بسیاری در تلاش‌اند تا معنویت و تمایل جنسی خود را همسو سازند. آن دسته از گی‌های مسلمان که تمایل جنسی خود را به عنوان عملی غیراخلاقی یا غلط مفهوم‌سازی می‌کنند، همواره در تقلاي عزت نفس هستند. برای مثال، این دیدگاه را در نظر بگیرید که به شکل وسیعی نیز پذیرفته شده است و معتقد است همجنسگرایی گناه است. اسلام موکداً و بدون تردید همجنسگرایی را رفتاری منحرفانه می‌داند. برای افراد دگرباش، شروع شناخت گرایش جنسی با یک ناامیدی معنوی و مذهبی اگزستانسیال سرکوب می‌شود. بسیاری شکی ندارند که همجنسگراهراسی با قدرت در فرهنگ ایرانی باقی می‌ماند. حس درونی‌سازی‌شده مذهب که هسته وجود فرد است، مفاهیم اجتماعی و مذهبی زنانه و مردانه، و رابطه با غیرهمجنس به عنوان تنها رابطه اجتماعی پذیرفته‌شده در چهارچوب اسلامی سبب می‌شوند تا فرد احساسات طبیعی خود را از منشور محکومیت صرف همجنسگرایی و ساختاری مذهبی مورد قضاوت قرار دهد. مشخص است که برچسب‌خوردگی همراه با همجنسگرایی در اجتماعات اسلامی اثرات عمیقی بر مسلمانانی که خود را گی می‌دانند، می‌گذارد.

می‌توان به راحتی دید که چگونه باور مذهبی در نفی همجنسگرایی می‌تواند سبب شود که برخی گی‌های مسلمان همجنسگراستیزی درونی شده‌ای را در خود پرورش دهند. برای آن دگرباشانی که هدف نفرت همجنسگراستیزان قرار می‌گیرند، تقلای درونی ناگزیرشان که گاهی فقط بعد از سال‌ها مواجهه با تمایلات جنسی تعیین شده تغییر می‌کند، به نوبه خود به انکار مذهب و بی‌اعتقادی به جزای مذهبی منجر می‌شود.

افراد دگرباش همواره موضوع تفسیرهای انسانی‌اند و این تفسیرها ممکن است بر اساس زمان و مکان و شرایط اجتماعی تغییر کند. در این راستا، بیشتر پاسخ‌دهندگان حامی تفسیرهای اخلاق‌محورتر متون مذهبی بودند که تکرار گرامی می‌داشتند و برای تفاوت بین مخلوقات خداوند ارزش قائل بودند و در مقابل تفسیرهای غالب از قرآن — که متفکران برای محکوم کردن همجنسگرایی به آنها متوسل می‌شوند — مقاومت نشان می‌دادند.

مسلمانان به داستان لوط در قرآن متوسل می‌شوند (مانند داستان لات در انجیل) تا بگویند که اسلام مردانی که به مردان دیگر عشق می‌ورزند را محکوم می‌کند. گی‌های مسلمان زیادی تفسیر متفاوتی از این داستان دارند و معتقدند که این داستان خشونت را محکوم می‌کند و نه عمل جنسی خاص را¹. برخی از دگرباشان مسلمان در تلاش برای آشتی دادن ایمان و تمایل جنسی خود، بین «اعمال همجنسگرایانه» و «هویت همجنسگرایانه» تمایز قائل می‌شوند تا بر این واقعیت صحه بگذارند که بر اساس طرح الهی غیردگرجنسگرا به دنیا آمده‌اند. بنابراین همجنسگرایی آنها ابراز اراده الهی است و نه یک انتخاب شخصی محض هوس یا امیال پلید. همچنین تعداد کمی از متفکران اسلامی، عمدتاً در غرب، بازبینی آموزه‌های اسلام درباره رابطه جنسی دو همجنس را شروع کرده و نتیجه گرفته‌اند که محکوم کردن صرف تفسیری بسیار اشتباه است².

با این حال، بسیاری از این افراد انتخاب‌های محدودی دارند که عبارت‌اند از: به باورهای خود وفادار بمانید، خودتان باشید، چون نمی‌توانید به ماسک زدن یا انکار تمایل همجنسگرایانه خود ادامه دهید.

1. Muslim attitudes about LGBT are complex, far from universally, from www.usatoday.com/.../muslim-lgbt-gay-views/86046404.

2. Islam and Homosexuality: What does the Koran say, from www.haaretz.com/middle-east-news/1.724908.

در شرایطی که کسی از حمایت خانواده و اطرافیان محروم است و مذهب نیز تسکینی برای فرد نیست و او را طرد می‌کند، جای تعجب ندارد که فرد باورهای مذهبی خود را ازدست می‌دهد و به حمایت منابع سکولار چشم می‌دوزد. در مقابل این، عامل مذهب گاهی افراد را به ایدئولوژی محافظه‌کارانه‌تر سوق می‌دهد. افراد دگرباشی که ترس از واکنش و قضاوت منفی خانواده را همواره با خود داشته‌اند، سعی می‌کنند از خود سازگاری نشان دهند و تا جایی پیش می‌روند که رفتار و گفتار و سبک لباس پوشیدن دگرجنسگراها را تقلید می‌کنند. این محافظه‌کاری می‌تواند به روابط کوتاه‌مدت منجر شود.

روح اسلام چیزی نیست، مگر همدلی و مدارا و درک و با این حال، دگرباشان چندان چهارچوب مذهبی مثبتی در ارجاع به اسلام در دست ندارند. پذیرش یا تأیید همجنسگرایی همچون به‌لرزه درآوردن پایه‌های اسلام دیده می‌شود. با وجود این، نیاز به مذهبی که گروه‌های دگرباشان را به رسمیت بشناسد و بپذیرد که تمایل دارند سکولار باشند، در این مقطع از زمان دیده نمی‌شود. این امر سبب شده است که بسیاری از افراد راهی جدید به سوی نیروهای متافیزیکی و ایدئولوژی‌های معنوی جایگزین در زندگی خود درپیش گیرند تا اینکه بخواهند مذهب غالب و حاکم اسلام را دنبال کنند. این مفاهیم شامل انسانیت، باور به کرامت انسانی به عنوان مذهب واقعی یا تمایل به عرفان‌های تازه‌ای می‌شود که به سیالیت جنسی اعتقاد دارند. احتمالاً قرن حاضر می‌تواند روایت تاریخی آمیختگی و مدارا و همزیستی باشد که از حمایت سطحی و هشتگ همبستگی به مراتب فراتر رفته است.

همان‌گونه که روایت‌های منتخب ذیل از صداهای غمزده دگرباشان شرکت‌کننده در این پژوهش نشان

می‌دهند، سفر به سوی پذیرش سفری سخت است.

به یاد دارم که تو کوچیکی با مادر و پدرم به مسجد می‌رفتم، اما بعد از این مسائل و مشکلات، در وهله اول حالت تدافعی نسبت به خدا پیدا کردم، چون واقعاً تحت فشار بودم. خدا می‌تونست من رو هم مثلاً افراد دیگه همجنس‌م خلق کنه، می‌تونستم زندگی عادی داشته باشم، ازدواج کنم، بچه‌دار بشم. می‌تونستم راحت زندگی کنم. من هنوز هم همون احساس رو دارم. مسئله‌ای که ما با اون روبه‌رو هستیم، گاهی واقعاً باعث می‌شه باورهامون رو نادیده بگیریم، اما این مشکل سبب شد بسیاری از باورهام رو از دست بدم. دوست دارم روزی بمیرم و فقط از خدا بپرسم چرا. کسانی هستن که من با اونا در ارتباط هستم و برخی دیگه مثلاً من همین مشکل رو دارن. من واقعاً خسته شدم.

ل‌زبین 31 ساله از مشهد

حالا گروه‌هام [گروه دگرباشان در تلگرام] رو پاک می‌کنم و فردا دوباره تو گروه‌ها می‌گردم تا چیزی بهتر پیدا کنم. گروه‌هام رو پاک می‌کنم،

تلفنم

بازم

ما محکوم هستیم. ما در کشوری مسلمان زندگی می‌کنیم، والدین ما مسلمان‌اند و طبیعتاً ما مسلمان هستیم. ما به خدا و روز قیامت باور داریم، اما این باور ضعیفه. اما من ایمان دارم. من خدا رو انکار نمی‌کنم. باین حال، رابطه دارم، سکس دارم و همیشه سعی کردم این دو بُعد رو از هم جدا کنم. برای من، دگرجنسگرا یا همجنسگرا بودن به خدا و مذهب و آخرت ربطی نداره. من اونا رو به هم مربوط نمی‌کنم. من فکر نمی‌کنم گناهی کردم. باورهای مذهبی من ضعیف‌اند، اما من این موضوع رو به راحتی پذیرفتم و مشکلی ندارم.

گی 23 ساله از اصفهان

8-1. تماس همجنسگرایان با قانون

دگرباشان در ایران مورد آزار و هجوم قرار می‌گیرند. قوانین علیه آنها است. آنها در مقابل آزار و سوءاستفاده و خشونت خانواده و جامعه آسیب‌پذیرند. رابطه‌ای ابدی و جدایی‌ناپذیر بین مذهب و هنجارهای جنسی در ایران و نظام حقوقی و قوانین خشن آن وجود دارد که بر این اساس، افرادی که مذهب و هنجارهای جنسی را رعایت نمی‌کنند، مجازات می‌شوند. مجازات‌های قانونی از طرف دولت، نظام قضایی، و بازیگران غیردولتی مانند مدارس و اجتماعات و خانواده‌ها اعمال می‌شود. قوانین ایران در قبال تبعیض یا آزار این گروه به دلیل گرایش جنسی یا هویت

جنسیتی خاصشان از آنها حمایت نمی‌کند. افراد دگرباش از این حق قانونی که به آنها این امکان دهد که خودشان باشند، محروم‌اند.

قانون مجازات اسلامی ایران از واژه لواط در ارجاع به نام حضرت لوط (لوط در قرآن) و داستان لواط استفاده می‌کند. ربط این داستان به همجنسگرایی محلّ مناقشه است، اما همین کفایت می‌کند که مقامات مذهبی در ایران تصمیم گرفته‌اند تا چنین تفسیری را درپیش بگیرند.

در راستای قانون مجازات اسلامی ایران — که به تفصیل در فصل یک کتاب‌های پیشین مؤلف¹ مورد بحث قرار گرفته است — خلأ غیرقابل انکاری بین مصوبات جزایی و واقعیت‌های اجرایی وجود دارد. مطالعه اخیر نشان می‌دهد که مجازات‌ها برای رابطه همجنسگرایانه (به فصل چهارم نگاه کنید)، بچه‌بازی، و لزبین بودن ترکیبی از مجازات‌های بدنی مانند شلاق است و در صورت تکرار عمل و وجود شواهد و مدارک، فرد همجنسگرا به مجازات مرگ یا سنگسار محکوم می‌شود، هرچند سال‌ها است که چنین حکمی صادر نشده و به نظر می‌رسد نظام قضایی و پلیس اجتماع دگرباشان را، تا جایی که در تعداد بالا جمع نشوند و نامرئی باقی بمانند، تحمل می‌کند.

امروزه در ایران، توجه به قوانین همچنان بار سنگینی بر اجتماع دگرباشان تحمیل می‌کند. گرچه این قوانین ناقض حقوق بشر دانسته می‌شوند، تاریخ و پیشینه اجرایی آنها در جامعه ایرانی به سال 2005 میلادی بازمی‌گردد. بازخورد مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که آنها لغو چنین مجازات‌هایی را محتمل نمی‌دانند.

وقتی از اقلیت‌های جنسی درباره اطلاعات حقوقی آنها پرسیده می‌شد، بسیاری درباره جزئیات اجرای قوانین سردرگم بودند، هرچند برخی شرکت‌کنندگان از کلماتی مانند اعدام یا سنگسار و شلاق استفاده می‌کردند. آن‌گونه که مشاهده شد، در حالی که بسیاری از اقلیت‌های جنسی مشارکت‌کننده شدیداً احساس می‌کردند که تحت کنترل‌اند، حسی از بی‌اعتنایی در مورد مجازات‌ها نیز در بین آنها دیده می‌شد، زیرا اخیراً هیچ موردی از اعدام و سنگسار گزارش نشده است و بسیاری احتمال چنین مجازات‌هایی را بسیار پایین می‌دانستند. احاطه شدن

1. الف) احمدی، کامیل. (1396). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه؛

ب) همان. (1395). سنت: پژوهشی جامع درباره ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه؛

ج) همان. (1398). خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع بر باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران. تهران: شیرازه.

در یک دایره امن سبب شده بود تا بسیاری در یک حالت تدافعی زندگی کنند و این شیوه اشتباه سبب می شود بسیاری تصور کنند در فضای خصوصی خود امنیت دارند و می توانند رابطه جنسی خود را محرمانه نگه دارند. با وجود اینکه در سطح فردی نگرانی هایی در مورد قوانین وجود دارد، بسیاری در گروه کوچک اجتماعی ای خود را جا داده اند که تنها بر پنهان ماندن و عضو نامرئی جامعه بودن تأکید می کند. به نظر می رسد که مقامات ایرانی معمولاً چشم خود را بر رخداد های اجتماع گی ها می بندند، اما حتی همین مرز قراردادی مدارا نیز می تواند با خطر همراه باشد.

نیروهای ناخوشایندی که کنترل، قدرت، و نظارت را بر میل جنسی افراد اعمال می کنند — هرچند ممکن است مانند قوانین جزایی و پلیس نیروی بیرونی و جبری باشند — معمولاً به نیروهای بیدار شده ای تبدیل می شوند که خود فرد در درون می سازد و در این حالت، فرد در گرداب خودسانسوری و نفرت فرومی رود. عجیب اینکه هرچند ترس دستگیری از سوی پلیس یا مجازات اعدام وجود دارد، این ترس تحت الشعاع نگرانی های آنها از بی آبرویی خانواده یا افشای هویت جنسی شان قرار می گیرد که سال ها با دقت مخفی نگه داشته شده بود.

با توجه به مسائل مذکور، می توان تصویر روشن تری از تأثیر قانون بر زندگی افراد دگرباش داشت. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه اقدامات پلیس تنها علیه تجمع اقلیت های جنسی در اماکن عمومی مانند پارک ها و کافه های مرکز شهر است، همان جاهایی که توجه پلیس به جمعیت های بزرگ جلب می شود. این پارک ها پاتوق های نسبتاً شناخته شده اجتماع دگرباشان محسوب می شوند. در طی مصاحبه ها، شرکت کنندگان ابراز کردند که سطح معاشرت آنها به ملاقات در اماکن شناخته شده عمومی مانند پارک هایی خاص در شهرهای بزرگی مثل تهران و مشهد و اصفهان تقلیل یافته است.

این نوع پاسخ امنیتی روش کلاسیکی برای برقراری یک فضای معتدل و رادیکال سنت گرا و کنترل اجتماعات انسانی در مقاطع مختلف به دلایلی همچون علاقه اجتماعی یا نظارت بر تعاملات است. این پاسخ پاسخی به پیچیدگی و درهم تنیدگی جدید و قدیم از طریق پرداختن به تهدیدات است، اما هدف اصلی دستگیری یا اعمال مجازات نیست، بلکه ظاهراً متفرق کردن جمعیت های بزرگ در اماکن عمومی شناخته شده به دلایل امنیتی است.

با وجود جنایت‌هایی که علیه گی‌ها در ایران صورت می‌گیرد، تحلیلی عمیق‌تر از چنین واکنشی نشان می‌دهد که در واقعیت، آگاهی عمومی دگرجنسگرایان از همجنسگرایی پایین است. مهم نیست چه منطقی مطرح باشد، واقعیت وجود اقلیت‌های جنسی را نه می‌توان انکار کرد و نه می‌توان نادیده گرفت. با این حال، آنچه در اینجا مهم است، آن است که از بین بردن ظاهر اقلیت‌های جنسی به معنی مخفی کردن یا پوشاندن وجود آنها نیست. ممکن است راهبرد اجتناب از پررنگ کردن وجود آنها و بنابراین کسب جایگاه قانونی و توجه رسانه‌های بین‌المللی باشد. نظام امنیتی حاکم اصراری بر جلب توجه به این گروه — که همهٔ هنجارهای پذیرفته‌شده رفتار جنسی را کنار زده — ندارد؛ چنانکه رئیس‌جمهور پیشین ایران، محمود احمدی‌نژاد، در سفر خود به نیویورک در سال 2007 میلادی، در دانشگاه کلمبیا گفت: «ما در کشورمان [ایران] مانند کشور شما همجنسگرا نداریم»¹. این اظهارنظر تعجب‌آور شاید صددرصد غلط نباشد، چراکه همجنسگرایی غیرقانونی است و مجازات دارد و تصور اینکه کسی آزادانه به عنوان یک گی در ایران زندگی کند، مشکل است. با این حال، سخن احمدی‌نژاد به‌وضوح اشتباه بود، چراکه گی‌های ایرانی زیادی در سایه زندگی می‌کنند. نکته فقط آن است که دولت تاکنون تصمیم به نادیده انگاشتن آنها گرفته است².

متفرق ساختن گروه‌های همجنسگرا و جلوگیری از تجمع آنها در اماکن عمومی در مناسبت‌هایی مانند تولد، تفریح، سالگرد مثلاً تأسیس کانال تلگرامی و موارد دیگر نشان می‌دهد که جامعهٔ ایرانی برای پنهان کردن اقلیت‌های جنسی تا کجا پیش می‌رود. این اقدامات برای آرام کردن اکثریتی انجام می‌شود که از همجنسگرایی می‌ترسند و از آن منزع‌جند.

در کار میدانی حاضر، تیم پژوهشی شاهد تهدید گاه‌به‌گاه پلیس بود. پلیس و حضور نیروهای گشت ارشاد چندین بار در خلال کار میدانی، در پارک‌ها، روند مصاحبه را متوقف کردند و باعث شدند شرکت‌کنندگان متفرق شوند تا شناسایی نشوند. لازم به ذکر است که روش کار میدانی در شهرهای تهران و مشهد و اصفهان متفاوت بود

1. A Rare Glimpse Into Iran's Underground Gay Community, from www.towleroad.com/2014/12/when-then-presidentmahmoud.

2. We don't have any gays in Iran,' Iranian president tells Ivy, from www.dailymail.co.uk/news/article-483746/We-dont-gays.

و حتی این تفاوت در ناحیه‌های مختلف یک شهر نیز وجود داشت. علاوه بر مشکل تأمین امنیت شرکت‌کنندگانی که مایل به مصاحبه بودند، این حمله‌ها باعث می‌شد تا مصاحبه‌ها مختل شوند.

در یکی از مصاحبه، مرد همجنسگرایی از مشهد احساسش را این‌گونه بیان کرد:

اجتماعات اقلیت‌های جنسی آسیب‌پذیری فعلی رو بر اساس بافتار و نوعشان برمی‌انگیزن. جمع شدن برای جشن تولد یا سالگرد در صورت حضور افراد تراجنسیتی یا کسانی با آرایش و پوشش خاص، باعث واکنش‌های مختلف پلیس می‌شه. مخصوصاً تو مشهد و تهران شنیدم که اتفاقای خوبی برای همجنسگراها افتاده، مثلاً مهمونی یا چیزای دیگه، اما مشهد محلّ حرم شخصیت مهم مذهبی هست و به همین دلیل، وحشتناکه، اصلاً نمی‌دانم چرا.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود، ما متوجه شدیم که حس اعتماد در اقلیت‌های جنسی، به دلیل تجارب دردآور از دستگیری توسط پلیس و حمله به مهمانی‌ها یا اماکن عمومی، از بین رفته است. جهت اعتمادسازی با مصاحبه‌شوندگان در گفت‌وگوهای رودررو لازم بود که تیم تحقیق میدانی زمان و انرژی بیشتری صرف کند. در طول تحقیق، بسیاری از افراد قرار خود را در آخرین لحظه حتی بعد از پیگیری‌های چندباره برای ترتیب دادن ملاقات لغو می‌کردند، چون اعتماد نداشتند و از شناسایی شدن می‌ترسیدند. به طور خاص، اعضای تیم کار میدانی در اصفهان با این لغو ملاقات‌های لحظه آخر به‌دفعات مواجه شدند. بنابراین در انتخاب نمونه‌های بزرگ‌تری از همجنسگرایان تلاش بیشتری شد.

تفسیر مصاحبه‌ها نشان داد که اضطراب‌ها و دغدغه‌های اقلیت‌های جنسی الزاماً به نیروهای امنیتی دولت محدود نمی‌شد و افشای بالقوه گرایش جنسی آنها نزد خانواده، دوستان، و اقوام نیز برایشان نگرانی دیگری بود.

9-1. معافیت سربازی شانس یا راه دفاع

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، آشکارا گی بودن شرایط زندگی فرد را بسیار سخت می‌کند. داشتن ظاهری زنانه به‌خودی‌خود باعث دردسر می‌شود، چه رسد به افشای هویت جنسی. افشای هویت جنسی به عنوان یک گی در ایران عواقبی به همراه دارد، زیرا همجنسگرایی از بزرگ‌ترین تابوها، چه در سطح اجتماعی و چه در سطح قانونی، است. اما این تابو خود را به شکل یک پارادوکس در مورد مسئله خدمت سربازی نشان می‌دهد. درواقع، خدمت

کردن در جایگاه سرباز موضوعی پیچیده در تحلیل اقلیت‌های جنسی در ارتش است و محیط بسته پادگان و دو سال خدمت اجباری می‌تواند تمایلات همجنسگرایانه را سبب شود.

معمولاً وقتی مردی به سن قانونی می‌رسد (18 سال)، باید به خدمت سربازی اجباری دوساله برود. همه مردان سالم و توانایی که ترک تحصیل می‌کنند یا از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند، در صورتی که به دانشگاه راه پیدا نکنند، باید به خدمت سربازی بروند. با کامل شدن این دوره دوساله کارتی با عنوان کارت پایان خدمت سربازی صادر می‌شود. داشتن این کارت می‌تواند زندگی حقوقی و قانونی یک مرد را در قبال استخدام، اخذ گذرنامه و سایر موارد آسان‌تر کند. بدون این کارت، مرد ایرانی نمی‌تواند رسماً دارایی منقولی را خرید و فروش کند، در فعالیت‌های رسمی بخش عمومی شرکت نماید، به استخدام دولت دربیاید، یا گذرنامه دریافت کند. حتی برخی شرکت‌های بخش خصوصی از استخدام افراد فاقد کارت پایان خدمت سربازی امتناع می‌کنند.¹

خدمت اجباری سربازی، گاهی به دلیل طولانی بودن زمانش و اینکه افراد باید فقط در خدمت ارتش باشند و همه شرایط محدودکننده‌اش، مطلوب نیست و بعضی افراد سعی می‌کنند راهی برای اجتناب از آن پیدا کنند. خانواده‌های متمول‌تر به هر دری می‌زنند تا خدمت سربازی را دور بزنند، چه از راه رشوه باشد، چه فرستادن قاچاقی فرد به خارج از کشور، یا تمارض و راه‌های دیگری که برای فرار از خدمت پیدا می‌شود.² معافیت از خدمت قوانین و مقررات خاصی دارد که گاه تعدیل می‌شوند. بنابراین با تغییر دادن یکی دو کلمه در یک بند قانونی، می‌توان زندگی تعداد زیادی از افراد را دستخوش تغییر کرد.

فرایند دریافت معافیت وقت‌گیر است و مستلزم ارائه مدارکی دال بر تراجنسیتی یا همجنسگرا بودن است. فرد باید آزمایش‌های پزشکی و ارزیابی‌های روانی را پیش از شروع این تجربه دوساله انجام دهد. گاهی فرد همجنسگرا درباره نقش یا موقعیت جنسی خود دروغ می‌گوید و تظاهر می‌کند که شریک جنسی مؤنث است یا آرایش و پوشش خاصی را انتخاب می‌کند تا رأی دادگاه را به نفع خود بگیرد و معاف شود. در چنین مواردی،

1. Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption – Al-Monitor, from www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/.

2. Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption – Al-Monitor, from www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/.

همجنسگرایی یک تمایل جنسی بیولوژیک نیست، بلکه تظاهر بیرونی چیزی است که ظاهری زنانه دانسته می‌شود. علاوه بر آرایش و پوشش و ظاهر، اندازه یک فرد نیز نشانه مشخص تعیین‌کننده دیگری است و افراد همجنسگرا با بدن‌های مردانه درشت شانس کمتری برای برنده شدن در دادگاه دارند.

اگر کارشناسان یا پزشکان با شواهدی مبنی بر «همجنسگرا بودن» روبه‌رو شوند، سرباز آینده را برای ارزیابی‌های بیشتر ارجاع می‌دهند. اگر تشخیص فیزیولوژیکی همجنسگرایی فرد را تأیید کند، معافیت رسمی دائمی برای فرد صادر می‌شود. در مرحله تشخیص، اغلب اوقات و نه همیشه، یک آزمایش مقعدی کامل پراسترس و کاملاً تحقیرکننده بعد از ارزیابی روانی انجام می‌شود. اگر مشاهده پزشک شواهدی مبنی بر وقوع دخول بین دو همجنس را نشان داد، این موضوع به صورت مکتوب به ارتش فرستاده می‌شود. در برخی موارد، آزمایش‌های جزئی‌تری نیز انجام می‌شود تا تصمیم‌گیران از وضعیت متقاضی مطمئن شوند و اطمینان حاصل شود که ادعای همجنسگرایی صحت دارد و راهی برای فرار از خدمت سربازی نیست¹.

شرکت‌کنندگان تجربیاتی از تحقیر و خواری بی‌رحمانه‌ای را بیان کردند که به عنوان بهای دریافت کارت معافیت پرداخت کرده بودند. آنها شرکت در کلاس‌های اجباری بیست نفره یا بیشتر را گزارش کردند. درواقع، کلاس‌های اجباری سکویی برای ابراز ایدئولوژی ضد همجنسگرایی از طریق تحقیر و شرم است. در این کلاس‌ها، مشاور سعی می‌کند این افراد را قانع کند تا گرایش جنسی خود را تغییر دهند و به دگرجنسگرایی برگردند. به آنها گفته می‌شود که میلشان به همجنس یک بیماری است. شرکت‌کنندگان از تحقیر، اتهام، و سرکوب ایده‌ها و صحبت‌های مختلف خود به عنوان تجربه‌ای مکرر در این کلاس‌ها یاد کردند. بر اساس بازخورد شرکت‌کنندگان، علاوه بر شرکت در کلاس‌های روانشناسی، افراد آزمایش‌های دیگری نیز انجام می‌دادند و بسیاری باید پیش از دریافت کارت معافیت از خدمت سربازی، آزمایش‌های هورمونی را نیز انجام می‌دادند.

همچنانکه اشاره شد، گرفتن کارت معافیت از خدمت سربازی به‌شدت برای مردان همجنسگرا و دگرجنسگرا متفاوت است. برای دگرجنسگراها، معافیت، یعنی حفظ دو سال از جوانی، ازدواج، شانس تحصیل و

1. Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption – Al-Monitor, from www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/.

پیدا کردن شغل، اما برای همجنسگرایان، هرچند معافیت برای لحظه‌ای به آرامش و امنیت می‌رسد، به سرعت به اضطراب حاصل از زندگی در میان کسانی می‌انجامد که ممکن است به آنها حمله کنند. در پی این آرامش کوتاه مدت، مسئله اشتغال به میان می‌آید که موضوع بسیار مهمی است. یکی از پیامدهای محسوسی که افراد جویای کار دارای کارت معافیت از خدمت سربازی احساس می‌کنند، آن است که معافیت آنها پیدا کردن شغل را برایشان به شدت سخت کرده است. درواقع، داشتن این کارت سبب می‌شود که فرد در بازار کار خریداری نداشته باشد.

بیماری روانی یا اختلال شخصیت دلایلی اند که روی کارت معافیت از خدمت سربازی ذکر می‌شوند و اختلال شخصیت عبارتی نرم تر برای همجنسگرایی دانسته می‌شود. گاهی این کارت‌ها شماره قانونی که تحت آن به این افراد معافیت داده شده است را نیز نشان می‌دهند که در این صورت، تشخیص علت معافیت برای بیننده بسیار آسان خواهد بود و از آنجا که بسیاری از کارفرمایان با استخدام مردان همجنسگرا راحت نیستند، به دست آوردن شغل برای گی‌های معاف شده بسیار دشوار است. یافتن شغلی در بخش دولتی یا هر شرکت و سازمان دولتی برای مردان گی سخت است. این امر عواقب اقتصادی روشنی به بار می‌آورد. انگ و تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی که اساساً روی این کارت‌ها ذکر می‌شود، می‌تواند به درآمد کمتر و فرصت‌های شغلی محدودتر برای افراد دگرباش منتهی شود.

ممکن است مقامات ترجیح دهند درباره شیوع همجنسگرایی سکوت کنند، اما می‌توان گفت که وقتی نوبت خدمت سربازی می‌رسد، همه چیز آشکار می‌شود.

10-1. خدمات مشاوره و کمک‌های دیگر

همان‌گونه که به تفصیل در فصل‌های گذشته شرح داده شد، رفتن نزد یک دکتر یا روانشناس با مجموعه‌ای از نیت و اهداف انجام می‌شود. یک تفاوت بزرگ این است که وقتی کسی نزد پزشک می‌رود، به دنبال درمان و تسکین نشانه‌های فیزیکی غیرعادی است و امیدوار است که مداخلات پزشکی از تجویز دارو تا عمل جراحی به او کمک کند، اما هنگامی که کسی نزد یک روانپزشک می‌رود، معمولاً پای آسیبی روانی در میان است. زمانی که یک

دگرباش به سراغ روانپزشک می‌رود تا موضوعی را درباره‌ی گرایش جنسی خود مطرح کند، معمولاً به دنبال درمان یا تغییر نیست، بلکه در تلاش برای رویاروی با تمایل جنسی خود و به دنبال یک نوع آشتی است.

همان‌طور که دریافت‌ها از «دلایل» همجنسگرایی منعکس‌کننده‌ی ترس‌های جامعه است، درمان نشان‌دهنده‌ی مجازات‌های درست برای خطاهای فرضی آنها است. افراد دگرباش رنج بسیاری را متحمل می‌شوند، زیرا یاد گرفته‌اند که در وهله‌ی نخست عمدتاً از جامعه و سپس از اجتماع علمی‌ای در رنج باشند که همجنسگرایی را یک بیماری روانی اعلام می‌کند. زیر پوشش همه‌ی این تلاش‌های روانکاوان و روانپزشکان برای تغییر جنس، این باور فلسفی اساسی وجود دارد که رفتار و گرایش جنسی انسانی به طور بالقوه انعطاف‌پذیر است.

روانپزشکان بسیاری با راه‌حل‌های «منفی» به این مسئله پاسخ داده‌اند. برای مثال، روانشناسی رابطه با فردی از جنس مخالف را با هدف تغییر گرایش جنسی فرد پیشنهاد می‌دهد. این راه‌حل‌ها نهایتاً سبب ورود شرکت‌کنندگان به روابط پیچیده‌تری می‌شود که برانگیختگی جنسی و غم را در پی خواهند داشت و به احساس ازدست رفتن هویت می‌انجامند.¹

با وجود اجماع کلی بر این موضوع که همجنسگرایی بیماری روانی نیست، روانپزشکان «کارکشته‌ای» در ایران وجود دارند که همجنسگرایی را بیماری می‌دانند و سعی می‌کنند فرد را درون چهارچوب تعریف‌شده‌ی نقش‌های جنسی قرار دهند. بی‌ثمری و نقص این نوع مشاوره به بیماران سبب شده است که روانپزشکان شرکت‌کنندگان دگرباش را در مقاطع پی‌درپی به یکدیگر معرفی کنند. هرچند این روش ممکن است نتایج احتمالی کوتاه و مثبتی داشته باشد، اثر منفی غیرقابل‌اجتنابی نیز خواهد داشت، زیرا هریک از این روانپزشکان با روش‌های مختلف و به طور مجزا به این افراد و خانواده‌های آنها واکنش نشان می‌دهند. این رویکردها مطمئناً سبب می‌شود تا فرد دگرباش جلسات مشاوره را ترک کند، چراکه ملاقات‌ها بی‌فایده به نظر می‌رسند و در بهبود جایگاه و احساسات او نقشی ندارند. یافته‌های پیمایشی که در میان دگرباشان مشهد و اصفهان انجام شد، نشان داد که دگرباشان احساسی ناخوشایندی به درمان روانپزشکی دارند.

1. *History of Treatment/The Medical Treatment of Homosexuality* (edited by Cabaj & Stein), (1996). American Psychiatric Association.

اقلیت‌های جنسی به نقش مشاوران و روانپزشکان بی‌اعتمادند و نسبت به آنها نگرشی منفی دارند. احتیاط و محافظه‌کاری مستمری که همواره در همه زندگی با دگرباشان همراه است، حتی در حضور یک مددکار اجتماعی یا روان‌کاو نیز ادامه می‌یابد. بی‌اعتمادی به فرد اجازه نمی‌دهد تا سپرش را بر زمین بگذارد و مشکلات خود را بازگو کند. او از درخواست دریافت حمایت یا مشاوره و توصیه‌ای مفید عاجز است.

موضوع مهم دیگر دوگانه جنسیت در این ملاقات‌ها است. مردان تمایل کمتری برای ابراز «ضعف» از خود دارند. از طرف دیگر، شرکت‌کنندگان زن برای کمک و مشاوره گرفتن مشتاق‌تر بودند. با توجه به اینکه روانشناسی در فرهنگ عمومی مسئله‌ای جدید است، مراجعه به روانپزشک همچنان یک انگ و برچسب محسوب می‌شود. این مطالعه نشان داد که در بین شرکت‌کنندگان مرد، درخواست کمک حرفه‌ای نشانه‌ای از ضعف شمرده می‌شد. مراجع ترجیح می‌دهد در حین وارد شدن به دفتر مشاوره دیده نشود، چراکه نمی‌خواهد فردی ناتوان از حل مسائل خود دانسته شود.

شاید توضیح کمی درباره محیط روانی و فرهنگ مراجعه به مشاور در ایران بتواند در اینجا مفید واقع شود. در دهه‌های اخیر، علم روانشناسی برای عموم شناخته شده است، چراکه امروزه مراکز قابل دسترسی به عنوان محل مراجعه وجود دارد که فرد در صورت مواجهه با مشکلات شخصی یا خانوادگی، روانی و عاطفی می‌تواند به آنها رجوع کند.

در حال حاضر در ایران، دو مرجع صدور مجوز در حوزه روانشناسی به عنوان یک حرفه علمی وجود دارد: الف) نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ب) سازمان بهزیستی ایران. با در نظر گرفتن این دو در حوزه مشاوره به عنوان یک حرفه، دریافتیم که دو نوع متفاوت از کارشناسان در این حیطه وجود دارند: الف) روانشناسان و مشاورانی که برای دولت کار می‌کنند، ب) آنهایی که مطب خصوصی دارند. روانشناسان دسته اول دانش و اطلاعات کمی درباره مسائل مربوط به گرایش جنسی در اجتماع کاری خود دارند و نهایتاً اختیار و کنترل چندانی بر اجرای ایده‌های خود ندارند.

برخی افراد هنگامی که استطاعت پرداخت هزینه مشاوره‌های خصوصی را ندارند، روانشناسان دولتی را انتخاب می‌کنند. این افراد به روانشناسانی از سازمان بهزیستی به عنوان مراجع معرفی می‌شوند تا از جلسه‌های

مشاوره رایگان بهره‌مند شوند. در این جلسه‌ها، کارشناسان راهبردها و راه‌حل‌های محدودی برای درمان «بیماران همجنسگرا» دارند. این روانشناسان عمدتاً کارمند دولت‌اند. در حال حاضر، هنگامی که همجنسگرایی جایی در قوانین ایران ندارد، مشاوره با یک روانشناس دولتی قابل‌درک نیست. در حالی که روانشناسی که پذیرش گرایش جنسی را به عنوان یک رخداد طبیعی در طیف جنسی پیشنهاد می‌کند، اساساً موضعی علیه اصول تعریف‌شده از سوی کارفرمای خود، یعنی دولت، می‌گیرد و این امر ممکن است حتی به لغو پروانه کار روانشناس منتهی شود. گروه دوم افرادی معمولاً از خانواده‌های متمول‌اند که می‌توانند از لحاظ مالی به روانشناسان خصوصی‌ای مراجعه کنند که در مراکز شهری مطب خصوصی دارند و اصلاً به دولت وابسته نیستند. این روانشناسان درک نسبتاً بهتری از مسائل هویت جنسی دارند و شاید کمتر نگران تشخیص علت و تمرکز بر درمان همجنسگرایی باشند. بنابراین آنها می‌توانند با قدرت و اختیار بیشتری مشاوره بدهند.

11-1. خشونت و سلامت روان همجنسگرایان

مطالعه‌ای با مقایسه روش‌های وابستگی در میان دگرباشان و دگرجنسگرایان نشان می‌دهد که با توجه به سطح استرس، تفاوت مشهودی بین سبک‌های عاطفی همجنسگرایان و دگرجنسگرایان وجود دارد. در برخی از فرهنگ‌های غربی، مردان به پشت یکدیگر می‌زنند یا همدیگر را درآغوش می‌کشند و این تنها نشانه محبت دوطرفه است که از نظر اجتماعی پذیرفته شده است. در مقابل، در ایران دگرباشان بسیاری این محبت را نمی‌توانند در جمع نشان نمی‌دهند.

برای دگرباشان، مخفی‌کاری و ترس از شناسایی با پایان نوجوانی به پایان نمی‌رسد. برای مثال، مطالعات مربوط به تجربه دگرباشان در محیط کار نشان می‌دهد که ترس از تبعیض و پنهان کردن گرایش جنسی رایج است¹ و پیامدهای شغلی، سلامتی و روانی مخربی خواهد داشت. این مطالعات نشان داد که دگرباشان راهبردهای

1. Croteau, JM. (1996). Research on the work experience of lesbian, gay, and bisexual people: An integrative review of methodology and findings. *Journal of Vocational Behavior*, 48, pp. 195-209.

پنهان‌سازی و افشای هویت را برای مقابله با ترس از یک طرف، و نیاز به انسجام شخصیتی از طرف دیگر درپیش می‌گیرند¹.

افرادی که پذیرش کمتری در مورد گرایش جنسی خود دارند، در مقایسه، سطح بالاتری از استرس دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین رویکردهای منفی جامعه و سطح استرس افراد دیده می‌شود. نیاز همیشگی نقاب زدن بر هویت واقعی خود همراه با انگ دگرباشی از طرف فرهنگ جامعه می‌تواند به مشکلات حاد روانی منجر شود. زندگی در نظام خشک ایران و طبعاً کنار آمدن با برچسب خوردن و انگ اجتماعی و نکوهش در جامعه‌ای سنتی دشوار است. نرخ مشکلات سلامت روان به طور خاص در افراد دوجنسگرا و کسانی که می‌ترسند یا انتخاب می‌کنند که هویت جنسیتی یا گرایش جنسی خود را افشا نکنند، بالا است، اما آنهایی که خود را بخشی از این اجتماع نمی‌دانند، معمولاً باید به‌تنهایی با تبعیض مبارزه کنند، تجربه‌ای که اغلب سبب انزوا می‌شود و سلامت عاطفی و روانی فرد را مخدوش می‌کند. هرچند همه دگرباشان با چالش سلامت روان، تبعیض، یا خشونت روبه‌رو نمی‌شوند، افراد زیادی سلامت و رضایت روان را گزارش نمی‌کنند.

نرخ واقعی افسردگی و اضطراب در میان لژیین‌ها مشخص نیست و در مطالعات مختلف، داده‌ها کاملاً متفاوت‌اند، اما در مجموع، متون موجود نشان می‌دهد که لژیین‌ها نرخ بالاتری از مشکلات روانی را به خود اختصاص می‌دهند. مطالعات جمعیت‌محور بهترین داده‌ها را فراهم می‌کند. مطالعه‌ای ملی در ایالات متحده آمریکا نشان داد که نرخ اختلال اضطراب در میان لژیین‌ها بیشتر از زنان دگرجنسگرا است².

1. Waldo, CR. (1999). Working in a majority context: A structural model of heterosexism as minority stress in the workplace. *Journal of Counseling Psychology*, 46, pp. 218-232.

2. Cochran, S.D.; Mays, V.M.; Sullivan J.G. (2003). Prevalence of mental disorders, psychological distress, and mental health services use among lesbian, gay, and bisexual adults in the United States. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 71(1), pp. 53-61.

در عوض، مطالعه دیگری در هلند نرخ بالاتری

از افسردگی را در میان لزبین‌ها نسبت به زنان دگرجنسگرا نشان داد و نه نرخ بالاتری از اضطراب را¹. همین مطالعه نشان داد که لزبین‌ها دو برابر دیگران دست‌کم دو بار در زندگی دچار مشکلات

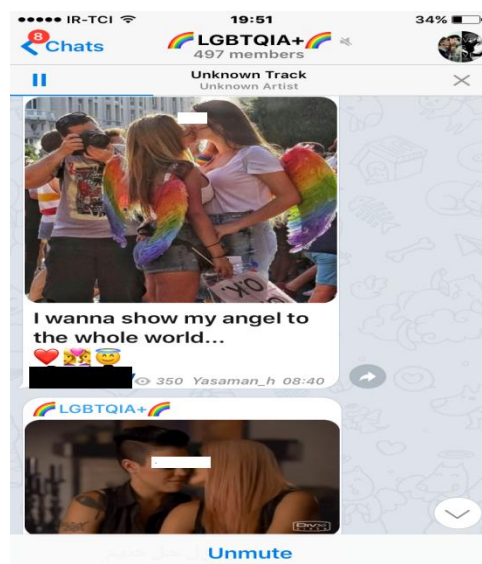
فکر می‌کنم آخرش هر زنی باید به مردی تکیه کنه. حتی در روابط لزبینا، کسی که نقش شریک قوی‌تر رو بازی می‌کنه، همچنان به کسی قوی‌تر از خودش نیاز داره تا به اون تکیه کنه.

لزبین 18 ساله از اصفهان

سلامت روان می‌شوند. ریسک افسردگی و دیگر مشکلات سلامت روان، از جمله افکار خودکشی، ظاهراً در بین لزبین‌هایی که هویت جنسی خود را افشا نکرده‌اند² و آنهایی که تجربه زورگویی و تبعیض داشته‌اند، بالاتر است.

نهایتاً مجموع مشکلات مزمنی که بیشتر

اقلیت‌های جنسی روزانه تجربه می‌کنند، همچون تمسخر در خانه و مدرسه و محیط کار و حتی در خیابان، خطر بالای دستگیری، بهره‌کشی، زورگویی، و آزار جنسی به شرایط ناعادلانه، غیرانسانی، و غیرقابل تحمل زندگی منجر می‌شود. بسیاری با سرکوب اجتماعی و حاکمیتی زندگی می‌کنند. وقتی چنین شرایطی ثابت باقی می‌ماند، راه برای آسیب‌های اجتماعی بیشتر مانند اچ‌آی‌وی، خشونت، اختلال روانی، افسردگی، و خودکشی بیشتر باز می‌شود.



می‌خواهم فرشته‌ام را به همه دنیا نشان دهم.

1. Sandfort, T.G.; et al. (2001) Same-sex sexual behavior and psychiatric disorders: findings from the Netherlands Mental Health Survey and Incidence Study (NEMESIS). *Archives of General Psychiatry*, 58(1), pp. 85-91.

2. Koh, A.S; Ross, L.K.(2006). Mental health issues: a comparison of lesbian, bisexual and heterosexual women. *Journal Homosex*, 51(1), pp. 33-57.

در بسیاری از موارد، فرد هیچ مفّری از این محیط واپس‌زننده مزمن نمی‌یابد و اغلب به خودکشی متوسل می‌شود. آنچه در طول این تحقیق مشخص شد، این بود که برخی از شرکت‌کنندگان اقدام به خودکشی کرده بودند و بیشتر آنها داستان‌هایی از تلاش‌های ناکام خود برای پایان دادن به زندگی خود بازگو کردند.

به گفته‌ی عابد (۲۰۰۶)، از هر سی نفر گی، بیست نفر در مقطعی از زندگی دست به خودکشی زده بودند. بر

دانشجو بودم دختری رو دیدم که هف‌هش سالی با اون دوست بودم. کاملاً تصادفی بود. فقط از شرّ تَقلاهای ذهنی و افکار خودکشی خلاص شده بودم. نمی‌دونم درسته یا غلط. یه بار دست به خودکشی زدم و تقریباً مرده بودم. دوباره به زندگی برم گردوندند. می‌خواستم خودم رو بکشم، چون هیچ‌کس من رو نمی‌فهمید. مثلاً خواهرام می‌گفتن ما متأهل هستیم و اگر شوهرامون درباره‌ی تو بفهمند، ما رو ول می‌کنند؛ آبروی ما در خطر است. مردم حرف می‌زنن و من هم دست به خودکشی زدم.

لر بین 32 ساله از تهران

اساس یافته‌های مطالعات پیشین، این‌گونه اقدامات به‌شدت با عوامل استرس‌زای روانی – اجتماعی مانند عدم تطابق جنسیتی، آگاهی اولیه از گی بودن، و قربانی شدن مرتبط‌اند.¹ رایج‌ترین شیوه‌های خودکشی خوردن قرص، خفگی با گاز، یا زدن رگ دست بوده است. بسیاری از افراد جراحات‌های ناشی از اقدام به خودکشی را به تیم پژوهش نشان دادند. هرچند برخی از جراحات‌ها کم‌رنگ شده بودند، جراحات روانی ناشی از این اقدام در قلب و ذهن آنها بدون کوچک‌ترین تسکینی همچنان عمیقاً وجود داشت.

واکنش‌های خشن و توهین‌آمیزی که در خیابان و اماکن عمومی مشاهده می‌شود، در اجتماع آنها، جایی که جنسیت مورد قضاوت قرار می‌گیرد و با انزجار و تنفر دیده می‌شود، نیز نمود پیدا می‌کند.² این واکنش‌ها در محیط کار که افراد بخش قابل‌توجهی از وقت خود را در آنجا می‌گذرانند، هم دیده می‌شود. این تنها مختص ایران نیست. درکل، در سراسر جهان، دگرباشان با تبعیضی گسترده در محیط کار روبه‌رو هستند و بار دیگر مشخص می‌شود که ایران استثنا نیست. موانع پیش‌روی دگرباشان برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی به همراه خشونت

1. Kitts, R. (2005). Gay adolescents and suicide: understanding the association. *Adolescence*, 40 (159), pp. 621-628.

2. Gay and Transgender People Face High Rates of Workplace, from www.americanprogress.org/issues/lgbt/news/2011/.

و مسائل مربوط به سلامت روان که این جماعت با همجنسگراهراسی تجربه می‌کنند، می‌تواند تعداد سال‌هایی که دگرباشان قادر به کار هستند را کوتاه کند.

مصاحبه‌شوندگان داستان‌های زیادی از توهین، تجاوز، تحقیر، و نکوهش در محیط کار خود نقل کردند که تهدیدی فوری و واقعی برای امنیت روانی و اقتصادی آنها شده بود و لایه دیگری از بن‌بست یأس را در دنیای دگرباشان پدید آورده بود. بدیهی است که علاوه بر رفتار ناخوشایند همکاران، احتمال ارتقای شغلی و پیشرفت برای اقلیت‌های جنسی — که در مخفی کردن هویت واقعی خود و تظاهر در محیط کار موفق نیستند — بسیار پایین است.

ناتوانی در تظاهر کردن یا خسته شدن از تقلید گرایش‌های جنسی پذیرفته‌شده در جامعه شانس اقلیت‌های جنسی را برای داشتن مناصب شغلی مناسب پایین می‌آورد. مدیران کارگزینی و مسئولان بخش استخدام معمولاً مایل به استخدام اقلیت‌های جنسی نیستند و آشکار کردن تمایل جنسی خطر ازدست دادن فرصت شغلی و پیامدهای مخربی مانند ارزیابی عملکرد منفی، ناکارآمد خوانده شدن یا نادیده گرفته شدن برای ترفیع را در پی دارد. به‌دست آوردن یک سمت دولتی یا سیاسی، درواقع، غیرممکن و در واقعیت، بسیار نامحتمل است.

خشونت خانگی از طرف شریک زندگی معمولاً در بافتار روابط دگرجنسگرایانه مورد توجه قرار می‌گیرد، اما وقوع خشونت خانگی در روابط همجنسگرایان نیز شایع است. در رابطه دگرجنسگرایان برخی راه‌های قانونی برای حمایت مانند حکم جلب وجود دارد. نسخه معمول خشونت خانگی در روابط دگرجنسگرایان مردی است که فیزیکی یا کلامی زنی را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهد و بدین ترتیب قربانیان خشونت خانگی در رابطه دو همجنس نادیده گرفته می‌شوند. از آنجا که زندگی برای بسیاری ترکیبی از صبر، سرکوب، و دشمنی‌های خانوادگی و اجتماعی بوده است، این افراد به‌مراتب در مقابل تجربه روابط جنسی خشونت‌آمیز آسیب‌پذیرترند. اقلیت‌های جنسی در کلیشه سنتی قربانی خشونت خانگی جای نمی‌گیرند. همجنسگرایان و به‌طور خاص کسانی که نقشی زنانه دارند، به‌طور بالقوه و ذهنی خشونت را می‌پذیرند. در رابطه خشونت‌آمیز دگرباشان، دغدغه اصلی آشکار شدن رابطه همجنسگرایانه است که می‌تواند مسئله سوءاستفاده را تحت الشعاع قرار دهد. بسیاری از افراد تمایلی به گزارش این موارد ندارند تا مسئله عمومی نشود و بسیاری از بازماندگان نیز احساس شرم و انگ دارند.

در ایران، اقلیت‌های جنسی اگر آشکارا هویت خود را اعلام و بیان کنند، نمی‌توانند به تمامی از حقوق مدنی و قانونی خود بهره‌مند شوند و نمی‌توانند در جریان یک رابطه ناسالم خشونت‌آمیز از خود دفاع کنند و درواقع، به شکل گسترده و نظام‌مندی، دگرباشان با خودابرازی، خود را از حق حمایت قانونی محروم می‌کنند. از آنجا که قوانین در ایران هم‌اکنون نیز رابطه آنها را در تقابل مطلق با هنجارهای مذهبی و نوعی نافرمانی می‌بیند، اقلیت‌های جنسی‌ای که ترس از افشای هویت خود دارند، رابطه راحتی با این نظام حقوقی، پلیس، و نیروهای انتظامی ندارند. عوامل زیادی در رابطه خشونت‌آمیز همجنسگرایان از جمله سوءرفتار در کودکی و هنجارهای فرهنگی وجود دارد. گاهی استرس ماندگار حوادث تلخ کودکی به شرمی مستمر در بزرگسالی منجر می‌شود که احتمالاً می‌تواند به استرس بیشتر در رابطه‌گی‌ها بینجامد.¹ حملات جنسی و تجاوز در این‌گونه موارد زیاد است و افراد معمولاً این تجاوزهای جنسی را بعدتر در رابطه‌های خود تجربه می‌کنند. همان‌طور که قبلاً مطرح شد، این روابط کوتاه‌مدت و سطحی‌اند و این خود مانع آن می‌شود که افراد، مخصوصاً کسانی که «نقش مردانه» می‌گیرند، به طور عاطفی و سالم روی شریک خود سرمایه‌گذاری کنند.

خشونت کلامی (یا زورگویی کلامی) امری است که در میان همجنسگرایان بیشتر شایع است. خشونت کلامی دگرباشان می‌تواند از جانب غریبه‌ها یا افراد آشنا باشد. سوءاستفاده کلامی ابتدا از خانواده و شرکا شروع می‌شود و به فحاشی در گروه همسالان و آزار و تحقیر کلامی در محل کار می‌رسد. کسانی که هدف چنین خشونتی قرار می‌گیرند، در تخطی از قوانین همجنسگراهنجاری دیده می‌شوند و پروتکل‌های جنسیت و نقش‌های جنسی را نقض می‌کنند. در برخی از بدترین داستان‌ها و روایت‌ها، شرکت‌کنندگان حمله جنسی و تهدید به حمله فیزیکی، تجاوز، و سکس اجباری را گزارش کردند.

خشونتی که افراد را به سبب جنسیت آنها مورد هدف قرار می‌دهد، بیشتر به شکل بازی‌های جنسی بروز می‌کند. تعیین انگیزه پنهان در پس این خشونت مشکل است و ممکن است یکی از این موارد باشد: مشخص

1. A Same-Sex Domestic Violence Epidemic Is Silent – The Atlantic, from www.theatlantic.com/health/archive/2013/11/a.

کردن هویت‌های خود و حمله به همان کسانی که در مورد جنسیتشان به آنها حس بدی می‌دهند، مردانی با حس ضعیف هویت فردی، حمله به دگرباشان برای مواجهه با حس خود از جایگاهی پایین، یا رویکردی سادیستی.

با توجه به شدت خشونت در این روابط جنسی، غیرواقعی نیست اگر بگوییم که دگرجنسگرایان احساسات همجنسگرایانه و بیماری‌های جنسی روانی خفته خود را سرکوب و آن را به همجنسگرایان جوان‌تر منتقل می‌کنند.

بچه‌بازی

دگرجنسگرایی در سنتی از پیوندهای قوی مردانه — که مهر فرهنگ اسلامی بر آن خورده است — با بچه‌بازی متفاوت است. بچه‌بازی به رابطه بین مردان میانسال با پسران جوان‌تر و کم‌سن‌وسال‌تر گفته می‌شود که معمولاً با خشونت، آزار، و فریبکاری همراه است. بررسی پیچیدگی‌های عمیق رابطه بین مردان میانسال و پسران جوان به گفتمان جامع‌تر و متفاوت‌تری می‌انجامد.

این رابطه یک‌طرفه جنسی با آزار در کودکی، بهره‌کشی جنسی، و تجاوز درهم پیچیده شده است. حتی وقتی پسر جوان (به عنوان شریک مؤنث) به فرد مسن‌تر دلبستگی پیدا می‌کند و از این رابطه آگاه است، همچنان حق انتخاب و آزادی ندارد. وقتی فرد مسن‌تر نیاتش را روی قربانی خود پیاده می‌کند، او را در مسیر مطلوب خود هدایت می‌کند. این رابطه به طرز کنایه‌آمیزی از طرف مرد «پروژه درازمدت» خوانده می‌شود. این پروژه درازمدت روشی را نشان می‌دهد که با آن روابط جنسی بین مردان همجنسگرا و پسران شکل می‌گیرد.

به گفته شرکت‌کنندگان، این افراد خانه‌های جدا و محلی برای روابط جنسی دارند که در خارج از شبکه خانواده رخ می‌دهد. محل‌های صنعتی، انبار شرکت‌ها، کارخانه‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها و پشت مغازه‌ها، خانه دوم یا دفتر کار و امثال اینها می‌تواند محلی برای این کار باشد.

در چهارچوب این رابطه یک‌سویه مسائل زبانی نیز وجود دارد. اصطلاحاً به مردانی که شریک جنسی همجنس برای خود دارند، از روی تحقیر، «کونی» می‌گویند که صفت توهین‌آمیزی در فرهنگ عامه است و برای کوچک کردن دیگری استفاده می‌شود. دریافت‌کننده، چه مرد باشد چه زن، کونی خوانده می‌شود که بار معنایی منفی کلمه را تقویت می‌کند و بار معنایی منفی هم به همجنسگرایی می‌دهد.

ترویج این واژگان زبانی در چهارچوب نقش‌های جنسی سبب می‌شود تا جامعه مردانی را که نقش «مذکر» دارند، با احترام بیشتری ببیند. شیوع چنین زبان جهت‌دار جنسیتی و تأثیر آن بر درک و پذیرش جامعه از کلیشه‌های زنانه و مردانه، مردان «فاعل» را در موقعیت احترام‌آمیزتری قرار می‌دهد. آنها همان کسانی هستند که اختیار و کنترل رابطه جنسی را برای تعیین قواعد و شرایط در دست دارند. این مردان قدرت دخول دارند. برعکس، شریک مؤنث (مفعول) شخصیتی پست‌تر و بی‌ارزش دیده می‌شود و بنابراین نقش جنسی او با فحاشی و زبان تحقیرآمیز ذکر می‌شود.

12-1. ازدواج و فرزندخواندگی

من همجنسگرا هستم. آدم عاطفی‌ای هم هستم. با کسی که به‌نظر خوب و صادق می‌اومد، دوست شدم. با اون صمیمی شدم. بعد از مدتی، از من خواست تا همراهش به خانه‌ش برم. به‌شدت احساسات گرم و صمیمی از خودش نشون داد و گفت که ما یه زوج واقعی و بهترین زوج هستیم. عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتم. نهایتاً اونجا رفتم و متوجه شدم دوسه نفر دیگه هم هستن. اونا به‌شدت من رو کتک زدن، دستا و پاها رو بستن و هر کار می‌خواستن کردن. حالا من خون‌ریزی دارم، نابود شدم و ذهنم داغون شده.

گی 25 ساله از اصفهان

همان‌گونه که به‌کرات در مصاحبه‌ها گفته شد، مسئله مزمن دیگر برای همجنسگرایان و دوجنسگراها آن است که پیوند آنها به طور قانونی به رسمیت شناخته نمی‌شود. برای دگرباشان این احتمالاً به معنی دسترسی نداشتن به مزایای طرح‌های بهداشتی، مالیات دولتی، حمایت در مقابل تبعیض، یا دیگر حقوق قانونی است که زوج‌های متأهل از آن بهره‌مندند. دگرباشان با ناتوانی مطلق خود برای ازدواج و رسمی کردن رابطه خود در تقلا هستند. ایران کشور دوستدار ازدواج همجنسان نیست. بدیهی است که وقتی شانسی برای رابطه رسمی نیست، رابطه غیررسمی و در بسیاری از مواقع سطحی و پیش‌پاافتاده است که در نتیجه، به آسیب عاطفی بیشتر در بین همجنسگرایان منجر می‌شود.

بر اساس مقررات سازمان بهزیستی، در حال حاضر کسانی که از نظر روانی، جسمی، و مالی واجد شرایط باشند، می‌توانند برای فرزندخواندگی اقدام کنند. افراد جوان و مجرد نیز شامل این قانون می‌شوند، اما از آنجا که

اقلیت‌های جنسی شانس برای ازدواج با همجنس خود ندارند، به طور خودکار برای درخواست فرزندخواندگی واجد شرایط دانسته نمی‌شوند.

13-1. فقدان آموزش مسائل بهداشتی و جنسی

شرکای جنسی متعدد یا روابط متعدد می‌تواند به مشکلات سلامت بینجامد. آنچه در میان شرکت‌کنندگان شاهد بودیم این بود که مسئله سلامت برای آنها نگرانی کوچک‌تری بود. بر اساس نظر آنها، توجه به مسائل بهداشتی به استفاده از کاندوم و قرص‌های ضدبارداری محدود می‌شد. گاهی افراد برای چکاپ و آزمایش خون به مراکز بهداشت مراجعه می‌کردند، اما این موارد نیز در تعداد بالا گزارش نشد.

درواقع، به مراقبت بهداشتی و خدمات پیشگیری مناسب درمانی و درک فرهنگی نیاز است که ویژه این جمعیت باشد، اما همجنسگراستیزی همچنان یک مانع بزرگ است. دگرباشان با موانع و چالش‌های خاصی همچون خشونت، نقض حقوق بشر و شهروندی، انگ یا تبعیض روبه‌رو هستند. انگ‌زنی می‌تواند به انواع مختلف مشکلات مزمن سلامتی منجر شود. جرم‌انگاری رابطه با همجنس، لواط، لباس پوشیدن به شکل جنس مخالف و «جعل جنسیت» «همجنسگراهراسی اجتماعی» را تقویت می‌کنند که مثال هرروزه‌ای از تبعیض است و هردو عامل سبب می‌شوند تا افراد دگرباش به پیشگیری، آزمایش و درمان اچ‌آی‌وی دسترسی نداشته باشند. در نتیجه، بعضی دگرباشان نادانسته با اچ‌آی‌وی زندگی می‌کنند یا در مراحل بعدی که درمان مشکل‌تر می‌شود، بیماری آنها تشخیص داده می‌شود که به دیگران نیز انتقال داده‌اند.

در میان‌گی‌ها ترس زیادی از ایدز وجود دارد، زیرا آنان به‌خوبی می‌دانند که بیشترین امکان انتقال ویروس ایدز در رابطه جنسی میان‌گی‌ها وجود دارد. بیشتر آنها گزارش کردند که بیشترین افرادی که به ایدز مبتلا شده‌اند، گی بوده‌اند. بنابراین نیاز به هشدار وجود دارد. در روز جهانی ایدز (دهم آذر سال 1396 شمسی)، وزیر بهداشت ایران، حسن هاشمی، اعلام کرد که ایران با رشد فزاینده اچ‌آی‌وی روبه‌رو است. او که در کنفرانسی درباره آگاهی از ایدز در وزارت بهداشت سخن می‌گفت، یادآور شد که در طی یازده سال گذشته، موارد ایدز نه برابر شده است. او همچنین هشدار داد که نبود آموزش‌های جنسی و وجود تابوهای اجتماعی در مورد بیماری‌های مقاربتی در جامعه ایران عواملی هستند که در این روند روبه‌رشد نقش دارند. وضعیت اچ‌آی‌وی در ایران پارادوکسی

چالش برانگیز را سبب می‌شود که به تأثیرات درهم‌تنیده اجتماعی و ژئوپلیتیکی مربوط می‌شود که بر حوزه سلامت حاکم است. موارد جدید اچ‌آی‌وی به سبب رابطه جنسی ناایمن در مقابل روند پیشین ابتلا از طریق تزریق مواد مخدر رو به افزایش است، اما تابوهای فرهنگی درباره گفتمان رابطه جنسی همچنان نقاب سکوت را بر چهره این فاجعه می‌زند.¹

سکس مقعدی، سکس دهانی و بی‌توجهی به ملاحظات بهداشتی ریسک این بیماری را بالا می‌برند. با وجود ترس شدید از ایدز، معمولاً نرخ آگاهی از سلامت جنسی و مسائل مرتبط با آن در میان اقلیت‌های جنسی پایین است. برای مثال، گی‌ها و دوجنسگراها و دیگر مردانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند، باید مرتب جهت بررسی بیماری‌های مقاربتی مورد آزمایش قرار گیرند. حال، یا به دلیل احساس شرم یا ترس از گزارش شدن به مقامات، مردان همجنسگرا برای چکاپ‌های مرتب و آزمایش بیماری‌های مقاربتی اقدام نمی‌کردند. لزبین‌ها نیز کاملاً از وجود کاندوم‌های زنانه بی‌خبر بودند.

همچنین مشخص شد که استفاده از اسباب‌بازی جنسی در بین همجنسگرایان و دوجنسگراها رایج است. این خود ممکن است علت دیگری برای بیماری‌های مقاربتی باشد. اینکه آیا همجنسگرایان نسبت به

دوجنسگرایان از اسباب‌بازی‌های جنسی بیشتری استفاده می‌کنند یا نه، جای بحث دارد. در بین زنان لزبین، استفاده از اسباب‌بازی‌های جنسی همچون ویبراتور و دیلدو شایع است.² تفاوت در رفتار جنسی می‌تواند علت بخشی از این اختلاف باشد. این اسباب‌بازی‌ها بیشتر به صورت غیرقانونی از

نه، خوشم نمی‌آد. یکی دو تا اسباب‌بازی جنسی در خانه دارم. کسی که با اون می‌چرخیدم، دو تا به من داد تا اونا رو به خانه ببرم. گفتم نمی‌خوام. گفت بردار و وقتی اومدم خودم استفاده می‌کنم. خیلی خوشم نمی‌آد. این کار رو با یه تیکه پلاستیک انجام دادن لذتی نداره.

گی 62 ساله از تهران

بازار سیاه خریداری می‌شوند تا از منبعی مطمئن و به همین دلیل اغلب استریل نیستند و بعد از مصرف نیز با مواد

1. HIV in Iran – The Lancet, from www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736.

2. Bailey, JV. (2003). Farquhar C, Owen C: Sexual behaviour of lesbians and bisexual women. *Sex Transm Infect*, 79, p.147.

مخصوص جرم‌گیری نمی‌شوند. اسباب‌بازی‌های جنسی می‌توانند باعث انتقال عفونت‌های مقاربتی از طریق خون (عفونت‌های خونی) شوند.

بسیاری از مسائل بهداشتی و زنانه‌ل‌زبین‌ها با مسائل زنان دگرجنسگرا یکی است. اما برخی عوامل خاص وجود دارد؛ اولاً رفتار جنسی ل‌زبین‌ها همه چیز را که زنان دگرجنسگرا دارند، به‌جز دخول آلت مردانه به واژن، شامل می‌شود. این موضوع در مورد ریسک اچ‌آی‌وی بسیار مهم است. ثانیاً اگر زنی بخواهد مادر شود، باید دوران سختی را برای دسترسی به گزینه‌های معمول در راستای این هدف بگذراند. ثالثاً جدا از مسائل زنانه، موضوع‌های کلی‌تری همچون بیماری‌های مزمن یا روانی می‌توانند سلامت جسمی و جنسی و روانی فرد را تحت تأثیر قرار دهند. نهایتاً ل‌زبین‌ها در فضای اجتماعی، روانی، و اقتصادی خاصی زندگی می‌کنند. احتمال دارد که هرکسی در یک مرکز بهداشتی، فقط به دلیل تمایل جنسی او، نسبت به او بی‌اعتنا یا با او دشمن باشد، دسترسی او به مراقبت بهداشتی و بیمه ممکن است در صورتی که نتواند از مزایای شریک خود استفاده کند، محدود شود. ممکن است منابع مراقبت‌های بهداشتی خدمات خود را به‌گونه‌ای ارائه کنند که از ل‌زبین‌ها استقبال نکنند یا برای آنها مؤثر نباشند و ممکن است نسبت به زنان دگرجنسگرا، ل‌زبین‌ها مراحل حیات باروری را به‌گونه‌ای دیگر ببینند که می‌تواند بر انتخاب‌های آنها برای پیشگیری تأثیر بگذارد.¹

ظاهراً بیشترین فعالیت‌ها برای ل‌زبین‌ها خودارضایی دوفره و سکس دهانی – واژنی است.² خطر بالای ابتلا به باکتری واژینوز در زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی دارند، سابقه استفاده از اسباب‌بازی جنسی مشترک دارند، یا داشتن شرکای جنسی‌ای که به باکتری واژینوز مبتلا بوده‌اند، وجود دارد.³ تماس پوست به پوست یا دهان و آلت تناسلی به همراه اسباب‌بازی جنسی مشترک و تبادل مایعی واژینال یا خون قاعدگی از طریق تحریک دستی سبب می‌شود تا زنان ل‌زبین و دوجنسگرا نسبت به عفونت‌های مقاربتی آسیب‌پذیر شوند. زنان دوجنسگرا با خطر

1. Gynaecologic Issues for Lesbians | GLOWM, from www.glowm.com/section_view/heading/Gynecologic_Issues_for_

2. Supra at 55.

3. Are sex toys safe? – Health questions – NHS Choices, from www.nhs.uk/chq/Pages/1690.aspx?CategoryID=118&...

بالا تری از ابتلا به اچ‌آی‌وی در مقایسه با زنانی که تنها با زنان وارد رابطه جنسی می‌شوند، روبه‌رو هستند، زیرا آنها با مردان نیز رابطه دارند و از آنجا که مایع منی حاوی پروتئین است، ناقل بسیار مؤثر این ویروس به‌شمار می‌رود. آموزش بهداشت جنسی از طرف سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، ضرورتی برای توسعه و ترویج برابری شناخته شده است¹. در ایران، آموزش بهداشت جنسی برای افراد غیرمتاهل از نظر اجتماعی مورد نکوهش است و علت آن قرن‌ها ممنوعیت فرهنگی و مذهبی رابطه جنسی پیش از ازدواج و برچسب مسائل جنسی است.

آموزش جنسی می‌تواند اطلاعات درست را منتقل کند و افسانه‌ها و اطلاعات نادرست را کنار بزند. احتمال دارد جوانانی که همین حالا نیز از طریق شبکه‌های اجتماعی با این موضوع آشنایی دارند، به اطلاعات نادرست دسترسی پیدا کنند. آموزش جنسی در مدرسه می‌تواند دیدی واقعی و سالم به رابطه جنسی بدهد، اما متأسفانه برنامه درسی کشور جمهوری اسلامی ایران هیچ درسی در این زمینه ارائه نمی‌کند و آن را مجاز نمی‌داند.

چنین گمراهی‌هایی نشانه‌هایی کافی‌اند مبنی بر اینکه چگونه نبود آموزش جنسی به ایجاد درک ضعیف یا نبود هرگونه فهمی از مسائل جنسی منتهی می‌شود. این امر همچنین نشان می‌دهد که چطور این ناآگاهی می‌تواند به مشکلات بهداشتی جدی نه تنها برای افراد، بلکه برای کل جامعه بینجامد. اقلیت‌های جنسی از هر نوع آموزش جنسی محروم‌اند و اندک دانسته‌های آنها نیز از طریق مطالعات پراکنده یا گفت‌وگوها و تحقیقات خودشان به دست آمده است.

سازمان بهداشتی در رفاه و سلامت افراد در همه جای جهان دارای بیشترین اهمیت است، به طوری که نام اقلیت‌های جنسی بر اساس آمار خاصی مانند تولد، مرگ، و ازدواج در این سازمان ثبت می‌شود. بنابراین از آمار جمعیت‌شناختی که هم‌اکنون وجود دارد، به راحتی دولت یا سمن‌های ایرانی استفاده می‌کنند تا به همجنسگرایان و دوجنسگراها در تسهیل دسترسی به دانش و دیگر کمک‌های مورد نیاز یاری برسانند. از آنجا که در ایران، دگرباشی پلید دانسته ورد و انکار می‌شود، دگرباشان به هیچ وجه در آمار جمعیت‌شناختی جایی ندارند و بنابراین در هیچ‌یک

1. UNFPA. (2010). Comprehensive sexuality education: Advancing human rights, gender equality and improved sexual and reproductive health.



از قوانین یا سیاست‌های حوزه رفاه اثری از آنان دیده نمی‌شود.

آمار و ارقام سرسام‌آور بیماری‌های مقاربتی و سختی‌های زندگی اقلیت‌های جنسی می‌تواند با وجود حمایت سازمان بهزیستی از این گروه‌ها کاهش یابد. مشروعیت دادن به اقلیت‌ها و توجه به پیچیدگی‌های خاص اولین گام در هر عملی برای بهبود وضعیت آنها است.

14-1. واکنش‌های راهبردی

در پاسخ به سرکوب‌ها و محدودیت‌های تجربه‌شده، اقلیت‌های جنسی همواره منفعل و مطیع بوده‌اند و گاه واکنش‌های سازمان‌یافته یا سازمان‌نیافته خواسته یا

ناخواسته‌ای از خود نشان داده‌اند. بیشتر اقلیت‌های جنسی ترجیح می‌دهند گرایش جنسی خود را مخفی کنند، زیرا خانواده، مذهب، و نیروهای امنیتی منابع حمایتی ضعیفی هستند که درواقع، اصلاً وجود ندارند. پنهان‌کاری اولین سازوکار راهبردی است که اقلیت‌های جنسی برای مقابله با فشار و سازگاری با شرایط درپیش می‌گیرند. نتایج مصاحبه با برخی همجنسگرایان و دوجنسگراها نشان داد که همه با پنهان‌کاری موافق بودند و به شکل جمعی از این راهبرد استفاده می‌کردند.

دومین راهکار ازدواج با فردی دگرجنسگرا است که در این پژوهش از آن با عنوان «ازدواج‌های دروغین» یاد شده است و در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

راه‌حل سوم — که از طریق کار میدانی مشخص شد — علاقه شرکت‌کنندگان به ترک کشور و مهاجرت به امید زندگی آزادتر در جامعه‌ای با سرکوبی کمتر بود تا در آنجا بتوانند به عنوان دگرباش به حقوق اولیه و پایه انسانی خود بدون ترس از تعقیب قضایی دسترسی پیدا کنند. بیشتر این افراد فرایند مهاجرت و درخواست پناهندگی را شروع کرده بودند و برخی نیز سعی کرده بودند در سنین پایین‌تر مهاجرت کنند. آماده شدن برای این فرایند چنان

تلاشی بوده است که انگار همیشه بخشی از زندگی عادی این افراد بوده است. این موضوع آنقدر که به نظر می‌رسد، مخصوصاً در مورد مهاجرت به آمریکا، آسان نیست.

پناهندگی یک مزیت مهاجرتی است که به برخی افرادِ ملیت‌های دیگر که از تعقیب قضایی هراس دارند، اجازه می‌دهد تا به صورت قانونی برای همیشه در کشور میزبان (مقصد) بمانند. افرادی که در ایالات متحده پناهندگی می‌گیرند، می‌توانند برای اقامت دائم قانونی (با گرفتن کارت سبز) یک سال بعد از تأیید پناهندگی اقدام کنند. به جز بعضی استثناءها، درخواست پناهندگی معمولاً باید در طی یک سال بعد از آخرین ورود متقاضی به این کشور ارائه شود.¹

درخواست پناهندگی بر اساس ترس از تعقیب که در میان دگرباشان به سبب گرایش جنسی‌شان مطرح می‌شود، به طور خاص، چه در مرحله تقاضا و چه مذاکره و چه برنده شدن، حتی با وجود مدارک کافی از بدرفتاری و تعقیب قضایی مشکل است. روند پناهجویی دگرباشان در آمریکا به شدت به فضای داخلی سیاسی، اجتماعی، و حقوقی در رابطه با گی‌ها و لزبین‌ها وابسته است. این وضعیت به همراه مشکلات اثبات هویت دگرباشی درخواست پناهندگی به سبب گرایش جنسی را به طور خاص چالش برانگیز می‌سازد.²

این چالش به طور خاص با وجود دولت فعلی آمریکا سخت‌تر نیز شده است که سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه‌ای همچون محدود کردن راه‌های قانونی دسترسی به شهروندی قانونی را درپیش گرفته است. گفته‌ها حاکی از آن است که نظام مهاجرت پر از «تقلب و سوءاستفاده» است که راه را برای میلیون‌ها مهاجری باز می‌کند که غیرقانونی وارد کشور می‌شوند و «وکالای کثیف مهاجرت» به مراجعان خود کمک می‌کنند که «ادعاهای دروغین» بسازند تا اقدامات مربوط به وضعیت «ترس‌ناورپذیر» شروع شود و آنها بتوانند در آمریکا بمانند.³

1. Applying for Asylum – Immigration Equality, from www.immigrationequality.org/.../applying-for-asylum.

2. The Difficulties of U.S. Asylum Claims Based on Sexual, from [www.migrationpolicy.org](http://www.migrationpolicy.org/Migration-Information-Source) Migration Information Source.

3. Sessions's claim that 'dirty immigration lawyers' encourage, from www.washingtonpost.com/news/fact-checker/wp/2017/.

قانون مجازات اسلامی، قوانین ضد همجنسگرایی موجود در جامعه ایران، و خدمت اجباری سربازی دگرباشان را وادار به مهاجرت به کشوری می‌کند که در آن، قوانین اجتماعی راحت‌تر و حمایتگرتر و مورد پذیرش عمومی بیشتری هستند. در میان کشورهایی که برای مهاجرت جذابیت دارند، می‌توان به کشورهای همسایه مانند ترکیه و گرجستان برای شروع اشاره کرد. آنهایی که توان مالی بیشتری دارند، آمریکا، آلمان، یا کانادا را ترجیح می‌دهند.

درکل، شرایط نامطلوب اقتصادی در ایران و زندگی‌های پنهانی و سرکوب و نفرت سبب شده بود (و همچنان سبب می‌شود) تا بسیاری از شرکت‌کنندگان در این پژوهش مایل به ترک ایران باشند و در این ابراز تمایل، کشور مقصد برایشان مهم نبود. چنانکه قبلاً گفته شد (به فصل چهارم نگاه کنید) گزارش‌های همجنسگرایی در ایران بر اساس سابقه ترسی جافتاده از تعقیب قضایی و ظلم قرار دارند. دگرباشانی که می‌توانند پناهنده شوند، حالا در کشوری امن‌تر هستند و دیگر در ایران زندگی نمی‌کنند. در مقابل، تعداد بی‌شماری از دگرباشان نیز وجود دارند که فرصت یا امکان اقتصادی ترک کشور را ندارند.

نوع دیگری از واکنش راهبردی اقلیت‌های جنسی در مقابل فشارهای اجتماعی شرکت در فعالیت‌های اجتماعی است. این واکنش از جانب کسانی درپیش گرفته می‌شود که عمیقاً به گرایش جنسی خود باور دارند و از خانواده‌های بازتر و حمایتگرتر برمی‌آیند و هرچند ممکن است این خانواده‌ها در پذیرش کامل نباشند، سخت‌گیر و خشن هم نیستند. چنین افرادی دیگر هویت خود را مخفی نمی‌کنند و گروه آنان عمدتاً شامل دانشجویان جوانی می‌شود که جنبشی مستقل را شروع کرده‌اند تا از این طریق ماهیت واقعی زندگی اقلیت‌های جنسی را به عموم نشان دهند. در گروه‌های تلگرامی این جنبش را «عادی‌سازی» می‌نامند که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها مانند گفت‌وگو با همکلاسی‌ها و همسایه‌ها و اقوام در جهت تغییر دیدگاه آنها، هرچند به میزان کم، می‌شود. آنها فراخوان می‌دهند و در دانشگاه‌ها (نه دانشگاه محل تحصیل خودشان) مطالبی ارائه می‌کنند، با دیگر خانواده‌ها صحبت می‌کنند و با کسانی که در خیابان افراد را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند، از طریق ترویج هشتگ «عادی‌سازی» گفت‌وگو می‌کنند.

راهبرد جنبش عادی سازی بر اساس تعریفی است که دگرباشان از خود در مقابل لنز غیرعادی انگاشته شدن از سوی جامعه دارند. دگرباشان می خواهند نشان دهند که در مؤلفه های پذیرفته شده اجتماعی و سیاسی وجود دارند. این عادی سازی با تلاش بیشتر لژین ها و گی ها برای حقوق بیشتر به بازتاب خود ادامه می دهد و هدف آن تحول جامعه حتی در سطح یک نفر است.

واکنش راهبردی دیگر که آن هم در دسته فعالیت های اجتماعی جای می گیرد، تشکیل اجتماعات موازی برای مقابله با همجنسگراستیزی و فشارهای اجتماع ایرانی است. اعضای این اجتماعات که از قضاوت های منفی و طردشدگی به تنگ آمده اند، با یکدیگر همدلی بیشتری دارند، چراکه همه آنها دغدغه های خاص مشترکی در زندگی دارند. دگرباشان فعال در این خرده فرهنگ می توانند در اجتماعات کوچک نامرئی، جایی که کسی برای گروهی از دوستان شخصیت مادر یا خاله می شود، زندگی کنند. اجتماعات موازی طیف وسیعی از فرصت ها را برای شبکه سازی اجتماعی با هدف جبران کمبودهایی که بسیاری از دگرباشان در خانواده و زندگی اجتماعی تجربه می کنند، در اختیار افراد قرار می دهد. در این محافل، افراد حس تعلق اجتماعی، آگاهی بیشتر از حقوق قانونی و شهروندی، و اعتماد به نفس بیشتری را برای حفظ سلامت و رفاه خود تجربه می کنند. آنها از طریق این اجتماعات کوچک، ارتباطاتی برقرار می کنند و نظام های حمایتی برای خود می یابند. اغلب این اجتماعات موازی در ایران به شکل زیرزمینی کار می کنند و فضاهای امن آنها بسیار شکننده است. لازم به ذکر است که این اجتماعات می توانند مجازی یا واقعی باشند و هریک ترتیبات خود را دارند. همچنین طیف وسیعی از فرصت های شبکه سازی اجتماعی برخط، البته با رعایت جانب احتیاط، وجود دارد.

نهایتاً اقدام راهبردی دیگر مربوط به کسانی است که برخلاف پناهجویانی که کشور را ترک می کنند، امکان یا فرصت مالی ترک زادگاه خود را دارند. افراد دگرباش معمولاً به دلایل تحصیلی یا شغلی زادگاه خود را ترک می کنند. گاهی آنها حس آزادی بیشتری را در شهر بزرگی همچون تهران احساس می کنند. برخی تصمیم می گیرند به دلیل ترس افشا شدن هویت جنسی شان نزد خانواده، در شهر دیگری سکونت کنند و برای تأمین هزینه های سرسام آور زندگی مستقل بدون هیچ کمک بیرونی، گاهی آنها با هم در یک جا زندگی می کنند تا هزینه های زندگی را مدیریت کنند و احتمالاً از حمایت عاطفی یکدیگر نیز برخوردار شوند. مشکل چنین همزیستی هایی آن است

که افراد نه به عنوان یک انتخاب یا ترجیح، بلکه به عنوان تنها راه چاره به این سبک زندگی روی می‌آورند. اگر فرد فرصت یا امکان مالی در اختیار نداشته باشد، از نظر اقتصادی باید در محلی زندگی کند که هویت جنسی پنهان و شکننده او در سایه است و حقوق او که اساساً وجود ندارد، از سوی یک منبع خشونت نقض می‌شود.

شایان ذکر است که همجنسگرایی در خلأ پدید نمی‌آید و بی‌شک، عواقبی برای جامعه دارد. گاهی پیامدها به نفع نهادهایی مانند حاکمیت، مذهب، یا آموزش نیست. به رسمیت شناخته شدن دگرباشان مستلزم تغییر در رویکرد و قانون است. قانون مجازات اسلامی ایران که رویکرد خصمانه جامعه را درباره همجنسگرایی تقویت می‌کند و قوانین آن همچنان دگرباشان را بدنام جلوه می‌دهد، خود به عواقب نامطلوبی دامن می‌زند. سکوت و به رسمیت نشناختن این افراد آسیب‌پذیر که همچنان ادامه دارد، واقعیتی غم‌انگیز است.

ازدواج‌های دروغین

ایران کشوری است که قوانین در آن سیال است و افراد از طبقات مختلف و درجات مختلف مذهبی بودن برای پیدا کردن راه فراری در نظام به خود می‌بالند. ازدواج دروغین یکی از این عجیب‌ترین و بزرگ‌ترین راه‌های فرار است. دگرباشان مجبورند راه‌های «مبتکرانه‌ای» برای بودن با کسی که دوستش دارند، پیدا کنند. واقعیتی تلخ است که در جهان، میلیون‌ها گی و لزبین «ازدواج دروغین» را به عنوان راهی برای آرام کردن اعضای خانواده و اجتماع بزرگ‌تر خود برمی‌گزینند. ازدواج دروغین بهترین روش برای آن است که همه راضی باشند و هر ظنی درباره همجنسگرایی را کنار می‌زند. بزرگ‌ترین انگیزه در پس ازدواج‌های دروغین آرام کردن والدین است. افراد زیادی می‌ترسند که با افشای هویت لزبین یا گی یا دوجنسگرا یا تراجنسیتی بودن خود، از طرف خانواده طرد شوند. بی‌شک، این امر وضعیت پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند، چون زندگی دروغینی است که می‌تواند در یک آن درهم بشکند.

آن دسته از همجنسگرایانی که در شبکه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌های اجتماعی فعال‌اند یا با شبکه‌ای از دوستان در تماس‌اند، به شکل جمعی با فشار زیاد خانواده برای ازدواج روبه‌رو می‌شوند. دو عامل در فشار برای ازدواج دخیل است؛ اولاً بسیاری به فشار خانواده برای ازدواج با فردی از جنس مخالف تن می‌دهند، اما معمولاً رابطه پنهانی خود با فردی همجنس را ادامه می‌دهند. همان‌طور که پیشتر گزارش شد، این ازدواج‌ها از همان شروع

شوم از نظر عاطفی یک بن بست خالی از احساس است. ثانیاً آنها با ازدواج موافقت می کنند تا بتوانند در یک موقعیت برد — برد فشار بسیار خانواده را از بین ببرند و همچنان به رابطه پنهانی با فرد مورد علاقه خود ادامه دهند. در این صورت، خانواده راضی است، زیرا فرزند ازدواج کرده است و در عین حال، این پیوند دروغین به زوج اجازه می دهد تا با جنس دلخواه خود خارج از ازدواج رابطه داشته باشد. موفقیت چنین راهبردهایی نیازمند تحقیق بیشتر است.

نوع دیگری از ازدواج وقتی است که فرد با یک دگرجنسگرا ازدواج می کند تا با یک همجنسگرا، و همان هدف را در پی می گیرد که رهایی از فشار خانواده و اجتماع است. در چنین شرایطی، این راه حل راه حلی سریع برای کسی است که با گرایش جنسی خود کنار آمده است یا در تقلای افشای هویت جنسی خود است. این ازدواج موقتاً مشکل را حل می کند، در حالی که فرد از حمایت مالی، عاطفی، و روانی شریک دگرجنسگرای خود نیز برخوردار می شود. این موضوع در مصاحبه با شرکت کنندگان مشخص شد، شرکت کنندگانی که با وجود متأهل بودن رابطه خود با شریک همجنسگرایشان را حفظ کرده بودند. داشتن زندگی دوگانه و نقاب دگرجنسگرایی به صورت زدن موجب تلاش غم انگیز دیگری برای پنهان کردن هویت واقعی جنسی این افراد خواهد بود.

2. نتایج کمی مطالعه پژوهشی

همان گونه که پیش از این تأکید شد، با توجه به زندگی پنهانی دگرباشان و بیم قابل درک افشای هویت جنسی، این مطالعه پژوهشی نمی تواند صد درصد ادعا کند که جمعیت نمونه نماینده جمعیت عمومی دگرباشان است. با این حال، داده ها حاکی از واقعیت هایی هستند که بر اجتماع دگرباشان ایران سایه انداخته است. این پژوهش از تکنیک های میدانی و مصاحبه های هدفمند برای به دست آوردن تخمینی از تعداد همجنسگرایان در ایران با تمرکز بر سه شهر عمده تهران و مشهد و اصفهان استفاده کرده است که نتایج آن در ذیل ارائه می شود:

تعداد دگرباشان در تهران بسیار بیشتر از 4000 نفر است که — چنانکه گفته شد — علت آن تا حدودی به این باور بازمی گردد که تهران نسبت به دیگر شهرها لیبرال تر است و در آنجا، افراد با گرایش های خاص می توانند فضایی از آن خود داشته باشند. در مقایسه، نصف این تعداد دگرباش در مشهد و اصفهان هستند. لازم به ذکر است

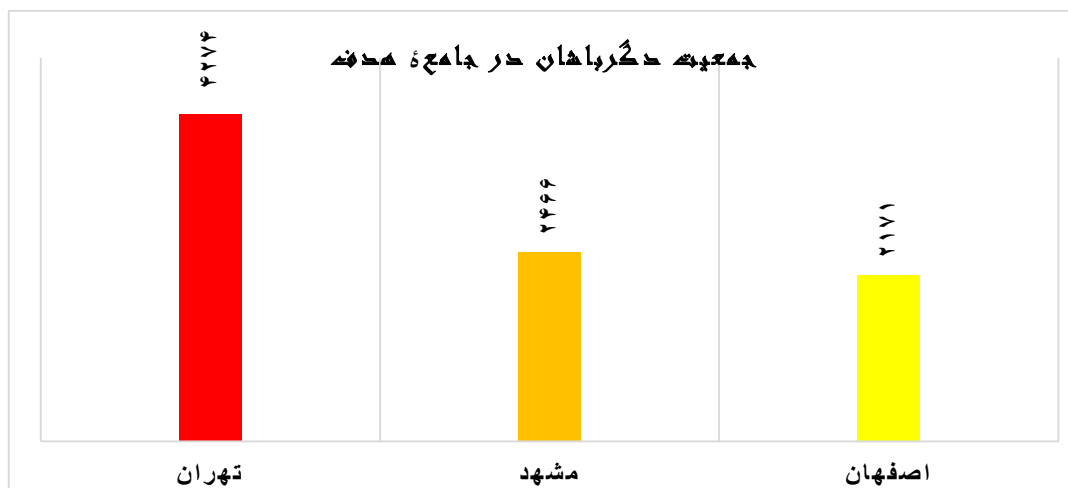
که این اعداد شامل کسانی است که هویت خود را افشا کرده‌اند و به نوعی این هویت برای اجتماع آنها شناخته شده است. بی شک، تعداد بی شماری از دگرباشان نیز وجود دارند که ترجیح می دهند پنهان بمانند.

در ایران، سه نیرویی که رفتار فرد را به او دیکته می کنند، قانون، مذهب، و عرفاند که هر سه علیه همجنسگرایی موضع گرفته‌اند. این سه نیرو به شکل مجزا، جمعی و هم‌زمان عمل می کنند. پس همجنسگرایان ایران نمی توانند مانند دگرباشان در کشورهای دیگر هویت خود را آشکار کنند. با وجود این، نشانه‌هایی وجود دارد که ردی از پذیرش همجنسگرایی را نشان می دهد؛ یعنی این سبک زندگی خاص، با رعایت احتیاط، بیش از پیش در حال رشد است. این موضوع تا همین اواخر نیز برای جامعه ایرانی ناشناخته بود و هیچ مطالعه دقیقی در این مورد انجام نشده بود، چراکه مقامات حکومتی موضوع را پدیده‌ای اجتماعی یا حتی مسئله‌ای اجتماعی نمی دانند و بنابراین داده‌ای درباره شیوع این پدیده در دست نیست.

نگاه دقیق‌تری به وضعیت تأهل جامعه هدف نشان می دهد که همه آنها مجردند، زیرا ظاهراً به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه‌مند نیستند. این افراد بیشتر جوانان 20 تا 31 ساله‌ای هستند که با نزدیک شدن آنها به 31 سالگی از تعداد افراد مجرد کاسته می شود. به همین شکل، سطح تحصیلی دگرباشان جامعه هدف حاکی از آن است که افراد با تحصیلات بالاتر تمایلات بسیار محدودی دارند، در حالی که این نرخ در میان افرادی با دیپلم، مخصوصاً در اصفهان، کاملاً بالا است و به 40% می رسد. همچنین مشخص می شود که فارغ از تحصیلات، دگرباشان در همه اقشار دیده می شوند.

این مطالعه جایگاه اقتصادی و اجتماعی دگرباشان را نیز تحلیل کرده است. جایگاه اجتماعی و اقتصادی نه فقط درآمد، بلکه موفقیت تحصیلی، امنیت مالی، و درک ذهنی از جایگاه و طبقه اجتماعی را نیز دربرمی گیرد. یافته‌ها نشان‌دهنده تمایل به دگرباشی در خانواده‌هایی با درآمد متوسط و بالا است، در حالی که طبقات پایین‌تر تنها در اصفهان فعال بودند.

تقریباً صد درصد افراد اذعان کردند که گرایش خود را در طی دوران بلوغ پذیرفته بودند، در حالی که پذیرش خانواده در این شهرها بسیار پایین بود. بیشتر دگرباشان ایرانی اصولی خاص را در روابط خود رعایت می کردند که



این موضوع در اصفهان و بعد مشهد و تهران بسیار مشهود بود. اما افرادی هم بودند که روابط ناپایدار یا روابط متعدد داشتند. در مشهد نسبت روابط پایدار به روابط متعدد پنجاه — پنجاه بود.

این پژوهش به درستی نشانه‌های افسردگی و خودکشی ناشی از آن در میان دگرباشان رسید که به چالش‌ها و مسائل روانی آنها بازمی‌گردد. احتمال تجربه اضطراب‌های روانی در لژیون‌ها نسبت به زنان دگرجنسگرا به شدت بالا است. این درصد در مشهد بالا و حدود 50٪، در اصفهان 40٪، و در تهران 35٪ بود. در ادامه، یافته‌های این پژوهش بر اساس درصد و نمودار آمده است.

1-2. جمعیت دگرباشان

نمودار شماره 1 جمعیت دگرباشان در تهران و مشهد و اصفهان را نشان می‌دهد که برحسب تعداد مصاحبه‌ها در تعداد نفراتی که مصاحبه شوندگان به صورت تخمینی و به صورت دقیق‌تر از دیگر دگرباشان و دوستان خود ارائه داده‌اند، ضرب شده است. بر این اساس، تهران با 4274 نفر همجنسگرا بیشترین تعداد را دارد و بعد مشهد با 2466 نفر و اصفهان با 2171 نفر قرار دارد. هر شهر فضا و اهمیت خودش را دارد و یافته‌ها نشان می‌دهد که دگرباشان زیادی در شهرهای منتخب وجود دارند که تا جایی که می‌شود هویت خود را افشا کرد، در محافل همفکر خود این کار را کرده‌اند و آزادانه درباره گرایش جنسی خود حرف زده‌اند.

نمودار شماره 1: درصد جمعیت دگرباشان در جمعیت نمونه

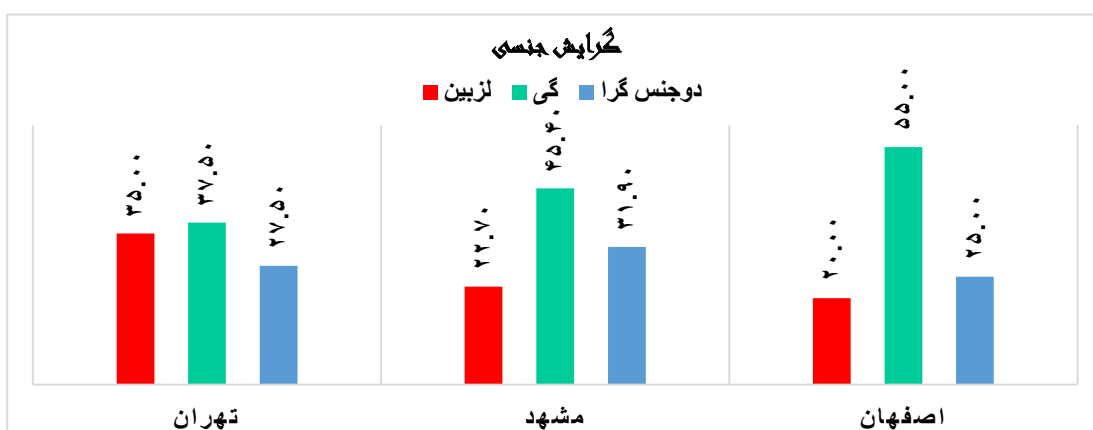
2-2. گرایش جنسی

نمودار شماره 2 نشان‌دهنده درصد تعداد لزبین‌ها، گی‌ها، و دوجنسگراها در جمعیت‌های نمونه تهران و مشهد و اصفهان است. در تهران درصد تعداد لزبین‌ها 35٪، گی‌ها 37.5٪، و دوجنسگراها 27.5٪ است. این ارقام در مشهد لزبین‌ها 22.7٪، گی‌ها 45.5٪، و دوجنسگراها 31.9٪ است و در اصفهان لزبین‌ها 20٪، گی‌ها 55٪، و دوجنسگراها 25٪ از جامعه هدف را تشکیل می‌دهند. این نمودار نشان می‌دهد که در هر سه شهر تعداد گی‌ها به مراتب بیشتر از لزبین‌ها و دوجنسگراها است. نسبت 35٪ لزبین‌ها در تهران نشان‌دهنده سطح آزادی نسبی آنها در مقایسه با مشهد و اصفهان است.

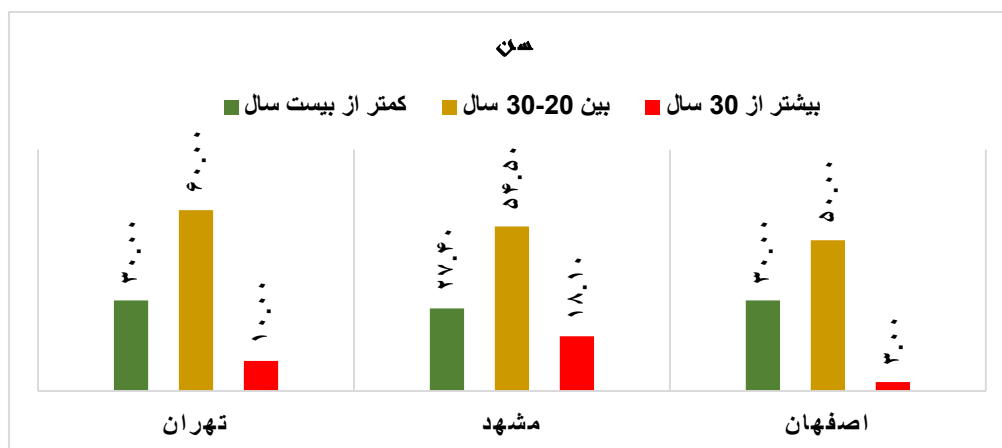
نمودار شماره 2: درصد گرایش جنسی در جمعیت نمونه

2-3. وضعیت تأهل

نمودار شماره 3 وضعیت تأهل جمعیت هدف را در سه شهر تهران و مشهد و اصفهان نشان می‌دهد. نزدیک به صد درصد جمعیت نمونه مجرد است. به دلایل بسیاری، مردان و زنان همجنسگرا ممکن است رابطه‌ای را با فردی از جنس مخالف شروع کنند که یکی از علل غالب تشکیل خانواده ارزش سنتی آن است. بر اساس این نمودار، همین جمعیت دلیلی برای ورود به ازدواج و تشکیل زندگی خانوادگی به شکل سنتی، مذهبی، و قانونی نمی‌دیدند. با این



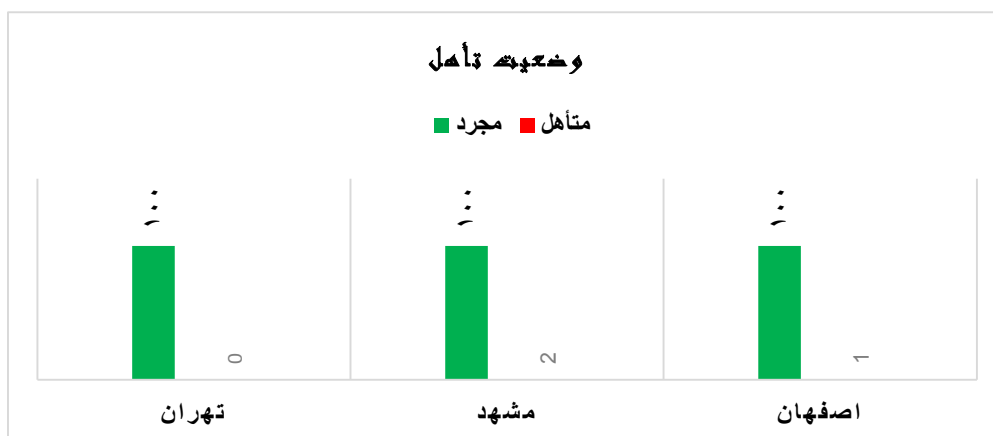
حال، در صورت تمکین از درخواست‌های خانواده و جامعه، هر ازدواجی با این ماهیت به دلیل فشارهای جنسی و هویتی بر شریک همجنسگرا درهم می‌شکند و تنها درصد بسیار پایینی از این ازدواج‌ها دوام می‌آورند.



نمودار شماره 3: درصد وضعیت تأهل در جمعیت نمونه

2-4. سن

نمودار شماره 4 طیف سنی همجنسگرایان را در تهران و مشهد و اصفهان نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، در



تهران 30% همجنسگرایان زیر 20 سال و 60% آنها بین 20 تا 31 سال و 10% بالای 31 سال هستند. در مشهد 27.4% زیر 20 سال، 54.5% بین 21 تا 30 سال، و 18.1% بالای 31 سال هستند. در اصفهان این ارقام به ترتیب 30%، 50%، و 7% است. یافته‌ها مشخصاً دلالت بر این دارند که همجنسگرایان در این جمعیت نمونه بیشتر در گروه سنی 20 تا 31 سال قرار دارند و کاهش چشمگیری را می‌توان در گروه سی ساله‌ها دید.

نمودار شماره 4: درصد گروه‌های سنی در جمعیت نمونه

2-5. سطح تحصیلات

نمودار شماره 5 سطح تحصیلی همجنسگرایان را در تهران و مشهد و اصفهان نشان می‌دهد. در تهران 12.5% همجنسگرایان دیپلم ندارند، 7.5% آنها پیش‌دانشگاهی را تمام کرده‌اند، 30% مدرک کارشناسی دارند و 7.5%

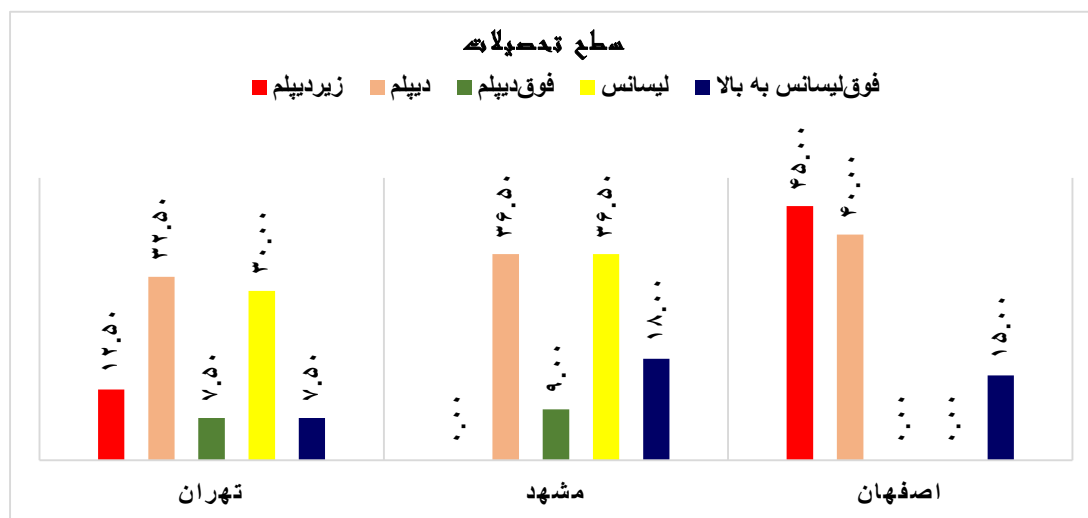
تحصیلات تکمیلی را به پایان برده‌اند. در مشهد این ارقام به ترتیب 36.5٪، 9٪، 36.5٪ و 18٪ است و در اصفهان 45٪ دیپلم ندارند، 40٪ دیپلم دارند و 15٪ تحصیلات دانشگاهی دارند. بر اساس نظریه‌های خرده‌فرهنگ از جهت کارکردی، ناهماهنگی را می‌توان بین طبقات پایین‌تر جامعه با سطح تحصیلی پایین‌تر مشاهده کرد. ولی بر اساس نمودار، می‌توان گفت که ظاهراً تمایل جنسی یک فرد به موقعیت تحصیلی او بستگی ندارد. همجنسگرایی را می‌توان در تحصیل نکرده، فردی با تحصیلات پایین و افراد دارای مدارک بالای تحصیلی دید. نمودار نشان می‌دهد که بیشتر کسانی که دیپلم و مدرک کارشناسی دارند، مخصوصاً در اصفهان، تمایلات همجنسگرایانه دارند.

نمودار شماره 5: درصد سطح تحصیلی در جمعیت نمونه

2-6. جایگاه اجتماعی و اقتصادی

نمودار شماره 6 جایگاه اجتماعی و اقتصادی همجنسگرایان در تهران و مشهد و اصفهان را نمایش می‌دهد. در تهران 80٪ همجنسگرایان در طبقه متوسط و 20٪ در طبقه مرفه جای می‌گیرند. در مشهد 50٪ آنها در طبقه متوسط و 50٪ در طبقه مرفه قرار دارند. در اصفهان، 20٪ همجنسگرایان در طیف جایگاه اجتماعی اقتصادی پایین، 55٪ در طبقه متوسط، و 25٪ در طبقه بالاتر قرار دارند.

کوهن در کتاب خود با عنوان پسران بزه‌کار (1995) می‌گوید که پسرانی با جایگاه اقتصادی پایین‌تر ناراضی و ناامید هستند. آنها همسو با دیگرانی با پیشینه اقتصادی مشابه اغلب گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند تا خرده‌فرهنگی را ترویج کنند که با هنجارهای طبقات متوسط و بالا در تضاد است. رفتار آنها اغلب ضد آن چیزی

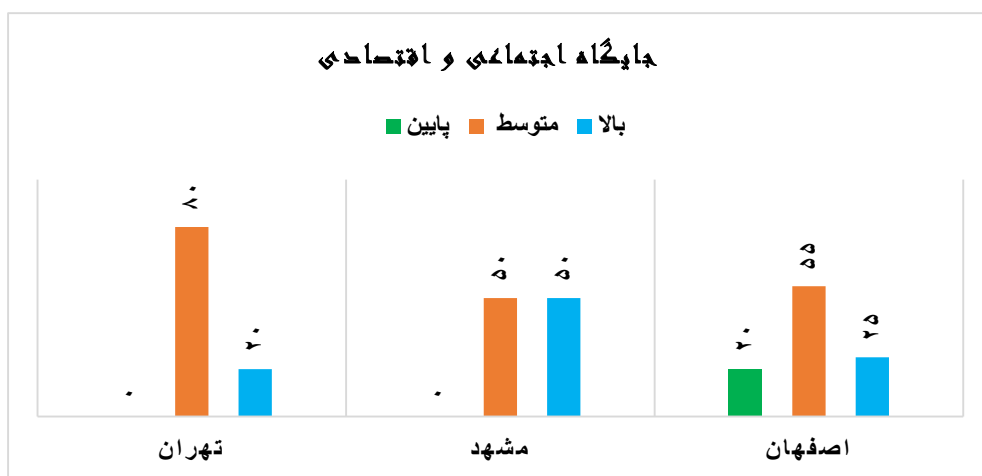


است که جامعه رفتاری قابل قبول می‌داند، اما برخلاف آنچه کوهن می‌گوید، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تماس جنسی اگر در راستای رفتار عمومی نباشد، در چهارچوب طبقه متوسط و بالا دیده می‌شود. نمودار شماره 6: درصد جایگاه اجتماعی و اقتصادی در جمعیت

نمونه

7-2. رویکرد اجتماع

نمودار شماره 7 نرخ سوءاستفاده و مورد تجاوز واقع شدن در کودکی را در جمعیت نمونه نشان می‌دهد. اساساً ما در پی آن بودیم تا از تأثیر سوءاستفاده در کودکی، مخصوصاً تجاوز، بر همجنسگرایی و این مسئله که آیا این امر عاملی برای گرایش به همجنس هست یا نه،

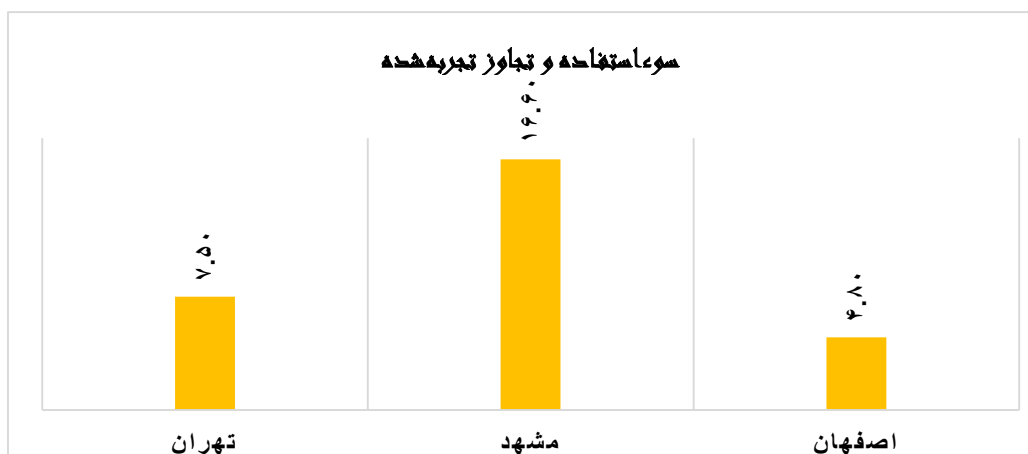


مطمئن شویم.

بر اساس نمودار، 7.5% همجنسگرایان در تهران، 16.6% آنها در مشهد، و 4.8% در اصفهان در کودکی مورد نوعی تعرض و تجاوز واقع شده بودند. مطالعاتی که بر نقش خانواده و محیط کودکی تمرکز داشته‌اند، سعی دارند همجنسگرایی را پدیده‌ای مربوط به عواطف و مراحل رشد و تکامل نشان دهند¹. بر اساس نظریه فشار

1. Agnew, Robert; Raskin White, Helene. (1992). An Empirical Test of General Strain Theory. *Criminology*, 30 (4);, pp. 475-499.

عمومی رابرت اگنیو، افرادی که تحت فشارند، به شکلی رفتار می کنند که برای هنجارها و قوانین جامعه پذیرفته شده



نیست. اگنیو می گوید که روابط منفی به عواطف منفی در فرد منجر می شود و سپس به سوءرفتار و انحراف می رسد. روابط منفی شامل روابطی می شود که ارزش های مقدسی مانند معصومیت و عفاف را از فرد می گیرد یا چیزی دردآور مانند تجاوز را به او تحمیل می کند¹. تجربه پدیده های منفی مانند تجاوز در کودکی یکی از دلایلی است که سبب می شود فرد به سمت انحراف اجتماعی، همجنسگرایی، و تجاوز به دیگران به عنوان ابزاری برای ابراز خشم خود برود. بنابراین این موضوع که تجاوز در کودکی، چه عاملی روانی باشد و چه نباشد، می تواند سبب تمایلات همجنسگرایانه در نوجوانی شود، باید بیشتر مورد کندوکاو قرار گیرد. با این حال، این پژوهش نشان می دهد که این امر می تواند خود یک عامل باشد.

نمودار شماره 7: درصد سوءاستفاده و تجاوز تجربه شده در کودکی در جمعیت نمونه

1. Agnew, Robert; Raskin White, Helene. (1992). An Empirical Test of General Strain Theory. *Criminology*, 30 (4);, pp. 475-499.

8-2. بُعد اخلاقی و رعایت موازین اخلاقی

نمودار شماره 8 نشان‌دهنده نظرات جمعیت هدف در مورد بُعد اخلاقی و رعایت موازین اخلاقی است. 82.8% در تهران، 66% در مشهد، و 71.5% جمعیت نمونه باور داشتند که همجنسگرایی پدیده‌ای عادی و طبیعی است. در نظام اخلاقی و حقوقی پیشامدرن، عمل جنسی اغلب فقط وسیله تولیدمثل دانسته می‌شد که مهم‌ترین کاربردش نیز تلقی می‌شد و هرگونه عمل جنسی که به تولیدمثل نینجامد، غیراخلاقی تلقی می‌شد. برای مثال، خودارضایی و رابطه مقعدی با زنان، استفاده از وسایل پیشگیری، و رابطه جنسی با افراد همجنس غیراخلاقی و از منظر مذهبی گناه محسوب می‌شدند. بنابراین نرخ بالاتر تولیدمثل ضرورتی برای بقای جمعیت، دفاع از جامعه، و اقتصاد قبایل بود. این ضرورت در نظام ارزشی جامعه به شکل مجازات و نکوهش هر عمل جنسی که به تولیدمثل نمی‌رسید، خود را نشان می‌داد.

در مقابل، عصر مدرن عصر انفجار جمعیت انسانی است. متوسط امید به زندگی افزایش یافته است و نقش

نیروی فیزیکی انسان در امور نظامی و اقتصادی به شدت کاهش یافته است. نرخ باروری نیز به مراتب بالاتر از نرخ مرگ و میر است. بنابراین امروزه تولیدمثل یک فضیلت و هدف غایی رابطه جنسی نیست و این هدف از تولیدمثل به لذت جویی و نزدیکی تغییر یافته است. این تحول خود را در نظام ارزشی دنیای مدرن، جایی که رابطه جنسی بدون تولیدمثل خالی از اشکال است، نشان داده است و دست‌کم رویکرد پیشین اکنون مورد تردید است. بنابراین اکنون همجنسگرایی از بسیاری جهات طبیعی دانسته می‌شود و این دیدگاه اخلاقی از سوی فلاسفه مدرن مطرح شده است، در حالی که پیامدهای بهداشتی و



ناکارایی‌های همجنسگرایی دیده نشده‌اند. اما این دیدگاه نوین به شدت مورد استقبال همجنسگرایانی قرار گرفته

است که معتقدند عشق رمانتیک و لذت جوهره‌های اصلی رابطه در دنیای مدرن‌اند. در سال‌های اخیر، نگاه‌ها به همجنسگرایی در کشورهای غربی تلطیف شده است و تصویری مثبت از آن در مطبوعات و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیشتر ترویج یافته است.

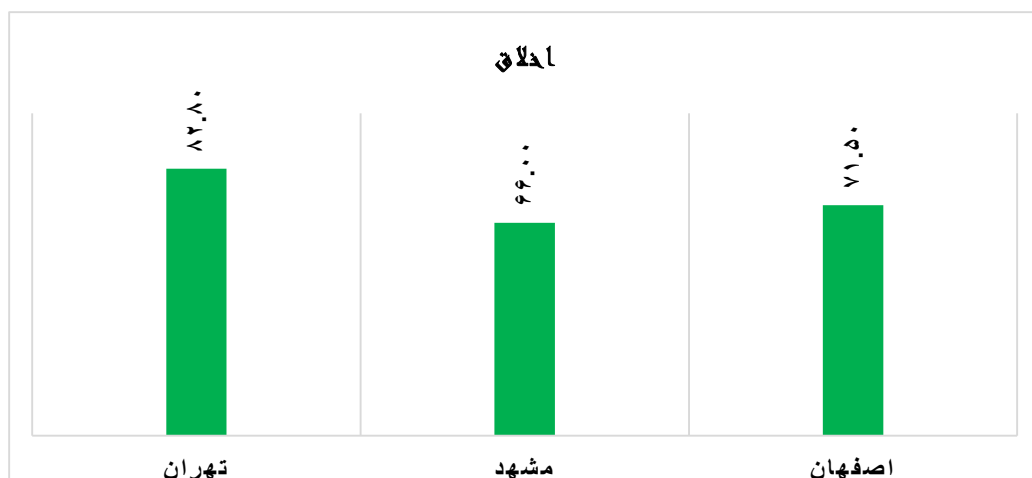
نمودار شماره 8: درصد نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره بُعد اخلاقی و رعایت آن

9-2. هویت و پذیرش

خودآگاهی افراد دگرباش از گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خود چالش مهمی برای آنها و برای جامعه ایرانی به‌شمار می‌رود و معمولاً این افراد به شیوه‌های متفاوت از هویت و گرایش واقعی خود آگاه می‌شوند.

نمودار شماره 9 درصد همجنسگرایانی را نشان می‌دهد که به شیوه‌های گوناگون و در زمان‌های مختلفی

به گرایش جنسی خود پی برده‌اند و آن را به عنوان هویت جنسی خود پذیرفته‌اند. همچنین نشان می‌دهد که چند درصد خانواده‌ها در سه شهر تهران و مشهد و اصفهان از همجنسگرایی فرزندان خود مطلع شده‌اند و آن را



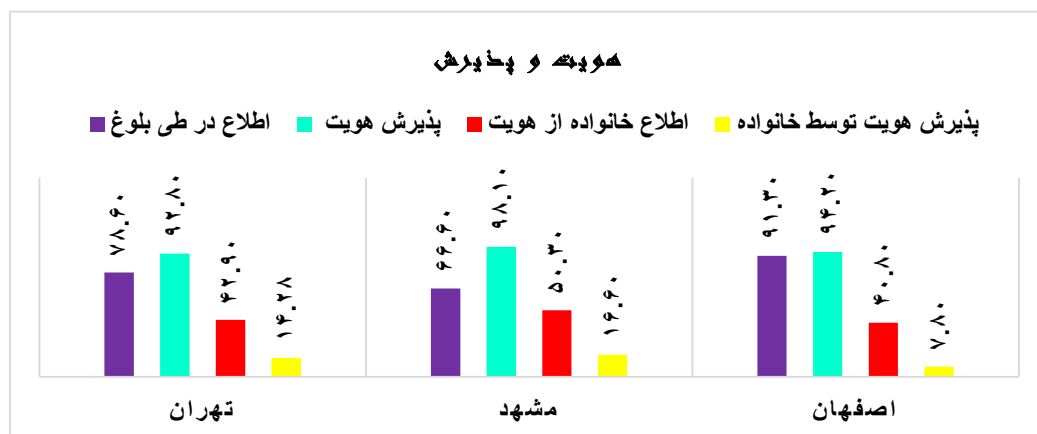
پذیرفته‌اند. بر این اساس، در تهران 78.6٪، در مشهد 66.6٪، و در اصفهان 91.03٪ پاسخ‌دهندگان اذعان کردند که از گرایش جنسی خود در طی دوره بلوغ آگاه شده‌اند. از جهت پذیرش گرایش جنسی خود 92.8٪ پاسخ‌دهندگان در تهران و 98.1٪ آنها در مشهد و اصفهان گفتند که همجنسگرایی را به عنوان گرایش جنسی خود قبول کرده‌اند. بر اساس نمودار، در تهران 42.9٪، در مشهد 50٪، و در اصفهان 4.8٪ از این افراد عنوان کردند که خانواده‌های آنها از گرایش جنسی‌شان مطلع بودند و 14.28٪ خانواده‌ها در تهران و 16.6٪ آنها در مشهد و 7.8٪ اصفهان هویت جنسی فرزند خود را پذیرفته بودند.

برقراری ارتباط با والدین از سوی بیشتر پاسخ‌دهندگان مشکل توصیف شد. همان‌گونه که در نمودار مشخص است، بین 40% تا 50% افراد دربارهٔ مطلع ساختن والدینشان از گرایش جنسی خود صحبت کردند. با این حال، میزان پذیرش نسبتاً پایین و بین 14% تا 16% در تهران و مشهد بود و در اصفهان این رقم تقریباً 8% بود. بیشتر خانواده‌های ایرانی از نظر اجتماعی محافظه‌کارند و به‌سختی به این باور وفادارند؛ آنها حتی اگر از گرایش فرزند خود باخبر باشند، همیشه از فرزندشان می‌خواهند تا این بخش هویت خود را با اعضای دیگر خانواده، فامیل، و افراد اجتماع در میان نگذارد.

نمودار شماره 9: درصد آگاهی و پذیرش همجنسگرایی از طرف فرد و خانواده

10-2. شبکه‌سازی اجتماعی

چهارچوب رشد هویت دگرباشان هماک (2005) نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی همچون رسانه ممکن است بر حوزه‌های مهم روانشناسی مانند خودنگاری فرد تأثیر بگذارند¹.



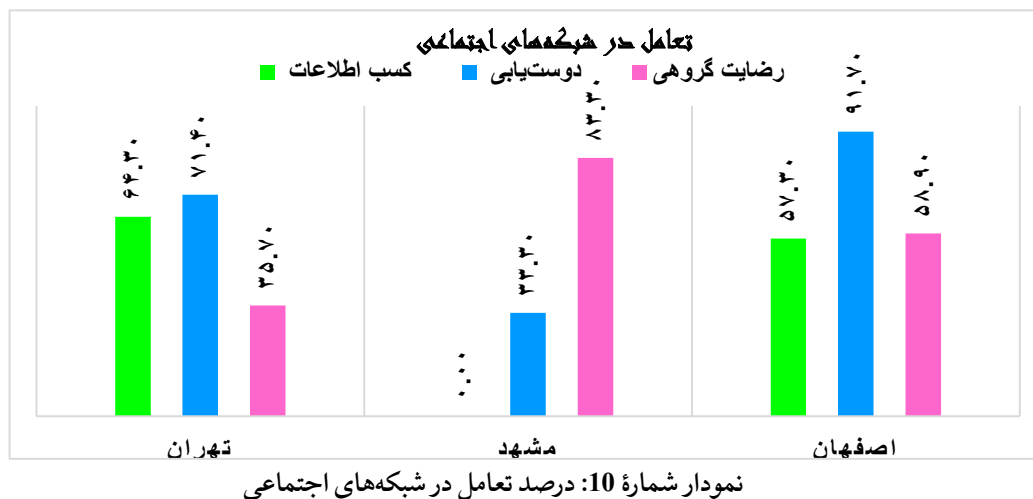
1. Hammack, P. L. (2005). The life course development of human sexual orientation: An integrative paradigm. *Human Development*, 48, pp. 267-290.

نمودار شماره 10 شیوع همجنسگرایی را نشان می‌دهد که از طریق تعامل در شبکه‌های اجتماعی با هم آشنا شده‌اند و کسب اطلاعات کرده‌اند. بر اساس این نمودار، 64.3% افراد در تهران و 57.3% آنها در اصفهان از طریق شبکه‌های اجتماعی و در حین گفت‌وگو در فضای مجازی به هویت خود پی برده‌اند. همچنین 71.4% جمعیت نمونه در تهران، 33.3% آنها در مشهد، و 91.7% آنها در اصفهان از طریق شبکه‌های اجتماعی با افرادی با گرایش جنسی مشابه دوست شده‌اند. 35.7% همجنسگرایان در تهران، 83.3% در اصفهان و مشهد و 58.9% آنها در اصفهان از این دوستی‌ها رضایت داشتند. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در رشد اجتماعی و روابط مستحکم‌تر در میان همجنسگرایان در تهران، مشهد و اصفهان بازی می‌کنند. از منظر روانی و اجتماعی، مهم‌ترین ابزارهای حمایت از همجنسگرایان محیط اجتماعی همچون شبکه‌های اجتماعی و دوستان همجنسگرا است. شبکه‌های اجتماعی پیوند بین همجنسگرایان را تسهیل و تسریع می‌کنند. ادوین ساترلند در نظریه انجمن افتراقی می‌گوید که غیرعادی‌ترین رفتارها در گروه‌های اولیه مثل حلقه دوستان



آموخته می‌شوند.¹ در این سطح از تعامل اجتماعی، ساترلند مدعی است همان‌طور که افراد قوانین را دنبال می‌کنند، یاد می‌گیرند که غیرعادی باشند. افراد رفتار غیرعادی را از طریق فرایند ارتباط‌گیری و تعامل با دیگران می‌آموزند. بر اساس نظر ساترلند، روابط دوستانه و گروهی که در بین همجنسگرایان از راه شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و روبه افزایش هم هستند، قابل یادگیری‌اند. افراد وارد گروه‌های همجنسگرا می‌شوند، درباره هویت همجنسگرایی می‌آموزند و آن را درونی می‌کنند.

1. Sutherland, E.H.; Cressey, D.R.; Luckenbill, D. (1995). *The theory of differential association, Deviance: a symbolic interactionist approach*. General Hall, Lanham, pp.64-68.



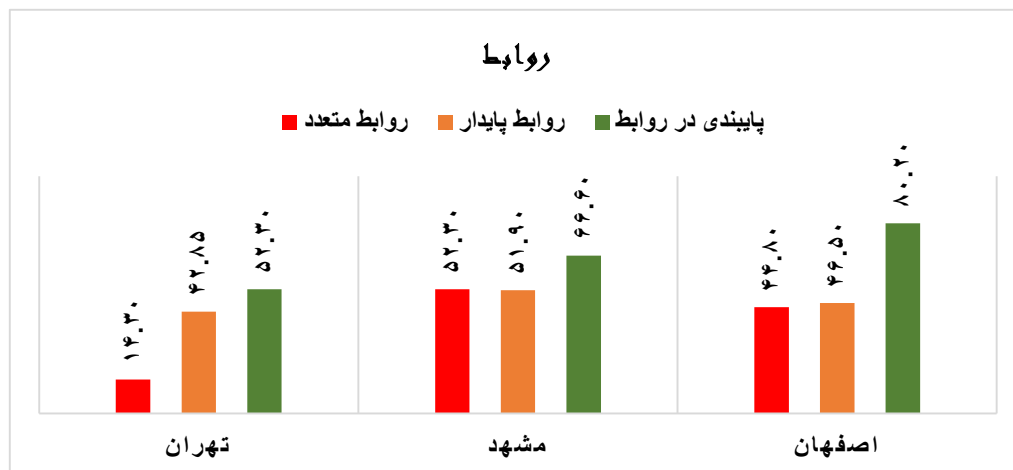
11-2. روابط

نمودار شماره 11 شیوع روابط مشخص، پایدار یا متعدد را در میان دگرباشان در تهران و مشهد و اصفهان نشان می‌دهد و بر اساس این نمودار، 14.3% همجنسگرایان در تهران، 52.3% آنها در مشهد، و 44.8% آنها در اصفهان روابط جنسی نامشخص متعدد دارند. اما 42.85% آنها در تهران، 51.9% آنها در مشهد، و 46.5% آنها در اصفهان هم روابط پایداری دارند. همچنین 52/3% آنها در تهران، 66.6% آنها در مشهد، و 80.2% در اصفهان به برخی اصول در روابط خود پایبندند.

پلامر از چهار نوع همجنسگرایی در فرهنگ مدرن غربی حرف می‌زند: همجنسگرایی گاه‌به‌گاه که یک رویارویی گذرا است و به طور عمده ساختار زندگی جنسی فرد را تشکیل نمی‌دهد و مثل عشق‌های پسر مدرسه‌ای‌ها است¹، نوع دیگر همجنسگرایی فعالیت‌های موقعیتی است که به شرایطی اشاره می‌کند که در آن اعمال همجنسگرایانه مرتباً انجام می‌شود، اما ترجیح غالب فرد نمی‌شود. در مکان‌هایی مانند اردوگاه‌های ارتشی که مردان بدون زنان زندگی می‌کنند، چنین رفتارهایی شایع است. همجنسگرایی شخصی‌سازی‌شده به افرادی اشاره دارد که فعالیت‌های همجنسگرایانه را ترجیح می‌دهند، اما از گروه‌هایی که این امر به راحتی برایشان پذیرفته شده است، منزوی هستند. در اینجا، همجنسگرایی عملی پنهانی است که از دید دوستان و همکاران مخفی نگه

1. Plummer, K. ed. (2002). *Modern homosexualities: fragments of lesbian and gay experiences*. Routledge.

داشته می‌شود. همجنسگرایی به مثابه سبک زندگی افرادی را دربرمی‌گیرد که هویت خود را افشا می‌کنند و برای آنها ارتباط با افرادی با سلیقه جنسی مشابه بخش مهم زندگی به‌شمار می‌رود. وقتی به نمودار شماره 11 نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در چهارچوب چهار نوع همجنسگرایی پلامر، بیشتر همجنسگرایان در تهران و مشهد و



اصفهان در دسته همجنسگرایی شخصی‌سازی‌شده و همجنسگرایی به عنوان راه زندگی قرار می‌گیرند.

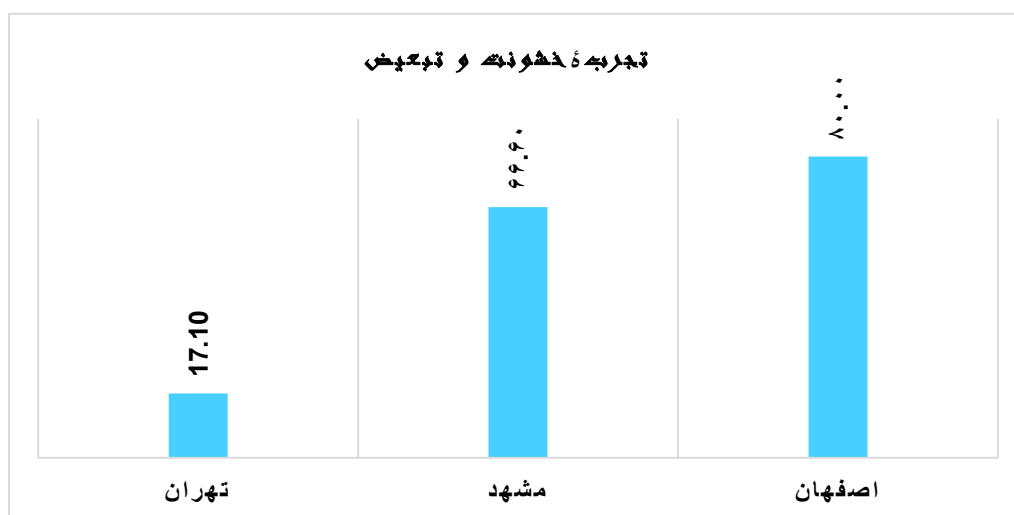
نمودار شماره 11: نوع روابط همجنسگرایانه در جمعیت نمونه

12-2. خشونت و تبعیض

نمودار شماره 12 درصد خشونت، تبعیض و تحقیر تحمیل‌شده به همجنسگرایان در تهران و مشهد و اصفهان را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، بیشترین خشونت و تبعیض به‌ترتیب در اصفهان (80٪)، مشهد (66.6٪) و تهران (17.1٪) رخ می‌دهد. در قیاس با تهران، مشهد و اصفهان سنتی‌تر و مذهبی‌تر هستند. بنابراین همجنسگرایی را انحراف و ناهنجاری می‌دانند و جای تعجب نیست که این دو شهر نرخ بالایی از خشونت علیه همجنسگرایان را نشان می‌دهند.

مخالفان همجنسگرایی آن را فساد اخلاقی یا امری غیرطبیعی می‌دانند. همجنسگراستیزی و انگ‌زنی در این جوامع دلایل عمده خشونت و تبعیض است. در جامعه ایران، همجنسگرایی بر اساس قانون مستوجب مجازات‌هایی همچون اعدام و شلاق است. از بُعد مذهبی، این موضوع غیرقابل قبول و رفتاری نابهنجار است. از آنجا که همجنسگرایی ناهماهنگی آشکار اجتماعی و یک انگ تلقی می‌شود، افراد زیادی باور دارند که همجنسگرایان لایق خشونت و تبعیض‌اند.

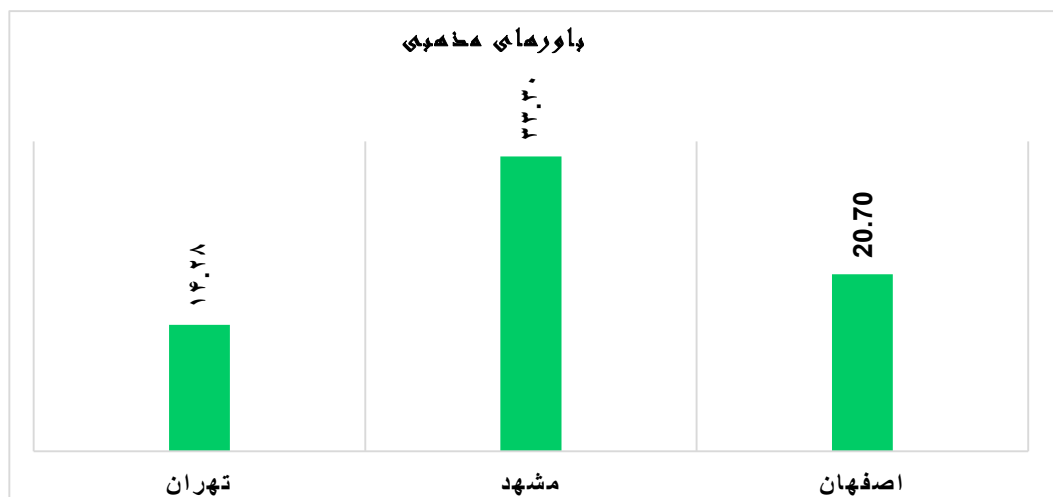
اگرچه نگرش درصدی از نسل جوان به این موضوع منعطف تر و یا حداقل بی اعتنا تر است، ولی در مجموع، عموم مردم همجنسگرایی را تهدیدی برای سلامت اخلاقی جامعه می دانند. حملات تند علیه همجنسگرایان و قتل ها همچنان رواج دارند و بسیاری از دگرباشان حمله به همجنسگرایان را بر اساس قانون در دسته جرائم ناشی از نفرت قرار می دهند.



نمودار شماره 12: درصد تجربه خشونت و تبعیض در جمعیت نمونه

1-13. باورهای مذهبی

نمودار شماره 13 نشان دهنده شیوع باورهای مذهبی در میان جمعیت نمونه در تهران و مشهد و اصفهان است. بر اساس این نمودار، 14.28% همجنسگرایان در تهران، 33.3% آنها در مشهد، و 20.7% در اصفهان به مفاهیم مذهبی مانند خدا و آیین هایی مانند نماز و روزه اعتقاد دارند. این داده ها نشان می دهد که همجنسگرایان در مشهد باورهای مذهبی قوی تری دارند، چراکه پرورش و اجتماعی شدن در سایه مذهب در این شهر شایع تر است. اصفهان و تهران مدرن ترند و باورهای مذهبی در آنها کم رنگ تر است. همچنانکه قبلاً نیز توضیح داده شد، اعتقاد و باور بسیاری از دگرباشان به مسائل دینی همانند سایر مردم عرفی و سنتی است و چه بسا در اعیاد و ایام مذهبی دگرباشان نیز شرکت داشته باشند و بسیاری از آنها در چنین برنامه های مذهبی از قبیل مراسم عاشورا شرکت می کنند.



نمودار شماره 13: درصد باورهای مذهبی در جمعیت نمونه

14-2. خودکشی ناشی از افسردگی

نمودار شماره 14 نشان‌دهنده درصد خودکشی ناشی از افسردگی در میان همجنسگرایان در تهران و مشهد و اصفهان است که در تهران با 35.7٪، در اصفهان با 39.5٪، و در مشهد با 51.3٪ موارد خودکشی را نشان می‌دهند. این ارقام نشانگر آن است که به دلیل رواج ارزش‌های سنتی و فشارها در مشهد و در نتیجه، نرخ بالاتر تجربه خشونت و تبعیض، موارد خودکشی در میان همجنسگرایان این شهر بیشتر است. سخت می‌توان گفت که این آمارها از این مقادیر فراتر نیست، زیرا بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به اندازه کافی این اعتماد را نداشتند که مسائل خیلی خصوصی خود را با پژوهشگر در میان بگذارند و قطعاً خودکشی به سبب برچسب‌خوردگی و تصور ضعیف بودن فرد، از این امور حساس به‌شمار می‌رود.



نمودار شماره 14: درصد خودکشی ناشی از افسردگی در جمعیت نمونه

15-2. ملاحظات بهداشتی

نمودار شماره 15 ملاحظات بهداشت جنسی در جمعیت نمونه را در نظر گرفته است و درصد همجنسگرایانی را نشان می‌دهد که رابطه جنسی ایمن را در روابط خود در نظر می‌گیرند. در جامعه هدف افراد زیادی تمهیداتی برای حفاظت از خود در مقابل خطرات بهداشتی درپیش نمی‌گیرند. در مشهد 83.3٪، در تهران 71.4٪، و در اصفهان 58.3٪ همجنسگرایان مسائل بهداشتی و حفاظتی از قبیل کاندوم و کنترل‌های دوره‌ای را رعایت نمی‌کنند. این نرخ در جمعیت نمونه این سه شهر بالای پنجاه درصد است که نشان‌دهنده بی‌اطلاعی زیادی در میان گی‌ها، لژی‌ها، و دوجنسگراها درباره مسائل بهداشتی و خودمراقبتی است.



نمودار شماره 15: درصد ملاحظات بهداشتی در جمعیت نمونه

فصل 6

پارادایم‌های در حال تغییر جهانی و راه پیش‌رو

مطالب:

- تغییر پارادایم‌های جهانی و راه پیش‌رو
- تغییر پارادایم‌های دگرباشی
- در کشورهای اسلامی چه می‌گذرد
- نگاهی به آینده
- نتیجه‌گیری

فصل ششم

پارادایم‌های در حال تغییر جهانی و راه پیش‌رو

ایجاد هر تغییر بزرگی با سختی همراه است و به تدریج اتفاق می‌افتد. نگاهی گذرا به تاریخ این موضوع را تأیید می‌کند. می‌توان با نگاهی به گذر سال‌ها، پی برد که چه مدت طول کشید تا دستورالعمل آماری و تشخیص انجمن روانشناسی آمریکا (DSM) توانست موضع خود دربارهٔ همجنسگرایی به عنوان یک بیماری روانی را تغییر دهد، سال‌های مدیدی طول کشید تا دیوان عالی حوزه‌های ذاتی حریم خصوصی را در مسائل جنسی به رسمیت بشناسد یا اعلامیهٔ بالاترین دادگاه در سلسله‌مراتب حقوقی آمریکا و تصمیمات مختلف دادگاه‌های اروپایی که به افراد همجنس حق ازدواج داده‌اند، شکل گرفته‌اند. این تصمیم دادگاه نقطهٔ اوج حقوق دگرباشان بود. پس از دهه‌ها عقب‌گرد، اکنون پذیرش عمومی همجنسگرایی رو به افزایش است.

جامعهٔ بین‌الملل همواره در موضع خود مبنی بر اینکه حقوق بشر و حمایت حقوقی برای همه، از جمله دگرباشان است، روشن و یکصدا بوده است. این امر در تصمیم دادگاه‌ها، دولت‌های حامی، کنشگری‌های مختلف، تغییر قوانین و مقررات، تقاضا برای رفتار بهتر، به رسمیت شناختن قانونی این اقلیت آسیب‌پذیر و پذیرش بیشتر این گروه منعکس شده است، اما این دفاع جانانه و به رسمیت شناختن زندگی دگرباشان همچنان در خاورمیانه، از جمله ایران، موضوعی شکننده است.

این مطالعهٔ پژوهشی یکی از جامع‌ترین مطالعات در نوع خود است که دگرباشان را نه تنها در بافتاری جهانی، بلکه در فضای ایران در برمی‌گیرد، کسانی که در نبود تسکین‌های قانونی و حمایت‌های اجتماعی برای رشد و بقا دست‌وپا می‌زنند. این مطالعه بر اساس پیمایشی در میان بیش از 300 شرکت‌کننده از سه کلان‌شهر بزرگ انجام شده است و برای خوانندگان روشن می‌کند در حالی که همجنسگرایی در بسیاری از جوامع غربی مورد پذیرش بیشتر واقع شده است، همچنان موضوعی ننگین و در بیشتر موارد ممنوع و به شکل بالقوه در جوامع اسلامی مرگبار است. این فصل تکه‌های مختلف مشکلات اصلی‌ای را که دگرباشان در سراسر جهان با آن روبه‌رو بوده‌اند را در کنار پارادایم‌های در حال ظهور و تغییر در کلّ دنیا و تغییرات مورد نیاز در جهان اسلام قرار می‌دهد.

پارادایم‌های در حال تغییر دگرباشی

پیشتر، افراد دگرباش مجبور بودند به شکلی منزوی در سایه زندگی کنند، به دوستان و خانواده دروغ بگویند و جنبه مهمی از هویت خود را مخفی کنند. آنها معمولاً به دلیل بزرگ شدن در جامعه‌ای که در آن دگرجنسگرایی تنها گرایش جنسی پذیرفته‌شده و همجنسگرایی یک انحراف دیده می‌شود، با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند.¹ دگرباشان بسیاری در حالی که هویت جنسی خود را پنهان می‌کنند تا با نفرت شدید جامعه روبه‌رو نشوند، همچنان در مکان‌های امنی که تبعیضی علیه آنها اعمال نمی‌شود، جمع می‌شوند. همان‌گونه که پیشتر عنوان شد، یکی از این محل‌ها باری در نیویورک به نام استون وال بود که به اجتماع گی‌ها خدمات می‌داد (به فصل یک، روایت تاریخی دگرباشی در تحلیل شورش استون وال رجوع کنید). هرچند گروه‌های حامی افراد گی قبلاً نیز وجود داشتند، حمله به استون وال آغازگر جنبش واقعی در جهت برابری همجنسگرایان در آمریکا شد.² میراث استون وال سبب توجه به تبعیضی شد که در اجتماع گی‌ها اتفاق می‌افتد و همجنسگرایان رفته‌رفته دست از پنهان‌کاری و مخفی نگه‌داشتن هویت خود برداشتند.

LGBT عبارت مخفف رایجی برای توصیف گرایش جنسی و جنسیت اقلیت‌ها شده است. در حال حاضر، در بسیاری از کشورهای غربی، افراد دگرباش در اجتماعات غالباً دگرجنسگرا زندگی می‌کنند و برای افشای ماهیت جنسی واقعی خود نه ترسی دارند و نه تعلل می‌ورزند. جامعه غربی به سبب فعالیت‌های فرهنگی بیشتر از طریق رسانه‌ها و در زندگی روزانه، جنبش‌های فردی و جمعی، گفت‌وگو و تغییر پارادایم دیدگاه‌ها درباره همجنسگرایی پذیراتر شده است و جمعیت جدیدی با مفهومی از فرهنگ دگرباشی بزرگ می‌شود که با زندگی آنها درآمیخته است. دولت آمریکا به این تغییر دیدگاه عمومی پاسخ داده است و به آرامی محدودیت‌ها و قوانین تبعیض‌آمیز علیه اجتماع دگرباشان — کسانی که فقط به دلیل ترجیحات جنسی متفاوت مورد تنفر واقع شده‌اند —

1. Problems Faced by LGBT People in the Mainstream Society, from www.ijims.com/uploads/cae8049d138e24ed7f5azppd_597.pdf.

2. Galarza, Priscilla. (24 Oct 2014). The History of Gay Rights in America. University Wire Nov 08 2013. ProQuest. Web.

را لغو کرده است.¹ با این حال، با وجود همه این واقعیت‌های نویدبخش، اجتماع دگرباشان مدت‌های مدیدی برای رسیدن به تفاهم با افراد پیرامون خود در جدال بوده است.²

عامل مؤثر در بسط و رشد هرچه بیشتر حمایت‌ها از حقوق همجنسگرایان نشان داده شدن اجتماع دگرباشان بوده است. آمریکایی‌ها، چه از طریق ارتباطات شخصی و چه از طریق رسانه‌ها، دریافته‌اند که همجنسگرایی بسیار گسترده‌تر از چیزی است که قبلاً تصور می‌کردند و این امر موجب پذیرش بیشتر فرهنگ دگرباشی شده است. بنا بر یافته‌های پژوهش PEW، «49% معتقد بودند که همجنسگرایی باید موردپذیرش جامعه باشد و 41% بر این باور بودند که باید مردود دانسته شود».³

وقتی برخی دادگاه‌های ایالتی تصمیم گرفتند ممنوعیت ازدواج دو همجنس را قانونی اعلام کنند و دیگران همین ممنوعیت را غیرقانونی دانستند، از دیوان عالی انتظار می‌رفت تا یک قانون ملی را اعلام کند که مطابق آن ازدواج همجنسگرایان قانونی یا غیرقانونی شود.⁴ نظر دیوان عالی آمریکا درباره ممنوعیت ازدواج همجنسگرایان در پنج ایالت (اتاه، اکلاهاما، ویرجینیا، ایندیانا، و ویسکانسین) نقطه اوج تصمیم‌گیری در دیوان عالی آمریکا بود. دادگاه‌های محلی و تجدیدنظر در ایالت‌های دیگر نیز با تصمیماتی قانونی این مسیر را پیش گرفتند که همگی در راستای دیوان عالی بوده است. بر اساس این تصمیمات اخیر درباره برابری همجنسگرایان و تغییر شدیدی که در غرب و اروپا در مورد پذیرش این موضوع رخ داده است، جای تعجب نیست که تصمیم سال 2015 میلادی دیوان عالی آمریکا مبنی بر اینکه ازدواج همجنسگرایان جرم است، خلاف قانون اساسی تلقی شده است. در حال حاضر،

1. Galarza, Priscilla. (24 Oct 2014). The History of Gay Rights in America. University Wire Nov 08 2013. ProQuest. Web.

2. Galarza, Priscilla. (24 Oct 2014). The History of Gay Rights in America. University Wire Nov 08 2013. ProQuest. Web.

3. PEW Research-The Global Divide on Homosexuality-Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries, from <http://www.pewglobal.org/2013/06/04/the-global-divide-on-homosexuality/>. Accessed: October 16, 2017.

4. Wolf, Richard. (29 Sept. 2014) Supreme Court Will Consider Hearing Gay Marriage Cases. USA Today, Gannett, Web. 03 Nov. 2014.

سی و هفت ایالت، از جمله کلان شهر کلمبیا، ازدواج گی ها را قانونی اعلام کرده اند¹ و بیست و یک کشور دیگر نیز ازدواج همجنسگرایان را قانونی می دانند. در سال 2015 میلادی، دیوان عالی مکزیک حکمی داد که بر اساس آن، ازدواج زوج های لزبین و گی راحت تر شد. هرچند دادگاه به شکل فنی این پیوند را در سراسر کشور قانونی نکرد، قدمی بزرگ در این راستا برداشت. از سال 2011 میلادی، ایالت جنوبی مکزیک به نام کینتارو نیز ازدواج گی ها را مجاز دانست. در سال 2014 میلادی، کنگره ایالت شمالی کوایلا ازدواج همجنسگرایان را تأیید کرد و در سال 2015 میلادی، چی وایا نیز همین راه را در پیش گرفت.

بعد از سال ها جدال سیاسی و بحث های عمومی داغ، مجلس استرالیا به قانونی شدن ازدواج همجنسگرایان رأی داد. در پاسخ به جنبش اجتماعی دگرباشان، برخی کشورها همچون برزیل رفته رفته نیازهای خاص این گروه را در نظر گرفتند. همجنسگراستیزی علت کشته شدن 2403 گی، لزبین، و دوجنسگرا در طول دو دهه در برزیل بوده است. در پایان سال 2003 میلادی، دولت برنامه ای شامل سیاست های حوزه سلامت مانند «برنامه برزیل عاری از همجنسگراستیزی» را اجرا کرد و در سال 2010 میلادی، نسخه اولیه برنامه جامع ملی سلامت دگرباشان تدوین شد.

این لحظه برای پیشرفت حقوق انسانی همجنسگرایان لحظه ای تاریخی است². برخلاف اینکه پیشرفت هایی صورت گرفته است، همچنان شاهد مشکلاتی هستیم که افراد دگرباش برای دسترسی به نظام

1. By the numbers: Same-sex marriage - CNNPolitics www.cnn.com/2012/05/11/politics/btn-same-sex-marriage the District of Columbia: Alabama, Alaska, Arizona, California, Colorado, Connecticut, Delaware, Florida, Hawaii, Idaho, Illinois, Indiana, Iowa, Kansas, Maine, Maryland, Massachusetts, Minnesota, Montana, Nevada, New Hampshire, New Jersey, New Mexico, New York, North Carolina, Oklahoma, Oregon, Pennsylvania, Rhode Island, South Carolina, Utah, Vermont, Virginia, Washington, West Virginia, Wisconsin and Wyoming.

2. Barbosa, RM.; Facchini, R. (2009). Access to sexual health care for women who have sex. *Cad Saude Publica*, 25, pp. 291-300. doi: 10.1590/S0102-311X2009001400011.

سلامت به سبب تعصب و رفتارهای تبعیض آمیز با آن‌ها روبه‌رو هستند و این برخوردها عمدتاً از طرف افرادی صورت می‌گیرد که در بخش سلامت کار می‌کنند.

ترکیب رویکردهای اجتماعی در حال تحول و رقابت برای استعداد در ژاپن سبب شده است تا دنیای تجارت از خود سازگاری نشان دهد. با این حال، شرایط برای کارگرهای ژاپنی گی به‌تازگی شروع به تغییر کرده است و انتظار پنهان‌کاری از فرد — که هرگز به بیان در نمی‌آید — همچنان یک هنجار است و دولت — که تحت سلطه حاکمیت محافظه‌کار است — عمدتاً خود را از موضوع دگرباشان کنار کشیده است. در این کشور، ازدواج گی‌ها هیچ‌وقت موضوع گفت‌وگوی جدی سیاسی نبوده است. در سال 2016 میلادی، با فشار یک گروه کنشگر، شهر شمالی ساپورو به عنوان اولین شهر در ژاپن گواهینامه همزیستی را برای زوج‌های همجنس صادر کرد. در پی این حرکت، نظام مشابهی در بخش شیویا در توکیو در سال 2015 میلادی برقرار شد. این گواهینامه در ژاپن هیچ بار حقوقی ندارد، چون قانون ازدواج را دولت ملی تعیین می‌کند و گواهینامه‌ها صرفاً میزانی از تأیید رسمی برای جنبش برابری‌خواهی در حال ظهور را دربردارند و برخی مزایای محسوس را به همراه دارند. برای مثال، مقامات مسکن عمومی در ساپورو و شیویا باید هر فرد دارای چنین گواهینامه‌ای را به عنوان مستأجر به رسمیت بشناسند¹.

امروزه کنشگری اینترنتی افزایش یافته است، در حالی که فضاها و محل‌های گردهمایی بسیاری که زمانی کنشگری دگرباشی را تعریف می‌کردند (بارها، کتاب‌فروشی‌ها و جشنواره‌های موسیقی زنان) در حال ناپدید شدن هستند و در این فضا، واژه «کوئیر» برای بسیاری از کنشگران جوان زن جایگزین واژه لزبین شده است².

متأسفانه در حالی که توجه‌ها به کنشگری جهانی در آمریکا معطوف شده است، دستاوردها با قوانین برابری‌خواهانه مشابه در هفتادوپنج کشور دیگری که همچنان همجنسگرایی را غیرقانونی می‌دانند، منطبق نیست.

1. www.nytimes.com/2017/10/16/business/japan-work-gay.html.

2. Short, Donn. (2013). *Don't Be So Gay! Queers, Bullying, and Making Schools Safe*. UBC Press, p.43

از سال 2016 میلادی، کنشگری و اظهار دگرباشی همچنان در ده کشور مسلمان، از جمله ایران، عراق، موریتانی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، اوگاندا، و یمن، مستوجب مرگ است¹.

در کشورهای اسلامی چه می‌گذرد

با آنکه همجنسگرایی در بسیاری از جوامع غربی مورد پذیرش بیشتری است، همچنان با انگ همراه است و در بسیاری از موارد، در کشورهای اسلامی ممنوع است². در خاورمیانه، رویکردها در مورد اجتماع دگرباشان — آن‌گونه که در سراسر جهان تغییر کرده است — تغییر نکرده‌اند. خاورمیانه همچنان بیشترین مقاومت را نسبت به تغییر به خرج می‌دهد. در بسیاری از نقاط این منطقه، حتی صحبت درباره همجنسگرایی نکوهش می‌شود و این موضوع کار را برای گروه‌های حمایت‌یابی دگرباشان در ایجاد تغییر بسیار دشوار می‌کند. در مطالعه‌ای درباره رویکردهای جهانی به همجنسگرایی، از سوی مرکز پژوهش‌های پیو مشخص شد³ که در مقابل 80% از کانادایی‌ها و انگلیسی‌ها، کمتر از 5% افراد مورد تحقیق در مصر، اندونزی، اردن، پاکستان، فلسطین، و تونس معتقد بودند که جامعه باید همجنسگرایی را بپذیرد. تنها کشورهای مسلمانی که رواداری بیشتری از خود نشان داده‌اند، مالزی (9%)، ترکیه (9%)، و لبنان (18%) بودند که ظاهراً اسلام نقش کمتری در زندگی سیاسی و اجتماعی این کشورها بازی می‌کند⁴.

بیشتر کشورهای اسلامی همجنسگرایی را ممنوع می‌دانند و در بسیاری از این کشورها مجازات همجنسگرایی مرگ است. در جوامع اسلامی، تمهیدات قضایی و فراقضایی اتخاذ شده علیه همجنسگرایی یک پیام مشخص را به جامعه منتقل می‌کند و آن اینکه همجنسگرایی غلط و غیراخلاقی و غیرقانونی است و در نتیجه، مجازات دارد. جمهوری اسلامی ایران — که تحت حاکمیت قانون شریعت اسلام است — نگاه قانونی سختی به

1. www.nytimes.com/2017/10/16/business/japan-work-gay.html.

2. Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal – Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

3 Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California, p.184

4. Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal – Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

همجنسگرایی دارد که مجازات آن شامل شلاق و اعدام می‌شود. بر اساس قوانین مجازات اسلامی ایران، «هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر پوشش به طور برهنه قرار گیرند هردو تا 99 ضربه شلاق تعزیر می‌شوند»¹ و «هرگاه دو زن که باهم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هریک صد تازیانه زده می‌شود»² و «هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد تا 60 ضربه شلاق تعزیر می‌شود»³ همچنین حکم روابط همجنسگرایانه بدون دخول مقعدی یک‌صد ضربه شلاق است و بر همین اساس، دخول مقعدی مجازات اعدام را در پی دارد.⁴ بر اساس قانون شریعت اسلام، افراد تنها وقتی به همجنسگرایی محکوم می‌شوند که چهار بار اعتراف کنند یا چهار مرد مسلمان «باتقوا» شهادت دهند که رابطه جنسی آنها را دیده‌اند.

نمی‌توان گفت که هیچ‌یک از کشورهای اسلامی محیطی اجتماعی یا قانونی جهت حمایت از دگرباشان را فراهم می‌کند، دست‌کم این امر در حال حاضر جاری نیست. خلأ سازوکارهای حمایتی اجتماعی یا سازمان‌های حمایتگر اسلامی برای آسایش روانی و اجتماعی دگرباشان به‌شدت احساس می‌شود. در سال‌های اخیر نمایش عمومی بدرفتاری‌های داعش در سوریه‌ای که پیش از حضور داعش نیز وضعیت خطرناکی داشت، توجه جامعه بین‌الملل را به خود جلب کرده است.⁵ وضعیت برای اجتماع دگرباشان عراق بعد از سقوط صدام حسین در سال 2003 میلادی به‌شدت رو به افول گذاشته است. گروه‌های اسلامی از این آشفتگی سیاسی سر برآوردند و شروع کردند به هدف قرار دادن گی‌ها و فقط در سال 2012 میلادی، دویست دگرباش را به‌قتل رساندند. اکنون نیز همین

1. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده 123.

2. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده 134.

3. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده 124.

4. Parnian, H. (2006). *The sexual rights of women and homosexuals in Iran* (In S. Seidman, N. Fischer & C. Meeks eds.). *Handbook of the new sexuality studies*, London: Routledge, pp.348-352.

5. Jaspal, R.; Breakwell, G.M.(Eds). (2014). *Identity Process Theory: Identity, Social Action and Social Change*.

Cambridge: Cambridge University Press, pp. 211-267

گروه‌ها با دولت عراق در مبارزه علیه داعش همکاری می‌کنند و به آنها آزادی استمرار قتل اقلیت‌های جنسی داده شده است.

به استثنای تلاش‌های محدود محلی، در آینده نزدیک نشانه‌ای از تغییر در جایگاه اجتماعی یا قانونی دگرباشان مصر دیده نمی‌شود. در لبنان، ظهور سازمان‌های حامی دگرباشان قدمی مهم در مبارزه برای حقوق اجتماعی و قانونی بوده است و به تغییری در دیدگاه‌ها منجر شده است. این تغییر محصول عواملی اجتماعی – سیاسی تعریف می‌شود که به ظهور جهت‌گیری‌های جدید در لبنان کمک کرده است.

هرچند دگرباش بودن در بیشتر کشورهای مسلمان ممنوع است، برخی استثناها نیز دیده می‌شود. فقط تعداد کمی از کشورهایی با بیشینه مسلمان (مانند اردن) همجنسگرایی را قانونی اعلام کرده‌اند، اما حتی در این جوامع نیز حمایت قانونی کمی از افراد دگرباش صورت می‌گیرد و ممکن است مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته شود.

بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان، اندونزی، فرهنگ و سنت دوجنسگرایی پرجنب‌وجوشی دارد که به شکلی گسترده از طرف عموم مورد مدارا قرار می‌گیرد¹. همجنسگرایی و رابطه جنسی گی‌ها در اندونزی غیرقانونی نیست. تعجب‌آور است که مردان و زنان تراجنسیتی در بسیاری از فرهنگ‌های اسلامی در سراسر جهان پذیرفته شده‌اند. در واقع، ایده مرد یا زنی که خود را عضوی از جنس مخالف بدانند، پذیرفته‌تر است تا مرد یا زنی که میل جنسی به کسی از جنس خودش داشته باشد.

چنین نیست که بتوان به این تغییرات کاملاً امیدوار بود، اما برخی قدم‌ها در تسهیل زندگی تراجنسیتی‌ها در ایران و مصر برداشته شده است. در سال 1988 میلادی عمل تغییر جنس از سوی متفکران الازهر در مصر، قدیمی‌ترین دانشگاه اسلامی جهان، بر اساس قانون شریعت اسلام قابل قبول اعلام شد. در ایران، آیت‌الله خمینی در سال 1964 میلادی (برابر با 1343 شمسی) در کتاب تحریر الوسیله، به روا بودن اصل تغییر جنس فتوا داد و فقه شیعه در کنار پذیرفتن تغییر جنس، ملاک‌هایی را نیز درباره هویت تازه فرد و وظایف شرعی او تعیین کرد..

1. The sudden intensity of Indonesia's anti-gay onslaught, from <http://www.bbc.com/news/world-asia-35657114>. [Accessed December 27th, 2017].

اساس این رویکرد پذیرنده این باور است که فرد تراجنسیتی به دنیا می‌آید، اما همجنسگرایی یک انتخاب است. بنابراین همجنسگرایی گناه دانسته می‌شود. با این حال، مسلمانان تراجنسیتی بسیاری همچنان پس از عمل تغییر جنس از خشونت فیزیکی و کلامی و طرد اجتماعی و فرهنگی در اجتماعات خود رنج می‌برند، چراکه همچنان در موقعیت پیشین خود دیده می‌شوند. بسیاری از آنها نمی‌توانند بگریزند و به کشور دیگری نقل مکان کنند تا بتوانند ناشناس بمانند. بی‌شک، خیلی محتمل است که بسیاری تحت فشار به عمل تغییر جنس تن می‌دهند (برای جزئیات بیشتر درباره خطر عمل تغییر جنس به فصل سوم رجوع کنید).

کنشگری برای دگرباشان در لبنان سبب ایجاد سازمان‌هایی مانند هلم (HELEM)، گروه دگرباشان پیش‌رو دنیای عرب، شده است که خدمات بهداشتی و حقوقی برای دگرباشان فراهم می‌کند. این عنوان مخفف عربی سازمان حمایت از لژیون‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌های لبنانی است. لبنان کشوری است که در منطقه بیشترین رواداری با سبک زندگی دگرباشان را از خود نشان داده است. هلم به اندازه کافی موردپذیرش است و آنقدر در لبنان نفوذ دارد که مرتباً رویدادهایی را درباره مسائل دگرباشان میزبانی می‌کند و حتی در خیابان‌ها اعتراضاتی را علیه خشونت در مورد اجتماع دگرباشان در لبنان ترتیب می‌دهد. با وجود این، در حالی که بیروت نسبت به کشورها و شهرهای همسایه خود لیبرال‌تر است، همچنان نسبت به جوامع غربی مدارای کمی از خود نشان می‌دهد. خدمات هلم تنها در حمایت از تعداد محدودی از افراد مؤثر واقع شده است که معمولاً افراد متمول‌تر جامعه هستند و کسانی را که از گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده و محروم‌اند، نادیده گرفته و در برخی موارد، به آنها آسیب رسانده است.¹ برای مثال، متفکرانی همچون ماصاد بر این عقیده‌اند که هلم خارجی است و سازمان‌هایی با حمایت‌های مالی خارجی همچون ال‌گای هلم با ترویج دسته‌های هویت جنسی جامعه غربی سعی در ایجاد اجتماعات گی در لبنان دارند. بنا بر نظر مؤلف، این امر رفتار دگرباشانه را یک مشکل می‌بیند و در نتیجه، سبب مداخلات بیشتری برای حمایت از این اجتماعات می‌شود.² این موضوع توجه رسانه‌های عراقی و

1. Leave or be killed. (6 July 2010). *The Sydney Morning Herald*.

2. Massad, J. (2015). *Islam in Liberalism*. Chicago: University of Chicago Press, p. 89.95.

عربی را به خود جلب کرده است. برای مثال، در بغداد، روحانی شیعه، مقتدا صدر، در موضعی عمومی از رویکردی انسانی در مورد دگرباشان حمایت کرد و گفت که این افراد نباید مورد خشونت قرار گیرند.¹ از آنجا که روحانیون دارای حقی اخلاقی برای دخالت در همه امور حکومتی و در جزئیات زندگی اجتماعی مردم هستند، لازم به ذکر است که روحانیون در عراق مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نقش‌آفرینان در تعیین نظر عموم در این زمینه بوده‌اند. بیانیه آیت‌الله صدر مناقشه‌برانگیز شد، چراکه با موضع دیگر روحانیون و نهادهای مذهبی، همچون دیگر متفکران شیعی در عراق و ایران، همخوانی نداشت. روحانیون در هر دو کشور منع همجنسگرایی در اسلام را تبلیغ می‌کنند، اما تفاوت در نحوه پرداختن به موضوع است.

بیشتر جمعیت عراق همجنسگرایی را نکوهش می‌کنند، اما طرفدار خشونت علیه این افراد هم نیستند. در عراق و لبنان، مجازات همجنسگرایی در قانون تصریح نشده است. در ایران این‌گونه نیست و وضعیت کاملاً متفاوت است. قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلامی ایران همجنسگرایی مردان را جرمی مستوجب مجازات اعدام می‌داند و بر اساس قانون ایران، لژیون‌ها به یک‌صد ضربه شلاق محکوم می‌شوند.²

نگاهی به آینده

سرکوب اجتماعی‌ای که دگرباشان با آن روبه‌رو هستند، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و شامل سطوح مختلفی از خشونت، تبعیض، و برچسب‌زنی می‌شود که بافتار بومی غالب را منعکس می‌کند. در عین حال، اجتماعات می‌توانند ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها، زبان، دریافت‌ها، و رویکردهای خود درباره چالش‌های توسعه را داشته باشند که می‌تواند به درک بهترین روش رویارویی با مسائل دگرباشان کمک کند. یک رویه جهانی مهم و مثبت که زاده گفتمان جاری است، آن است که تنوع و گرایش جنسی به شکلی قابل ملاحظه دیده می‌شود و در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است. توجه بیشتر به هویت‌ها، جنبش‌ها، و گفتمان‌های دگرباشانه به ایجاد

1. <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>.

Accessed: October 16, 2017.

2. <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>.

Accessed: October 16, 2017.

سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی منجر شده است که خشونت مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسی را در سراسر جهان مورد توجه قرار می‌دهند و مستند می‌سازند.

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز فضایی را برای تبادل اطلاعات مثبت درباره هویت‌های دگرباش فراهم کرده‌اند. در عین حال، اینترنت محیط مساعدی برای ترویج حمایت‌های قانونی از حقوق اقلیت‌های جنسی است. در کشورهایی که برچسب و انگ غیردگرجنسگرا بودن بالا است، افراد از طریق اینترنت دگرباشان دیگر را پیدا می‌کنند. معمولاً اینترنت ابزاری در دست افراد برخوردارتر است، با این حال، همچنان کانالی برای تبادل و همبستگی است. ماهیت تعاملی اینترنت فضایی را ایجاد می‌کند که در آن اجتماعات شکل می‌گیرند و گفت‌وگوها شروع می‌شود. فضای مجازی فرصت‌هایی را برای معاشرت افراد، حمایت، جنبش‌ها، و تکنیک‌های تبادل اطلاعات برای بقا فراهم می‌کند. در ایران، دولت وبگاه‌هایی را که از نظر سیاسی، مذهبی، یا اخلاقی خطرناک می‌داند، مسدود می‌کند، اما افراد زیادی در ایران به نرم‌افزارهای فیلترشکن دسترسی دارند که به آنها اجازه می‌دهد تا این سانسورها را دور بزنند.¹

برخی دولت‌های آسیا و اقیانوسیه، برای به حاشیه راندن اجتماعات دگرباشان، درک محدودی از «ارزش‌های آسیایی» را ترویج می‌کنند² که بر جوامع یکدست تأکید دارد تا جوامع متنوع³. به معنای کلی‌تر، کشورهای اسلامی مرتباً با ایده گرایش جنسی مخالفت کرده‌اند، چراکه این موضوع را فاقد بنیان حقوقی در قوانین بین‌المللی و در تضاد با آموزه‌های اسلام می‌دانند⁴. سازمان همکاری‌های اسلامی میدان اصلی هماهنگی این‌گونه اعتراضات بوده است.

1. LGBT Rights in Iran by Shima Houshyar, published October 21, 2015.

2. LGBT Rights in Iran by Shima Houshyar, published October 21, 2015.

3. Oslo Conference Report, supra n 6 at 20; cf. the Asian values debate, supra n 274.

4. See Baderin.(2003). International Human Rights and Islamic Law. *Journal. I.f*, LA University reading at p. 117.

در ایران، افراد دگرباش همواره در معرض آزار هستند. قوانین علیه آنها سخت و سخت است و آنها در مقابل آزار، سوءاستفاده، و خشونت در خانواده و جامعه آسیب‌پذیرند. بارقه‌امیدی از فیلم‌ها، مستندها، موسیقی، و دیگر اشکال هنر در سال‌های اخیر برای دگرباشان ایرانی به وجود آمده است که دیدگاه جدیدی را مطرح می‌کند که می‌تواند سبب تغییر رویکرد شود. مثلاً در سال 2011 میلادی، فیلم ایرانی «آینه‌های روبه‌رو» امکان تحول رویکرد تدریجی در میان افراد مذهبی درباره اقلیت‌های جنسی را به تصویر کشید. فیلم داستان ادی، مرد جوان تراجنسیتی‌ای است که سعی دارد از خانواده‌ای بگیریزد که قصد دارد او را به ازدواجی مجبور کند تا آبروی خانواده حفظ شود. در این فیلم، زن مذهبی سنتی در ابتدا انزجار و نفرت زیادی نسبت به زن تراجنسیتی نشان می‌دهد. کمی بعد، با مشاهده رنج زن تراجنسیتی در اثر خشونت پدرش، زن مذهبی نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که تحمیل چنین درد و رنجی بر دیگران تجسم «شر» در معنای مذهبی است. «آینه‌های روبه‌رو» ادعا نمی‌کند که راه‌حلی برای مشکل یافته است، اما سعی می‌کند با نگاهی انسانی به این گوشه تاریک جامعه از این ایده حمایت کند که «انکار کردن یا نادیده گرفتن این افراد راه‌حل مشکل نیست».

در قیاس با ایران، در سال‌های اخیر، آفریقای جنوبی و اکوادور اولین کشورهایی بوده‌اند که تمهیدات ضد تبعیضی علیه اقلیت‌های جنسی را در قوانین خود وارد کردند. هر قدر هم در مورد داشتن پرسنل دگرباش در ارتش تردید وجود داشته باشد یا «ازدواج‌گی‌ها» دشوار باشد، باز هم چندین کشور همزیستی مدنی زوج‌های همجنس را به رسمیت شناخته‌اند.¹ برای مثال، سه کشور در اروپا هستند که در سال 2014 میلادی، قانون برابری ازدواج را تصویب کردند؛ در لوکزامبورگ، پارلمان با قدرت به ازدواج همجنسگرایان رأی مثبت داد²، پارلمان فنلاند نیز ازدواج همجنسگرایان را قانونی اعلام کرد،³ و در بریتانیا، قانونگذاران منطقه اسکاتلند متفقاً به انگلستان و ویلز

1. The World Guide: An alternative reference to the countries of our planet. (2001). *Internationalist*, New.

2. Luxembourg Approves Gay Marriage. (19 June 2014). *Huffington Post*, Accessed: October 16, 2017, from http://www.huffingtonpost.com/2014/06/19/luxembourg-gay-marriage-_n_5511360.html.

3. Finnish Parliament approves same-sex marriage, Yle, Nov. 28, 2014. Accessed: October 16, 2017, from http://yle.fi/uutiset/finnish-parliament_approves_same-sex_marriage/7657759.

پیوستند و برابری ازدواج را قانونی کردند.¹ در سال 2015 میلادی، ایرلند اولین کشوری بود که طی یک referendum عمومی برابری ازدواج را به رسمیت شناخت. در همان سال، ایرلند لایحه قانونی به رسمیت شناختن جنسیت را تصویب کرد و بدین ترتیب پنجمین کشوری شد که به افراد ترانزجسیتی اجازه داد نشانه‌های جنسیتی قانونی خود را تنها بر اساس مکنونات قلبی تغییر دهند تا اینکه به یک مداخله پزشکی نیاز داشته باشند. هرچند این کشورها عمدتاً غربی هستند، کنشگران در ویتنام و مکزیک نیز برای تغییراتی مشابه مذاکره می‌کنند.²

تاکنون کنشگران در تلاش‌های خود برای گسترش برنامه‌های حقوق بشری موفق بوده‌اند و تلاش‌های آنان رفته‌رفته خشونت‌های مختلف پیش‌روی دگرباشان را هم دربرگرفته است. از سال 1991 میلادی، سازمان‌های اصلی حقوق بشر به آزار و تعقیب قضایی دگرباشان توجه کردند. برای مثال، دستور کار عفو بین‌الملل حمایت از افراد تحت تعقیب به سبب گرایش جنسی‌شان را نیز شامل می‌شود. دیده‌بان حقوق بشر که در سال 1978 میلادی تأسیس شد، سازمانی بین‌المللی و غیردولتی است که به پژوهش و حمایت‌یابی در حوزه حقوق بشر می‌پردازد و اکنون برنامه‌ای پویا برای دگرباشان دارد.³

اخیراً افراد دگرباشی که غالباً در بافتارهای مسلمان زندگی می‌کنند، شروع به سازماندهی خود کرده‌اند و یکی از ابزارهای مورد استفاده آنان آزادانه در جمع سخن گفتن است که بدین وسیله داستان‌های خود را روایت می‌کنند. البته این کار، به‌ویژه برای کسانی که در جوامع سرکوبگر اجتماعی و همجنسگراستیز سیاسی زندگی می‌کنند، کمی زمان می‌برد. گاهی تبعیض آشکار در این زمینه سبب بروز مقاومت از سوی دگرباشان می‌شود. اما راهبرد بازپس‌گیری فضای عمومی نیازمند نه فقط ارزیابی دقیق ریسک، بلکه شجاعتی است که باید در طی زمان

1. Scotland's same-sex marriage bill is passed, BBC, Feb. 4, 2014. Accessed: October 16, 2017, from <http://www.bbc.com/news/uk-scotland-scotland-politics-25960225>.

2. Transition, and Mine – The New York Times, from www.nytimes.com/2017/10/18/opinion/ireland-gay.

3. HRW. (2013). from https://www.hrw.org/sites/default/files/wr2013_web.pdf. Accessed: October 16, 2017.

تقویت شود. برای مثال، «لامبدا»ی استانبول از سال 1993 میلادی فعال بوده است، اما اولین رژه افتخار خود در پایتخت ترکیه را یک دهه بعد ترتیب داد و در آن زمان فقط 50 پیشرو جرئت پیوستن به آن را داشتند¹.

در معرض دید قرار گرفتن دگرباشان اغلب بهای سنگینی از آسیب روانی و شکنجه جسمی سخت را به

همراه دارد. کنشگری لزبین‌ها حتی چالش بزرگ‌تری است، اما برخی در حال صاف کردن این جاده‌اند. یک نمونه آن «اصوات» است²، سازمانی که برای لزبین‌ها، دوجنسگراها، تراجنسیتی‌ها، و بیناجنسی‌های فلسطینی در سال 2002 میلادی تشکیل شد. اصوات خانه‌ای برای زنان دگرباش فلسطینی بنا کرد که فضایی امن، حمایتگر، و توانمندکننده در اختیارشان قرار می‌داد تا بتوانند به کشمکش‌های فردی، اجتماعی، و سیاسی خود به عنوان گروه اقلیت بومی ساکن اسرائیل پردازند، زنانی در جامعه مردسالار و زنان دگرباشی در یک فرهنگ وسیع‌تر دگرجنسگرا محور³.



با وجود مخاطرات موجود، گروه‌های حامی در حال جوانه زدن هستند، هرچند هنوز برخی از آنها نمی‌توانند آشکارا فعالیت کنند⁴. در طی چند سال گذشته، دگرباشان مسلمان در نقاط مختلفی همچون مراکش، اندونزی، ترکیه، مالزی، اردن، لبنان، اورشلیم، آفریقای جنوبی، نیجریه، فلسطین، دبی، عربستان سعودی، و در کشورهایی با جمعیت‌های بزرگ مسلمانان بومی، مانند هند، دور هم جمع شده‌اند.

1. Hé lie, Anissa. (2006). Threats and survival: the religious right and LGBT strategies in Muslim contexts.

WOMEN IN ACTION-ROME THEN MANILA- p. 19.

2. <http://www.aswatgroup.org/en>. Accessed: October 16, 2017.

3. <http://www.aswatgroup.org/en>. Accessed: October 16, 2017.

4. McDowall, A.; Khan, S. (2004). The Ayatollah and the transsexual. *The Independent* (UK), p. 34.

جالب اینکه سرکوبگرترین رژیم‌ها لزوماً و تا جایی که به ابراز هویت جنسیتی مربوط می‌شود، بدترین نیستند. به نظر می‌رسد که تراجنسیتی‌ها در اردن و ایران می‌توانند دوگانه سخت جنسیت را به نفع خود عوض کنند و برخی افراد واقعاً از طرف روحانیون بنیادگرا برای انجام عمل تغییر جنس حمایت (حمایت مالی) می‌شوند. متأسفانه همیشه فشاری واقعی برای انجام عمل تغییر جنس و مداوای پزشکی وجود دارد.

هرچند اجتماع بین‌المللی دگرباشان به آرامی از سوی جوامع و دولت‌ها شناخته می‌شود، در خاورمیانه وضعیت اجتماع دگرباشان هنوز راکد و غم‌انگیز است. در سراسر خاورمیانه، دگرباشان به سبب قوانین موجود ضد آنها و همچنین انگ اجتماعی وسیع‌تر، با درجات مختلفی از سرکوب روبه‌رو هستند. به استثنای اسرائیل، بیشتر کشورهای خاورمیانه آشکارا اجتماع دگرباشان را محکوم می‌کنند. در نتیجه، اجتماع دگرباشان در خاورمیانه به شکل زیرزمینی وجود دارد و اعضای آن اغلب در ترس از آشکار شدن زندگی می‌کنند. به جز چند مورد استثنا، چشم‌انداز دگرباشان در خاورمیانه تیره و تاریک و حتی به شدت گشوده است. دگرباشان بسیاری با کشمکش‌های عمده‌ای در زندگی روزمره خود روبه‌رو هستند و بسیاری از تقلاهای آنها همچون آزار در مدرسه، طردشدگی، کتک خوردن و تجاوز در خانواده، یا احساس میل به فرار از خانه ماهیتی اجتماعی دارد. اغلب این سوءرفتارها به سبب خطر خشونت بیشتر از طرف خود مقامات گزارش نمی‌شود. پلیس امنیت اغلب به مهمانی‌ها و دیگر تجمعات دگرباشان ایرانی حمله می‌کند و گاهی این حمله‌ها به دستگیری و بازداشت منتهی می‌شود.¹

کردها به سبب پیشرفتی که در برابری حقوق زنان داشته‌اند، از دیگر همسایگان مسلمان خود اندکی جدا هستند. آنها افتخار واحدهای تماماً زنانه را در مبارزه با داعش داشته‌اند. اما خیلی زود است که بتوانیم بگوییم نواحی کردنشین در چهار پارچه کردستان (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) روزی می‌توانند به پناهی نسبی برای دگرباشان تبدیل شوند. با وجود این، موج تغییرات را می‌توان از سال 2015 میلادی، در جهان اسلام احساس کرد. حزب پیشرو کرد در ترکیه، برای اولین بار، آشکارا، نامزدی گی در پارلمان ترکیه داشت. آقای سولو کارزار

1. LGBT Rights in Iran by Shima Houshyar, published October 21, 2015.

خود را بر اساس پیامی مبنی بر حقوق برابر برای گی‌ها در ترکیه به مدت هفده سال ادامه داد و در جایگاه ترویج حقوق دگرباشان ایستاد.

همچنین حتی در بین خانواده‌های نسبتاً سکولار، بنیان‌های قبیله‌ای فرهنگ کردی، که بیشتر در نواحی روستایی به چشم می‌آیند، می‌توانند به شدت رفتار اجتماعی را محدود کنند. قبایل همچنان هنجارهای ناموسی محافظه‌کارانه خود را حفظ کرده‌اند و نسبت دادن همجنسگرایی به مرد و یا ارتکاب عمل جنسی توسط مرد «مفعول» بسیار ناپسند و به دور از مرد بودن است و با الفاظی بسیار تحقیرکننده از قبیل «کونی» مورد خطاب قرار می‌گیرد که البته این شیوه تفکر و یا استفاده از الفاظی از این دست در میان دیگر قومیت‌های ساکن در خاورمیانه از قبیل فارس‌ها و اعراب رایج است، حتی اگر مذهب یکی از عوامل پنهان در پس این نارواداری باشد.

در ایران، رویه جدید مجازات اسلامی، که آن را شورای نگهبان در سال 2013 میلادی با یک دوره پنج‌ساله آزمایشی تصویب کرد، از اکتبر سال 2014 میلادی اجرایی شد. بر اساس سندی که در مقدمه به آن اشاره شده است، روند مجازات طبق سیاست حاکمیت برای «اسلامی‌سازی» نظام حقوقی ایران به‌روزرسانی شده است. با این حال، قانون مجازات اسلامی جدید شامل اصلاحیه‌هایی است که از افرادی، بهتر، حمایت می‌کند که متهم به رفتار همجنسگرایانه هستند¹. بر اساس قانون جزای ایران، خطراتی جدی، همچون محکومیت به اعدام، افراد متهم به همجنسگرایی را تهدید می‌کند. به همین سبب، وکلا باید برای حمایت از افراد دگرباش، به‌خوبی از این اصلاحات و فرصت‌های بالقوه‌ای که در قانون جدید دیده می‌شود، آگاه باشند تا از بازداشت یا محکومیت آنها به جرم همجنسگرا بودن جلوگیری کنند².

1. <https://www.amnestyusa.org/reports/flawed-reforms-irans-new-code-of-criminal-procedure/> [Accessed December 20th, 2017].

2. Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Rights in Iran Analysis from Religious, Social, Legal and Cultural Perspectives. by INTERNATIONAL GAY AND LESBIAN HUMAN RIGHTS COMMISSION.

داعش از زمان پیدایش به تعقیب قضایای اقلیت‌های مذهبی، زنان، و افرادی پرداخت که هویت یا سبک زندگی‌شان با باورهای خشک و متعصبانه این گروه همسو نبود.¹ درجات مختلف خشونت، انزوای شدید، و برچسب‌خوردگی اجتماعی عمدی همیشه ویران‌کننده است، اما در اصطلاح دولت اسلامی، اوضاع چرخشی مخرب پیدا کرده است. در نواحی تحت کنترل دولت اسلامی، مبارزان احکامی علیه رفتار همجنسگرایانه و مدل موهای پرزرق و برق صادر کردند و به هرکسی که در حین عمل لواط دستگیر می‌شد، وعده مرگ دادند. تنها در یک روز، در دولت اسلامی داعش، نه مرد و یک پسر پانزده‌ساله را به دلیل همجنسگرا بودن در شهری در سوریه کشتند. دادگاه‌های فرمایشی داعش رابطه جنسی گی‌ها را جرم مستوجب مجازات مرگ اعلام کرده است و مجازات‌های وحشیانه‌ای همسو با خوانشی افراطی از شریعت اسلام برای این عمل تعیین کرده‌اند.

این نمونه فقط یکی از نمونه‌هایی سوءاستفاده داعش از تعصبات اجتماعی و مذهبی است که از قبل نسبت به افراد گی وجود داشته است و اکنون از آنها برای توجیه اعمال خود استفاده می‌کند. این رویه ظاهراً تا سال 2017 میلادی، با وجود عقب‌نشینی‌هایی، ادامه داشته است. در حکومت داعش، مجازات‌ها خشن، وحشیانه، و فراتر از درک انسان است. یکی از رایج‌ترین مجازات‌ها پرت کردن فرد از بالای ساختمان است. کسانی که از این پرتاب جان به درمی‌برند توسط جمعیتی سنگسار می‌شوند که در میانشان کودکان نیز دیده می‌شوند. در جولای سال 2015 میلادی، دو مرد در شهر پالمیرای سوریه به چنین سرنوشتی محکوم شدند. شهر در آن زمان تحت کنترل دولت اسلامی داعش بود. آنها پس از آنکه مقامی از دولت اسلامی حکم اعدامشان را به جرم همجنسگرایی صادر کرد، از بام یک هتل به پایین پرتاب شدند.²

در ژانویه سال 2017 میلادی، داعش پسر هفده‌ساله‌ای را در موصل عراق با پرتاب از یک ساختمان کشت. مرد جوان ناشناس دیگری از بام ساختمانی در ماه مارس به پایین پرتاب شد. ظاهراً جمعیت منتظر در پایین ساختمان مرد را سنگسار کردند و کشتند. برای ترویج ترس، داعش تصاویر هردو قتل را از طریق حساب‌های

1. Sources: ARA News, Iraqi News, Daily Mail.

2. The Islamic State's shocking war on gays – The Washington Post, from www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2016.

کاربری وابسته به خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. در ژانویه سال 2015 میلادی، یک گروه رسانه‌ای افراطی تصاویری را منتشر کرد که افراد مسلحی را نشان می‌داد که مردان متهم به همجنسگرایی را از ساختمانی از شهر موصل در عراق به پایین پرتاب می‌کردند.

بذرهای کوچک تغییر در طی دوره‌ای طولانی به وجود خواهند آمد. در سال 2002 میلادی، کردستان عراق قوانین دوره صدام حسین را لغو کرد که به شدت حق مقامات برای تعقیب قضایی افرادی که خشونت ناموسی می‌کردند را محدود می‌کرد. در سال 2007 میلادی، نخست وزیر کردستان عراق، بارزانی، کمیسیون‌های ویژه‌ای را با هدف اجرای قانون برای مبارزه و پیگیری خشونت‌های ناموسی علیه زنان راه‌اندازی کرد و ریش سفیدان روستا را از تصمیم‌گیری درباره این موارد خارج از نظام دادگاه منع کرد. به‌واقع، این اولین گام به سوی مبارزه با نقض حقوق بشر در بسیاری زمینه‌ها از جمله دگرباشان است. در طی سال‌های اخیر، دولت منطقه‌ای کردستان – قدرت خودمختار در استان‌های شمالی عراق – کاملاً از پلیس جاهلی که گاهی را مجازات می‌کرد، تغییر موضع داده است و کمتر در این موارد دخالت می‌کند.¹

در مقایسه، اسرائیل در دفاع از حقوق دگرباشان از پیشرفته‌ترین کشورهای خاورمیانه است. در این کشور، حقوق دگرباشان رسماً پذیرفته شده است و اعضای اجتماع دگرباشان می‌توانند با هم پیوندی مدنی داشته باشند که تقریباً مشابه پیوند زوج‌های دگرجنسگرا است. کشورها یا نواحی دیگر قابل ذکر در این منطقه شامل عراق، اردن، و فلسطین می‌شوند که رابطه جنسی با شریک همجنس را غیرقانونی نمی‌دانند.² در لبنان با وجود اینکه همجنسگرایی همچنان غیرقانونی است، اجتماع روبه‌رشد دگرباشان این کشور بیشتر و بیشتر در معرض دید قرار گرفته است. در بیروت، به طور خاص، دگرباشان اجتماعی سالم و البته زیرزمینی‌ای تشکیل داده‌اند.³

1. In ISIS' Shadow, LGBT Kurds Take A Stand | HuffPost, from www.huffingtonpost.com/entry/in-isis-shadow-lgbt-kurds.

2. ILGA the International LGBTI Assoc. Lesbian and Gay Rights in the World. ILGA. May 2010.

3. Zoepf, Katherine. (16 Aug. 2007). What Happened to Gay Beirut?. *The New York Observer*.

نتیجه‌گیری

این کتاب تلاشی است برای کمک به پژوهشگران و کنشگران در جهت تأمل بیشتر دربارهٔ روش‌های بقایی که ممکن است به بهبود زندگی دگرباشان در ایران کمک کند. چالش اصلی دگرباشان در ایران از بین بردن نگاه منفی جامعه و اجتماعی است که به شدت در پی نارواداری، تبعیض، و تعقیب قانونی است. این نگاه منفی وقتی جدی‌تر می‌شود که قوانین و مقررات ایران انکار قطعی حقوق دگرباشان را تأیید و تقویت می‌کنند. آگاهی‌رسانی و مبارزه با نفرت هدف اصلی کنشگران اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد است. اطلاع‌رسانی در خصوص دگرباشی در جامعه ایران و حضوری فعال‌تر داشتن در شبکه‌های اجتماعی درک عمومی بهتری از دگرباشان به دست می‌دهد و به شدت در حل بسیاری از مسائل آنها نقش دارد.

برای بهبود وضعیت دگرباشان، انبوهی از مسائل که پیشتر به آنها اشاره شد، باید در نظر گرفته شود. به همین ترتیب، چالش‌های همراه با زندگی، مسائل مشکل‌ساز تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌ها، و زبان به کاررفته برای توصیف دگرباشان باید مورد توجه قرار گیرد، چراکه مشروعیت دادن به اقلیت‌ها و توجه به پیچیدگی‌های خاص آنان، در هر عملی، اولین گام برای بهبود وضعیت آنها است. گرچه در حال حاضر، با وجود همهٔ مشکلات، حتی در سخت‌گیرترین کشورهای خاورمیانه، دگرباشان همچنان به شکل زیرزمینی گرد هم می‌آیند و در مقابل عقیدهٔ عمومی، هنجارهای فرهنگی، و نهادهای مذهبی — که همچنان آنها را تحقیر می‌کنند و اجازهٔ دسترسی به حقوقشان را به آنها نمی‌دهند — به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهند.

از آنجا که در قرن بیست و یکم به سر می‌بریم، فشار برای در نظر گرفتن حقوق دگرباشان خاورمیانه از جانب منابع خارجی مانند گروه‌های حقوق بشری بین‌المللی، دول خارجی و اجتماع دگرباشان بین‌المللی بیشتر می‌شود.¹ فریاد نکوهش بین‌المللی را به سبب رفتاری که با دگرباشان در خاورمیانه می‌شود، دیگر نمی‌توان خاموش کرد.

1. GME Gay Middle East. Gay Middle East. (2011). Amnesty International, Canada.

آنچه روشن است، مخصوصاً در مورد گروهی که همچنان مورد انگ واقع می‌شود، سازوکارهای گسترده اجتماعی است که نقشی مهم در درک تفاوت‌های سطوح مختلف تبعیض در کشورهای جهان بازی می‌کند. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که پذیرش اجتماعی مؤلفه‌ای حیاتی است که مطالعات بسیاری سعی در درک نقش آن داشته‌اند. درک این پدیده بلافاصله برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده میان دگرباشان به کار می‌آید. مطالعات بیشتر در زمینه پذیرش اجتماعی برای توضیح دامنه و تأثیر این مؤلفه مفید خواهد بود.

کلام آخر اینکه این مطالعه پژوهشی نیاز مبرم به تلاش‌های نظری و روشی بیشتری را برای ایجاد تغییر و درکی از این مسئله مهم اجتماعی آشکار می‌کند. همان‌گونه که در این پژوهش بر آن تأکید می‌شود، دگرباشان مرتب با برچسب‌خوردگی و تبعیض بسیاری روبه‌رو هستند که به شدت بر سلامت جسمی و روانی آنها تأثیر می‌گذارد. فهمیدن اینکه چگونه می‌توان این انگ و تبعیض را کاهش داد، عنصر مهم بهبود زندگی دگرباشان است. این مطالعه پژوهشی اهمیت پرداختن به پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ارزش رویکردی سراسری و نظریه‌محورتر را برای توضیح سطوح مختلف تبعیض تجربه‌شده در همه کشورها نشان می‌دهد.

اما عمل معنادار تنها می‌تواند در چهارچوب یک محیط مطلوب با سیاستگذاران، سیاستمداران و نخبه‌های سیاسی روشنفکر انجام شود. این عمل تغییر ایدئولوژی سنتی و هنجارهای سخت‌گیرانه را نیز شامل می‌شود. در ایران، جایی که همجنسگرایی همچنان جرم انگاشته می‌شود و مجازات مرگ را در پی دارد، پروژه‌های حمایت از دربرگیری اقتصادی و اجتماعی اقلیت‌های جنسی تقریباً غیرممکن است و چندان هم احتمال تأثیرگذاری آنی ندارد. امید است بتوان با تأکید بر اینکه محرومیت دگرباشان بر همه اثر می‌گذارد، به کشورها در درک این موضوع کمک کرد که با پایان دادن به تبعیض می‌توانند از مزایای زیادی بهره‌مند شوند.

قطعاً محروم کردن اجتماعات دگرباشان علت اصلی فقر و مانعی بر سر راه توسعه است¹. محرومیت دگرباشان نه تنها به دلیل نتایج بعدی آن در زندگی افراد و فقر کلّ گروه، بلکه به دلیل تأثیر منفی آن بر اقتصاد و

1. Hylton, E. (2011). Developing work in and with communities. *Occasional Paper*, 4, p. 55.

جامعه در ابعاد وسیع تر موضوعی توسعه‌ای است. نیل به توسعه فراگیر نیازمند ادغام بیشتر مسائل دگرباشان در فرایندها، سیاست‌ها، و برنامه‌ریزی‌هایی است که از خلال آنها پنجره‌های فرصت‌های جدید گشوده خواهد شد. در این راستا، می‌توان از درس‌آموخته‌های کارهای پیشین در این حوزه بهره برد که با کار در حوزه اقتصاد و بهداشت شروع می‌شود¹.

بیش از 31 درصد جمعیت هشتاد میلیونی ایران بین 15 تا 29 سال سن دارند و این نیمرخ جمعیتی بسیار جوان فرصتی برای تغییر، پویایی جدید سیاسی، و به طور بالقوه، دیدی جدید به جنسیت است. پیش بردن این نگاه نسلی نیازمند جمع‌آوری، به اشتراک‌گذاری، و فرمول‌بندی یک برنامه آموزشی درباره ادغام دگرباشان در همه سطوح زندگی است. هرگونه پیشرفت در پرداختن به نیازهای اساسی اجتماع دگرباشان در ایران با کمک مؤلفه‌های ذیل سرعت می‌گیرد: پر کردن خلأ اطلاعاتی، کندوکاو در داده‌های موجود و جمع‌آوری داده‌های پایه متقن، حمایت از تحقیقات، آزمودن ایده‌های جدید و مبتکرانه، و برنامه‌ریزی بر اساس ارزیابی‌های دقیق. هرگاه نتایج چنین تلاش‌هایی به شکلی واضح و شفاف به اشتراک گذاشته شود، اجتماع روبه‌رشدی که در این حوزه کار می‌کند، می‌تواند موارد موفق را بسط دهد و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کند و بی‌تردید، ورود سازمان‌های مردم‌نهاد به این حوزه و حمایت‌های اجتماعی آنها از اجتماع دگرباشان می‌تواند این راه را هموارتر سازد.

با این حال، جامعه در مقابل جمعیت دگرباش ملاحظات سختی دارد و درکل، با افراد غیردگرجنسگرا در تقابل است. بنابراین این‌گونه به‌نظر می‌آید که نیازی نیست دولت، در خاورمیانه به طور عام و در ایران به طور خاص، کاری انجام دهد. فشار انکار و تقابل از سوی جامعه، سازمان‌های مدنی و نهاد خانواده اعمال می‌شود که سبب شده است تا دولت زحمتی متقبل نشود و به آن بی‌اعتنا باشد و البته مطالبه جدی‌ای نیز توسط گروه‌های دگرباشان در غیاب داشتن تشکل و گروه‌های منسجم و رسمی دگرباشی در ایران شکل نگرفته است، اگر چه تعدادی مرکز حمایت از تراجنسیتی‌ها در کلان‌شهرها وجود دارد. این امر که افراد در برابر دگرباشان مدارایی از خود نشان

1. Mulé, N.J.; Ross, L.E.; Deeproose, B.; Jackson, B.E.; Daley, A.; Travers, A; Moore, D. (2009). Promoting LGBT health and wellbeing through inclusive policy development. *International journal for equity in health*, 8(1), p. 18.

نمی‌دهند، کاملاً در جنبش‌های سراسر خاورمیانه مشهود است و در این سناریو، نهادهای دولتی از جایگاهی مطمئن و باثبات لذت می‌برند. در هر حال، لازم است شرایط کنونی تغییر کند و حقوق دگرباشان در همه عرصه‌های اجتماعی به همراه حقوق شهروندی آنان به رسمیت شناخته شود.

منابع

کتاب‌ها و نشریات

Abbasi Shavazi, Mohammad Jalal; McDonald, Peter; Hosseini Chavoshi, Meimanat. (September 30, 2009). Region of Residence. The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction. *Springer*. 12 pp. 100-101.

Adamczyk, Amy. (2017). *Cross-National Public Opinion about Homosexuality: Examining Attitudes across the Globe*. University of California Press.

Ahmady, Kameel. (2019). *House in the shadow: A Comprehensive Research on white Marriage (cohabitation) in Iran*. London, Mehri Publishing.

Ahmady, Kameel. (2016). *An Echo of Silence- A comprehensive research Study n Early Child Marriage (ECM) in Iran*. Tehran: Shiraza Available: <http://kameelahmady.com/wp-content/uploads/2016/10/English-final-web.pdf>.

(2015). *In the Name of Tradition. Female Genital Mutilation in Iran*. Tehran, Shiraza Available: Uncut/VOICES Press <http://kameelahmady.com/fgm-in-Iran>.

Amnesty International journal. Crimes of hate, conspiracy of silence. (2001). Oxford, United Kingdom: The Alden Press.

Appiah, Anthony; Gates, Henry Louis. (2010). *Encyclopaedias of Africa*. Volume 2 OUP, USA: Nova publishing, NA.

Ard, Kevin L; Makadon, Harvey J. IMPROVING THE HEALTH CARE OF LESBIAN, GAY, BISEXUAL AND TRANSGENDER (LGBT) PEOPLE: *Understanding and Eliminating Health Disparities*. p 3.

Avery, D.R.; McKay, P.F; Wilson, D.C. (2007). Engaging the aging workforce: The relationship between perceived age similarity, satisfaction with co-worker and employee Engagement. *Journal of Applied Psychology*, 25 (9), pp. 1542-1556.

Bagley, C.; Tremblay, P. (1997) Suicidal behaviors in homosexual and bisexual males. *Crisis*, 18, pp. 24-34.[PubMed].

Bailey, JV.; Farquhar, C.; Owen, C. (2003). Sexual behaviour of lesbians and bisexual women. *Sex Transm Infect*, 79, p. 147.

Barbosa, RM.; Facchini, R. (2009). Access to sexual health care for women who have sex. *Cad Saude Publica*, 25, pp. 291-300. doi: 10.1590/S0102-311X2009001400011.

Barr, Bob. (January 5, 2009). No Defending the Defence of Marriage Act. *Los Angeles Times*. P. 127 <http://articles.latimes.com/2009/Jan/05/opinion/oe-barr5>.

Beemyn, Genny; Susan Rankin. (2011). *The Lives of Transgender People*. New York: Columbia University Press.

Betts, P. (2008). *Developing survey questions on sexual identity*: UK experiences of administering questions on sexual identity/orientation. ONS (Office for National Statistics). p. 4

Bilgehan Ozturk, M. (2011). Sexual orientation discrimination: Exploring the experiences of lesbian, gay and bisexual employees in Turkey. *human relations*, 64 (8), pp.1099-1118.

Bogaert, A.F. (2004). Asexuality: Prevalence and Associated Factors in a National Probability Sample. *The Journal of Sex Research*, 41(3), pp. 279-287.

Bontempo, DE; D'Augelli, AR. (2002). Effects of at-school victimization and sexual orientation on lesbian, gay, or bisexual youths' health risk behavior. *Adolesc Health*, 30(5), pp 364-374. [PubMed].

Boswell, J. (1980). *Christianity, social tolerance and homosexuality*. Chicago: University of Chicago Press.

Brady, Sean.(2005). *Masculinity and Male Homosexuality in Britain, 1861-1913*. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan, Print, pp. 11, 17, & 46.

Brocklebank, Christopher. (2012). Police raid headquarters of LGBT rights group publishing. p.149.

Brown, Jonathan. (16 October 2009). BBC Unveils Drama About Gentleman Jack – The First Modern Lesbian. *San Francisco Sentinel*, retrieved 6 June 2010.

Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. Germany: Berlin press.

Butrica, J.(2005). *Some Myths and Anomalies in the Study of Roman Sexuality, in Same-Sex Desire and Love in Greco-Roman Antiquity*. university book house.

Chan, Phil C. W. (2005). the lack of sexual orientation anti-discrimination legislation in Hong Kong: breach of international and domestic legal obligations. *The International Journal of Human Rights*, 9, (1), pp.69-106, Available: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13642980500032347> [7 November 2012].HonHH.

Chauncey, G. (1995). *Gay New York: The Making of the Gay Male World 1890-1940*. London: Flamingo.

_____. (1982/1983). From sexual inversion to homosexuality: Medicine and the changing conceptualization of female deviance. *Salmagundi*, 58-59, pp. 114-146.

Cheng, L. (1999), Globalization and women's paid labour in Asia. *International Social Science Journal*, 51, pp. 217-228. doi:10.1111/1468-2451.00190.

Cochran, S.D.; Mays, V.M.; Sullivan, J.G. (2003) Prevalence of mental disorders, psychological distress, and mental health services use among lesbian, gay, and bisexual adults in the United States. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 71(1), p. 53-61.

Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications.

Crenshaw, Kimberlé . (1991). Mapping the margins: Intersectionality, identity politics, and violence against women of color. *Stanford Law Review*, 43 (July), pp. 1241-1299.

Creswell, J. W.; Plano Clark, V. L. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. Thousand Oaks: Sage Publications.

Croteau, JM. (1996). Research on the work experience of lesbian, gay, and bisexual people: An integrative review of methodology and findings. *Journal of Vocational Behavior*, 48, pp.195-209.

Dastagheib Shirazi, Seyed AbdolHossein; *Gonāhan-e Kabīrah* [nd] [own translation]; Interview with Arsham Parsi, 14 March 2017; Arsham Parsi and Marc Colbourne, *Exile for love: The journey of an Iranian queer activist* (Halifax and Winipeg: Roseway Publishing, 2015), pp. 12–13.

Davis, James A. and smith, Tom w.(1991). *General Social Surveys, 1992- 1991: cumulative Codebook*. Chicago: NORC.

De Young, James B. (2000). Homosexuality, claims Examined in light of the bible and Other Ancient Literature and Law magazine.

Dean, Carolyn J. (1996). *Sexuality and Modern Western Culture*. New York: Twayne Publishers.

D'Emilio, J.; Freedman, E.B. (1988). *Intimate matters: A history of sexuality in America*. New York: Harper & Row.

Dempster, Sarah. (1 June 2010). The Secret Diary of Miss Anne Lister and 30 Rock. *The Guardian*, *Guardian Media Group*, retrieved 4 June 2010.

Diamond–Friedman, Cassandra. (1990). A multivariant model of alcoholism specific to gay–lesbian populations. *Alcoholism Treatment Quarterly*, 7(2), pp. 111–117.

Donovan, J.M. (1996). DOMA: An Unconstitutional Establishment of Fundamentalist monthly magazine.

Drescher J. (2010). Queer diagnoses: parallels and contrasts in the history of homosexuality, gender variance, and the diagnostic and statistical manual. *Arch Sex Behav*, 39(2), pp. 427-60.

Drummond, Kelley D.; Bradley, Susan J.; Peterson–Badali, Michele; Kenneth, J. (2008). Zucker in Developmental Psychology. *Gender and sexuality journal*, 44(1), pp. 34-45.

Dumper, Michael; Stanley, Bruce E.(.). Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopaedia Study group journal.

Dunbar, E. (2006). Race, gender, and sexual orientation in hate crime victimization: Identity politics or identity risk? *Violence and Victims*, 21, pp. 323-337. [PubMed].

Dworkin, S. H.; Yi, H. (2003). LGBT identity, violence, and social justice: The psychological is political. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 25 (4), pp. 269-279.

Dynes, Wayne R.; Donaldson, Stephen. (1990). *Encyclopedia of Homosexuality*. Garland Pub.

Eliason, M. J. (1997). The prevalence and nature of biphobia in heterosexual undergraduate students. *Archives of Sexual Behavior public magazine*.

Epprecht, Marc (2004). *Hungochani: The History of a Dissident Sexuality in Southern Africa*. McGill–Queen's Press - MQUP.

Epstein, L.; Martin, A.D.; Quinn, K.M; Segal, J.A. (2007). *Ideological drift among Supreme Court justices: Who, when, and how important*. 101 Nw. UL Rev.

Fassinger, Ruth E. (1998). *Lesbian, Gay, and Bisexual Identity and Student Development Theory*. Working with lesbian, gay, bisexual, and transgender college students: A handbook for faculty and administrators.

Fone, Byrne R. S. (2000). *Homophobia: a history*. New York: Metropolitan Books.

Foucault, M. (1981). *The History of Sexuality* (Volume 1: An Introduction). London: Pelican.

Franke, Katherine M. (2004). The domesticated liberty of Lawrence v. *Texas*. Colum. L. Rev, p. 104

Frankowski, BL. (June 2004). American Academy of Pediatrics Committee on Adolescence. *Sexual orientation and adolescents*. 113 (6), pp. 1827-1832. PMID 15173519. doi:10.1542/peds.113.6.1827.

Freedman, Lynn; Miller, Alice; Alexander, J. (2004). Public Health Monitoring and Accountability: A Map of Current Initiatives and Conceptual Challenges: *A Briefing paper for OSI*, pp. 7-9.

Freud, S. (1905). *Three essays on the theory of sexuality* (In J. Strachey Ed. and Trans.). London: Hogarth Press, (Original work published 1905).

Friman, J. (2014). *LGBT-rights: sexual orientation, gender identity and the human rights*. Montreal: Franklin press.

Galarza, Priscilla. (24 Oct. 2014). *The History of Gay Rights in America*. University Wire Nov 08 2013. ProQuest, Web.

Gall, M. D.; Gall, J. P.; Borg, W. R. (2007). *Educational research: an introduction* (8th ed.). Boston: Pearson/Allyn & Bacon.

Gauch, S. (2002). *Egypt cracks down on gays, trumping Islamists*. Christian Science Monitor, book store digital.

Gibbon, Edward. (1781). *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire*. Print.

Giddens, Anthony. (2013). *The transformation of intimacy: Sexuality, love and eroticism in modern societies*. John Wiley & Sons journal.

Glaser, J.; Dixit, S.; Green, D. P. (2002). Studying hate crime with the Internet: What makes racists advocate racial violence. *Journal of Social Issues*, 58, pp. 177–193.

Goldstein, Anne B. (1987). History, homosexuality, and political values: Searching for the hidden determinants of Bowers v. Hardwick. *Yale Lj*, 97, pp. 1073.

Greenberg, Jerrold S.; Bruess, Clint E.; Oswalt Jones, Sara B; Chonody, Jill M.; Kavanagh, Phillip S.; Woodford, Michael R. (2016). Does Closeness to Someone Who Is Gay, Lesbian, or Bisexual Influence Etiology Beliefs About Homosexuality? *Journal of Homosexuality*, 63 (12), pp. 1726–1748.

Grey, T.C. (1997). Bowers v. Hardwick Diminished. *U. Colo. L. Rev.*, 68, p.373.

Groth, Nicholas; Williams, F. (2005). *Hobson MS & Thomas S. Gary Medkeley* University of California Press.

Halperin, David. (2002). *How to Do the History of Homosexuality*. Oxford press p.49

Handbook on European non-discrimination law, European Union Fundamental Rights Agency / Council of Europe. (2010).

Hare, Jan. (1994). Concerns and issues faced by families headed by a lesbian couple. *Families in Society*, 32, pp. 27-35.

Hélie, Anissa. (2006). Threats and survival: the religious right and LGBT strategies in Muslim contexts. *WOMEN IN ACTION-ROME THEN MANILA- 1*, p.19.

Herek, Gregory M. (2000). The Psychology of Sexual Prejudice. *Current Directions in Psychological Science*, 9 (1), pp. 19-22.

_____. (2002). Heterosexuals' attitudes toward bisexual men and women in the United States. *Journal of Sex Research*, 39 (4), pp. 264-274.

Herek, Gregory M. ; McLemore, K.A. (2013). Sexual prejudice. *Annual Review of Psychology*, 64, pp.309-333.

History of Treatment/The Medical Treatment of Homosexuality (edited by Cabaj & Stein). (1996). American Psychiatric Association. Atlanta.

Horrie, C.; Chippindale, P. (2007). *What is Islam?: A Comprehensive Introduction*. Virgin Books Limited.

Houshyar, Shima. (published 21 October 2015). *LGBT Rights in Iran*. Kolen: Baran publishing.

Hsueh-Hao Chiang, Howard. (2008). Effecting science, affecting medicine: Homosexuality, the Kinsey reports, and the contested boundaries of psychopathology in the United States, 1948–1965. *Journal of the history of the behavioral sciences*, 44, pp. 300–318. 10.1002/jhbs.20343.

Huwiler Stronski, SM.; Remafedi, G. (1998). Adolescent homosexuality. *Advances in Pediatrics*, 45, pp. 107-144. Medline

Hylton, E. (2011). *Developing work in and with communities. Occasional Paper Volume 4*. College finance.

Jäckle, S.; Wenzelburger, G. (2015). Religion, religiosity, and the attitudes toward homosexuality—A multilevel analysis of 79 countries. *Journal of homosexuality*, 62 (2), pp. 207–241.

Jacobs, Sue-Ellen; Wesley, Thomas; Sabine, Lang. (1997). *Two Spirit People: Native American Gender Identity, Sexuality, and Spirituality*. Champaign, IL: University of Illinois Press.

James, Cates. (August 2007). Identity in Crisis: Spirituality and Homosexuality in Adolescents. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 24, Issue 4, pp 369-383,

Jaspal, R.; Breakwell, G.M (Eds). (2014). *Identity Process Theory: Identity, Social Action and Social Change*. Cambridge: Cambridge University Press.

Jimenez, Marina. (2004). *Gay Jordanian Now` Gloriously Free` in Canada*. Gay Middle East.

Johnson, B.; Christensen, L. (2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. Thousand Oaks: Sage Publications.

Jones, Susan R.; Torres, Vasti; Arminio, Jan. (2013). *Negotiating the Complexities of Qualitative Research in Higher Education: Fundamental Elements and Issues*. Routledge press.

Jordans, Frank. (17 June 2011). U.N. Gay Rights Protection Resolution Passes, Hailed As "Historic Moment". *Associated Press*.

Katz, Jonathan Ned. (1976). *Gay American history: Lesbians and gay men in the USA*. New York: Thomas Y. Crowell Company.

_____. (1978). *Gay American History: Lesbians and Gay Men in the USA* book house press LTD.

_____. (1995). *The Invention of Heterosexuality*. New York: Dutton (Penguin Books).

Katz-Wise, Sabra L. (2015). Sexual fluidity in young adult women and men: Associations with sexual orientation and sexual identity development. *Psychology & Sexuality*, 6 (2), pp. 189–208.

Kennedy, Hubert; Ulrichs, Karl Heinrich.(1997). *First Theorist of Homosexuality, in Science and Homosexualities* (ed. Vernon Rosario). New York: Routledge.

Khorashad, Behzad Servari., et al. (2017). Sexual orientation and medical history among Iranian people with Complete Androgen Insensitivity Syndrome and Congenital Adrenal Hyperplasia. *Journal of psychosomatic research*, 92. Pp. 55–62.

Kiely, Niall. (23 April 1983). Norris to go to rights court in Strasbourg. *The Irish Times*. p. 8.

Kinsey, A.C.; Pomeroy, M.W. Brain., C.E. (1948). Sexual behaviour in the human male. Philadelphia: W.B. Saunders. Kinsey, A.C., Pomeroy, W.B., Martin, C.E., & Gebhard, P.H. (1953). Sexual behaviour in the human female. Philadelphia: W.B. Saunders.

Kitts, R. (2005). Gay adolescents and suicide: understanding the association. *Adolescence*, 40(159), pp. 621–628.

Klassen, A.; Williams, C.; Levitt, E. (1989). *Sex and morality in the U.S.* Middletown: Wesleyan University Press.

Koh, A.S. ; Ross, L.K. (2006). Mental health issues: a comparison of lesbian, bisexual and heterosexual women. *Journal Homosex*, 51(1), pp. 33–57.

Kreiss, J.L.; Patterson, D.L. (1997). Psychosocial issues in primary care of lesbian, gay, bisexual, and transgender youth. *Journal Pediatr Health Care*, 11, pp. 266–274.

LaMar, Lisa; Kite, Mary. (1998). Sex differences in attitudes toward gay men and lesbians: A multidimensional perspective. *Journal of Sex Research*, 35(2), pp. 189–196

Lennox, C.; Waites, M. (2013). Human rights, sexual orientation and gender identity in the Commonwealth: From history and law to developing activism and transnational dialogues. Human Rights Consortium, Institute of Commonwealth Studies, pp. 1–59.

Lesbian and Gay Rights in the World. (May 2010). *ILGA the International LGBTI Assoc.*

Lev A. I. (2004). *Transgender Emergence. Therapeutic Guidelines for Working with Gender-Variant People and their Families*. New York, NY: Haworth Clinical Practice Press.

Lovaas, Karen; Mercilee M. Jenkins. (5 May 2008). Charting a Path through the 'Desert of Nothing'. *Sexualities and Communication in Everyday Life: A Reader*. 8 July 2006. Sage Publications Inc.

Lovelock, James M. (2014). Using the Klein Sexual Orientation Grid in Sociological Studies. *Journal of Bisexuality*, 14(3–4), pp. 457–467.

MacKinnon. (July–August 1979). Aegis: Magazine on Ending Violence Against Women. *Sexual Harassment*, 50–51, p. 219.

Magnani R, et al. (2005). Review of sampling hard-to-reach and hidden populations for HIV surveillance. *Aids*, 19 (Suppl 2), pp.S67-72.

Makarem, G. (2011). The Story of HELEM. *Journal of Middle East Women's Studies*, 7(3), pp. 98-112.

Maoz, Z.; Henderson, E.A. (2013). The world religion dataset, 1945-2010: Logic, estimates, and trends. *International Interactions*, 39 (3), pp.265–291.

Massad, J. (2015). *Islam in Liberalism*. Chicago: University of Chicago Press.

McCall, Leslie. (2005). The complexity of intersectionality. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 30 (Spring), pp. 1771-1800.

McConaghy, N. (1998). Paedophilia: A review of the evidence. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 32(2), pp. 252–265.

McDowall, A.; Khan, S. (2004). The Ayatollah and the transsexual. *The Independent* (UK), text book LTD. p. 34.

McLeod, S. A. (2007). Nature Nurture in Psychology. Retrieved from www.simplypsychology.org/naturevsnurture.html. Accessed November 4, 2017.

McManus, S. (2003). *Sexual Orientation Research Phase 1: A Review of Methodological Approaches*. London: National Centre for Social Research.

Mohamed, M.S. (2015). *Sexuality, Development and Non-conforming Desire in the Arab World: The Case of Lebanon and Egypt* (No. IDS Evidence Report; 158). IDS.

Mondimore, F.M. (2010). A natural history of homosexuality Money J. (1994). The concept of gender identity disorder in childhood and adolescence after 39 years. *J. Sex Marital Ther.* 20 163-177. 10.1080/00926239408403428 [PubMed] [Cross publish company].

Monro, Surya. (2015). *Bisexuality: Identities, politics, and theories*. Springer, Alabama.

Moore, LW; Miller, M. (1999). Initiating research with doubly vulnerable populations. *Journal of Advanced Nursing*, 30 (5), pp. 1034-1040.

Mulé , N.J.; Ross, L.E.; Deeprose, B.; Jackson, B.E.; Daley, A.; Travers, A.; Moore, D. (2009). Promoting LGBT health and wellbeing through inclusive policy development. *International journal for equity in health*, 8(1), p.18.

Munt, S. R. (2000). Shame/pride dichotomies in Queer as Folk. *Textual Practice*, 14, pp. 531-546.

Murrey, Melissa. (2016). Obergefell.V HHodges and Nonmarriage Inequality magazine.

Myers, JoAnne. (2013). *Historical dictionary of the lesbian and gay liberation movements*. Scarecrow Press.

Naguschewski, D.; Veit-Wild, F. (2005). *Body, sexuality, and gender*. Amsterdam: Rodopi.

Najmabadi, A. (2011). Verdicts of science, rulings of faith: Transgender/ sexuality in contemporary Iran. *Social Research*, 78(2), pp. 1-24.

Neel Burton, M.D. (2015). Hide and Seek, When Homosexuality Stopped Being a Mental Disorder magazin.

Nosek, BA.; Greenwald, AG. Banaji, MR. (2007). *The Implicit Association Test at age 7: A methodological and conceptual review* (In: Bargh JA, editor). Automatic processes in social thinking and behavior. London: Psychology Press.

Nungesser, L.G. (1983). *Homosexual acts, actors, and identities*. New York: Praeger.

Ochs, Robyn; Rowley, Sarah E.(2009). *Getting bi*. Bisexual Resource Center.

Paris Adult Theatre I v. Slaton, 413 U. S. 49, 413 U. S. 63 (1973); see also Carey v. Population

Parkinson, Richard. (1995). Homosexual Desire and Middle Kingdom Literature. *Journal of Egyptian Archaeology* (JEA), 81, pp. 57-76. Archaeological Sites: Wayback.archive.org. 2010-10-20. Archived from the original on 20 October 2010.

Parnian, H. (2006). *The sexual rights of women and homosexuals in Iran* (In S. Seidman, N. Fischer & C. Meeks eds.). Handbook of the new sexuality studies. London: Routledge.

Pickett, Brent. (Fall 2015 Edition). Homosexuality. The Stanford Encyclopedia of Philosophy, Edward N. Zalta (ed.), URL = from <https://plato.stanford.edu/archives/fall2015/entries/homosexuality/>.

Pile, S.; Thrift, N.J. (eds.). (1995). *Mapping the subject: geographies of cultural transformation*. Psychology Press.

Poasa, Kris. (1992). The Samoan Fa'afafine: One Case Study and Discussion of Transsexualism. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 5(3), pp. 39-51.

Prejudice, social stress, and mental health in lesbian, gay, and bisexual populations: Conceptual issues and research evidence. *Psychological Bulletin*, 129, pp 674–697.

Prioreschi, Plinio. (1996). *A History of Medicine*. Horatius Press.

Punch, M. (1998). *Politics and ethics in qualitative research* (In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln Eds.). The landscape of qualitative research: Theories and issues. Thousand Oaks: Sage Publications.

Rich, Adrienne. (1980). *Compulsory Heterosexuality and Lesbian Existence*. Only women Press Ltd. ISBN 0–906500–07–9.

Robinson, P. (1976). *The modernization of sex*. New York: Harper & Row.

Rosario, M.; Schrimshaw, EW.; Hunter, J.; Gwadz. M.(2002). Gay-related stress and emotional distress among gay lesbian and bisexual youths: A longitudinal examination. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 70(4), pp. 967-975. [PubMed].

Ryam, C.; Futterman, D. (1998). *Lesbian and gay youth: Care and counselling*. New York: Columbia University Press.

Ryan, ruby, Joelle.(2013). REEL GENDER: EXAMINING THE POLITICS OF TRANS IMAGES IN FILM AND MEDIA, 2009. Page 8 Spencer A. Rathus. *Childhood: Voyages in Development*. Cengage Learning.

Saiz, Ignacio.(2004). *Bracketing Sexuality: Human Rights and Sexual Orientation*.

Sandfort, T.G., et al. (2001). Same-sex sexual behavior and psychiatric disorders:

findings from the Netherlands Mental Health Survey and Incidence Study (NEMESIS).

Archives of General Psychiatry, 58(1), pp. 85–91

Sandra, Harding. (1935). *Introduction: Is There a Feminist Methodology*. Open University Press.

Scheff, T. J. (1994). *Emotions and identity: a theory of ethnic nationalism* (In C. Calhoun ed.) *Social theory and the politics of identity*. Oxford: Blackwell.

Schilt, Kristen; Westbrook, Laurel. (August 2009). Doing Gender, Doing Heteronormativity: Gender Normals, Transgender People, and the Social Maintenance of Heterosexuality. *Gender & Society*, 23 (4), pp. 440-464 [461].

Schlatter, Evelyn; Steinback, Robert. (9 December 2010). 10 Hateful Anti-Gay Myths Debunked. AlterNet. Retrieved 18 June 2013, And Halperin, David (2007). Haggerty, George, ed. "Deviant Teaching". *A Companion to Lesbian, Gay, Bisexual, Transgender, and Queer Studies*. Wiley-Blackwell, pp. 146-167.

Sedgwick, Eve Kosofsky. (1985). *Between Men: English Literature and Male Homosocial Desire*. New York: Columbia University Press.

Short, Donn. (2003). *Don't Be So Gay! Queers, Bullying, and Making Schools Safe*. New York: UBC Press.

Siraj, Asifa. (2012). I don't want to taint the name of Islam: the influence of religion on the lives of Muslim lesbians. *Journal of Lesbian Studies*, 16 (4), pp.449–467, [Online],

Available: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10894160.2012.681268> [1st November, 2012].

Spade, D. (2008). Documenting Gender. *Hastings Law Journal*, 59, pp. 731–842.

Available from: <http://williamsinstitute.law.ucla.edu/wp-content/uploads/Spade-Documents-Gender-Apr-2008.pdf>.

Strauss, A. L.; Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications.

Sullivan; Wodarski. (2002). Social alienation in gay youth. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 5 (1), pp. 1–17.

Svensson, T.K. (2004). *A Bioethical Analysis of Sexual Reorientation Interventions: The Ethics of Conversion Therapy*. Universal-Publishers.

Swaab, D.; Chung, W.; Kruijver, F.; Hofman, M.; Ishunina, T. (2001). Structural and functional sex differences in the human hypothalamus. *Hormones and Behavior*, 40, pp. 93–98. doi:10.1006/hbeh.2001.1682.

Taylor, Yvette; Snowdon, Ria. (2015). *Queering Religion, Religious Queers* Volume 38 of Routledge Studies in Religion. p. 184

Tong, Rosemarie. (2013). *Feminist Thoughts: A more comprehensive Introduction*. Avalon Publishing.

Troiden, R. (1988) Homosexual identity development. *Journal of Adolescent Health Care*, 9 (2), pp. 105–13.

Twenge, J.M.(2014). *Generation me-revised and updated: Why today's young Americans are more confident, assertive, entitled--and more miserable than ever before.* Simon and Schuster.

UNFPA. (2010) Comprehensive sexuality education: Advancing human rights, gender equality and improved sexual and reproductive health.

Upchurch, Charles. (2009). *Before Wilde: Sex between Men in Britain's Age of Reform.* Berkeley: University of California, Print.

Vexen, Crabtree. (2014). The Battle between Monotheism and Homosexuality: Religious Prejudice Versus Equality: Islam. Monthly org Magazine.

Waldman, Steven. (2003). A Common Missed Conception, from http://www.slate.com/articles/life/faithbased/2003/11/a_common_missed_conception.html.

Waldo, CR. (1999). Working in a majority context: A structural model of heterosexism as minority stress in the workplace. *Journal of Counseling Psychology*, 46, pp. 218-232.

Webb, D.; Wright, D. (2001). Count Me In: Findings from the Lesbian, Gay, Bisexual, Transgender Community Needs Assessment 2000 [online], Available at: <http://www.lgbtmind.com/content/ACMI.htm> (accessed 7 February 2018).

Weeks, Jeffery. (1988). *Sexuality and Its Discontents Meanings, Myths and Modern Sexualities.* London: Routledge and Kegan Paul.

Wellman, C. (2000). Solidarity, the individual and human rights. *Human Rights Quarterly*, 22(3), pp. 639–657.

Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California.

Williams, Craig Arthur. *Roman homosexuality: Ideologies of masculinity in classical antiquity*. Oxford University Press on Demand. Ostar, 21-09-2011.

Wood, Julia. *Gendered Lives: Communication, Gender and Culture*. Culture press.

Yadegarfar, M.; Meinhold-Bergmann, M.E; Ho, R. (2014). Family rejection, social isolation, and loneliness as predictors of negative health outcomes (depression, suicidal ideation, and sexual risk behavior) among Thai male-to-female transgender adolescents. *Journal of LGBT youth*, 11(4), pp. 347–363.

Zoepf, Katherine. (16 Aug. 2007). What Happened to Gay Beirut? *The New York Observer*.

وبگاهها

"Poet Adrienne Rich, 82, has died". Los Angeles Times. March 28, 2012. Retrieved March 29, 2012. www.mypeople.com.

2017 edition, State-Sponsored Homophobia report from ILGA, the International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. www.ilga.info.

A Rare Glimpse Into Iran's Underground Gay Community. Available from www.towleroad.com/2014/12/when-then-presidentmahmoud.

A Same-Sex Domestic Violence Epidemic Is Silent. The Atlantic. Available from www.theatlantic.com/health/archive/2013/11/a.

American Psychological Association Answers to Your Questions About Sexual. Available from www.massresistance.org/answers-to-your-questions.pdf.

American Psychological Association. (2008). Answers to your questions: For a better understanding of sexual orientation and homosexuality. Washington, DC: Author. Retrieved from www.apa.org/topics/orientation.pdf.

Applying for Asylum - Immigration Equality. Available from www.immigrationequality.org/applying-for-asylum.

Ari Ezra Waldman A Legal Analysis of the Supreme Court's Historic. Available from www.towleroad.com/2015/06/obergefell-v-hodges.

Australia legalizes same-sex marriage - CNN Available from www.cnn.com/2017/12/07/asia/australia-same-sex-marriage.

Australia legalizes same-sex marriage - CNN. Available from www.cnn.com/2017/12/07/asia/australia-same-sex-marriage.

BBC NEWS | Education | Gay bullying in schools common' news. Available from www.bbc.co.uk/1/hi/education/6239098.stm Accessed Dec 22, 2017.

BBC News | Education| Gay bullying in schools. Available from http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/education/6239098.stm. Accessed December 22, 2017.

Being Lesbian and Trans in Iran | OutRight. Available from www.outrightinternational.org/being-lesbian-and...

Between Religion and Desire: Being Muslim and Gay in Indonesia. Available from www.sjsu.edu/.../courses/soci172/s0/10GayMuslim.pdf.

Building a Foundation for Better Understanding. Washington, DC: The National Academies Press.www.bfbu.net.

Bullying among lesbian, gay and bisexual young people in England. Available from www.cls.ioe.ac.uk/shared/get.

Colorado Court Rules Against Baker Who Refused to Serve Same. Available from www.nytimes.com/2015/08/14/us/colorado-court.

Countries That Allow Gay Marriage Around The World | Pew. Available from www.pewforum.org/.../08/gay-marriage-around-the-world-2013.

Culture of Iran - history, people, clothing, traditions. Available from www.everyculture.com.

Cyber bullying hits LGBT youth especially hard –
CNET www.cnet.com/news/cyberbullying-hits-lgbt-youth. Accessed November 9th,
2017. www.cnet.com/news/cyberbullying-hits-lgbt-youth.com.

Defining Sex, Gender, and Sexuality - Boundless. Available from www.boundless.com.

Denied Identity: Human Rights Abuses Against Iran's LGBT. Available from
www.iranhrdc.org/english/publications/reports/1000000398.

Difference between Traditional and Modern Society. Available from
www.yourarticlelibrary.com › Society.

Ev Brian Whitaker 21 June 2016, Everything you need to know about being gay in
Muslim. Available from www.theguardian.com.

Everything you need to know about being gay in Muslim. Available from
www.theguardian.com › World › LGBT rights.

Everything you need to know about being gay in Muslim... . Available from
www.theguardian.com › World › LGBT rights.

Facing Mirrors: The Story of Eddie a Trans Man in Iran. Available from
<https://mediadiversified.org/2014/03/04/facing-mirrors-trans-marriage-and-honour/>
[Accessed December 20th, 2017].

Finnish Parliament approves same-sex marriage, Yle, Nov. 28, 2014. Accessed:
October 16, 2017. Available from
http://yle.fi/uutiset/finnish_parliament_approves_same-sex_marriage/7657759.

Gay and Transgender People Face High Rates of Workplace Discrimination — American Progress. Available from www.americanprogress.org/issues/lgbt/news/2011/.

Gay Male Relationships are Inherently Unfaithful — Joseph Nicolosi. Available from www.josephnicolosi.com/an-open-secret-the-truth-about.

Gay Men in Iran's Military Can Seek Exemption — Al-Monitor. Available from www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/08/.

Gay people not 'born that way,' sexual orientation not fixed. Available from www.rt.com/news/356848-study-sexual-orientation.

Goaty's News UK, Cameroon police arrest man seized by anti-gay mob. Date: November 21st, 2012. Accessed: October 1st, 2017. www.goatynews.com.

Growing up gay in Iran As told to a Tehran Bureau correspondent, Copyright © 2013 Tehran Bureau. www.independentdnd.org.

Growing up gay in Iran. Available from www.theguardian.com.

Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal — Academia.edu. Available from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal — Available from Academia.edu.

Homosexuality and Pedophilia: The False Link | HuffPost. Available from www.huffingtonpost.com/joe-kort-phd/homosexuality.

How to Find Out If Your Kid Is A Pre-Homosexual / Queerty. Available from www.queerty.com/how-to-find-out-if-your-kid-is-a.

HRC_28_26_ENG.doc.

HRW, 2013. Available from https://www.hrw.org/sites/default/files/wr2013_web.pdf.

Accessed: October 16, 2017.

<http://dx.doi.org/10.1007/s10508-009-9531-5>.

<http://www.aswatgroup.org/en>. Accessed: October 16, 2017.

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-5079049/Marriage-equality-results-Australia-votes-Yes.html#ixzz4zSvWAYwu>.

<http://www.nationalacademies.org/hmd/Reports/2011/The-Health-of-Lesbian-GayBisexual-and-Transgender-People.aspx>.

<http://www.nytimes.com/1986/07/01/us/high-court-5-4-says-states-have-right-outlaw-private-homosexual-acts-division.html?pagewanted=all>. Accessed November 9th, 2017.

<http://www.wahegurunet.com/gay-sikh>.

http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/19session/A.HRC.19.41_English.pdf.

<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>. Accessed: October 16, 2017.

<https://www.amnestyusa.org/reports/flawed-reforms-irans-new-code-of-criminal-procedure/> [Accessed December 20th, 2017].

Oslo Conference Report, supra n 6 at 20; cf. the Asian values debate, supra n 274.

<https://www.christianitytoday.com/news/2017/december/supreme-court-masterpiece-cakeshop-christians-gay-weddings.html>. Accessed December 22, 2017.

<https://www.hrw.org/news/2013/11/21/new-pope-new-hope-lgbt-activists>.

<https://www.hrw.org/news/2013/11/21/new-pope-new-hope-lgbt-activists>.

<https://www.theguardian.com/books/2001/sep/16/fiction>.

<https://www.theguardian.com/books/2013/jul/05/rereading-maurice-e-m-forster>.

<https://www.voanews.com/a/australia-weeks-away-from-legalizing-gay-marriage/4122352.html>.

Human Rights Watch. (2010). "We are a buried generation": Discrimination and violence against sexual minorities in Iran. Retrieved September 21, 2013. Available from <http://www.hrw.org/reports/2010/12/15/we-are-buried-generation>. Page 24.

In ISIS' Shadow, LGBT Kurds Take A Stand | HuffPost. Available from www.huffingtonpost.com/entry/in-isis-shadow-lgbt-kurds.

Institute of Medicine (IOM) (2011), The Health of Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender People: www.olgmonitor.org.

International Covenant on Civil and Political Rights. Available from <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CCPR.aspx>. A/HRC/RES/32/2 S) – A/HRC/RES/17/19 and A/HRC/RES/27/32.

Internationalist, New. "The World Guide: An alternative reference to the countries of our planet." (2001). Ww.newalret.net.

Iranian teenagers from the province of Khorasan who were publicly hanged. Available from https://en.wikipedia.org/wiki/Mahmoud_Asgari_and_Ayaz_Marhoni.

Iranian's Queers & Laws: <http://hir.harvard.edu/article/?a=9885> {Accessed April 12, 2018}.

Iran's Battle with STDs and Cultural Taboos - Muftah muftah.org/irans-battle-with-stds-and-cultural... . HIV in Iran - The Lancet. Available from www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736.

Iran's persecution of gay community revealed | World news. Available from www.theguardian.com/World/Iran.

Is your child a "prehomosexual"? Forecasting adult sexual... . Available from blogs.scientificamerican.com/bering-in-mind/is.

Is Your Child Gay?: Article: Scientific American Mind. Available from www.nature.com.

Islam and Homosexuality: What does the Koran say. Available from www.haaretz.com/middle-east-news/1.724908.

James Baldwin's Giovanni's Room. The Guardian, from www.theguardian.com.

John Bingham, Social Affairs Editor Revolution in attitudes to homosexuality is biggest change in www.telegraph.co.uk/news/politics/10297205/Revolution-in-

Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender Rights in Iran. Available from www.iglhrc.org/.../files/LGBTRightsInIran_0.pdf.

LGBT British Asians turning to sham marriages over fears. Available from www.independent.co.uk.

LGBT Bullying Statistics - NoBullying - Bullying nobullying.com/lgbt-bullying-statistics.

Luxembourg Approves Gay Marriage, Huffington Post, June 19, 2014. Accessed: October 16, 2017. Available from http://www.huffingtonpost.com/2014/06/19/luxembourg-gay-marriage-_n_5511360.html.

Middlesex by Jeffrey Eugenides | Books | The Guardian. Available from www.theguardian.com.

Moonlight Review | Movie - Empire. Available from www.empireonline.com/movies/moonlight/review.

Muslim attitudes about LGBT are complex, far from universally. Available from www.usatoday.com/.../muslim-lgbt-gay-views/86046404.

Negative Attitudes Slow Acceptance of Bisexuality. Available from psychcentral.com/news/2016/11/01/negative.

Nigeria's first conference to discuss LGBT issues is here... . Available from nostringsng.com/nigeria-conference-lgbt-attend.

NY Times, Chechnya's Persecuted Gays Find Refuge in Canada September 3 2017.

OHCHR, LGBT Speeches and statements. Available from www.ohchr.org/.../Pages/LGBTSpeechesandstatements.aspx(United Nations Statement on LGBT discrimination – [ohchr.org](http://www.ohchr.org); www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx.

Oranges Are Not the Only Fruit: the Bible | Books – the Guardian. Available from www.theguardian.com.

Orlando: A Biography eBook by Virginia Woolf–Rakuten. Available from Kobowww.kobo.com/gb/en/ebook/orlando-a-biography.

Pedophilia Is No Longer Always A Mental Disorder, APA Says. Available from www.huffingtonpost.com/2013/11/01/dsm-pedophilia-menta.

PEW Research Center. Gay Marriage around the World. Available from <http://www.pewforum.org/2017/08/08/gay-marriage-around-the-world-2013/>

Accessed: October 1st, 2017.

PEW Research-The Global Divide on Homosexuality-Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries. Available from

<http://www.pewglobal.org/2013/06/04/the-global-divide-on-homosexuality/>.

Accessed: October 16, 2017.

Planet, Lonely. "Gay and Lesbian travel in Africa - Lonely Planet". Retrieved 13 July 2016.

Problems Faced by LGBT People in the Mainstream Society. Available from www.ijims.com/uploads/cae8049d138e24ed7f5azppd_597.pdf.

Puberty stages for boys and girls. Available from www.emedicine.com.

Razavi Khorasan (Iran): Counties & Cities - Population Statistics in Maps and Charts. Available from www.citypopulation.de.

Recognize asexuality as its own, unique sexual orientation. www.theprovince.com/health/asexuality+needs+recognized.

Rede Social de Justiça e Direitos Humanos. Available from www.social.org.br/relatorio2004ingles/relatorio028.htm.

San Francisco Human Rights Commission, LGBT Advisory Committee. Bisexual Invisibility: Impacts and Recommendations, March 2011. www.impactandr.com.

Scotland's same-sex marriage bill is passed, BBC, Feb. 4, 2014. Accessed: October 16, 2017. Available from <http://www.bbc.com/news/uk-scotland-scotland-politics-25960225>.

Sessions's claim that 'dirty immigration lawyers' encourage. Available from www.washingtonpost.com/news/fact-checker/wp/2017/.

Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran: Report of the Secretary-General," UN General Assembly, Human Rights Council, A/HRC/28/26, (February 20, 2015), page 7. available from [p://www.ohchr.org/EN/HR/Bodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_](http://www.ohchr.org/EN/HR/Bodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_)

State Sponsored Homophobia 2016: A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition" (PDF). International Lesbian, Gay, Bisexual, Trans and Intersex Association. 17 May 2016. Retrieved 19 May 2016 www.ilgbtia.info.

Straight but narrow | The Economist. Available from www.economist.com/node/21546002.

Straight but Narrow, The Economist. Available from www.economist.com/node/21546002.

The Color Purple by Alice Walker. Available from www.goodreads.com/book/show/11486.

The Difficulties of U.S. Asylum Claims Based on Sexual. Available from www.migrationpolicy.org Migration Information Source.

The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries. Available from www.pewglobal.org.

The Global Divide on Homosexuality Greater Acceptance in More Secular and Affluent Countries. Available from www.pewglobal.org.

The Global Divide on Homosexuality" (PDF). Pew Research Center. 4 June 2013. Retrieved 8 December 2014. www.pewresearchcenter.org.

The Islamic State's shocking war on gays – The Washington Post. Available from www.washingtonpost.com.

The life and loves of Shibden Hall's Anne Lister, BBC News, BBC, 25 May 2010, retrieved 6 June 2010. www.lifeandloves.com.

The National Organization for Civil Registrations, 2014. Available from <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>.

The Stonewall riots in June 1969. Available from www.theatlantic.com.

The sudden intensity of Indonesia's anti-gay onslaught. Available from <http://www.bbc.com/news/world-asia-35657114>. [Accessed December 27th, 2017].

The Tehran Bureau. "Intimate spaces: coming out in Iran." Available from <https://www.theguardian.com/world/iran-blog/2015/jun/11/iran-gay-coming-out-intimate-spaces>. Accessed October 6, 2017.

"The world's largest cities and urban areas in 2006". City Mayors. Accessed October 6, 2017. www.citymayors.net.

To Fight Poverty, We Need to Fight Homophobia and Transphobia. <http://www.worldbank.org/en/news/feature/2016/05/17/to-fight-poverty-we-need-to-fight-homophobia-and-transphobia> [Accessed November 30th, 2017].

Tollefson, Kaia. "Straight Privilege: Unpacking the (Still) Invisible Knapsack." Online Submission (2010). www.privilege.net.

Tools, Free Map. "Elevation Finder". Available from www.freemaptools.com. Retrieved October 6, 2017.

Transition, and Mine - The New York Times. Available from www.nytimes.com/2017/10/18/opinion/ireland-gay.

"Uganda considers death sentence for gay sex in bill before parliament", Guardian, 29 November 2009. www.guardian.com.

Uganda's President says new anti-gay laws 'not necessary'. Available from <https://www.pinknews.co.uk/2015/09/16/ugandas-president-says-new-anti-gay-laws-not-necessary/>: Accessed: Feb 26, 2018.

UN Human Rights Council, Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity, 2011, UN Human Rights Council: Geneva.

United Nations. Available from www.un.org/en/sections/un-charter/un-charter-full-text/
<http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>.

United States Holocaust Memorial Museum Archived 19 January 2012 Johnson, David K. (2004). The Lavender Scare. Chicago University Press. www.chicagopress.net.

Valentine, G., Skelton, T. and Butler, R. (2002) the vulnerability and marginalisation of lesbian and gay youth: ways forward. Youth and Policy, 75, 4-29. www.butle.org.

Victorian sexualities the British Library. Available from www.bl.uk/.../articles/victorian-sexualities.

We are everywhere: gay and lesbian Iranians come out on Facebook. Available from <https://www.theguardian.com/world/2011/sep/11/gay-iranians-facebook-defiance>. Accessed December 12, 2017.

We don't have any gays in Iran,' Iranian president tells Ivy. Available from www.dailymail.co.uk/news/article-483746/We-dont-gays.

What Makes People Gay? – The Boston Globe. Available from www.boston.com.

What Makes People Gay? – The Boston Globe. Available from www.boston.com.

Whitakar, Brian. Everything you need to know about being gay in Muslim countries, 2016. Available from <https://www.theguardian.com/world/2016/jun/21/gay-lgbt-muslim-countries-middle-east>.

Whitakar, Brian. Everything you need to know about being gay in Muslim countries, 2016. Available from <https://www.theguardian.com/world/2016/jun/21/gay-lgbt-muslim-countries-middle-east>.

Why Hasn't the US Ratified the UN Women's Rights...- SSRN. Available from papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1900265.

Wolf, Richard. "Supreme Court Will Consider Hearing Gay Marriage Cases." USA Today. Gannett, 29 Sept. 2014. Web. 03 Nov. 2014.

www.nytimes.com/2017/10/16/business/japan-work-gay.html. October 16, 2017

www.telegraph.co.uk/science/2016/03/15/homosexuality-may/.

Yoshino, Kenji. "A New Birth of Freedom?: Obergefell v. Hodges." Harv. L. Rev. 129 (2015): 147. www.obergefellharv.net.

Zimbabwe's LGBT community: why civil rights and health issues go hand in hand. Available from <https://www.news24.com/Africa/Zimbabwe/zimbabwes-lgbt-community-why-civil-rights-and-health-issues-go-hand-in-hand-20180131-2>.

Accessed: Feb 26th, 2018

این کتاب حوزه نادیده جنسیت در ایران را با نگاه به جنبه‌های متعدد و پیچیده هویت جنسی و ظرافت‌های آن در اجتماع دگرباشان در بستر شناخت روبه‌فزونی از گرایش‌های جنسی بررسی می‌کند. در عین حال، این مطالعه مردم‌شناسانه کج‌فهمی‌های رایج درباره دگرباشان و جنسیت در ایران را به چالش می‌کشد و افسانه‌ها و روایت‌هایی را که اغلب سبب شناخت نادرست از جنسیت و تدوین سیاست‌ها و رویه‌های اشتباه شده‌اند، نقد می‌کند تا زمینه‌ساز رویکردی جامع‌تر شود.

این مطالعه به‌شدت پیچیده است، چراکه فراتر از یک نگاه کلی ساده به گرایش جنسی و افکار مربوط به جنسیت در حوزه زندگی خصوصی و عمومی فرد است. برای اولین بار در ایران، این پژوهش بر مصاحبه‌های عمیق با بیش از 300 نفر (60% مردان و 40% زنان) در سه کلان‌شهر بزرگ ایران (تهران، مشهد، و اصفهان) متمرکز شد. در این کار، چالش‌های برخاسته از تغییرات عصر حاضر در روابط جنسیتی و چگونگی این تعاملات در ایران بررسی شد. اهداف اصلی این کتاب درک احساسات و باورها در مورد دگرباشان در ایران از طریق تحلیل انتقادی از نگاه خود این افراد و بررسی چالش‌هایی است که آنها بر اثر زندگی در جامعه‌ای در حال تغییر و در عین حال مذهبی، طبقه‌محور، سنتی و پدرسالار — که دگرباشی را به عنوان یک هویت رد می‌کند — تجربه می‌کنند. پرسش این مطالعه از همین جا شروع شده است. ضرورت تمرکز بر اجتماع دگرباشان و آسیب‌پذیری این افراد سرکوب‌شده و به سکوت واداشته‌شده انگیزه‌ای شد برای روشن‌گری درباره وضعیت این افراد که عمداً نادیده گرفته شده‌اند و از منظر اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند.

این پژوهش از تلفیقی از رویکردهای پدیدارشناسانه، هرمنوتیکی، پسامدرن، روان‌شناختی و بر اساس روش پژوهشی داده‌مبنا (GT) بهره می‌برد تا روشی نظری را به وجود آورد که برای پژوهش درباره تجربه دگرباشی مناسب باشد و در عین حال، شهود و احساسات خود پژوهشگر را در معیار تأیید مطالعه برای حفظ «عینیت» دربرگیرد و سعی بر آن دارد که تصور روشن‌تری را بدون پیش‌داوری در اختیار خواننده قرار دهد.